



قوه قضائیه
دانشگاه علوم قضایی خدمات اداری

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد (M.A)

رشته:

حقوق شرکت های تجاری

موضوع:

اعمال تئوری ذی نفعان بر ساختار شرکتی

شرکت های بیمه و بانک

استاد راهنما:

دکتر محمود باقری

استاد مشاور:

دکتر نایب علی خلیلی

دانشجو:

مهرداد صادقیان ندوشن

تابستان ۱۳۹۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری
قوة قضائیه

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد (M.A)

رشته:

حقوق شرکت های تجاری

موضوع:

**اعمال تئوری ذی نفعان بر ساختار شرکتی
شرکت های بیمه و بانک**

استاد راهنما:

دکتر محمود باقری

استاد مشاور:

دکتر نایب علی خلیلی

دانشجو:

مهرداد صادقیان ندوشن

تابستان ۱۳۹۴

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَا

بدین وسیله با اتمام دو مقطع تحصیلی در دانشگاه علوم قضایی در اینجا بر خود واجب می‌دانم ابتدائاً به فراخور پایان نامه و از روی وظیفه درونی از اساتید گرانقدرم دکتر باقری که با ارائه‌ی ایده‌ها و مواضع جدید، افقی نو را در عرصه‌ی پژوهشی دانش حقوق بر من گشودند نهایت قدردانی و سپاس را بنمایم. هم‌چنین از استاد گرامی جناب آقای دکتر خلیلی به جهت همراهی و پاسخگویی سپاس وافر را داشته باشم. از اساتید ارجمند، آقایان دکتر خادم‌ان، صقری و کاویانی نیز به جهت مطالعه‌ی پایان‌نامه تشکر و قدردانی می‌نمایم. هم‌چنین از "کلیه" اساتید معظم و گرانقدر دانشگاه، مسئولان و همراهان کمال تشکر را دارم.

چکیده

ضعف های نظارت بر مدیران و رسوایی های مالی پدید آمده از این ضعف به وضوح نشان داد که مسائل و مشکلات کارگزاری و نمایندگی و تعارض منافع تا چه حد جدی است به همین روی اندیشمندان در پی حل آن برآمدند و راهکارهایی ارائه دادند یکی از این راهکارها تئوری ذی نفعان بوده است.

تئوری ذی نفعان بیان می دارد که در شرکت، تنها سهام داران نیستند و بایست به تمام عوامل مرتبط با شرکت بها داد. در این میان، برخی شرکت ها به جهت تعداد فراوان کنش گران مرتبط با آنها و ماهیت ویژه عملیات شان از اهمیت خاصی برخوردارند؛ بانک و بیمه از این جمله اند. سؤال این است آیا می - بایست به ذی نفعان در معنی فراگیر خویش توجه نمود یا خیر؟ و این توجه یا عدم آن در بانک و بیمه چگونه است؟

در پاسخ باید بیان داشت مبانی اخلاقی و اقتصادی به خوبی لزوم توجه به همه ی ذی نفعان را توجیه می کند و این توجیها ت در شرکت هایی که به بخشی از وجود جامعه بدل شده اند، بیشتر است چه رسد که آنها خدمات اجتماعی ارائه دهند و با اقتصاد در سطح کلان پیوند خورده باشند چه آن که اگر چنین شود یکی از ذی نفعان اصلی دولت شده و اینجاست که دیگر نباید شرکت را یک ماهیت کاملاً خصوصی و برآورنده ی نیاز سهام داران دانست. عمومی شدن شرکت و عدم کارایی راهکارهای حمایتی موجود موجب می شود دولت به نمایندگی از ذی نفعان مقررات وضع کند.

واژگان کلیدی: ذی نفعان، تعارض منافع، نمایندگی، تحلیل اقتصادی حقوق، شرکت، بانک، بیمه، حاکمیت شرکتی.

فهرست

مقدمه	۱
بخش اول: کلیات اقتصادی، حقوقی و مدیریتی پیرامون شرکت‌ها	۱۱
مقدمه و تشریح بخش	۱۲
فصل اول: بنگاه، سازمان، شرکت، مؤسسه	۱۳
فصل دوم: تئوری‌های بنگاه	۱۸
فصل سوم: ماهیت حقوقی بنگاه	۲۲
مبحث اول: نظریات خصوصی بودن شرکت	۲۵
گفتار اول: قرارداد گزایی حقوقی	۲۵
گفتار دوم: قرارداد گزایی اقتصادی	۲۷
گفتار سوم: شبکه‌ی قراردادها	۲۸
گفتار چهارم: انتقاد از تئوری‌های قراردادی	۲۹
مبحث دوم: عمومی بودن شرکت	۳۱
گفتار اول: نظریه‌های اجتماعی	۳۱
گفتار دوم: نظریه‌های امتیاز انحصاری	۳۳
فصل چهارم: مفاهیم اقتصادی ضروری	۳۴
مبحث اول: کارایی	۳۴

مبحث دوم: تعادل ۳۹

فصل پنجم: هدف شناسی حقوق شرکتها ۴۰

فصل ششم: حاکمیت شرکتی ۴۲

بخش دوم: تئوری ذی نفعان ۴۶

فصل اول: مفهوم شناسی ۴۷

مبحث اول: پیشینه ۴۷

مبحث دوم: واژه شناسی از بعد لاتین ۴۸

مبحث سوم: واژه شناسی در ادبیات و حقوق ایران ۵۰

مبحث چهارم: مفهوم تئوری در حقوق شرکتها ۵۲

فصل دوم: تعاریف و تقسیمات ۵۴

مبحث اول: تعاریف مختلف ۵۴

مبحث دوم: تقسیمات ذی نفعان ۵۶

فصل سوم: انواع ذی نفعان در شرکتها ۵۸

مبحث اول: ذی نفعان درونی ۵۸

گفتار اول: سهام داران ۵۸

گفتار دوم: کارکنان ۵۹

گفتار سوم: مشتریان ۶۲

گفتار چهارم: عرضه کنندگان ۶۳

گفتار پنجم: تأمین کنندگان مالی ۶۴

گفتار ششم: طلب کاران ۶۵

مبحث دوم: ذی نفعان بیرونی ۶۵

گفتار اول: جوامع ۶۶

گفتار دوم: حکومت ۶۷

گفتار سوم: محیط ۶۷

گفتار چهارم: گروه‌های منافع ویژه (اجتماعی) ۶۸

گفتار پنجم: رسانه‌ها ۶۹

گفتار ششم: رقبا ۷۰

فصل چهارم: مبانی تئوری ذی نفعان ۷۱

مبحث اول: استدلال‌ها و بنیان حقوقی ۷۲

مبحث دوم: بنیان‌های اقتصادی ۷۴

مبحث سوم: بنیان‌های اخلاقی ۷۶

مبحث چهارم: رابطه‌ی حقوق مالکیت و تئوری ذی نفعان ۷۷

بخش سوم: تعارض منافع و راهکارهای حل آن ۸۲

مقدمه و تشریح بخش ۸۳

فصل مقدماتی: نمایندگی ۸۳

فصل اول: تعارض منافع ۸۵

۸۶ **مبحث اول: تعارض منافع میان گروه‌های ذی‌نفع**

۸۶ **گفتار اول: تعارض منافع میان سهام‌داران و مدیران (بحران نمایندگی)**

۹۰ **گفتار دوم: تعارض منافع میان سایر گروه‌های ذی‌نفع**

۹۳ **مبحث دوم: تعارض منافع درون گروه ذی‌نفعان**

۹۳ **گفتار اول: تعارض منافع در درون سایر گروه‌های ذی‌نفع**

۹۳ **گفتار دوم: تعارض منافع میان سهام‌داران**

۹۷ **فصل دوم: راهکارهای حل تعارض منافع**

۹۸ **مبحث اول: نقش حقوقی مدنی در حل تعارض**

۱۰۳ **مبحث دوم: حل تعارض منافع حقوق شرکت‌ها**

۱۰۳ **گفتار اول: راهکارهای حل تعارض درون گروهی**

۱۰۴ **بند اول: راهکارهای حل تعارض میان سهام‌داران**

۱۰۸ **بند دوم: راهکارهای حل تعارض منافع درون سایر گروه‌های ذی‌نفع**

۱۰۹ **گفتار دوم: حل تعارض میان گروه‌های ذی‌نفع**

۱۱۰ **بند اول: حل تعارض میان مدیران و سهام‌داران**

۱۱۴ **بند دوم: راه حل‌های تعارض منابع در میان سایر ذی‌نفعان**

۱۲۰ **گفتار اول: نواقص قانون شرکت‌ها**

۱۲۱ **بند اول: خرق حجاب شرکت**

۱۲۲ **بند دوم: اهلیت عام شرکت**

۱۲۴ **بند سوم: سهام‌دار عمده**

۱۲۶ گفتار دوم حقوق اقتصادی

۱۲۶ بند اول: کلیات

۱۳۰ بند دوم انواع مقررات اقتصادی

۱۳۹ بخش چهارم: اعمال تئوری بر بانک و بیمه

۱۴۰ فصل اول: ماهیت خاص بانک و بیمه

۱۴۰ مبحث اول: مروری بر تاریخچه بانک و بیمه

۱۴۰ گفتار اول: بانک

۱۴۲ گفتار دوم: بیمه

۱۴۲ مبحث دوم: اشتراکات بیمه و بانک

۱۴۳ گفتار اول: اسلامی بودن (شرعی)

۱۴۳ گفتار دوم: حاکمیت شرکتی

۱۴۵ گفتار سوم: سوم قوانین شرکتی

۱۴۵ بند اول: شرکت

۱۴۶ بند دوم: سهامی عام

۱۴۹ بند سوم: سهام بانام

۱۵۰ گفتار چهارم: عمومی بودن حقوق بانک و بیمه

۱۵۱ گفتار پنجم: برون سپاری

۱۵۲ مبحث سوم تأثیرات اقتصادی و ماهیت خاص بیمه و بانک

۱۵۲ گفتار اول: تأثیرات اقتصادی و ماهیت خاص بیمه

۱۵۹	گفتار دوم: تأثیرات اقتصادی و ماهیت خاص بانک
۱۶۰	فصل دوم: ذی نفعان بانک و بیمه
۱۶۷	فصل سوم: تعارض منافع و راهکارهای حل آن
۱۶۷	مبحث اول: راهکارهای حل تعارض در قوانین بانک و بیمه
۱۶۸	گفتار اول: مقررات مربوط به سرمایه
۱۶۹	گفتار دوم: مقررات پیرامون سهام‌دار عمده و انتقال سهم
۱۷۱	گفتار سوم: سایر راهکارها
۱۷۲	مبحث دوم: راهکارهای حمایت از سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران
۱۷۸	مبحث سوم: تئوری ذینفعان به عنوان راهکار حمایتی
۱۸۸	فصل چهارم: مقایسه منافع ذینفعان در بانک و بیمه
۱۹۹	نتیجه‌گیری و پیشنهادات
۱۹۹	خلاصه و نتیجه‌گیری
۲۱۰	پیشنهادات
۲۱۴	منابع و مآخذ

فهرست علائم اختصاری فارسی

اساسنامه نمونه بانک‌های تجاری غیردولتی	اساسنامه نمونه
جلد	ج
چاپ	چ
رجوع کنید به	ر.ک.
سال	س
شماره	ش
صفحه	ص
صفحات	صص
قانون پولی و بانکی	قانون پولی
قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری	قانون تأسیس بیمه
لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت	لایحه قانونی
همان منبع / همان صفحه	همان

فهرست علائم اختصاری لاتین

&	and
ed.	edition
et al	et altrius
Ibid	ibidem
Ltd.	limited
no.	number
p.	page
pp.	pages
Vol.	volume

مقدمه

این مقدمه براساس قواعد و مقررات موجود و برطبق عناوین موجود در کاربرد "ب" تنظیم شده است که آن عناوین عیناً تکرار می‌شوند اما ذات تحقیق و پژوهش، بررسی ریز و موشکافانه یک مسأله هست و قطعاً دانسته‌های آغازین و پایانی اثر، شبیه هم نخواهد بود. بدین جهت اشتباه در فهم وجود دارد. این تحقیق و مقدمه نیز از این اشتباهات مبرا نیست، مضافاً این‌که در کاربرگ‌های لازم جهت تصویب موضوع محدودیت‌های سطری و ضرورت خلاصه نویسی وجود دارد که چنین ضرورت و محدودیتی در این‌جا وجود ندارد و از طرفی ضرورت همگونی مقدمه با متن نیز وجود دارد؛ لذا در برخی موارد جملاتی اضافه گشته و توضیحاتی پیرامون درک نادرست مطلب به بیان آمده است.

بیان موضوع

بی شک میان حدود توسعه و پیشرفت هر نظام اقتصادی و اجتماعی و نهادهای اقتصادی که بستر فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌کنند ارتباطی مستقیم وجود دارد. ظهور شرکت به عنوان بخشی از تحول زندگی اجتماعی به معنای تغییر الگوی مالکیت از فرد به نهاد حقوقی و ایجاد اقتصاد مبتنی بر شرکت است. اشکال مختلف شرکت حاصل مفروضات متفاوت حقوقی و سیاسی بوده و تأسیس آن تنها اشتراکی کردن فعالیت اقتصادی نیست بلکه اجتماعی کردن آن نیز می‌باشد لذا تشکیل شرکت به مفهوم ایجاد ساختار اجتماعی است که اعتماد را به دنبال دارد.

فارغ از نظریه‌ی توضیح دهنده‌ی ماهیت شرکت، آن را به معنای ایجاد یک سازمان اقتصادی و اجتماعی فرض کرده که مرکزیت و قدرت اقتصادی به همراه داشته و تأثیرات آن علاوه بر سهام‌داران برای کل اجتماع قابل توجه و اعتنا خواهد بود. به همین دلیل ادعا شده شرکت‌ها باید نه تنها منافع سهام‌داران بلکه منافع جمیع ذی‌نفعان از قبیل کارکنان شرکت و تأمین‌کنندگان مالی را مد نظر داشته باشند. حقوق شرکت‌های مدرن نیز در یک بیان کلی و با نگاه به ماهیت اجتماعی و اقتصادی آن منبعث از

مداخلات تنظیمی دولت‌ها به منظور رفع کاستی‌های بازار در تخصیص بهینه منابع اقتصادی می‌باشد از این رو ایده‌های عمومی بودن شرکت بهتر از دیدگاه‌های قراردادی آن را تبیین می‌کند.

قوانین اصولاً دارای عقبه ای نظری و توجیهی جامع‌اند که این عقبه خود می‌تواند ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی باشد. این نظریات و عقبه هستند که موجب می‌گردند قانون کارایی لازم را داشته و متناسب با روحیات و فرهنگ جامعه باشد و همچنین متناسب با اوضاع و احوال به نحو صحیح و نه شتاب‌زده به تصویب برسند که لاًقل در مدت کوتاه نیازمند اصلاح نباشند. بررسی قوانین موجود در زمینه‌های مختلف در حقوق ایران برای مثال قوانین شرکت‌ها، قوانین بانکی و صنعت بیمه بیانگر این هست که این عقبه وجود ندارد.

بانک و بیمه خدمت ارائه می‌دهند و درمعنای واقعی، یک ساختار اجتماعی هستند با تعداد فراوان بیمه‌گذار و سپرده‌گذار، لذا سخن گفتن از مالکیت سهام‌داران در آن‌ها بیهوده می‌نماید و در مثل: آب در هاون کوبیدن است! چشمگیر بودن کارکردهای اجتماعی و اقتصادی شرکت‌های بیمه و بانک این دو را به جولان‌گاهی برای پرداختن به بحث های تئوری ذی‌نفعان بدل کرده است. تئوری‌ای که از لزوم توجه به همه‌ی کنش‌گران مرتبط با بازار و نه فقط سهام‌داران سخن گفته و راه‌حل‌های موجود در حیطه حقوق خصوصی از جمله حقوق مدنی و شرکت‌ها را ناکافی دانسته و رو به "تنظیم" می‌آورد.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

در قوانین کشور ما، به‌ویژه قانون شرکت‌ها(قانون تجارت و لایحه قانونی) تنها از سهام‌دار بحث شده و مفهوم ذی‌نفعان ناشناخته است؛ درحالی‌که این مفهوم اهمیت بسیاری دارد و امروزه نه تنها شرکت‌ها بر ذی‌نفعان تأثیر می‌گذارند، بلکه آن‌ها نیز تأثیر فراوانی بر عملکرد و سوددهی شرکت دارند. مسأله‌ی مهم و چالش برانگیز درمورد شرکت‌ها، نحوه‌ی کنترل مدیران و لزوم نظارت بر آن‌هاست که بر این مبنا دخالت دولت و سایر ذی‌نفعان در اداره شرکت علاوه بر سهام‌داران لازم می‌آید. بانک و بیمه از این منظر نیازمند بررسی دقیق‌تر هستند، چراکه در صورت ورشکستگی آن‌ها، نه تنها سرمایه‌ی سرمایه-

گذاران(سهام‌داران) از دست می‌رود، بلکه سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران نیز با خطر از دست دادن سرمایه خود مواجه می‌شوند. لذا بررسی این موضوع در این دونهاده امری ضروری است.

از سوی دیگر همواره از اصلاح قانون و ضرورت غیر قابل انکار آن سخن گفته می‌شود اما واقعیت این است که اصلاح قانون با نداشتن مبانی فکری تنها تغییر عبارات در راستای تفسیر بهتر و حل مشکلات قبلی است، اما تضمینی به دست نمی‌دهد که قانون در راستای یکی از اهداف متعالی خویش موجب رفاه اجتماعی و اقتصادی شود. از این روی، شناسایی اصول و مبانی موجود یکی از ضروریات لازم جامعه رو به پیشرفت و تعقل محور است.

اهداف

شناسایی ذی‌نفعان در شرکت‌های مختلف به خصوص شرکت‌های بیمه و بانک با توجه به ویژگی‌های خاص آن‌ها که بیان شد و نیز تبیین چگونگی اعمال تئوری ذی‌نفعان در ساختار شرکتی این شرکت‌ها.

ارائه راهکاری در جهت اداری بهتر و افزایش بهره‌وری بانک و بیمه؛ که بی‌شک برای مسئولان ذی‌ربط راهگشا خواهد بود. در نهایت، از نتایج به دست آمده می‌توان در قانون لازم‌الاصلاح شرکت‌ها استفاده نمود تا بتوان به ثبات شرکت‌ها و در نتیجه ثبات اقتصاد دست یافت.

شناخت تعارضات موجود میان ذی‌نفعان مختلف و تلاش در جهت حل آن‌ها؛ توضیح این‌که در نظام تعامل و تجارت جلوگیری از اختلاف به طور مطلق امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد هم‌چنین بعید است که بتوان منافع را متساوی تقسیم کرد چراکه احتمالاً حق همه ذی‌نفعان تساوی نباشد اما می‌توان تعادل برقرار کرد این لزوم ایجاد تعادل در شرکت‌های بیمه و بانک با انبوه سرمایه‌گذار و سپرده‌گذار به گونه‌ای مبرهن خود را نشان می‌دهد.

پیشینه‌ی تحقیق

این موضوع در رشته‌ی حقوق کاملاً جدید می‌باشد و تا به حال به آن پرداخته نشده و در کتب یا مقالات نامی از آن برده نشده است. تنها در کتب مدیریت ذیل بحث حاکمیت شرکتی از مزایای تئوری ذی‌نفعان برای سازمان سخن رفته است. برخی کشورهای اروپایی نیز این تئوری را در ساختار شرکت-هایشان اعمال می‌کنند. اما بررسی و اعمال این تئوری در ساختار شرکت‌های بانک و بیمه موضوعی بدیع و جدید می‌باشد.

شاید بیشترین توجه و جایی که در حقوق ایران به این تئوری پرداخته شده رساله دکتری با نام "تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها" باشد که در این پایان‌نامه نیز از آن بهره‌ی فراوان برده می‌شود. در رابطه با بانک و بیمه هم، چنان‌که بیان شد بررسی‌هایی پیرامون حاکمیت شرکتی در بانک و بیمه انجام شده است؛ البته حجم مطالب مرتبط با بانک بسیار بیشتر می‌باشد.

سؤال‌های تحقیق

الف) سؤالات اصلی:

۱. ذی‌نفعان شرکت‌های بیمه و بانک و بیمه با بانک دارای منافع یکسانی هستند و یا منافع ایشان متفاوت می‌باشد؟

۲. حقوق شرکت‌های ایران سهام‌دار محور است یا ذی‌نفع‌محور؟

ب) سؤالات فرعی:

۱. ذی‌نفعان در شرکت‌های بیمه و بانک چه کسانی هستند؟

۲. چگونه می‌توان تئوری ذی‌نفعان را در شرکت‌های بیمه و بانک اعمال نمود؟

فرضیه‌های تحقیق

الف) فرضیه‌های اصلی:

۱. بانک و بیمه هر یک ویژگی‌های خاصی دارند بنابراین منافع ذی‌نفعان بانک با بیمه متفاوت می‌باشد. در میان ذی‌نفعان این دو شرکت نیز به نظر می‌رسد نتوان قائل به تشابه شد و در هر صورت اولویت‌هایی وجود دارد.
۲. واضح است که حقوق شرکت‌های ایران کاملاً سرمایه محور و در نتیجه سهام‌دار دوست می‌باشد.
(ب) فرضیه‌های فرعی:
 ۱. قابل توجه‌ترین ذی‌نفعان، در این شرکت‌ها دولت، کارکنان و کارگزاران، بیمه‌گذاران/سپرده-گذاران می‌باشند.
 ۲. با تشکیل گروهی شامل سپرده‌گذاران (بیمه‌گذاران)، کارکنان و نماینده یا نمایندگان از دولت به صورت فرادستی می‌توان اعمال هیأت مدیره را کنترل نمود.

نوع تحقیق

پژوهش موجود چنان‌که از عنوان آن واضح است یک تحقیق بنیادی و تئوریک می‌باشد و پس از آن این تئوری را در حیطه‌ی نظری پیاده‌سازی می‌نماید.

تعریف مفاهیم و متغیرهای اصلی تحقیق

ذی‌نفعان: در برخی از شرکت‌ها افرادی هستند که با شرکت‌ها ارتباط دارند، باید این افراد خارج از شرکت را در اداره شرکت دخیل دانست. از جمله ذی‌نفعان را می‌توان دولت، کارکنان، وام‌دهندگان، سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران نام برد.

بانک: مؤسسه‌ای که به صورت شرکت سهامی مطابق قانون تجارت و قوانین مربوطه به عملیات بانکی مبادرت می‌کند.

بیمه: شرکت سهامی که به عملیات بیمه مبادرت می‌ورزد.

قلمرو تحقیق

از نظر زمانی قلمرو تحقیق حداکثر به سه دهه قبل باز می‌گردد البته گریزهایی به مفاهیم و بنیان‌های پیشین نیز زده می‌شود. از بعد مکانی نیز به جهت ماهیت کار محدود به قلمرو خاصی نمی‌باشد هر-چند قسمت مربوط به اعمال تئوری سعی شده نظام حقوقی ایران انتخاب شود تا بدین جهت مباحث ملموس‌تر گردد.

روش تحقیق و جمع آوری اطلاعات

روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد الکترونیکی می‌باشد که با گردآوری مبانی، آن‌ها را توصیف کرده سپس برای تحلیل مطالب از آن‌ها کمک گرفته می‌شود. جمع آوری اطلاعات غالباً از طریق اینترنت بوده؛ هرچند از کتابخانه‌های مختلف نیز استفاده شده است.

روند انجام تحقیق

انتخاب موضوع: با توجه به انتخاب رشته‌ی جدید حقوق شرکت‌ها برای دوره تحصیلات تکمیلی تبعاً زمینه‌های انتخاب موضوع خود در دایره این علاقه‌مندی محدود شده‌اند لذا انتخاب اکثر موضوعات می‌توانست مناسب باشد اما این‌که کدام کاربردی‌تر است و نیاز بیشتری به آن احساس می‌شود زمینه‌ای است که در تخصص اساتید رشته می‌باشد لذا ابتدا با اساتید هیأت علمی دانشگاه مشورت شد و سپس از طریق ایمیل درخواست معرفی موضوع از اساتید دانشگاه‌های دیگر شد که در نهایت موضوع فعلی توسط استاد بزرگوار پیشنهاد شد که موضوعی جدید، کارا و مورد نیاز می‌باشد و آینده‌نگری این بوده که از خروجی و نتیجه آن می‌توان استفاده فراوان برد.

روش کار: مطالعه با تعداد منابع محدود فارسی در زمینه کلی‌تر موضوع آغاز شد اما به زودی واضح گشت که این روند ابداً پاسخ‌گو نیست لذا روند مطالعه با خواندن کتاب‌های اصلی و کلی و به ترتیب حقوق شرکت‌ها و حاکمیت شرکتی به زبان انگلیسی و سپس کتب اقتصاد، تئوری‌های مدیریت

بانک و بیمه ادامه یافت. هم‌چنین قوانین و مقررات بانک و بیمه به طور کامل ملاحظه گشت. سپس جست‌وجو در تمامی پایگاه‌های مهم دنیا با تمامی کلیدواژه‌های مرتبط ادامه یافت که دسته‌بندی شد و به مرور با شروع فصول مربوطه مطالعه گشته و برخی در همان مرحله‌ی چکیده حذف شدند. در این راستا بیش از ۷۲۰ مقاله و ۷۵ کتاب کلاً یا جزئاً مطالعه و نگاه شد. نکته‌ی اصلی در این راه توجه به نقش و اهمیت پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها بود که با تلاش علمی گروهی حداقل سه استاد و یک دانشجوی نگاشته می‌شود لذا برای جلب توجه بیشتر به ارزش این منابع سعی شد ولو با ارجاعی کوتاه معرفی گردند در این راستا تعداد قابل توجهی پایان‌نامه و رساله در منابع دیده می‌شود. از آغاز تا انتها فارغ از سایر شیوه‌های ارتباطی اعم از حضوری و یا راه‌های ارتباطی دیگر بالغ بر ۱۵۵ ایمیل با اساتید متعدد رد و بدل شد و تقریباً به اکثر کتابخانه‌های مهم سر زده شد.

مدت و هزینه: آبان ۱۳۹۲ موضوع انتخاب شد و در آذرماه به تصویب نهایی رسید از این دوره ۲۲ ماهه به جز دو دوره ۵ ماهه، تقریباً مابقی آن به صورت تمام وقت البته با نوسان ساعات بر روی مراحل مختلف کار شده است. هزینه‌هایی که به طور مستقیم در راستای پایان‌نامه شده از جمله تایپ و صحافی، عضویت در کتابخانه‌های مختلف و تمدید سنوات مبلغی بالغ بر سی و سه میلیون ریال شده است که توسط خانواده و یا دوستان پرداخت شده است.

نگارش: در تایپ و تنظیمات نوشتار حاضر سعی شده تمام نکات طبق آیین‌نامه راهنمای نگارش و تایپ مصوب شورای تحصیلات تکمیلی دانشگاه رعایت شود. اما در هر حال به جهت عدم وجود راهنمایی نسبت به بسیاری از موارد پیش‌آمد در منابع و هم‌چنین منابع انگلیسی و نیز به جهت صرفه-جویی اقل‌چهار برابری در وقت از مأخذدهی بر طبق استایل شیکاگو که بیشترین قرابت را با شیوه‌ی فارسی مورد نیاز داشت، استفاده شد لذا از این باب ممکن است برخی منابع فی‌المثل کتب فاقد محل نشر باشند.

در زمینه اتقان و صحت مباحث علاوه بر راهنمایی‌های اساتید محترم راهنما و مشاور، از اساتید دیگر نیز کمک گرفته شد که از جمله آن‌ها استادان عزیز و بزرگوار دکتر محمود خادمان، دکتر محمد صقری و دکتر کورش کاویانی بوده که حتی در آخرین مرحله نیز با بزرگواری تمام پیشنهاد مطالعه‌ی

پایان نامه را پذیرفتند. در زمینه تایپ و ویرایش نیز سعی شد از دوستان و آشنایان ماهر و آشنا به موضوع و ویرایش کمک گرفته شود؛ لذا کار تایپ، صفحه بندی و ویراستاری ادبی و تخصصی توسط تایپیست (مهندس مهدی علیزاده)، پژوهشگر (فاطمه صادقیان ندوشن)، کارشناسی ارشد حقوق (احمد حسینی)، دانشجوی دکتری و پژوهشگر (سید مهدی محمدی)، دانشجوی کارشناسی مدیریت مالی (رسول محمدی پور) و دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات (حامد اسدی) انجام گرفت که هر یک با مطالعه کامل یا جزئی تحقیق پیش رو راهنمایی های لازم را ارائه دادند، البته در این راه از راهنمایی های دوستان رشته های مرتبط دیگر هم چون اقتصاد، حسابداری و سایر گرایش های حقوق و مدیریت نیز استفاده شده است که در همین جا فرصت را مغتنم شمرده و تشکر فراوان می نماید.

نوآوری تحقیق

همان طور که بیان شد موضوع کاملاً جدید می باشد لذا مطالب مطروحه نیز اکثراً جدید می باشند با این وجود برخی از نوآوری ها از این قبیل اند:

- معرفی تئوری ذی نفعان در حقوق
- ارائه ی راهکاری برای کنترل و نظارت بیشتر بر مدیران و دست یافتن به اهداف شرکت ها به خصوص در شرکت های بیمه و بانک
- شناسایی تعارض منافع ذی نفعان و راهکارهای حل آن و نیز پیاده سازی همین موضوع در بیمه و بانک

- بحث پیرامون جدیدترین مقررات ذی نفعی بیمه و بانکها

محدودیت های تحقیق

نبود منابع فارسی اعم از کتب و مقالات در زمینه ی موضوع انتخابی و کمی منابع لاتین در زمینه موضوع خاص پژوهش از جمله محدودیت های موجود هستند که حال اگر موارد غیرعلمی همچون کمبود

جمع امکانات، نیاز به زمان و به تبع آن تمديد سنوات و هزينه‌هاي فراوان اضافه شود سختي‌هاي پژوهش در رشته و حوزه‌ي جديد آشکار مي‌گردد.

ساختار تحقيق

مجموعاً به همراه اين مقدمه، تحقيق حاضر طی هفت قسمت به انجام خواهد رسيد که سه قسمت آن شامل مقدمه در ابتدا و نتيجه‌گيري، پيشنهادات در انتها خواهد بود. چهار قسمت ديگر مباحث اصلي هستند که طی چهار بخش از منظر خوانندگان محترم گذر خواهد نمود.

بخش اول مرکب از شش فصل خواهد بود که مطالب و مفاهيم اقتصادي، حقوقي و بعضاً مديريتي در آن بيان مي‌گردد. در اين فصول مطلبي بين مي‌گردد که پس از آن در جاي جاي تحقيق از آن‌ها در استدلال‌ها سخن به ميان مي‌آيد برخلاف روند معمول اين مباحث تکرار کليات نمي‌باشد. در بخش تئوري ذی‌نفعان، پس از واژه شناسي کامل ذی‌نفعان، تئوري و مفهوم آن بيان مي‌گردد سپس در فصل چهارم و پاياني مباني تئوري به قلم مي‌آيد.

بخش سوم در رابطه با تعارض منافع مي‌باشد و اين که با چه راهکارهاي مي‌توان از آن جلوگیری کرد و يا نهايتاً آن را حل نمود تأکيد در اين فصل بر حقوق ايران است و شايد مناسب‌ترين بخش براي آن‌هاي باشد که به مباحث کلاسيک و قانون‌محور علاقه بيشتري دارند تلاش شده است در اين فصل کمک گردد تا به قوانين شرکت‌ها از زاويه‌اي ديگر نگريسته شود؛ زاويه‌اي که مي‌تواند به درک بنيادين کاراترين نهاد اقتصادي بيانجامد. بخش چهارم محل اعمال تئوري در بانک و بيمه مي‌باشد و پس از شناساندن اهميت بانک و بيمه به سؤال اصلي تحقيق پيرامون آن دو پرداخته مي‌شود. اما نبايد انتظار داشت که اين بخش هم‌چون بخش پيشين باشد چراکه انتخاب بانک و بيمه صرفاً در جهت آوردن مصاديق بود تا ذهن آشنا گردد و پرداختن کامل و اعمال تئوري در بانک و بيمه نيازمند بررسي کامل‌تر قوانين و مقررات اين دو مي‌باشد که تکليفي سنگين براي نظامي مي‌باشد که هنوز ذی‌نفعان در آن شناخته

نشده‌اند، البته در حد عنوان و پایان‌نامه، اهداف اصلی تئوری و مصادیق آن پیاده سازی شده است به عبارت دیگر در این بخش قوانین اصلی و یا جدیدترین مقررات از نظر گذراننده می‌شود.

بخش اول:

کلیات اقتصادی، حقوقی و مدیریتی پیرامون شرکتها

مقدمه و تشریح بخش

در این بخش، شش فصل مطرح می‌گردد که در تبیین و درک بخش‌های بعدی نقش اساسی دارد، جدای از آن هر یک از این مباحث به مطالبی پیرامون حقوق شرکت‌ها می‌پردازد که بی‌شک برای خوانندگان مباحث حقوق شرکت‌های ایران مطالبی نو و جدید خواهند بود و افق‌های تازه‌ای از پژوهش و جستجوگری ذهن برای ایشان به ارمغان خواهد آورد؛ از این روی این مباحث پایه‌ای که در جای جای بخش‌های پسین کاربرد دارند به عنوان آغازین تحقیق پیش رو انتخاب گشته است.

فصل اول پیرامون واژه‌شناسی بنگاه و شرکت می‌باشد؛ در فصل دوم تئوری‌هایی که پیرامون ماهیت شرکت‌ها تاکنون مورد مباحثه قرار گرفته‌اند به صورت خلاصه آورده می‌شود، در فصل بعدی و در ادامه ی ماهیت شناسی شرکت‌ها، این نهاد از لحاظ دارا بودن ماهیت عمومی یا خصوصی بررسی می‌گردد و به نوعی تکمله‌ای بر فصل خلاصه گفته‌شده‌ی پیشین می‌باشد؛ فصل چهارم محلی است که دو مفهوم کارکردی بیان می‌گردد که در درک نقش حقوق شرکت‌ها، کارایی فراوانی دارند، و پس از آن به هدف شناسی حقوق شرکت‌ها سری زده می‌شود (فصل پنجم). فصل آخر نیز به تبیین مفهوم حاکمیت شرکتی اختصاص داده شده است.

تأکید اصلی در این بخش بر دو نکته‌ی کلیدی است اول آن‌که هر آن‌چه برای ادراک و فهم بخش‌های بعدی لازم است آورده شود و نکته‌ی دوم آن‌که از پرداختن به اضافاتی که به طور معمول و مرسوم تحت عنوان کلیات آورده می‌شود و بخش قابل توجهی از تحقیق را به خود اختصاص می‌دهد، خودداری گردد.

با عنایت به این اصل که اشیا همواره بوسیله اضداد تعریف می‌شوند و در مباحث تئوریک نیز چنین اصلی صادق است و همواره دوگانگی‌هایی وجود دارد که این دوگانگی‌ها را در مباحث بنیادین و فلسفی به وفور می‌توان دید، لذا در این نوشتار نیز این روش دنبال شده است، البته این امکان نیز بود که همه در ذیل تئوری مربوطه آورده شود اما به نظر می‌رسد این طبقه‌بندی در نیل تحقیق به هدف بهتر باشد

اما سعی بر آن است که تکرار نباشد به همین جهت نیز بخشی از توصیف‌های نظریات فصل دوم در فصل سوم آمده است.

فصل اول : بنگاه، سازمان، شرکت، مؤسسه

این کلمات مفاهیمی آشنا هستند و در حوزه کاربردی آنها آنچه متبادر به ذهن می‌شود این‌که سازمان و مؤسسه بیشتر در متون مدیریت دیده می‌شوند. بنگاه در متون اقتصادی و شرکت در متون حقوقی یافت می‌شوند. اما این حوزه‌ها محل معمولی استفاده از این عبارات است. حال آن‌که اکنون در متون حقوق اداری بیش از بقیه می‌باشد. در این مبحث ابتدا به تعاریف این عبارت از منظر اندیشمندان رشته‌ی مربوطه و سپس تعاریف موجود در قانون پرداخته می‌شود و در ادامه مقایسه‌ای کوتاه بین آنها بیان گشته و در نهایت نحوه‌ی کاربرد آنها در نوشتار حاضر به قلم می‌آید. رضاییان سازمان را اینگونه تعریف می‌کند: همکاری مجموعه‌ای از افراد برای تحقق هدفی معین؛ اقتداری سازمان را وسیله‌ای برای ترکیب منابع انسانی و مادی جهت تولید و توزیع کالا و خدمات می‌داند.^۱ به هر روی وجوه اشتراک سازمان‌ها را استفاده از منابع با بهره‌گیری مدیریت و برنامه برای رسیدن به اهداف دانسته‌اند.^۲ استیفن نیز به این صورت به تعریف سازمان می‌پردازد: سازمان پدیده‌ای اجتماعی به شمار می‌آید که به‌طور آگاهانه هماهنگ شده و دارای حدود و ثغور نسبتاً مشخصی بوده و برای تحقق هدف یا اهدافی براساس یک سلسله مبانی دائمی فعالیت می‌کند.^۳ از تعاریف، دو ویژگی بارز را می‌توان برای همه سازمان‌ها برگرفت. یکی مجموعه‌ای بودن و دیگری هدف‌دار بودن، البته ویژگی‌های دیگر نیز همچون دارا بودن محدوده و برنامه قابل توجه می‌باشد، اما به هر روی چون وقتی یک مجموعه باشد، قطعاً محدوده دارد، و وقتی

۱. رضاییان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، ج ۱۱، سمت، تهران، ۱۳۹۳، ص ۳.

۲. اقتداری، علی محمد، سازمان مدیریت، ج ۳۷، مولوی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۴.

۳. اصغری، جمشید، مبانی سازمان و مدیریت، ج ۴، صفار اشراق، تهران، ۱۳۹۱، ص ۸.

۴. رابینز، استیفن، تئوری سازمان (ساختار و طرح سازمانی)، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، ج ۳۳، صفار، ۱۳۹۳، صص ۷-۳.

هدف‌دار باشد، بی‌شک برنامه دارد، بروز دو مشخصه اول مشهودتر می‌باشد. نکته قابل ذکر دیگر در اینجا این‌که سازمان قابل صدق به عناوین مختلفی است بیشتر یک عنوان کلی می‌باشد. چنان‌که بیمارستان‌ها، شرکتها و مؤسسات مختلف همگی سازمان هستند! گفته شده به سازمانی که هدف آن پژوهش باشد معمولاً مؤسسه اطلاق می‌شود. بدون ورود به بحث مؤسسات تجاری، قانون، مؤسسات غیر تجاری را تشکیلاتی می‌داند که به امور غیر تجاری از قبیل امور علمی و ادبی و امور خیریه و یا... می‌پردازد، اعم از آن‌که انتفاعی یا غیرانتفاعی باشد و این‌که این مؤسسات می‌توانند عناوینی مانند کانون یا بنگاه داشته باشند.^۲ در تعاریف قانونی از مؤسسه آنچه مشترک است، دارا بودن شخصیت حقوقی می‌باشد.^۳ دیکشنری آنلاین اقتصادی، اینوستوپدیا، بنگاه را سازمانی تجاری می‌داند که شامل شرکت‌ها نیز می‌شود و می‌بایست تحت نظر قانون باشد.^۴ اندیشمند اقتصاد و حقوق، بنگاه را هر نوع سازمان یا واحد تولیدی می‌داند که مبادرت به تولید کالا و خدمات و یا عرضه آن‌ها می‌کند.^۵ در ترمینولوژی حقوق، بنگاه جایی است که برای کارهایی از یک نوع اختصاص داده باشند و به معنی مؤسسه به کار می‌رود، ولی در این زمان بیشتر به تجارتخانه اختصاص دارد و به هر صورت کمتر به مؤسسات دولتی اطلاق می‌گردد. در این ترمینولوژی بیان شده است که بنگاه، شخصیت حقوقی ندارد.^۶ در ماده‌ی ۱ قانون اصلاح مواد از قانون برنامه‌ی چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۷ مصوب ۱۳۸۷، بنگاه واحد اقتصادی است که در تولید کالا یا خدمات فعالیت می‌کند، اعم از آن‌که دارای

۱. اصغری، جمشید، مبانی سازمان و مدیریت، ص ۷.

۲. آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری، ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی مواد ۱ و ۲.

۳. برای نمونه رجوع کنید به قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، ماده‌ی ۵۸۴. قانون دوم مالیات‌های مستقیم، ۲۸ اسفند ۱۳۴۵، ماده‌ی ۱۲۳. قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری و از کار افتادگی و فوت، اسفند ۱۳۴۹، ماده‌ی ۱. و در قوانین جدیدتر مانند قانون مدیریت خدمات کشوری، ۸ مهر ۱۳۸۶، ماده‌ی ۲. دستورالعمل اجرایی سامان‌دهی مراکز صدور گواهی الکترونیکی میانی ۱۹ خرداد ۱۳۸۸، شورای سیاست‌گذاری گواهی الکترونیکی، ماده‌ی ۱.

۴. <http://www.investopedia.com/terms/f/firm.asp>

۵. دادگر، یدالله، رحمانی، تیمور، مبانی و اصول علم اقتصاد، چاپ ششم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹.

۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۴م، گنج دانش، تهران، ۱۳۶۸، ذیل واژه بنگاه، ص ۱۱۴.

۷. عنوان این قانون در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۸۹ به موجب ماده واحده‌ی قانون اصلاح قانون اصلاح مواد از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تغییر داده شد.

شخصیت حقیقی یا حقوقی باشد.^۱ پس از بیان این سه مفهوم که به صورت موجز ذکر گردید، مفهوم چهارم یعنی شرکت کمی با تفصیل بیشتری بیان خواهد گشت. بدین منظور از تعاریف فقهی و مدنی شروع کرده و با تعاریف تجاری آن خاتمه داده، پس در قسمت آخر با مقایسه‌ی تعاریف و نتیجه‌گیری، این مبحث مختوم می‌گردد.

در کتاب‌های فقهی چهار سبب برای شرکت آورده شده است: عقد، مزج، ارث و حیازت و شرکت اجتماع حقوق ملاک در شیء واحد به نحو شیاع دانسته شده است. و معنی دیگر آن عقدی است که ثمره‌ی آن جواز تصرف ملاک در شیء واحد است.^۲ در قانون مدنی نیز شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکان متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه.^۳ اشکال تعریف قانون مدنی این است که اثر شرکت است و نه تعریف آن. حقوق دانان نیز شرکت را عقد و قرارداد دانسته‌اند.^۴ تفرشی پس از بحث و بررسی تعاریف مختلف، تعریف زیر را برای شرکت مناسب می‌داند: شرکت تجاری عبارت است از توافق اراده دو یا چند شخص و استمرار اعتباری آن به منظور سرمایه‌گذاری در یک یا چند عمل تجاری به قصد گذشتن از مالکیت خصوصی خود نسبت به آورده‌های خویش و استفاده از شخصیت حقوقی مستقل و اعطایی قانون‌گذار و تقسیم منافع احتمالی آن بین خود.^۵ دکتر اسکینی شرکت را قراردادی می‌داند که طرفین آورده را به مؤسسه‌ای که برای انجام مقاصد خاصی تشکیل می‌گردد، اختصاص می‌دهد.^۶ و دکتر

-
۱. قانون اصلاح، موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، ۲۵ خرداد ۱۳۸۷، ماده‌ی ۱. به همین صورت در دستورالعمل اجرایی سامان‌دهی مراکز صدور گواهی الکترونیکی میانی ۱۹ خرداد ۱۳۸۸، شورای سیاست‌گذاری گواهی الکترونیکی، ماده‌ی ۱.
 ۲. محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ذوی القربی، نجف اشرف، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۸، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، بی تا، ص ۳۰۱، خوبی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، مدینه العلم، قم، بی تا، ص ۱۷۷، ج ۳۶، ص ۲، خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۹، ص ۵۸۶، طباطبایی، علی بن محمد بن علی، ریاض المسائل، مؤسسه‌ی آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۳۸۲، ص ۵۳.
 ۳. قانون مدنی، ۱۳۰۷، ماده‌ی ۵۷۱.
 ۴. صقری، منصور، تعریف شرکت تجاری، تحولات حقوق خصوصی (زیر نظر دکتر ناصر کاتوزیان)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۹۱، و اسکینی، ربیعا، حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۱، چ ۱۴، سمت، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۷.
 ۵. عیسی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، ج اول، چ اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۸، ص ۹۶.
 ۶. اسکینی، ربیعا، حقوق شرکت‌های تجاری، ج اول، چ ۱۴، سمت، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۷.

ستوده آن را سازمان می‌داند.^۱ در قوانین تا به حال می‌توان گفت تنها تعریف از شرکت در قانون اصلاح موادی از قانون برنامه‌ی چهارم توسعه آمده است: شرکت شخص حقوقی است که با رعایت قانون تجارت یا قانون خاص حسب مورد تشکیل شده باشد (ماده‌ی ۱) به هر روی وجه ممیزه شرکت تجاری از مدنی، شخصیت حقوقی آن می‌باشد^۲ که قانون‌گذار به آن اعطا می‌کند.^۳ در شناخت شرکت آن چه حائز اهمیت است، این‌که نتیجه عقد شرکت که به ایجاد یک شخصیت حقوقی جدید منجر می‌شود، با خود آن اشتباه گرفته نشود، در مقایسه با شرکت عادی، شرکت تجاری مفهومی پیچیده است. از نظر حقوقی شرکت تجاری یک شخصیت حقوقی است که با اعتبار دولت به وجود می‌آید. یک شخصیت حقوقی دارای حقوق و تعهدات خویش جدای از حقوق و تعهدات کسانی است که آن را به وجود آورده‌اند. از این‌رو شرکت چیزی جز اعتبار یک وضع حقوقی نیست؛^۴ لذا بسیار مهم است که در بحث-های حقوق شرکت‌ها از مباحث معاملات فاصله گرفته و به بحث‌های شرکت‌های مدرن پرداخته شود، چه آن‌که قرارداد صرفاً در مرحله‌ی ایجاد است و آن‌چه پس از آن به وجود می‌آید کاملاً متفاوت از عقد پایه است. اکنون پس از بیان تعاریف مطرح شده و توضیح اصطلاحات مربوط به این مبحث، به مقایسه این مفاهیم پرداخته می‌شود. از بررسی قوانین مختلف موجود، آن‌چه واضح می‌گردد این‌که این مفاهیم بطور مکرر در قوانین مختلف به جای هم استفاده شده و تمایزی به معنی و بار لغوی و حقوقی ناشی از آن‌ها نشده است و تمرکز بر مفهوم تشکل بودن را تنها ویژگی مشترک میان این‌ها می‌توان دانست. برای مثال در تعاریف قانونی، سازمان بورس مؤسسه‌ای دانسته شده که دارای شخصیت حقوقی است و یا سازمان دولتی مؤسسه یا شرکت تعریف گشته است؛^۵ در مقابل به همین صورت در تعاریف مؤسسه به سازمان ارجاع شده و از این حیث شامل یک دور در تبیین عبارات قانونی هستیم. چنان‌که مؤسسه

۱. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۱، چ ۱۵، دادگستر، تهران، ۱۳۸۸، ص ۱۹۳.

۲. کاویانی، کورش، حقوق شرکت‌های تجاری، چ اول، میزان، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۴.

۳. عیسی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، ص ۱۲۱.

۴. باقری، محمود، نقش حقوق شرکت‌ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی سازی، چ اول، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۰، ص ۶۴.

۵. آئین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی، ۱۳۷۱/۰۲/۱۳، مصوب هیئت وزیران، ماده‌ی ۱.

استاندارد سازمان دانسته شده^۱ و یا مؤسسه‌ی دولتی اینگونه تعریف شده است: سازمانی است که به عنوان خاتمه‌ی مباحث گوناگون موجود، در قانون مدیریت خدمات کشوری، شرکت دولتی، بنگاه اقتصادی است که به موجب قانون ایجاد می‌گردد.^۲ مشاهده گشت در قوانین موجود، تمایزی میان این مفاهیم گذاشته نشده است و در جایی تعریفی برای سازمان آورده شده که در آن تعریف در جای دیگر عیناً برای بنگاه ذکر شده است. در ماده‌ی ای بنگاه نوعی مؤسسه دانسته شده و در ماده‌ی ای دیگر سازمان شکل شرکت دانسته شده است. به هر صورت یک نکته و ویژگی منحصر در همه‌ی موارد است و آن این که رابطه شرکت با سه مفهوم دیگر به طور دو سویه تعریف نشده و در کلام اصولی باید گفت که شرکت اخص از سه عنوان دیگر می‌باشد و بی‌شک این خاص بودن بواسطه‌ی ویژگی‌های منحصر آن است که باعث شده در مجموع نتوان مؤسسه یا سازمان را شرکت دانست. در میان ۴ کلمه مورد بحث، بنگاه و شرکت در حال حاضر ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر پیدا کرده‌اند و با توجه به این که اقتصاد در حال حاضر متکی بر شبکه‌ای از شرکتهای بزرگ، متوسط و کوچک می‌باشد، از این رو قانون اجرای سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ در موارد متعددی متعرض مفهوم بنگاه اقتصادی شده است. این اشاره و عنایت خود به معنای جایگاه مهمی است که این قانون به شرکت یا همان بنگاه اقتصادی داده است. در هر حال استفاده از لفظ بنگاه اقتصادی خود حاکی از گرایش جدید و تلقی دیگری از شرکت می‌باشد که در قانون تجارت تعریف شده است. بنگاه اقتصادی مذکور در این قانون می‌تواند نمادی زنده و فعال را تداعی کند. بایستی کارایی آن ارتقاء یابد و به رقابت در بازارهای جهانی قادر باشد. بنابراین ملاحظات اقتصادی و اجتماعی داخلی و بین‌المللی سازمان‌دهی اقتصاد ملی را در قالب بنگاه اقتصادی می‌طلبد. به هر حال استفاده از چنین ادبیاتی که در قانون تجارت وجود ندارد و تعریفی برای آن نشده است، از نظر حقوقی ممکن است ایجاد مشکل کند.^۳ به هر روی فراتر از بحث ایجاد مشکلات حقوقی، آنچه در اینجا مورد اهمیت است،

۱. قانون راجع به تأسیس مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۳۹/۰۳/۱۷، ماده‌ی ۱.
۲. قانون استخدام کشوری، ۱۳۴۵/۰۳/۳۱، ماده‌ی ۱.
۳. قانون مدیریت خدمات کشوری، ۱۳۸۶/۰۷/۰۸، ماده‌ی ۴.
۴. باقری، محمود، نقش حقوق شرکت‌ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی سازی، ص ۶۲.

همین جنبه‌های مهم اقتصادی شرکت می‌باشد و بی‌شک انتقال کاربرد واژگان از لغت «شرکت» به بنگاه بخاطر این است که زمینه ادراک عمومی از شرکت‌ها به عنوان بازیگران قدرتمند اقتصادی بالا برده شود.^۱ این انتقال به وضوح در نوشته‌های جدید حقوق و اقتصاد دیده می‌شود. البته در این متون اصولاً تمایزی میان شرکت و بنگاه قائل نشده‌اند و در کنار هم به کار می‌روند. به همین روی در این تحقیق تمایزی میان این دو قائل نشده و هر دو بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های ممیزه لغوی و اصطلاحی به یک معنا به کار برده می‌شود.

فصل دوم: تئوری‌های بنگاه

هر ماهیتی که ایجاد می‌شود اندیشمندان رشته‌های مختلف از منظر خود آن را به بحث می‌نشینند، بنگاه و یا خاص‌تر از آن شرکت نیز از این بعد استثنا نیست؛ لذا اقتصاددانان، علمای اخلاق، جامعه‌شناسان و حقوقدانان پیرامون بنگاه و ماهیت و نقش آن در حوزه‌ی خود دست به قلم برده و کتاب‌ها و مقالاتی را به رشته‌ی تحریر در آورده‌اند. اما آنچه در اینجا در پیشبرد موضوع و کمک به تبیین بحث مناسب می‌باشد دو حوزه‌ی اقتصاد و حقوق می‌باشد. بحث از ماهیت شرکت در حوزه‌ی حقوق و چرایی آن با توجه به وظایف این علم بدیهی می‌نماید. اما از تبیین بنگاه در علم اقتصاد هم نبایست غفلت ورزید؛ چراکه شرکت‌ها نقش مهمی را در تولید ثروت ایفا می‌کند لذا استفاده از تحلیل‌های اقتصادی شیوه‌ای رایج برای فهمیدن حقوق شرکت‌ها شده است.^۲ بنابراین ابتدائاً در اینجا تئوری‌های اقتصادی مطرح شده در مورد بنگاه تا آنجا که به بحث مربوط است بیان می‌گردد، سپس ماهیت شرکت از بعد حقوقی آن به قلم آورده می‌شود.

^۱ Dine, Janet, *Company Law*, Sweet & Maxwell, London, 2001, p.26 .

^۲ Ibid, p.19 .

رونالد کوز در سال ۱۹۳۷ مقاله‌ی خود را تحت عنوان ماهیت بنگاه منتشر نمود^۱ که مقاله‌ای بنیادین در زمینه‌ی بررسی ماهیت شرکت می‌باشد و آن را از چند بعد بررسی کرده است و حتی تئوری‌های اقتصادی که پس از تئوری موجود در این مقاله برای نقد آن نوشته شدند باز هم ریشه در همین مقاله داشتند چنان‌که سینز عقیده دارد تئوری شبکه‌ی قراردادهای^۲ ریشه در این مقاله دارد^۳. و یا نیکولای فز خاستگاه و زمینه اصلی پیدایش نظریه‌ی حق مالکیت بنگاه^۴ را در تئوری هزینه‌ی معاملات^۵ می‌داند. قبل از بیان سه تئوری فوق‌الذکر اشاره تئوری نئوکلاسیک بنگاه^۶ بیان خواهد گردید.

از دیدگاه نئوکلاسیک‌ها شرکت یک سازمان اقتصادی است که منابع را جهت تولید کالا و خدمات مورد نظر هدایت می‌نماید. شرکت جایگزینی است بجای بازار، برای هدایت و تنظیم فعالیت‌های اقتصادی در چرخه‌ی تولید. به عبارت دیگر شرکت مجموعه‌ای از طرح‌های تولیدی قابل اجرا می‌باشد که توسط مدیر، رهبری و هدایت می‌شود تا به سود منجر گردد^۷. بنگاه ایجاد می‌شود و در آن تصمیم‌گیری می‌شود تا سود را افزایش دهد. شرکت‌ها با بازار تعامل دارند تا عرضه و تقاضا را معین کنند و سپس منابع را بر طبق مدل‌های حداکثر سازی سود تخصیص دهند^۸. پورویز در تئوری ایستای نئوکلاسیک حداکثر سازی سود را برای تعیین میزان تقاضا، خروجی بنگاه و تعادل آن مؤثر می‌داند^۹. صرف نظر از نقاط قوت و ضعف دیدگاه‌های نئوکلاسیک آن‌چه قابل توجه است این‌که هدف اصلی حداکثر سازی

2. Coase, Ronald H. "The Nature of the Firm." *economica* 4, no.16 (1937): 386-405 .

۲ nexus of contracts theory

۳ Symes, Christopher F., *Statutory Priorities in Corporate Insolvency Law: An Analysis of Preferred Creditor Status*, Ashgate Publishing ltd, Farnham, 2008, p.53 .

۴ property rights theory of the firm

۵ transaction costs theory

۶ Foss, Nicolai J. , *The Theory of The Firm*, Aarhus business school, 1999, p.641 .

به نقل از طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکتها، ص ۱۵۴ .

۷ neoclassical theory of firm

۸ سید احمدی سجادی، سید علی، تحلیل شرکت از دیدگاه اقتصادی، مجله اندیشه های حقوق خصوصی، س ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ش ۱۳، ص ۱۰۵ .

۹. <http://www.investopedia.com/terms/t/theory-firm.asp> Retrieved may 10, 2015 .

۱. Purvis, Douglas D., "The Neoclassical Theory of the Firm: A Note on the Production and Investment Decisions", *The Canadian Journal of Economics* 9, no.2 (May 1976): 331-341 .

سود است که خود منجر به توجه به منافع سهام‌داران می‌شود، در این مورد در قسمت هدف شناسی حقوق شرکت‌ها به بحث خواهیم نشست.

تئوری بعدی که در اینجا می‌آید تئوری هزینه‌ی معاملات می‌باشد که از مقاله معروف کوز می‌باشد! در این نظریه بیان شده است که علت پیدایش بنگاه، مزیت آن در کاهش هزینه‌هاست. بدین صورت که مبادلات انجام شده در سطح بازار دارای هزینه‌های فراوانی است که با انجام آن در بنگاه، هزینه‌ها تا حد قابل توجهی کاهش می‌یابد. شرکت‌ها به عنوان نمونه‌ی بارز بنگاه‌ها با تحصیل ویژگی‌ها و مزایایی که حقوق شرکت‌ها برای آن قائل شده محل خوبی برای مشاهده‌ی تئوری هزینه‌ی معاملات کوز می‌باشد. برای مثال مسئولیت محدود و شخصیت حقوقی که به ترتیب از موجبات امنیت خاطر سرمایه‌گذاران و طلبکاران شخص حقوقی می‌باشد از طریق مکانیسم بازار یا قرارداد قابل تحصیل نیستند. لذا می‌توان نتیجه گرفت حقوق شرکت‌ها با عرضه قواعد کارآمد درصدد تقلیل هزینه‌های معاملاتی و در حقیقت کاستی‌های بازار می‌باشد. با تشکیل شرکت عموم افراد مطلع فرض می‌شوند که طلبکاران شخصی بنگاه تجاری بر طلبکاران شخصی مالکان آن از حیث وصول مطالبات خود، رجحان خواهند داشت، بدین صورت حقوق شرکت‌های مدرن با فراهم آوردن این قبیل امتیازات حساس بسیاری از نقایص و کاستی‌های بازار را کنار زده و شرکت‌های تجاری را به عنوان یکی از مکانیسم‌های کارآمد جهت فعالیت‌های اقتصادی معرفی می‌نماید؛ هزینه و کاستی‌هایی که قابل رفع نبوده یا رفع آن توسط فعالان اقتصادی مستلزم انجام هزینه‌هایی فوق العاده می‌باشد.^۱

تئوری شبکه‌ی قراردادها را می‌توان به گونه‌ای مفصل در نوشته‌های آلچیان و دمستز^۲ جنسن و مک‌لینگ^۳ و فاما^۴ دید. این تئوری بیان می‌دارد که بنگاه هیچ تفاوتی با بازار از لحاظ جنبه‌های قراردادی

1 Coase, Ronald H. , The Problem of Social Cost, Journal of Law and Economics, Vol. 3, Oct 1960, P. 1- 44 .

۱. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکتها، ج اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۹۳، صص ۱۳۱-۱۳۰. منبع پیش‌گفته رساله دکتری منتشر شده می‌باشد.

3 Alchian, Armen A, and Harold Demsetz. "Production, Information Costs, and Economic Organization." *The American Economic Review* 62, no.5 (1972): 777-795 .

3. Jensen, Michael & William, Meckling, "The Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Cost and Ownership Structure", *Journal of Financial Economics* 3, no.4 (Nov 1976): 305-360 .

4. Fama, Eugene F., "Agency Problems and the Theory of the Firm", *The Journal of Political Economy* 88, no.2 (Apr 1980): 288-307 .

ندارد^۱ و هر شرکت شامل چند قرارداد دو طرفه‌ی میان مدیران، مدیرعامل‌ها، وام‌دهندگان و سایرین می‌باشد و شرکت به منظور تولید خروجی مناسب مجموعه‌ای از قراردادهای به هم متصل را نمایندگی می‌کند.^۲ لذا تأکید اصلی در این تئوری بر ماهیت قرارداد بودن بنگاه می‌باشد بجای آن‌که مجموعه‌ای از قراردادهای لحظه‌ای مجزا باشد.^۳

جنبه‌ای دیگر از این تئوری که تئوری مدیریت گرای بنگاه یا تئوری نمایندگی^۴ نامیده شده است به این بیان می‌باشد: اگر شرکت به مانند یک منطقه مدل‌سازی شود که در آن قراردادها به وجود می‌آیند موقعیت قراردادی مدیران فوق العاده چشمگیر می‌باشد؛ قرارداد مرکزی قراردادی است که به موجب آن شرکت به وسیله‌ی مدیران متخصص هدایت می‌شود تا برای مالکان غیر متخصص یعنی سهام‌داران ایجاد سود نمایند.^۵ در نتیجه این قرارداد منجر به تفویض اختیار به نماینده (کارگزار) می‌گردد و تفویض اختیار مذکور موجب می‌گردد هر یک از طرفین به منافع خود بیندیشد که این اندیشه به ایجاد تضاد منافع^۶ منتهی می‌گردد.^۷ محققان تضاد منافع مزبور را تحت عنوان مسأله‌ی نمایندگی در نوشته‌های خود بررسی کرده‌اند که در این نوشتار نیز در قسمت تضاد منافع (مدیران و سهام‌داران) مسأله‌ی مذکور شرح داده می‌شود.

آخرین و به نوعی جدیدترین تئوری که در زمینه‌ی ماهیت بنگاه مطرح گشته تئوری حق مالکیت می‌باشد نقطه شروع تشریح رویکرد مذکور همانند نظریه‌ی هزینه‌ی معاملات نقص قراردادی می‌باشد. نظریه‌ی حق مالکیت بیشتر تمرکزش بر تبیین حدود و ثغور بنگاه می‌باشد و برخلاف سایر نظریات روابط

1 Williamson, Oliver E., *The Mechanisms of Governance*, Oxford University Press, New York, 1996, p.98 .

2 Spender, Peta & Bottomley, "Stephen, How to do things with Contractarianism: Michael Whincops Contribution to Corporate Law Scholarship", *Griffith Law Review* 13, no.1 (2004), p.13 .

3. Cortenraad, Wouter H.F.M., *The Corporate Paradox: Economic Realities of the Corporate Form of Organization*, Kluwer Academic Publisher, Boston, 2000, p. 20 .

4 Agency Theory

5 Belcher, Alice, *Directors' Decisions and the Law: Promoting Success*, 1st ed., Routledge, Abingdon & New York, 2014, p.17 .

6 conflict of interests

7 Jensen, Michael & William, Meckling, "The Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Cost and Ownership Structure", *Journal of Financial Economics* 3, no.4 (Nov 1976): 305-360 .

به نقل از سید احمدی سجادی، سید علی، تحلیل شرکت از دیدگاه اقتصادی، ص ۱۰۷ .

درون بنگاهی را نیز در نظر می‌گذارند با این وجود هنوز نتایج این تئوری و تأثیر گذاری آن چندان مشخص نیست و باید منتظر ماند تا میزان اثرگذاری درون بینی‌های آن دیده شود!

فصل سوم: ماهیت حقوقی بنگاه^۲

پس از بیان تئوری‌های اقتصادی پیرامون بنگاه، وقت آن است که بنگاه و ماهیت آن از منظر حقوقی بررسی شوند بدین منظور، نظریات مطرح گشته در مورد این‌که آیا شرکت یک ماهیت عمومی است یا خصوصی بیان می‌گردد. البته قابل ذکر آن‌که در اینجا با توجه به تئوری‌های پیش گفته به تحلیل شرکت نظر افکنده می‌شود. از نتایج مهم بررسی ماهیت شرکت از بعد خصوصی یا عمومی این‌که با نظر به آن، هدف شرکت و وجود یا عدم وجود مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها بیان می‌گردد. به هر روی پس از ذکر مقدمات زیر در دو مبحث این تئوری‌ها بررسی می‌گردند.

یکی از نقاط اختلاف میان تحلیل‌گران حقوق شرکت‌ها این است که آیا شرکت، پدیده‌ای خصوصی است یعنی متعلق به محدوده‌ی فعالیت روابط شخصی و تحت حکومت حقوق خصوصی می‌باشد و یا پدیده‌ای عمومی است بدین معنا که آفریده‌ی دولت و تحت حکومت حقوق عمومی و مقررات آن قرار می‌گیرد. لذا از طرفی قراردادگرایان، شرکت را موضوعی خصوصی می‌دانند و اعمال حداقلی از مقررات دولتی را کافی می‌دانند و از طرف دیگر، تئوری اعطای امتیاز انحصاری، شرکت را پدیده‌ای دولتی می‌داند که موضوعی مناسب برای مقررات دولتی است. مدلی افراطی از تئوری اخیر، نظریه‌ی اجتماعی است که شرکت را ابزاری صرفاً دولتی می‌داند که باید در جهت اجرای اهداف دولتی به کار گرفته شود. بنابراین برای بررسی قواعد حقوق شرکت‌ها، مشاهده‌ی انعکاس این نظریات در قواعد مذکور، مهم و نگاهی عمیق تر به این تئوری‌ها لازم و ضروری می‌باشد.

۵. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، صص ۱۶۳-۱۵۵.

۴. قسمتی از مطالب این فصل اقتباس و خلاصه‌ای از منبع زیر می‌باشد

Dine, Janet, *Company Law*, Sweet & Maxwell, London, 2001, pp.13-42.

این اندیشه که روابط داخلی شرکت‌ها و روابط بین شرکت‌ها به فعالیت در حوزه خصوصی مربوط می‌شود، نظریه‌ای قوی و با قدمتی بالا است. این نظریه شرکت را قراردادی مربوط به حیطه‌ی حقوق خصوصی می‌داند که ارتباطی با دولت ندارد. تئوری مذکور ریشه در فلسفه‌ی فردگرایی دارد و منکر عملکرد شرکت در قلمرو حقوق عمومی بوده و بر این اساس مخالف تنظیم مقررات شرکت‌ها در راستای منافع عمومی است.

این دیدگاه مبتنی بر فلسفه لیبرالیستی است که آزادی را مبنای عمل قرار می‌دهد و بر هر گونه اقدام سیاسی که به هر طریق، آزادی فردی را انکار یا محدود کند به مقابله بر می‌خیزد. اگرچه این نظریه، در وضعیتی آرمانی که همه چیز بر مبنای برابری ایجاد می‌شود، جذابیت فراوانی دارد اما در عالم واقع، خطر آفرین است چراکه ممکن است در جایی معیار قرار گیرد که نابرابری‌هایی از گذشته وجود داشته است و ایجاد فرصت‌های مشابه این نابرابری‌ها را از بین نخواهد برد و تنها به افراد ثروتمند و قدرتمند کمک می‌کند تا جایگاه خود را ارتقا بخشند.

فلسفه‌ی فردگرایی مبنای نظریه قراردادی شرکت‌ها: نظریه فردگرایی با چنین ساختاری افراطی، منجر به ورود زیان به فرد و اجتماع می‌گردد و نیازمند بحث و بررسی است. نظر این مکتب این است که هر فرد حق دارد برنامه‌ی مطلوب زندگی خود را دنبال کند، زیان را کاهش دهد و از دخالت‌هایی که جلوی سودمندی او را می‌گیرند رها باشد که این امر با رهایی از دخالت‌های اضافی دولت یا مخالفت و سرزنش‌های اجتماعی تضمین می‌شود.

نظریه فردگرایی و انکار حقوق اجتماعی یکی از مؤثرترین نیروهای محرکه‌ای است که به فعالان بازار آزاد جهانی اجازه می‌دهد تا حقوق اجتماعی را تضعیف کنند؛ زیرا این نظریه افرادی را که با اهداف آزادی خواهانه‌ی خویش موجب زیان می‌شوند مسئول نمی‌داند؛ دقیقاً آن‌چه هایدک آن را بیان می‌دارد، ماهیت ایدئولوژیک تئوری وی بدین صورت نمود می‌یابد که ثروتمند و قدرتمند را تنها به شرط رعایت قواعد مربوط به بازار، بدون مزاحم و رقیب آزاد می‌گذارد.¹

¹. Hayek, Friedrich August. The Mirage of Social Justice. Vol. 2, 2nd ed., Routledge, London, 1982, p.70 .

عقاید آزادی خواهانه‌ی فرد محور، بر پایه برابری ایجاد شده‌اند. درحالی‌که این اصل، فساد قابل توجهی را به دنبال داشته است. روش‌هایی که بر پایه مفهوم برابری افراد بنیان شده، سیاست‌هایی ارائه می‌دهند که به دلیل نابرابری‌های تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی قدرت که پیش از اجرای چنین سیاستی وجود داشته‌اند، باعث می‌شوند که تمرکز قدرت در دستان عده‌ای قلیل در برابر صرف هزینه عده‌ای وسیع تداوم بیابد.

شرکت‌ها در مرکز این مناقشه قرار دارند چراکه سطح وسیعی از حقوق شرکت‌ها بر مبنای این فلسفه شکل یافته و قدرتمندترین شرکت‌های چند ملیتی، بارزترین شکل چنین فساد را نمایان می‌سازند: تئوری‌های اقتصادی نئوکلاسیک که اغلب دولت‌های غربی را به تفکر درباره اقتصاد کشورهای جهان سوق می‌دهد و حقوق شرکت‌های چند ملیتی را پشتیبانی می‌کند، امروزه به عنوان قاعده مرکزی در سطح اقتصاد جهانی عمل می‌کند.

نقش دولت: مطالعه‌ی تاریخ شرکت‌ها، ایجاد و عملکرد آن‌ها را تحت تأثیر قدرت دولت‌ها نشان می‌دهد. از این نظر، دولت، شرکت‌ها را جهت پیشبرد اهداف و تأمین نیازهای اقتصادی‌اش ایجاد می‌کند و با اعطای قدرت‌های ویژه و کمک‌های مالی به ترغیب صاحبان شرکت‌ها جهت به خطر انداختن سرمایه و زمانشان، در مقابل معامله‌ی مفید دانسته شده توسط دولت می‌پردازد. زیرا عقلانیت این گونه بود که مالکیت شرکت، ذاتاً با تأثیر گذاری کمتری نسبت به مالکیت شخصی پیش می‌رفت، چراکه هیچ فردی بدان اندازه که در توجه به مالکیت خصوصی می‌کوشد برای مالکیت شرکت نمی‌کوشد. این تاریخ اولیه، مبنای تئوری‌های امتیاز انحصاری است که به نقش دولت در شکل‌گیری شرکت‌ها اهمیت می‌دهد. اما کم کم با عرضه‌ی نظریات نئوکلاسیک دیدگاه‌های قراردادی توسعه پیدا کردند، که لازم است آن‌ها با جزئیات بیشتری بررسی گردند. در هر حال می‌بایست دستور کار شرکت‌ها را بعد از دیدگاه‌های متفاوت در مورد شرکت‌ها دید؛ اگرچه دولت شرکت‌ها را ایجاد می‌کند اما این حق و تکلیفی برای سایر شهروندان است که مطمئن شوند که شرکت، در درون مرزهای تأیید شده عمل می‌کند. هر چند افراد در ابتدا مسئول سرمایه‌گذاری شرکت می‌باشند، اما دولت و خط مشی‌های تنظیمی‌اش به دشمنی تبدیل شده که با تحمیل مقررات دست و پا گیر در راه خلاقیت اقتصادی شرکت‌ها مانع تراشی می‌کند. باید برای

مقررات زدایی و آزاد گذاشتن کارآفرین خلاق برنامه‌ای ریخته شود. اما این واقعیت که این آزادی می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را برای سایرین که در فعالیت شرکت درگیر هستند ایجاد کند، مورد توجه قرار نگرفته است. این اختلاف در دیدگاه نه تنها تأثیر عمیقی بر سیاست‌های فردی دولت، بلکه بر اقتصاد جهانی در سراسر فرآیند جهانی‌سازی داشته است.

اگرچه بدون تأیید نقش قابل توجهی که دولت کماکان در شرکت‌های جدید ایفا می‌کند، نمی‌توان دیدگاهی جامع ارائه داد، در هر حال مجاری قراردادی برای نظراتی که بر نقش افراد در مقابل دولت تأکید می‌کنند وجود دارد.

مبحث اول) نظریات خصوصی بودن شرکت

مطلب در اینجا با یکی از این نظرات که افراط کمتری در انکار نقش دولت دارد آغاز خواهد شد که می‌توان آن را قرارداد گرایی حقوقی نامید.

گفتار اول) قرارداد گرایی حقوقی^۱

بر اساس این تئوری قراردادی، دو یا چند طرف برای این‌که فعالیتی تجاری را ادامه دهند، گرد هم می‌آیند تا پیمانی منعقد کنند و بر اساس این پیمان شرکت متولد می‌شود.^۲ باتملی آن را تئوری تجمیع^۳ نامیده‌اند که مدل‌های متعددی را تشریح می‌نماید؛ قرارداد چارچوب، تفصیلی برای هر دو وضعیت حقوقی و سیاسی شرکت فراهم می‌کند. به طور ذاتی، شرکت اجتماعی از افراد محسوب می‌شود که روابط قراردادی میان اعضای خود و اعضای مدیران را در بر می‌گیرد. بدون شک این دیدگاه در قرار دادن

۱ Legal Contractualism

2. Bottomley, Stephen. "Taking Corporations Seriously: Some Considerations for Corporate Regulation." *Federal Law Review*, 19 (1990): 203, p.208 .

3. Aggregate theory

4. Ibid, p.208 .

شرکت در حوزه حقوق خصوصی تأثیر گذار است زیرا مشروعیت قدرت بکار گرفته شده توسط آن‌ها را برآمده از فعالیت مؤسسان از میان اعضا می‌بیند و از توجیه دخالت تنظیم کننده می‌کاهد.^۱

اگرچه این مطلب، دیدگاه قراردادی را به خوبی توضیح می‌دهد، اما دشواری‌هایی که دادگاه در تفسیر خود داشته است، محدودیت‌های آن را برجسته می‌سازد. برای مثال در صورتی که خواهان بر اساس صلاحیتی غیر از سهام‌دار بودن، اقامه دعوا کند و دادگاه وی را براساس قانون آیین دادرسی ذی‌نفع تشخیص ندهد "قرارداد" قابل اجرا نخواهد بود.^۲

مدل قراردادی طبق استدلال استاکس، قدرت هیأت مدیره را مشروع می‌سازد چراکه آن‌ها منصوب از جانب مالکان هستند و در نتیجه با تمسک به نظریه آزادی مالک خصوصی در انعقاد هر قرارداد نسبت به مایملک خود، قدرت اعطا شده به مدیران شرکت، مشروع به نظر می‌آید که ناشی از اصول عمومی آزادی قرارداد است. با این شرط که اقدامات و تصمیمات شرکت با شرایط قرارداد موافق باشد، آن‌ها رأساً می‌توانند مورد سنجش و قضاوت قرار بگیرند که آیا به برخی اهداف مورد نظر دست یافته‌اند یا خیر؛ به جای این‌که به اثر گذاری آن‌ها بر حقوق یا منافع اشخاص مرتبط مراجعه شود.^۳

نتیجه‌ی منطقی مرتبط با جنبه نظری قرارداد گرایی، محدود شدن مسئولیت اجتماعی شرکت است. زیرا هر گونه ممانعت از حق به کارگیری امکانات در دسترس تجارت آزاد، به تعارض با این مفهوم از شرکت منجر می‌گردد.

قراردادگرایی حقوقی اساساً از قرارداد گرایی اقتصادی متفاوت است؛ هر چند هر دو بر پایه‌ی مشابهی مبنی بر قابل ملاحظه بودن جوهره‌ی شرکت به عنوان حالتی مستقر در روابط قراردادی استدلال می‌کنند.

5. Bottomley, Stephen. "Taking Corporations Seriously: Some Considerations for Corporate Regulation." *Federal Law Review*, 19 (1990): 203, p.209 .

^۱ . ر.ک. بخش دوم .

2. Bottomley, Stephen. "From Contractualism to Constitutionalism: A Framework for Corporate Governance" (1997). *Sydney Law Review* 19: 277, p.289 .

کفتار دوم) قراردادگرایی اقتصادی

در تحلیل اقتصادی شرکت بیشتر به عنوان یک اجتماع داوطلبانه میان سهام‌داران تصور می‌شود نه به عنوان مخلوق دولت، در نتیجه شرکت واجد شخصیت حقوقی، از منظر تحلیلی، مانند سایر انواع بنگاه‌ها، اساساً اجتماعی از قراردادها است. بر مبنای اهداف تحلیل اقتصادی، افراد به جای دولت به انجام معامله تجاری مشروعیت می‌دهند. زیرا هدف اصلی، ایجاد حداکثر ثروت توسط بازیگرانی است که معاملات پر منفعت را با اطلاعات کامل شکل می‌دهند. اقتصاددانان نئوکلاسیک از جمله کوز شرکت را به عنوان راهی برای کاهش هزینه‌های یک بازار پیچیده که مجموعه‌ای از معاملات بین اعضا را شامل می‌شود تحلیل می‌کنند.

این نظریات بر مفاهیم عقلانیت، کارایی^۲ و آگاهی^۳ تکیه دارند. اقتصاددانان ادعا می‌کنند که فردی که بر مبنای عقلانیت عمل می‌کند، وارد معامله‌ای خواهد شد که نفع او را در پی خواهد داشت. در یک قرار داد بیع، که در آن هر دو طرف به طرز عاقلانه عمل می‌کنند هم به خودشان و هم بالطبع به جامعه سود خواهند رساند. به هر حال این معامله دارای تمایلی ذاتی به سود افراد دارا است یعنی آن‌هایی که قدرت معاملاتی بیشتری قبل از معامله دارند شانس بیشتری برای برنده شدن دارند.

هم چنین توضیح این‌که چه چیزی عقلانی است بسیار متفاوت است، از به حداکثر رسانی ساده ثروت گرفته تا انگیزه‌های پیچیده از قبیل نوع دوستی همگی می‌توانند شامل این مفهوم گردند. سومین رکن تحلیل اقتصادی، گردش اطلاعات است. بازیگر عاقل باید با اطلاعات کاملی که در اختیار دارد انتخاب‌های عاقلانه‌ای را صورت دهد و بدین صورت حداکثر سود اختصاص یافته را به وجود آورد.

1. rationality
2. efficiency
3. information

گفتار سوم) شبکه‌ی قراردادها

اعمال قواعد اقتصادی بازار بر شرکت‌ها موجب می‌شود که شرکت نه تنها به عنوان مؤسسه‌ی آزاد ثابت، بلکه به عنوان شبکه‌ای از معاملات بین همهی افراد مرتبط که همگی به صورت عاقلانه و با اطلاع کامل عمل می‌کنند نگریده شود. مزیت حقوق شرکت‌ها این است که از هزینه‌های بالای ایجاد شده از معاملات فردی هر شخص مرتبط جلوگیری می‌کند. بنابراین حقوق شرکت‌ها هزینه‌ی معاملات را کاهش می‌دهد. این روش نتایج فراوانی دارد: مداخلات دولت، نظیر آراء دادگاه‌ها در مورد مسائل اساسی، به عنوان مشروط‌تحمیلی ضمنی قرارداد بین سهام‌داران در نظر گرفته می‌شود، وظایف مدیران تنفیذ می‌شود زیرا منافع آنان و سهام‌داران به طور ناقص هم ردیف هستند؛ و خود حقوق شرکت‌ها به عنوان مجموعه‌ای استاندارد از شروط تلویحی در نظر گرفته می‌شود که در جهت کاهش هزینه‌های معاملات شخصی قابل اتخاذ هستند. مقررات تنها به عنوان وسیله‌ای در جهت اصلاح کاستی‌های بازار لازم هستند. اقدام کردن بر اساس فرضیه‌ی پیشین که بازار آزاد بدون نقص ثروت مطلوب را بوجود می‌آورد، به طور ضمنی می‌گوید که فقط در جایی که در بازار نقصی وجود دارد، دولت می‌بایست در جهت رفع نقص مداخله کند و به بازار اجازه دهد که فعالیت خود را مجدداً شروع کند.

خودداری از تأیید نقش مهم دولت ممکن است پیوند ویژه‌ای با تئوری‌های واقع‌گرایی قراردادی داشته باشد که قدرت دولت را به عنوان یک منبع مشروعیت برای مؤسسات انکار می‌کنند. تئوری‌های اقتصادی نئوکلاسیک با این تصور پیوند می‌یابند که نقش دولت به جای یک قدرت نماینده بودن، خود منحصراً قدرت بخش است و با دیدگاهی مقابله می‌کنند که می‌گوید شرکت می‌بایست به عنوان شکلی از مهندسی اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

این نظریه به خوبی توسط پروفیسور بالتاین، تبیین شده است؛ ایشان بیان می‌دارد: هدف اصلی حقوق شرکت‌ها، نظم دهندگی نیست بلکه مقررات قدرت بخشی هستند که به بازرگانان اختیار می‌دهند

1. Ballentine, J Gregory, *Equity, Efficiency, and the Us Corporation Income Tax*, American institute for public policy research, Wasington D.C, 2009, p.42 .

که معامله‌ی خود را ترتیب دهند و اجرا کنند، خواه کوچک باشد یا بزرگ؛ بوسیله چنین امتیازی یعنی مکانیسم شرکت این مقررات مدیریت کارآمد تجارت را تسهیل می‌کنند. اما تصور وجود مقررات منحصرأً برای این‌که به عنوان اصلاح‌کننده نقایص بازار مورد استفاده قرار بگیرند، موضوع نگران‌کننده‌ای است که می‌تواند به هر موقعیتی اعمال شود تا به عنوان دلیل برطرف کننده عدم تعادل در یک بازار دیده شود.

گفتار چهارم) انتقاد از تئوری‌های قراردادی

قراردادگرایی اقتصادی انتقاداتی را هم در مرحله مفهوم شرکت و حقوق شرکت‌ها و هم بر مبنای آثار به بار آمده از اعمال این نظریات در پی داشته است. در اولین مرحله می‌بینیم که مفهوم عقلانیت به صور مختلف درک می‌شود. از یک طرف هر چه حداکثر سازی ثروت خالص به عنوان انگیزه شدیدتر می‌شود، از طرف دیگر ارزشمندی کمتری به عنوان ابزار تحلیلی دارد. به هر حال عقلانیت با مقداری از اطلاعات کامل یک افسانه است. بنابراین مفهوم خالص عقلانیت از مشکلات توأم ناشی از ساده انگاری انگیزه و نقص در نظریه‌ی اطلاعات کامل زیان می‌بیند.

وانمود کردن این‌که انتخاب فرد و برابری انتخاب در روابط با شرکت‌ها وجود دارد، این واقعیت جامعه شناختی که بسیاری افراد در هنگام مواجهه با یک سازمان قدرتمند هیچ حق انتخابی ندارند را کتمان می‌کند.

روش تحلیل شرکت‌ها به شبکه‌ی قراردادهای این نتیجه را در پی دارد که آن‌ها به سمت نامرئی شدن پیش می‌روند، نامرئی بودن قدرت، شرکت‌ها را به صورتی در می‌آورد که کمتر تهدید آمیز به نظر بیایند در نتیجه احتمال این‌که موضوع قانون‌گذاری در مقررات داخلی یا بین المللی باشند را کاهش می‌دهد.

مشکل دیگر نامرئی شدن این است که برای مثال ورشکستگی همه‌ی معامله کنندگان شرکت را گرفتار می‌کند و نه فقط کسانی که معاملات خاصی را ترتیب داده‌اند، و همه آن‌ها را با خطر مواجه می‌کند این وضعیت فقط با وضع مقررات عمومی می‌تواند تعدیل شود.

ارتقای سهام‌داران به جایگاه نظارت‌کننده بر این‌که مدیران باید منافع چه کسانی را پیگیری کنند تا سودها به حداکثر برسد، ناتوانی سهام‌داران بر کنترل کردن و نتیجتاً فقدان نظارت بر مدیران را پنهان می‌سازد! پازنر می‌گوید: به هم پیوستن مالکیت و نظارت یک وضعیت از ضروریات یک مدیریت کارآمد نیست. آنچه ضروری است این است که روش‌هایی وجود داشته باشد که سرمایه‌گذاران بتوانند نظارت بر هیأت مدیره را به دست آورند و مدیریت کنونی را بر کنار کنند. این موضوع به طور کامل این حقیقت را کتمان می‌کند که دولت ممکن است اهدافی متفاوت را به جای دنبال نمودن حداکثر سازی سود ترجیح بدهد.^۳

یک انتقاد از دیدگاه اقتصادی شرکت‌ها این است که دیدگاهی کوتاه‌مدت از بهترین عملکرد شرکت به وجود می‌آورد. این امر به عقلانیت بازیگران مشغول در شرکت در هر برهه‌ی زمانی بستگی دارد. نتیجه‌ی منطقی این امر، استثنا کردن ملاحظات مربوط به تولیدات آینده است. این نکته در زمینه‌ی حاکمیت شرکتی، نکته برجسته‌تر می‌گردد، زیرا بازیگران ممکن است برخوردی زودگذر با شرکت داشته باشند. در نتیجه این موضوع جنبه‌ای از مشکلات شناخته شده و پیامدهای نامطلوب بیرونی آن است. آگوس این موضوع را تحت عنوان کاستی بازار توأم با نقص حقوق خصوصی و نیز به عنوان توجیهی برای مقررات نفع عمومی توصیف می‌کند.^۴

بنابراین دیدگاه‌های اقتصاددانان می‌تواند ارزشمند باشد مشروط به آن‌که به طور محدود و با احتیاط مورد عمل واقع شوند. علی‌الخصوص در محدوده‌ای که تأکید زیاد بر بازیگران فردی می‌تواند منجر به نادیده گرفتن اهداف منافع عمومی و معطوف کردن توجهی ناروا به حداکثر سازی سود شود، بویژه هنگامی که آن میزان کم بوده و می‌توانسته فایده نهایی برای جامعه داشته باشد.

۱. ر.ک. بخش سوم و چهارم .

2. Posner, Richard A., *Economic Analysis of Law*, Little Brown, Boston, 1977, para1.2 & 14.6 .

3. Dworkin, Ronald M. "Is Wealth a Value?". *The Journal of Legal Studies* (1980): 191-226 .

4. Ogus, Anthony I., *Regulation: Legal Form and Economic Theory*, Oxford university press, London, 1992, p.37 .

مبحث دوم) عمومی بودن شرکت

گفتار اول) نظریه‌های اجتماعی

نگرشی متفاوت به شرکت‌ها و حقوق شرکت‌ها، به منزله مشاهده‌ی آن‌ها به عنوان تأمین‌کننده‌ی اهداف دولت به جای اهداف فردی است. این روش به مجموعه‌ای از تحلیل‌های شرکت‌گرا یا اجتماعی منجر شده است. این تحلیل‌ها، هنگام بحث کردن در مورد نقش شرکت‌ها در جامعه و این‌که آیا آن‌ها باید وجدان اجتماعی داشته باشند یا خیر؛ مفید هستند اما وقتی که تأثیر و تأثر قواعد حاکم بر ساختار خود شرکت‌ها را ملاحظه می‌کنیم فایده‌ی کمتری دارند. با این وجود به خاطر این‌که هر کدام از قواعد حاکمه‌ی داخلی شرکت‌ها در شکل دهی تأثیرگذاری شرکت‌ها بر جوامع نقشی را ایفا می‌کند بنابراین توجه به این اقتصادها [اجتماعی و شرکت‌گرا] در جوامع مذکور، مهم است. به ویژه در اقتصادهای دستوری اروپای شرقی که شرکت‌ها صرفاً به عنوان روش اجرای اهداف دولت در نظر گرفته می‌شوند. در نتیجه همه ابعاد استقلال بنگاه اقتصادی، علت وجودی مجزایی ندارد، وجود این ابعاد مشروط است به این‌که درون اقتصاد برنامه ریزی شده، نقش گسترده تری را ایفا نمایند!

اعطای وضعیت قانونی شرکت از سوی دولت، نه تنها یک امتیاز نیست بلکه برای دولت ابزاری در جهت استفاده و بهره برداری می‌باشد. نظریات اجتماعی در نقطه‌ای کاملاً متقابل با نظریات قراردادی قرار دارند. شرکت‌هایی که این تئوری‌ها را الگوی خود قرار می‌دادند اغلب در کشورهای کمونیستی سابق و ایتالیای فاشیستی دیده می‌شوند. استاندارد سودمندی شرکت در تولید ثروت فردی نیست؛ بلکه شرکت به جامعه کمک می‌کند تا با احترام به منزلت فردی و ارتقای رفاه عمومی، مردم احساس بهتری را از مفهوم اجتماع بدست آورند. این استاندارد دو نتیجه دارد: اول این‌که وقتی شرکت به یک ابزار سیاسی با اهداف پراکنده تبدیل می‌شود، شخصیت تجاری قدرتمندی ندارد اگر چه این اهداف مسئولیت اجتماعی قابل ملاحظه‌ای را به شرکت می‌دهد و دیگر این‌که تمرکز و انحصار تجاری شرکت از بین می‌رود.

1. Butler, William Elliott, *Soviet Law*, Butterworths, London, 1988, pp.245-246 .

دولت صرفاً از شرکت استفاده می‌کند تا به اهداف خود نزدیک‌تر شود، تأکید بر شناسایی اهداف شرکت با اهداف جامعه است و این امر با روش امتیاز انحصاری که تضمین اداره‌ی صحیح شرکت بر اساس ضوابط عدالت و رعایت حقوق همگان را به دولت تأکید می‌کند در تضاد است. حامیان الزام شرکت به دارا بودن وجدان اجتماعی، خطری را که فریدمن تذکر داده بود، بر شرکت جاری می‌سازند. وی هشدار داد زمانی که حداکثر سود سهام‌داران متوقف شود و این توقف بخواهد اثر کمی‌روی فعالیت‌های تجاری شرکت داشته باشد در این صورت آن تجار نمی‌دانند که چه منفعی را باید ارائه کنند!

ساختار شرکت‌های جدید، دارای مفهوم تفکیک مدیریت و نظارت می‌باشد و هر انحرافی از دیدگاه " انحصار استفاده از قدرت‌های هیأت مدیره برای حداکثر سازی سود"، مسئولیت اضافه‌ای را بر هیأت مدیره بار می‌کند! بنابراین منافع شرکت می‌بایست همراه با منافع سهام‌داران ملاحظه شود و گرنه ضابطه‌ی مربوط به اجرای مدیران امکان‌پذیر نخواهد بود.

شرح دیگری از این تئوری به عنوان شرکت گرای لیبرال شناخته می‌شود که پایه‌های این تئوری هنوز قسمتی نامشخص از رشته‌ی میان قلمرو عمومی و خصوصی است اما بر نقش گروه‌های درون جامعه در نمایندگی منافع متفاوت تأکید می‌کند.

استاکس شرکت را از ذره‌بین شرکت گرای به عنوان مجموعه‌ای حیاتی نظاره می‌کند که این مجموعه‌ی منافع شرکا را با هدفی مشترک و هماهنگ با تکیه بر هدایت رهبران آن تأمین می‌کند.^۳

به نظر می‌رسد این تئوری همزمان به دو نکته توجه دارند: هر دو نقش عمومی شرکت‌ها را مطرح کرده و بر اهمیت تعادل خوب بین گروه‌های ذی‌نفع به عنوان رمز مقررات داخلی تأکید می‌نمایند. قبلاً ایفای نقش دولت در ایجاد و اجازه فعالیت شرکت از طریق امتیازات انحصاری مانند مسئولیت محدود

-
1. Friedman, Milton, "The Social Responsibility of Business is to Increase its Profits", *The New York Times Magazine*, September 13, 1970 .
 2. Berle, Adolf Augustus, and Gardiner Coit Means. "*The Modern Corporation and Private Property*.", Transaction publishers, 1991 .
 3. Stokes, Mary. "Company Law and Legal Theory." *Legal Theory and Common Law* (1986): 155-83, p.177 .

پذیرفته شد، هم چنین حق مقررہ‌گذاری در زمینه‌های اجتماعی تصدیق شده و سپس این درجه از مقررات مورد نگرانی واقع شده است.

کارایی شرکت به منزله‌ی ابزاری تجاری به شناسایی قانونی آن به عنوان ماهیتی مجزا از اعضای شرکت و منافع دولت وابستگی بسیاری دارد. پراکندگی اهداف در موارد زیادی به عنوان ناکارآمدی نگریسته می‌شود.

بنابراین گرایش به نظریه‌ی اجتماعی با خطر زوال اهداف تجاری شرکت همراه است. از طرف دیگر، تئوری مابین با این نظریه یعنی تئوری قرارداد گرایی نیز تمرکز بسیار کمی بر اهداف شرکت دارد.

گفتار دوم) نظریه‌های امتیاز انحصاری

ساده‌ترین شکل این تئوری، موجودیت و عملیات شرکت را به عنوان امتیازی اعطا شده از سوی دولت در نظر می‌گیرد و این امتیاز انحصاری، توانایی تجارت با استفاده از ابزار شرکت را بویژه در شرکت‌های با مسئولیت محدود می‌دهد. تفاوت میان تئوری مذکور و نظریه‌ی اجتماعی این است که تئوری امتیاز انحصاری این نکته را می‌پذیرد که دولت، تنها نقشی در تضمین ساختارهای حاکمیت شرکتی برای منصفانه و دموکراتیک بودن دارد. طرفداران تئوری مورد بحث، با عقیده‌ی تنظیم مجدد اهداف شرکت بر اساس تمایلات اجتماعی دولت، مخالف هستند.

اعتقاد به لزوم حاکمیت اساسنامه ممکن است به عنوان نتیجه‌ی قبول حق مشروع دولت در تنظیم حاکمیت شرکتی دیده شود.

قابلیت اجرای مفاهیم حقوق عمومی درک واضحی را از شرکت‌ها به عنوان دارنده‌ی مسئولیت‌ها و عناصر حقوق عمومی در پی دارد. باتملی یک چنین حاکمیت شرکتی را مطالبه می‌کند که در آن از مفاهیم حقوق عمومی از قبیل عدالت طبیعی، بی‌طرفی عملی یا برابری فرصت‌ها استفاده شود. بنابراین شرکت‌ها نهادهای سیاسی هستند نه تنها چون آن‌ها بازیگران روابط اجتماعی هستند، بلکه چون نظام‌هایی هستند که در آن نظام‌ها قدرت و اختیار، حقوق و تعهدات، تکالیف و انتظارات و منافع و مضرات تعیین و اعمال

می‌شوند؛ خواه فعال باشند، خواه منفعل؛ به گونه‌ای جمعی باشند یا به طور انفرادی. هر شرکت یک پیکر سیاسی یعنی یک نظام حاکمیت است.

بنابراین تئوری امتیاز انحصاری نسبت به تئوری قراردادی برای بیان لزوم دارا بودن شرکت از بنیادی اجتماعی بسیار مناسب‌تر است. براساس نظریه‌ی امتیاز انحصاری، به سهولت می‌توان مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها را استدلال نمود.

ممکن است به این نتیجه برسیم که شرکت‌ها باید به شیوه‌ای رفتار کنند که از لحاظ اجتماعی در اقتصاد پاسخ‌گو باشند یعنی یک روش واقع‌گرایانه را مد نظر بدهند.

اگر ضروری باشد (که احتمالاً چنین نیز می‌باشد) یکی از دو دیدگاه بحث شده در حقوق شرکت-های ایران شکل بگیرد، آن دیدگاه می‌بایست پارامترها و ویژگی‌های چنان واضحی داشته باشد که از انتقادهای گفته شده به دور باشد.

فصل چهارم: مفاهیم اقتصادی ضروری

آشنایی و آگاهی از تعدادی از مفاهیم اقتصادی برای درک حقوق شرکت‌ها ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. از جمله این مفاهیم کارایی^۱، تعادل^۲ و حداکثرسازی سود^۳ می‌باشد. در این مبحث دو مفهوم نخست طی دو گفتار بررسی می‌گردد و مبحث بعد به توضیح حداکثرسازی سود اختصاص داده می‌شود.

مبحث اول) کارایی

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصاددانان و موضوعات اساسی علم اقتصاد، مقوله‌ی کارایی است. اگر چه این موضوع خواستگاهی اقتصادی دارد اما کاربرد آن به بسیاری از رشته‌های دیگر همچون

^۱ efficiency

^۲ equilibrium

^۳ profit maximization / wealth maximization

سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اخلاق و حکومت نیز کشیده شده است. آنچه در اینجا مد نظر می‌باشد، کاربرد آن در اقتصاد و سپس اختصاصاً حقوق شرکت‌ها می‌باشد.

کارکرد اصلی حقوق شرکت‌ها را کاهش هزینه‌هایی کارگزاری میان دسته‌های مختلف تشکیل دهنده‌ی شرکت تجاری دانسته‌اند؛ به گونه‌ای که از این رهگذر تخصیص بهینه‌ی منابع اقتصادی یعنی حصول کارایی اقتصادی تأمین گردد تا از این کارکرد هدف حقوق شرکت‌ها که همانا تأمین رفاه تمام گروه‌های ذی‌نفع می‌باشد حاصل آید! لذا از باب اهمیت این بحث و نقش آن در تبیین مباحث بعدی ابتدا مقدمه‌ای در مورد معنای کارایی در اقتصاد به عنوان منشأ آن به میان می‌آید سپس در بندهای واپسین به کاربرد این مفهوم در حقوق شرکت‌ها اشاره می‌شود.

بی‌شک هرگاه تعریفی واضح از مفهومی وجود نداشته باشد موجب اخلال و سردرگمی می‌شود. تعریف ناقص از کارایی نیز موجب اشتباه در تحلیل می‌شود که این تحلیل‌ها نیز خود عناصر کلیدی برای ارزیابی موقعیت و شرایط حقوقی می‌باشند.^۲ اینک پس از ذکر این نکته که در این مجال به دنبال بیان تخصصی و فنی از کارایی نیستیم بعد از آوردن تعاریف لغوی، مفهوم کارایی را در حدودی که موجب آشنایی ذهن و پیشبرد تحقیق باشد بیان می‌گردد.

کارایی عبارت است از مقایسه تولیدات و محصولات واقعی با آنچه می‌توانست بدست آورده شود با فرض یکسان بودن منابع. این مفهوم به همراه اثر بخشی عواملی مهم در تعریف بهره‌وری می‌باشند.^۳ در وبستر نیز توانایی انجام یا تولید چیزی بدون اتلاف منابع، وقت و انرژی تعریف شده است.^۴ به هر روی کارایی زمانی در قالب حرف انفرادی مطرح هست و بیشتر برای خانوارها اهمیت دارد و گاهی در تولید مورد بحث واقع می‌شود و با بنگاه و عرضه‌کننده پیوند دارد زمانی هم در کل جامعه مورد نظر است که با رفاه اجتماعی و توابع رفاه مربوطه ارتباط دارد کارایی گاهی هم با سامان دهی،

۱. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکتها، صص ۳۳-۳۲.

2. Margolis, Stephen E., "Two Definitions of Efficiency in Law and Economics", *The Journal of Legal Studies* 16, no.2 (Jun 1987), p. 471 .

۲ <http://www.businessdictionary.com/definition/efficiency.html> Retrieved October 12, 2014 .

۴ <http://www.merriam-webster.com/dictionary/efficiency> Retrieved October 12, 2014 .

مدیریت نظارت و هدایت تشکیلاتی سازمان‌ها و دستگاه‌ها پیوند می‌خورد. در نتیجه این عنصر هم با افراد و واحدهای بخش خصوصی مربوط است و هم با کارگران و مدیران بخش‌های دولتی و هم با تعاونی‌ها و مؤسسات مردم نهاد و دیگر هسته‌های سازمانی و هم دغدغه‌ی رفاه کل جامعه به آن مربوط است به این معنا که هم به ساختارها، بازارها و سازمان‌ها مربوط است و هم به افراد و خانوار و بنگاه‌ها، قابل توجه این‌که کارایی سیستم تولید و بنگاه نیز با نوعی رضایت مندی و رفاه، نهایتاً سودآوری همراه دارد. خلاصه آن‌که التزام به کارایی هم "استفاده‌ی خوب بردن" و هم "خوب استفاده بردن" را می‌رساند و این در همه‌ی علوم و معارف می‌تواند مطرح و معنادار باشد!

از کارایی تقسیم بندی‌های گوناگون صورت گرفته است از جمله‌ی کارایی تولیدی و کارایی تخصیصی^۲ و یا تقسیم به کارایی فنی^۳، کارایی تخصیصی، کارایی اقتصادی^۴، کارایی مقیاس^۵ می‌باشد.^۶ در اینجا به این تقسیم بندی‌ها که برخی از آن‌ها نیز تخصیصی می‌باشند، پرداخته نمی‌شود بلکه به مکاتبی که با آن‌ها می‌توان سیر تاریخی این مفهوم نیز مشاهده نمود، تمرکز می‌شود و این تقسیم بندی برای تبیین بکار گرفته می‌شود. مهم‌ترین نظریه‌هایی که در ادبیات اقتصادی و نیز "حقوق و اقتصاد" ابراز شده است به صورت زیر پی گرفته می‌شود.^۷

کارایی در مفهوم فایده گرایی^۸ آن‌که یکی از مکاتب مهم در حوزه فلسفه اخلاق است عبارت است از عمل یا قاعده‌ای که بیشترین لذت خالص را از مجموع کامیابی و ناکامی به دست دهد. به عبارت دیگر معیار آن تحقق بیشترین فایده برای بیشترین تعداد می‌باشد. نظریه‌ی دیگر پیرامون کارایی، کارایی

۱. دادگر، یدالله، مروری بر تحولات مقوله‌ی کارایی در ادبیات اقتصادی (نظریه‌ها و کاربردها)، دو فصلنامه‌ی حقوق و سیاست، س ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، شماره ۲۳، صص ۱۳۵-۱۰۴.

۲ allocative efficiency

۳ technical efficiency

۴ cost efficiency/economical efficiency

۵ scale efficiency

۶. فلاح، محمد، ارزیابی کارایی شعب شرکت بیمه با روش تحلیل پوششی داده‌ها، تازه‌های جهان بیمه، دی و بهمن ۱۳۸۶، ش ۱۱۶-۱۱۵، صص ۱۹-۱۸.

۷. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکتها، صص ۷۲-۸۰.

۸ utilitarianism

پارتویی^۱ است که در اقتصاد نئوکلاسیک به وضعیتی از تخصیص منابع اقتصادی اطلاق می‌شود که در آن تخصیص مجدد منابع بدون اضرار به دیگری امکان پذیر نمی‌باشد. در نظریه‌ی کالدور-هیگس^۲ نیز سیاست یا قاعده‌ای کارایی دارد که عده‌ای که از وجود قاعده یا تغییر قاعده‌ای نفع می‌برند بتوانند بنا بر فرض، ضرر عده‌ی متضرر را جبران نموده و آنان را در وضعیت بهتری قرار دهند.

نظریه‌ی دیگر در مورد کارایی، نظریه‌ای است که قاضی ریچارد آلن پازنر در کتاب تحلیل اقتصادی حقوق خود در سال ۱۹۷۳ مطرح نمود. وی بیان می‌دارد که کارایی به معنای بهره برداری از منابع اقتصادی است به نحوی که ارزش را افزایش دهد و ارزش عبارت است از رضایت انسان از تمایل خود به منظور پرداخت کالاها و خدمات، به عبارت دیگر هنگامی که منابع در جایی به کار روند که ارزش آن‌ها بیشتر باشد، می‌توان گفت که به نحو کارآمدی استفاده شده‌اند.^۳ در نتیجه کارایی به وجودی مفروض از تخصیص بهینه‌ی منابع تعریف شده است؛ لذا از نظر پازنر هدف غایی حقوق حداکثر سازی ثروت اجتماعی می‌باشد و زمانی تخصیص منابع اقتصادی موجب حداکثر تحصیل ثروت اجتماعی می‌شود که آن منابع در اختیار کسانی قرار گیرد که بیشترین بها و ارزش را به منابع مذکور می‌دهند. هیچ‌کدام از نظریه‌های مطروحه از انتقادات دیگر اندیشمندان خالی نمانده است برای مثال انتقادی که از نظریه‌ی پازنر شده است این‌که افزایش ثروت فی نفسه ارزش نمی‌باشد بلکه ارزش واقعی ثروت، احساس رضایتی است که فرد از داشتن ثروت تحصیل می‌کند نه خود ثروت بما هر ثروت. لذا ثروت اجتماعی منهای فایده‌ی اجتماعی ارزش خود را از دست می‌دهد. بدین ترتیب نظریه‌ی افزایش ثروت قادر به تبیین ارزش واقعی ثروت نمی‌باشد.^۴ علی‌رغم انتقادات از نظریه پازنر، افزایش ثروت که منجر به ارتقاء رفاه مادی افراد جامعه می‌شود یک معیار قابل دفاع می‌باشد؛ از جمله مزایای آن قابلیت اندازه گیری این معیار در مقایسه با مفهوم کارایی در فایده گرایی می‌باشد براساس این نظریه تمام نظام حقوقی‌ای کارآمد محسوب

۱ Pareto efficiency

۲ Kaldor-Hicks efficiency

1. Posner, Richard A., *Economic Analysis of Law*, 2nd ed., Little Brown and Company, Boston, 1977, p. 10 .

2. Peet, John, *Energy and the Ecological Economics of Sustainability*, 1st ed., Island press, Washington, D.C., 1992, p.141 .

3. Zhou, Qi, The evolution of efficiency principle: from utilitarianism to wealth maximization

به نقل از: طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکتها، ص ۸۴.

می‌شود که قواعد و نهادهای آن بتوانند موجبات افزایش ثروت را در جامعه تحقق بخشیده و زمینه رشد مبادلات را در بازار به منظور تخصص بهینه منابع فراهم نمایند.^۱

حال با توجه به مفاهیم گفته شده و با نظر به مجموع نوشته‌های تحلیل گران اقتصادی حقوق شرکت‌ها می‌توان بیان داشت منظور از کارایی در ظرف حقوق شرکت‌ها عبارت است از تخصیص بهینه منابع اقتصادی از طریق کاهش هزینه‌های کارگزاری به مفهوم اقتصادی آن، فرض این است که حقوق شرکت‌ها با فراهم نمودن موازین و قواعد مناسب در صدد است تا از راه به حداقل رسانیدن هزینه‌های مزبور، زمینه‌های لازم را برای گردهمایی عوامل تولید اعم از سرمایه‌های مادی و فیزیکی، نیروی انسانی و مدیریت فراهم نماید. به عبارت واضح‌تر هرگاه بتوان فرض نمود اجتماع عوامل تولید شکل گرفته و اجتماع عوامل مذکور براساس قواعد و موازین مزبور بتواند به صورت روان با همدیگر تعامل پایداری را برقرار نماید؛ در این صورت است که می‌توان مدعی شد منابع به بهترین شکل تخصیص یافته است.

یکی از اصلی‌ترین وجوه کارایی در حقوق شرکت‌ها، مسأله‌ی کاهش هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی افراد می‌باشد. این موضوع در شرکت‌ها به دلیل وجود برخی مختصات قانونی ویژه مانند شخصیت حقوقی، مسئولیت محدود و مدیریت متمرکز موجب کارآمدتر شدن شرکت نسبت به بنگاه‌های انفرادی یا مشارکت‌های مدنی می‌گردد. نظام حقوق شرکت‌ها با فراهم نمودن نهادها و قواعد حقوقی مناسب، منافع متعارض عوامل تولید یاد شده را به نقطه تعادل سوق داده و موجب کارآمدی می‌گردد. لذا در ظرف حقوق شرکت‌ها، نظامی کارآمد می‌باشد که به بهترین شکل بتواند زمینه شکل‌گیری تلاقی جمیع عوامل تولید و تداوم آن را فراهم کند، این همان وضعیتی است که آن را وضعیت بهینه‌ی تخصیص منابع نامیده‌اند.^۲

۴. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکتها، ص ۸۴.

۱. همان، صص ۸۸-۸۴.

مبحث دوم) تعادل

ژوزف لائوژی نظام اقتصادی را اینگونه تعریف می‌کند: مجموعه‌ای هماهنگ از نهادهای حقوقی و اجتماعی که در بطن آن‌ها برخی وسائل فنی سازمان یافته به پیروی از برخی انگیزه‌های برتر، به منظور برقراری تعادل اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است.^۱ از همین جا می‌توان به اهمیت مبحث تعادل پی برد، این مفهوم در حقوق شرکت‌ها نیز اهمیت اساسی دارد چنان‌که نه تنها بسیاری از قواعد و نهادهای حقوق شرکت‌های مدرن را توجیه و تبیین می‌نماید بلکه برای ارزیابی حقوق شرکت‌های مطلوب نیز به کار می‌رود یعنی حقوق شرکت‌هایی مطلوب است که در آن منافع تمام گروه‌ها و عوامل تولید لحاظ گردیده تا به نقطه‌ی تعادل برسند.

حال پس از این‌که مقدمه‌ای در اهمیت این نقش از حقوق شرکتها واضح گشت، مفهوم اصطلاح مذکور بیان می‌گردد. تعادل در بیان عامه حالتی است که موقعیت جسم در آن پایدار باشد و مفهومی‌با بیشترین استفاده در فیزیک می‌باشد؛ در فیزیک تعادل آن است که جسم هیچ گونه حرکت یا چرخشی نداشته باشد (برآیند نیروها و گشتارهای وارد بر آن صفر باشد).^۲ حقوق‌دانان اقتصادی و اقتصاددانان نیز رویکردی مشابه به شرکت و بازار دارند بدین صورت که شرکت‌های تجاری را محصول کشمکش نیروهای بازار می‌دانند و به عبارتی برآیند نیروهای بازار را در شرکت می‌دانند و بنگاه محل انعکاس برآیند نیروهای متعارض بازار قلمداد می‌شود. و قانون‌گذار با اعطای ویژگی‌های خاص به شرکت‌ها که تجلی‌گاه اصلی آن شرکت‌های سهامی عام می‌باشد، منافع متعارض عاملان اقتصادی را متعادل نموده است.^۳ البته از این موضوع و چگونگی و راهکارهای ارائه شده در جهت حل تعارض در فصل مربوطه به طور کامل بحث خواهد گردید.

۲. لائوژی، ژوزف، نظام های اقتصادی، ترجمه شجاع الدین ضیائیان، چ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱.

1. <http://daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php?page=%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%84&SSOReturnPage=Check&Rand=0> Retrieved October 12, 2014 .

خلیل ارجمندی، محمد اسماعیل و شجاعی اردکانی، مجید، ایستایی ساختمان(۷/۹۹۴)، چ ۲، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، تهران، ۱۳۹۳، ص ۴۶.

۳. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکتها، صص ۶۲-۵۹.

فصل پنجم: هدف شناسی حقوق شرکت‌ها

همواره در مباحث فلسفی و حقوقی مباحثات و مجادلات بین دو دیدگاه لیبرالیستی و سوسیالیستی بوده است. حقوق شرکت‌ها هم از این مقوله استثنا نیست بدین منظور برخی هدف اصلی شرکت‌ها را به حداکثر رساندن سود اعضای آن می‌دانند و لذا حقوق شرکت‌ها باید تلاش خود را در راستای این هدف معطوف دارد، برخی نیز به نقش شرکت در اجتماع توجه کرده و هدف شرکت‌ها را ایجاد رفاه جمعی دانسته‌اند. در نتیجه حقوق شرکت‌ها باید مکانیسم و قواعدی را بکار گیرد تا بتواند این هدف را جامه‌ی عمل بپوشاند. در اینجا ابتدا دیدگاهی که ریشه در اعتقاد فردگرایی و آزادی خواهی دارد بیان می‌گردد سپس به دیدگاهی که هدف شرکت را تأمین و منفعت عمومی می‌داند اشاره‌ای می‌گردد.

حداکثرسازی سود: مایوت بیان می‌دارد دیدگاه آزادی خواه بنگاه اساساً با دیدگاه حداکثرسازی سود برابری می‌کند؛ تنها عملکرد بنگاه از جمله شرکت‌ها این است که بیشترین ثروت را برای مالکان ایجاد کند؛ زمینه‌های منطقی که ایده مذکور را حمایت می‌کند این واقعیت است که بنگاه یک مؤسسه‌ی اقتصادی است یعنی اموال شخصی سهام‌داران و مالکانی است که سرمایه خود را در آن گذاشته‌اند و ریسک سرمایه خود را متحمل شده‌اند.¹ لذا در این دیدگاه هدف شرکت، هدف غایی و عملی شرکت را ایجاد کرده و آن عبارت است از این‌که مدیران و سرمایه‌گذاران می‌بایست به نحو فوق العاده‌ای بر روی حداکثرسازی ثروت سهام‌داران تمرکز کنند.² این ایده نه تنها ایده‌ای شناخته شده است بلکه زمینه‌ای دارای سابقه بوده و حتی در نوشته‌های فلسفی آدام اسمیت نیز مشاهده می‌شود. وی در فصل دوم کتاب یکم از کتاب ثروت ملل خود بیان می‌دارد:³ هرکس که پیشنهاد معامله‌ای را به دیگری می‌دهد منظورش

1 Mayot, Charn, *An Approach To Business Ethics: Fact-based Value for Fair Trade, in The Bases Of Values In A Time Of Change: Chinese and Western; Chinese Philosophical Studies XVI*, Edited by Kirti Bunchua, Liu Fangtong, Yu Xuanmeng, Yu Xujin, 1999. available at : <http://www.crvp.org/book/Series03/III-16/contents.htm> Retrieved May 14, 2015 .

2 Windsor, duane, *Shareholder Wealth Maximization, in Finance Ethics: Critical Issues in Theory and Practice*, Boatright, John R.(edited), John Wiley & Sons, Hoboken, 2010, p. 437

2. Smith, Adam, *An Inquiry In To The Nature And Causes Of The Wealth Of nations*, Luasanne, Metalibri, 2007, p.16 .

این است آن چیزی را که تو داری و من طالب آن هستم به من بده و در عوض چیزی که من دارم و تو می‌خواهی از آن تو خواهد بود؛ و بدین طریق است که از یکدیگر بیشترین قسمت خدماتی را که نیاز داریم بدست می‌آوریم. حس خیرخواهی و بشر دوستی، قصاب و نانوا نیست که غذای ما را تأمین می‌کنند، بلکه توجه آن‌ها به نفع خودشان است که موجب این کار می‌شود. میلتن فریدمن در مجله‌ی نیویورک تایمز در مقاله‌ای که حتی نام آن را چنین گذاشت: "مسئولیت اجتماعی شرکت افزایش سود خود می‌باشد" اینگونه بیان می‌دارد: مدیران شرکت به عنوان منتخب اشخاصی که مالک شرکت هستند و یا آن را تأسیس کرده‌اند؛ مسئولیت اولیه‌شان در مقابل این مالکان می‌باشد. به چنین نظام حقوق شرکت‌ها که هدف آن در راستای افزایش نفع سهام‌داران پایه ریزی می‌شود سهام‌دارمحور می‌گویند. تضمین منافع سهام‌داران به عنوان هدف حقوق شرکت‌ها، در واقع الهام بخش تدوین مقررات حاکم بر شرکت‌های تجاری خواهد بود عمده احکام شرکت‌ها بدین ترتیب ناظر به اتخاذ استراتژی‌های حقوقی خواهد بود که رابطه‌ی بین سهام‌داران هم‌چنین رابطه‌ی میان گروه سهام‌داران و گروه مدیران تنظیم می‌نماید. بر مبنای ایده سهام‌دارمحوری، مدیران شرکت امنای سهام‌داران قلمداد شده و وظیفه‌ی اصلی آنان ارتقاء منافع آنان خواهد بود در نتیجه هرگونه تصمیم مغایر با منافع مالکان شرکت، مستلزم زیر پا گذاشتن نظام حاکم بر شرکت‌ها نیز تلقی خواهد شد.

براساس نگرش حداکثرسازی سود دو گروه در درون بنگاه قابل مشاهده هستند: سهام‌داران و مدیران. لذا براساس نگرش بیشینه سازی سود، غیر از سهام‌داران و نمایندگان ایشان، دیگر دسته‌ها و عوامل تولید و خدمت از کانون توجه حقوق شرکت‌ها حذف می‌شوند. چنین حقوق شرکت‌ها را از این لحاظ که تنها به درون شرکت توجه دارد، درون‌گرا نامیده‌اند. و نهایت ایده‌ی درون‌گرا، توجه به حقوق سهام‌داران اقلیت خواهد بود. چالش اساسی که ایده‌ی بیشینه سازی سود با آن روبرو است این است که به مسأله‌ی رفاه اجتماعی توجه کافی ندارد اگرچه می‌توان این را نیز مطرح نمود که رفاه اجتماعی جزء

۳. اسمیت، آدم، ثروت ملل، ترجمه سیروس ابراهیم زاده، ج اول، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۵.

۱. Friedman, Milton, The Social Responsibility of Business is to Increase its Profits, *The New York Times Magazine*, September 13, 1970.

۲. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکتها، صص ۲۹۳-۲۹۲.

هدف غایی و عملی شرکت نیست ولی شرکت با پیگیری اهداف سود محور به رفاه اجتماعی دست می‌یابد، از طرفی باید به این نکته نیز توجه نمود که حداکثر سازی سود حداقل از یک بعد منجر به تعارض درونی در تئوری خود می‌گردد بدین نحو که وقتی همه‌ی اشخاص یک شرکت به دنبال حداکثر سازی سود باشند موجب تضاد منافع ایشان با یکدیگر می‌گردد چنان‌که جلوه‌ای از آن در توضیحی مختصر در ذیل تئوری شبکه‌ی قراردادها بیان گشت و مبسوط آن در بخش تضاد منافع پیگیری می‌شود.

در مقابل این نظریه که حقوق شرکت‌ها باید سهام‌دار محور باشد و در صدد وضع قواعد و هنجارهایی باشد که سود سرمایه‌گذاران و سهام‌داران را بیشتر و بیشتر نماید، این ایده قرار دارد که شرکت باید به دنبال منفعت عمومی باشد و بی‌شک اگر چنین هدفی مبنای وضع قواعد قرار گیرد رفاه غایی جامعه که بشریت به دنبال آن است به دست می‌آید، ایده‌ی مذکور بخشی از واقعیتی است که به عنوان اهداف اصلی پژوهش حاضر می‌باشد. در قسمت‌های بعدی به شرح و بسط ایده‌ی مذکور که به تئوری ذی‌نفعان مشهور است پرداخته می‌شود.

فصل ششم: حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی، موضوعی است که مبحث پیش رو به آن پرداخته است و علتی که برای این فصل انتخاب شده، بی‌شک ارتباطی است که با موضوع اصلی دارد. تئوری پیش گفته را برخی در ذیل مباحث حاکمیت شرکتی آورده‌اند و حتی گاهی حاکمیت شرکتی از ابتدا منقسم به دو دیدگاه نمایندگی و ذی‌نفعان گشته است. اینجاست که مشهود می‌گردد چرا ابتدا باید با حاکمیت شرکتی آشنا بود و دلیلی جز این ندارد؛ به این خاطر که با ذهنی باز و توجه به تمام جوانب بتوان موضوع اصلی را تبیین کرد. در این مبحث ابتدا تاریخچه و تعریفی از موضوع می‌آید. سپس مفاهیم و دلایل نیاز به آن بیان می‌گردد.

سیر تاریخی این مفهوم نشان می‌دهد که این عبارت از واژه لاتین Gubernator به معنای هدایت گرفته شده است که معمولاً در مورد هدایت کشتی به کار می‌رود و دلالت بر این دارد که ابتدائاً این مفهوم کمتر برای کنترل به کار می‌رفته است. هر چند اکنون بیشتر بر شیوه‌های کنترل نظر دارد و بیشتر نیز معنای این لغت را برای اداره شرکت دانسته و اولین مورد استفاده از آن را قرن چهاردهم می‌داند.^۲ برای حاکمیت شرکتی تعاریف مختلفی آورده شده است و این تعاریف از درجه‌ی بسیار محدود شروع شده و به طیفی گسترده ختم می‌شود. دیدگاه‌های محدود تنها به سهام‌داران تکیه دارند و دیدگاه‌های وسیع شرکت را در قبال همه ذی‌نفعان پاسخگو می‌داند. در اینجا هدف ذکر و بیان و تعاریف نیست. لذا به همین چند تعریف اکتفا می‌شود. تعریف اول، بیانی است از سازمان همکاری و توسعه اقتصادی با این عبارات: «حاکمیت شرکتی مجموعه‌ی روابط بین مدیران اجرایی، اعضای هیأت مدیره و سهام‌داران و سایر ذی‌نفعان است. هم‌چنین ساختاری برای تدوین اهداف شرکت و راه‌های دستیابی به اهداف و نیز چگونگی ارزیابی و نظارت در عملکرد را شامل می‌شود». تعریف دیگر که از پایان‌نامه‌های مرتبط و نتیجه و جمع‌بندی بحث و بررسی تعاریف در آن تحقیقات می‌باشد، به این صورت می‌آید: «حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از نظام‌ها، فرآیندها و ساختارهایی است که به استفاده از ساز و کارهای درون سازمانی نظیر هیأت مدیره، کنترل‌های داخلی اداری و حسابداری، حسابرسی داخلی و مدیریت ریسک و نیز سازوکارهای برون سازمانی مانند نظارت قانونی، نظام‌های حقوقی، بازارهای سرمایه، نظارت سهام‌داران عمده، حسابرسی مستقل و مؤسسات رتبه‌بندی، در پی کسب اطمینان از حقوق ذی‌نفعان، پاسخگویی، شفافیت و عدالت در واحد تجاری است». این تعریف، تعریفی است با توجه به مکانیسم حاکمیت شرکتی و اهداف آن، که از این بعد جامع می‌باشد. به هر روی شاید این تعریف مختصر که در گزارش کادبری به آن اشاره شده است، با توجه به ایجاز آن زودتر و بهتر مطلب و مفهوم را منتقل نماید: سیستمی

۱. حساس یگانه، یحیی، حاکمیت شرکتی در ایران، حسابرسی، بهار ۱۳۸۵، ش ۳۲، ص ۳۲، و بنویدی، مجید، حاکمیت شرکتی، تازه‌های جهان بیمه، خرداد ۱۳۸۵، ش ۹۶، ص ۹.

2. <http://www.merriam-webster.com/dictionary/governance> .

که شرکت‌ها با آن هدایت و کنترل می‌شود.^۱ بن پت نیز حاکمیت شرکتی را یک نظام می‌داند، نظامی برای توازن در شرکت.^۲ به هر روی شاید اگر در مجموع مفهوم راهبری شرکتی، مکانیسمی برای هدایت شرکت و در ثانی کنترل آن دانسته شود، به گونه‌ای دلپذیرتر به شناخت آن کمک کند. ویژگی تعریف دوم، پرداختن آن به اهداف نهایی حاکمیت شرکتی می‌باشد. اهداف نهایی حاکمیت شرکتی را این موارد دانسته‌اند: پاسخگویی، عدالت، شفافیت و رعایت حقوق ذی‌نفعان.^۳ در این میان توجه به دو هدف عدالت و ذی‌نفعان و نقش آن‌ها در آینده‌ی شرکت بیش از بقیه در این تحقیق مورد توجه می‌باشد. پس از بیان تعاریف و اهداف کلی و درک کلی از این مفهوم، جای آن است که بررسی شود چرا می‌بایست به سمت حاکمیت شرکتی رفت؟ یعنی اهمیت و دلایل توجه به آن چیست؟ با نگاهی به سیر تکامل و شکل‌گیری مفاهیم حاکمیت شرکتی و به عبارتی پیشینه آن به این دلایل می‌رسیم که رسوایی‌های گسترده مالی در سطح شرکت‌های بزرگ که از انرون شروع شد^۴ و نهایتاً به ورشکستگی این شرکت‌ها و زیان‌های فراوان شد، موجب توجه فراوانی به راهبری شرکتی در مفاهیم جدید آن گردید. از دیگر دلایل توجه به حاکمیت شرکتی را می‌توان این موارد نام برد: آزاد سازی اقتصادی و حذف کنترل دولت؛ یکپارچه شدن بازار، افزایش فسادهای مالی؛ انتقال سرمایه‌گذاری‌ها از صورت فردی به گونه‌ی شرکتی. به هر روی این‌ها دلایلی است که همگی در ایران نیز وجود دارد. برای مثال پیرامون خصوصی سازی و وجود این مهم در نظام حقوقی و اقتصادی ایران توجه به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شایان

۱. رهبری خرازی، مهسا، مطالعه و شناخت وضعیت حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۸۳، به نقل از عاملی‌نژاد، محمد امین، حاکمیت شرکتی در حقوق بانک‌داری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۱، صص ۴۲-۱۸.

2. Pettet, Ben, *company law*, 2nd ed., Pearson Education Lim., Harlow, 2005, p.53.

۳. میدری، احمد و حجاریان، مسعود، راهکارهای پیاده سازی اصول حاکمیت شرکتی در ایران، سمینار بازار سرمایه، موتور توسعه، تهران، ۷ و ۸ آذر، ۱۳۸۳، صص ۸-۲۲.

۲. حساس یگانه، یحیی، درس‌هایی از فروپاشی انرون در زمینه حاکمیت شرکتی، سلسله مقالات حاکمیت شرکتی، سال ۲۱، ۱۳۸۶، شماره ۱۷۸، صص ۱۱-۱۲.

۳. خرازی، مهسا، اصول راهبری شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، نشریه اطلاع رسانی بورس، تهران، ۱۳۸۵، صص ۳۳.

۴. میدری، احمد، سازگاری انواع حکمرانی شرکتی با اقتصاد در ایران، رساله دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، صص ۳۰-۳۹.

اهمیت است^۱ و در مورد وجود فسادهای مالی، نگاهی به فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره‌ی مفساد اقتصادی، اهمیت مبارزه و مقابله با آن را مشهود می‌نمایاند. از این رو و با عنایت به دلایل گفته شده پیرامون اهمیت به حاکمیت شرکتی، سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف مسئول، در سطح ملی و بین-المللی به تلاش پرداخته‌اند. در این راستا، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) به تبیین اصول حاکمیت شرکتی با توجه و دقت بیشتری پرداخته است که نهایتاً در سال ۲۰۰۴ میلادی پس از چند مرتبه بازبینی و ویرایش، ۶ اصل کلی را به عنوان اصول حاکمیت شرکتی منتشر نمود. این شش اصل به این صورت می‌باشد:

اصل اول: ایجاد زیربنای لازم برای اجرای کارآمد اصول حاکمیت شرکتی

اصل دوم: رعایت حقوق سهام‌داران عمده و جزء

اصل سوم: رفتار یکسان با سهام‌داران

اصل چهارم: نقش ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی

اصل پنجم: شفافیت در افشای اطلاعات

اصل ششم: مسئولیت‌های هیأت مدیره^۳

آنچه در اصول پیش رو می‌آید، اصل‌های دوم، سوم، و چهارم می‌باشد. همان‌طور که در اهداف تئوری‌ها و اصول حاکمیت شرکتی دیده شد، ذی‌نفعان و توجه بدان‌ها، مقوله ثابت می‌باشد. دقیقاً همان مفهومی که پایه‌ی مباحث این تحقیق می‌باشد. در فصل بعد ذی‌نفعان معرفی می‌شوند، تئوری آن تبیین می‌گردد و منافع هر یک تشریح می‌گردد.

۵. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۹، در

<http://asl144.mefa.ir/Portal/Home/Default.aspx?CategoryID=0cb6a927-e457-48ee-b9bb-496fab5682ac> Retrieved May 8, 2015 .

۲. فرمان هشت ماده‌ای رهبر انقلاب اسلامی به سران قوا درباره مبارزه با مفساد اقتصادی در دهم اردیبهشت ۱۳۸۰، در

<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=3062> Retrieved May 8, 2015 .

۳. حساس یگانه، یحیی، مرادی، جواد، بررسی اصول بازنگری شده سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در زمینه حاکمیت شرکتی، ماهنامه

حسابدار، س ۲۱، ۱۳۸۶، ش ۷، (پیاپی ۸)، ص ۴۵ .

بخش دوم:

تئوری ذی نفعان

فصل اول: مفهوم شناسی

برای روشن گشتن ذی‌نفعان ابتدا این واژه از بعد تاریخی بررسی می‌شود و سپس واژه‌ی لاتین آن به طور کامل ریشه‌شناسی می‌شود؛ در مبحث سوم معنای لغوی و اصطلاحی این کلمه در ادبیات و حقوق ایران ذکر شده و در نهایت مفهوم تئوری آن بیان می‌گردد.

مبحث اول) پیشینه

آغاز به کارگیری واژه‌ی stakeholder را سال ۱۷۰۸ میلادی دانسته‌اند! اما این لغت در متون امروزی با تغییر معنایی مواجه شده‌است. چنان‌که تا قبل از قرن بیستم بیشتر به عنوان واسطه بوده و به نوعی همان معنی لغوی خود را که از دو قسمت تشکیل شده، یعنی نگه دارنده‌ی سهم، دارا می‌بود. اما از نیمه دوم قرن بیستم معنی این واژه متحول شد و به معنای آنچه در این پژوهش مد نظر است تغییر معنا داد.

فریمن^۱ یافتن دقیق ریشه stakeholder را فوق‌العاده سخت می‌داند و قدیمی‌ترین تاریخی که برای این واژه می‌آورد، سال ۱۹۵۴ می‌باشد که آبراهام در مسئولیت‌های مدیریت در جهان پیچیده^۲ به کار برده‌است. اما وی برای کشف تقدم کاربرد این واژه به مؤسسه‌ی تحقیقاتی استنفورد سفرکرد و پس از گفتگوهای بیشتر با اساتید آن مؤسسه، در نهایت به این نتیجه رسید که پیشینه‌ی آن به سال ۱۹۶۳ برمی‌گردد که در اساسنامه داخلی همین مؤسسه به کار رفته‌است.^۳

در دهه‌ی بعد مفهوم ذی‌نفع وارد ادبیات برنامه‌ریزی استراتژیک گردید. سپس روش‌های تحلیل ذی‌نفعان در مدیریت توسعه‌یافت و در ادامه مدلی از سازمان و محیط آن با وجود ذی‌نفعان تدوین شد که در فرآیند برنامه‌ریزی بنگاه مورد استفاده قرارگرفت. همچنین رویکرد ذی‌نفعان در حوزه‌های تئوری

1. stakeholder. (n.d.). Online Etymology Dictionary. from Dictionary.com website: <http://dictionary.reference.com/browse/stakeholder> Retrieved June 20, 2015 .

2Freeman

3Abrams in "Management Responsibilities in a Complex World" .

4Freeman, R Edward, *Strategic Management: A Stakeholder Approach.*, MA: Pitman, Boston, ۱۹۸۴, pp.31&49 .

سیستم‌ها، تئوری سازمان و مسئولیت‌های اجتماعی آن نیز گسترش یافت.^۱ به هر روی باید مهم‌ترین و کامل‌ترین پیشینه‌ی ذی‌نفعان را کتاب "مدیریت استراتژیک- رویکرد ذی‌نفع" آر ادوارد فریمن دانست که به شرح و بسط تئوری ذی‌نفعان می‌پردازد و پس از آن تقریباً در هیچ مقاله یا منبعی نیست که به آن ارجاع داده نشده باشد. پس از فریمن، دونالدسون و پرستون^۲ در سال ۱۹۹۵ به طور جامع به تکمیل مباحث پیشین در تئوری ذی‌نفعان بنگاه پرداختند. در حال حاضر بحث پیرامون این تئوری همچنان ادامه دارد و اندیشمندان رشته‌های مختلف از جمله اقتصاد، مدیریت، حسابداری و حقوق از منظر خود آن را به بحث گرفته‌اند.

مبحث دوم) واژه شناسی از بعد لاتین

واژه stakeholder از دو واژه ی stake و holder که اسم فاعل فعل hold می‌باشد ساخته شده- است. لغت stake در ابتدا به معنی ستون چوبی و یا میخ چوبی بود^۳ که به مرور طی سه قرن بعد معنی آن به شرط و آنچه که در اثر شرط و گروکشی به برنده داده می‌شود تغییر یافت.^۴ واژه ی hold نیز به معنی نگه داشتن است. بنابراین اسم فاعل آن در معنی نگه‌دارنده خواهد بود و از ترکیب این کلمات کلمه‌ای مشتق مرکب ساخته می‌شود که به معنی نگه‌دارنده مال معین (مراهنه، پاداش، جایزه) می‌باشد، و معنی آن به‌خصوص در متون قدیمی‌تر، شخصی است که پول یا مالی را در تصرف دارد ولی حق، منفعت یا عنوانی نسبت به آن مال نداشته و منتظر است تا نتیجه‌ی اختلاف، مسابقه یا قمارظرفین معلوم گشته و

۱. عضدی دیلمی، بهشاد، باقری‌مقدم، ناصر، تکنیک‌های شناخت و تحلیل ذی‌نفعان با رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک در سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی (مطالعه موردی در شرکت برق منطقه‌ای گیلان)، بیست و سومین کنفرانس بین المللی برق، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱.

2Donaldson & Preston

3<http://www.oxforddictionaries.com/definition/english/stake> Retrieved august 11 2015 .

4 <http://www.ldoceonline.com/dictionary/stake> <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/british/stake> Retrieved June 20, 2015 .

۵. برای مطالعه بیشتر پیرامون قمار و گروبندی ر.ک. از لحاظ لغوی: دهخدا، علی اکبر، لغت نامه‌ی دهخدا، ج ۴۱، چ اول از دوره‌ی جدید، مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳، صص ۱۵۶۴۵ و ۱۶۸۵۹. مصاحب، غلامحسین، دایره‌المعارف فارسی، ج ۲، چ ۴، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۵۸۱. و از لحاظ فقهی: الموسوی الخمینی، روح‌الکله، المکاسب‌المحرمه، ج ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۹. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب، ج ۱، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۳۷۱. و از لحاظ حقوقی: کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۲، چ ۶، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱. زارعت، عباس، شرح قانون

وی این مال را به ایشان و یا برنده تحویل دهد^۱ و می‌توان گفت که در این معنی نوعی واسطه است و جایگاه او با ترأستی^۲ قابل مقایسه می‌باشد.^۳ در این معنی حتی دادگاه نیز می‌تواند stakeholder باشد برای مثال، هنگامی که در دعوی طرفین، دادگاه اموال را نگه می‌دارد.^۴ این معنی را بیشتر معنای حقوقی کلمه دانسته‌اند و اصولاً این مفهوم در متون حقوقی سنتی قابل برداشت می‌باشد.^۵ با این وجود در متون حقوقی جدید به‌خصوص حقوق اقتصادی و حقوق شرکت‌ها و همچنین در رشته‌های مدیریت و اقتصاد معنی stakeholder، مفهوم دیگری است که به صورت شخصی که نفعی در یک بنگاه دارد تعریف می‌شود.^۶ تعریف دیگر از این کلمه عبارت است از گروه، سازمان و یا شخصی که تحت تأثیر اهداف و سیاست و اقدامات سازمان قرار می‌گیرد یا بر آن تأثیر می‌گذارد.^۷ از جمله مهم‌ترین stakeholders در این معنا عبارتند از کارکنان، طلب‌کاران، مدیران، حاکمیت و نمایندگان وی، سهام‌داران، عرضه‌کنندگان و اتحادیه‌ها.^۸

مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، ج ۲، نشر ققنوس، تهران، ۱۳۸۲، ص ۵۲۲. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی، ج دوم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۸۳.

1 <http://dictionary.law.com/Default.aspx?searched=stakeholder&type=1> Retrieved June 20, 2015 .

2 <http://legal-dictionary.thefreedictionary.com/stakeholder> Retrieved June 20, 2015 .

۳. برای مطالعه بیشتر در مورد تراست ر.ک به عیسی تفرشی، محمد، محمودی، اصغر، تجزیه و تحلیل تراست در حقوق انگلیس و مقایسه آن با نهاد وقف در حقوق ایران، مجله پژوهش حقوق و سیاست، س ۶، زمستان ۱۳۸۳، ش ۱۳، صص ۴۶-۱۹. قلی‌پور علمداری، مهرا، مقایسه حدود وظایف و اختیارات متولی موقوفه در حقوق ایران با وظایف و اختیارات تراستی در حقوق انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، بابلسر، ۱۳۹۴.

3 A Law Dictionary, Adapted to the Constitution and Laws of the United States. By John Bouvier. S.v. "stakeholder.", <http://legal-dictionary.thefreedictionary.com/Stakeholder> & <http://the-difference-between.com/stakeholder/trustee> Retrieved June 20, 2015 .

4 <http://definitions.uslegal.com/s/stakeholders/> Retrieved June 20, 2015 .

نمونه‌ایی از این مورد در حقوق ایران مواد ۳۹۲ قانون تجارت (سپردن مال التجاره به صندوق عدلیه) می‌باشد .

5 Wikipedia contributors, "Stakeholder (law)," *Wikipedia, The Free Encyclopedia* , [https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Stakeholder_\(law\)&oldid=641086877](https://en.wikipedia.org/w/index.php?title=Stakeholder_(law)&oldid=641086877) (Retrieved June 20, 2015 . Hill, Gerald N, and Kathleen Hill. *Nolo's Plain-English Law Dictionary*. Nolo, 2009 ..

6 <http://www.investopedia.com/terms/s/stakeholder.asp> . *Wall Street Words: An A to Z Guide to Investment Terms for Today's Investor* by David L. Scott. S.v. "Stakeholder." from <http://financial-dictionary.thefreedictionary.com/stakeholder> Retrieved June 20, 2015 .

7 <http://thelawdictionary.org/stakeholder/> . BusinessDictionary.com. WebFinance, Inc. "stakeholder"

<http://www.businessdictionary.com/definition/stakeholder.html> Retrieved June 29, 2015 .

8. The Complete Real Estate Encyclopedia by Denise L. Evans, JD & O. William Evans, JD. S.v. "Stakeholder." <http://financial-dictionary.thefreedictionary.com/stakeholder> Retrieved June 25, 2015 .

نکته‌ی قابل توجه در بررسی معنی ذکر شده این‌که stakeholder در تعریف اول خود (مفهوم متقدم) هیچ نفع و سودی ندارد حال آن‌که در تعریف دوم دقیقاً همین مفهوم نفع داشتن مد نظر است و به عبارتی در لسان زبان شناسان کلمه ای با دو معنای متضاد است.^۱

Stakeholders در زبان فارسی ذی‌نفعان ترجمه شده‌است و حتی هنگامی که در حالت مفرد نیز به کار می‌رود اکثراً در فارسی حالت متناظر آن جمع خواهد بود.

مبحث سوم) واژه‌شناسی در ادبیات و حقوق ایران

ذی در لغت به معنی صاحب، دارا و مالک آمده‌است.^۲ نفع نیز به معنای سود، فایده، منفعت، ثمر، بهره و ریا و در مقابل ضرر معنا شده‌است. ذر فرهنگ‌های گفته شده کلمه‌ی ذی‌نفع^۳ ضبط نشده‌است چنان‌که در معدود قوانین قرن پیشین نیز این کلمه وجود ندارد. در فرهنگ‌های لغت جدیدتر ذی‌نفع ثبت شده و معنای آن همان معنای ترکیبی کلمه یعنی سودبرنده و صاحب سود می‌باشد.^۴

در موارد قابل توجهی از قوانین مختلف از ذی‌نفع استفاده شده و احتمال فراوان اولین مورد آن قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۰۱ می‌باشد، به هر روی با نگاه به قوانین، آن‌چه حاصل می‌شود این

1. Autoantonym , conronym

2. https://en.wiktionary.org/wiki/Appendix:Glossary_of_auto-antonyms#S Retrieved June 20, 2015 .

<http://www.dailywritingtips.com/75-cononyms-words-with-contradictory-meanings/> Retrieved June 20, 2015 .

۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه‌ی دهخدا، ج هفتم، ص ۱۶۱۳ . پادشاه، محمد متخلص به شاد، فرهنگ جامع فارسی آندراج، ج ۳ (د-س)، چ دوم، انتشارات کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۰۱۶ . عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، چ ۲، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۱۹۶ .

۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه‌ی دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۱۸ .

۵. اگرچه در قوانین ذی نفع به هر دو شکل جدا (ذی نفع) و پیوسته (ذینفع) نوشته شده است اما فرهنگستان زبان و ادب فارسی در آخرین نگارش دستور خط فارسی، برای کلمات مرکب به همراه پیشوند بیان داشته که الزاماً به صورت جدا نوشته می‌شوند هم چنین در قسمت "ب" این دستور خط کلمات مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شوند آمده که شماره‌ی ۸ آن چنین است: "عبارت های عربی که شامل چند جزء باشد (فرهنگستان زبان و ادب فارسی دستور خط فارسی(مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، چ ۵، انتشارات فرهنگستان، تهران، ۱۳۸۵، ص . صادقی، علی اشرف و زندی مقدم، زهرا، فرهنگ املائی خط فارسی (براساس دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، چ اول، انتشارات فرهنگستان، تهران، ۱۳۸۵، ص .

<http://www.persianacademy.ir/fa/tarkibat.aspx> Retrieved June 20, 2015 .

۶. انصاف پور، غلامرضا، کامل(فرهنگ فارسی)، چ ۳، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۷، ص . زعفرانچی، مسعود، آموزگار، حبیب الله، فرهنگ فارسی به فارسی دانش، چ اول، انتشارات صفار، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۴۲۹ .

که، معنای آن همان چیزی است که در ماده‌ی ۲ قانون آئین دادرسی ۱۳۱۸ به کار برده شده است^۱ ذی-
نفعی خواهان بدین معناست که در صورت صدور حکم علیه خوانده، باید نفعی نصیب خواهان گردد^۲
اعم از این که این نفع، مادی باشد یا معنوی^۳. نفع ادعا شده باید دارای ویژگی هایی باشد از جمله این که
حقوقی و مشروع به وجود آمده و باقی و شخصی و مستقیم باشد^۴. به هر روی ذی نفع بودن به این معنی
است که شخص از حیث ضرری که تحمل کرده اقامه‌ی دعوی کند و موضوعی را تعقیب نکند که برای
او نفعی دربر نداشته و وقت گران‌بهای دادرسان را صرف اموری ننماید که پیشرفت یا عدم پیشرفت آن
برای او مساوی باشد^۵. با این حال، گرچه مورد شایع و غالب استفاده از ذی نفع، مفهوم دادرسی آن می
باشد، اما در معنی اصلی لغوی خود نیز به کار برده شده است. نظیر آنچه در ماده‌ی ۱۲۹ لایحه قانون
اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ یا در ماده‌ی ۱۸ قانون اساسنامه بانک ملی ایران مصوب ۱۳۱۷
آمده است. البته این واژه در شاخه‌های حقوقی نیز کاربرد دارد چنان که بیان شده ذی نفع کسی است که در
دعوی یا در شهادت و اقرار و یا در عقدی از عقود و یا در ایقاعی یا ایقاعات و یا در وقایع خارجی (مانند
ضمانات قهری) به معیار قانون، نفع داشته باشد^۶.

۱. ماده ۲: هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع رسیدگی به دعوی را مطابق مقررات قانون درخواست نموده باشند.
۲. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دوره‌ی پیشرفته) ج اول، چ ۲۲، انتشارات دراک، تهران، بهار ۱۳۸۹، صص ۲۸۵-۲۸۱ .. حیاتی، علی عباس، آیین دادرسی مدنی (۱)، چ اول، نشر میزان، تهران، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۵۳.
۳. زارعت، عباس، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ اول، انتشارات خط سوم، تهران، ۱۳۸۳، ص ۳۰۲.
۴. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دوره‌ی پیشرفته)، صص ۲۸۵-۲۸۳. احمدی، نعمت، آیین دادرسی مدنی، چ اول، انتشارات اطلس، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۳.
۵. مهاجری، علی، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ ۲، انتشارات فکر سازان، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱.
۶. میتن دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج اول، چ اول، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۸، صص ۲۱۴-۲۱۱. واحدی، قدرت الله، آیین دادرسی مدنی با لحاظ قوانین جدید، ج اول، چ اول، نشر میزان، تهران، بهار ۱۳۷۷، صص ۲۸۸-۲۸۶.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، چ اول، انتشارات کتابخانه‌ی گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۰۱۲.

مبحث چهارم) مفهوم تئوری در حقوق شرکتها

تئوری ذی‌نفعان ی تئوری مدیریتی^۱ اخلاقی^۲ حقوقی^۳ اقتصادی^۴ و اجتماعی^۵ درباره ی شرکت است و ایده‌ای است که بیان می‌دارد برای این‌که شرکت موفق باشد باید واقعا چگونه عمل نماید و می‌بایست برای همگان ایجاد ارزش نماید.^۶ این تئوری گروه‌هایی که شرکت در مقابل آنها مسئول است را توسعه داده^۷ و بیان می‌کند که شرکت می‌تواند به عنوان مجموعه‌ای از روابط میان گروه‌هایی فهمیده شود که این گروه‌ها سهمی در فعالیت شرکت دارند^۸ و توجه ویژه به این گروه‌ها و روابط‌دُر موفقیت و پیشرفت شرکت بسیار مهم است.^۹ تئوری ذی‌نفعان یکی از تغییرات فوق‌العاده قابل توجه و عمده در

۱ Freeman, R Edward, *Strategic Management: A Stakeholder Approach* .

۲ Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications." *Academy of management Review* 20, no. 1 (1995): 65-91 .

۳ Alexander, Sarah Mehta. "Directors Duties under Cbca Shareholder Theory Versus Stakeholder Theory Consideration of Stakeholder Theory's Legal and Moral Supremacy." PhD dissertation, University of Toronto, 2012 .

۴ Jones, Thomas M. "Instrumental Stakeholder Theory: A Synthesis of Ethics and Economics." *Academy of management review* 20, no. 2 (1995): 404-37 .

۵ Steurer, Reinhard, Markus E Langer, Astrid Konrad, and Andre Martinuzzi. "Corporations, Stakeholders and Sustainable Development I: A Theoretical Exploration of Business–Society Relations." *Journal of Business Ethics* 61, no. 3 (2005): 263-81.

حساس یگانه، یحیی، مبانی نظری حاکمیت شرکتی، حسابدار، س ۲۰، دی ۱۳۸۴، ش ۱ (پیاپی ۱۶۸)، ص ۱۰ .

۶ <http://www.youtube.com/watch?v=Ih5IBe1cnQw> Retrieved June 27, 2015 .

۷ Sison, Alejo G. *Corporate Governance and Ethics: An Aristotelian Perspective*. Edward Elgar Publishing, 2008, p.93 .

۸ Visser, Wayne, Matten, Dirk, Pohl, Manfred, Tolhurst, Nick, *The A to Z of Corporate Social Responsibility*.

John Wiley & Sons, 2010, pp.372-373 . Ayuso, Silvia, Miguel Angel Rodriguez, and Joan Enric Ricart. "Responsible Competitiveness at the "Micro" Level of the Firm: Using Stakeholder Dialogue as a Source for New Ideas: A Dynamic Capability Underlying Sustainable Innovation." *Corporate Governance* 6, no. 4 (2006): 475-90 .

۹ Greenley, Gordon E, Gordon R Foxall. "External Moderation of Associations among Stakeholder Orientations and Company Performance." *International Journal of Research in Marketing* 15, no. 1 (1998): 51-69 . IN Duesing, Robert J. "Integrating Market and Stakeholder Orientation Theory." *International Journal of Business, Humanities and Technology* 3, no. 6 (june 2013), P.28 . Greenwood, Michelle. "Stakeholder Engagement: Beyond the Myth of Corporate Responsibility." *Journal of Business Ethics* 74, no. 4 (2007): 315-27, p.318 .

۱۰ <http://www.youtube.com/watch?v=bIRUaLcvPe8> Retrieved June 27, 2015 .

قرن اخیر بوده و بحث‌های متعددی را در متون دانشگاهی و میان نویسندگان به وجود آورده است^۲ و وظیفه مدیران و کارفرمایان را انجام وظیفه در راستای منافع تمامی اشخاص و گروه‌ها مانند کارکنان، مشتریان، اتحادیه‌ها، سرمایه‌گذاران، سهام‌داران، بانک‌ها و عرضه‌کنندگان دانسته، به گونه‌ای که منافع در مسیر یکسان قرار گرفته و میان آن‌ها تعادل ایجاد شود و در نهایت شرکت به سود همه‌ی اشخاص مذکور مدیریت شود.^۳ از این رو وظیفه‌ی مدیران است که تضمین کنند حقوق اخلاقی هیچ ذی‌نفعی نقض نمی‌شود^۴ و از اینجا تئوری با مبحث مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پیوند می‌خورد^۵ که البته علی‌رغم پیوند فراوانی که این دو با هم دارند، در تحقیق پیش رو به این مبحث پرداخته نمی‌شود چراکه هدف اصلی در نوشته حاضر شرح و بحث تئوری به معنای واقعی کلمه می‌باشد که البته گاهی در جهت اثبات مبانی و مدعاها موارد نمونه و نتایج تحقیقات عملی هم ذکر می‌شود. هرچند با توجه به عمر بیش از سه دهه‌ی تئوری، نمونه‌های عملی آن به دهه‌ی اخیر بر می‌گردد. چنان‌که اولین مورد بررسی شده از لحاظ عملی به سال ۲۰۰۷ به تحقیق یو و همکاران^۶ باز می‌گردد.^۷

۱ Amaeshi, Kenneth M, and Andrew Crane. "Stakeholder Engagement: A Mechanism for Sustainable Aviation." *Corporate Social Responsibility and Environmental Management* 13, no. 5 (2006): 245-60, p.247 .

۲ Wu, Minyu. "The Search for Sustainable Competitive Advantage: A Stakeholder Management Perspective." *Unpublished PhD dissertation, Massey University, Auckland, New Zealand* (2010), p.59 .
Castelo Branco, Manuel, and Lúcia Lima Rodrigues. "Positioning Stakeholder Theory within the Debate on Corporate Social Responsibility." (2007), p.2 .

۳ Sison, Alejo G. *Corporate Governance and Ethics: An Aristotelian Perspective*. Edward Elgar Publishing, 2008, p.76 .
Melé, Domènec. "Corporate Social Responsibility Theories." *The Oxford handbook of corporate social responsibility* (2008): 48-82 , p.63 .
Castelo Branco, Manuel, and Lúcia Lima Rodrigues. "Positioning Stakeholder Theory within the Debate on Corporate Social Responsibility." (2007), p.7 .
Nam, Joongkwon, *The Strategic Importance of the Stakeholder Approach in the Service Industry*, Massachusetts Institute of Technology, Cambridge, 2012, p.12 .

۴ Ibid .

۵ Matten, Dirk, Andrew Crane, and Wendy Chapple. "Behind the Mask: Revealing the True Face of Corporate Citizenship." *Journal of Business Ethics* 45, no. 1-2 (2003): 109-20 , p.111 .
Castelo Branco, Manuel, and Lúcia Lima Rodrigues. "Positioning Stakeholder Theory within the Debate on Corporate Social Responsibility." (2007), p.7 .

۶ Yau, Oliver HM, Raymond PM Chow, Leo YM Sin, Alan CB Tse, CL Luk, and Jenny SY Lee. "Developing a Scale for Stakeholder Orientation." *European Journal of Marketing* 41, no. 11/12 (2007): 1306-27 .

۷ Duesing, Robert J. "Integrating Market and Stakeholder Orientation Theory." *International Journal of Business, Humanities and Technology* 3, no. 6 (june 2013), P.28 .

فصل دوم: تعاریف و تقسیمات

مبحث اول) تعاریف مختلف

از ذی‌نفعان تعاریف مختلفی شده‌است و برای تعریف، شیوه‌های متفاوتی اتخاذ شده‌است. برخی آن را تقسیم‌بندی کرده و سپس راه تعریف را در پیش گرفته‌اند، فریمن تعریف را در کتاب خود با ارجاع به تعریف موجود در اساسنامه‌ی داخلی مؤسسه‌ی تحقیقاتی استنفورد آغاز می‌کند. براساس این اساسنامه ذی‌نفعان عبارتند از آن گروه‌هایی که سازمان برای تداوم حیاتش به آنها وابسته است و بدون آنها عملیات سازمان متوقف می‌شود. تعریف خود وی نیز چنین است: هر شخص یا گروهی که تحت تأثیر و تأثر دستاوردهای شرکت قرار دارد. این تعریف به تعریف گسترده پیرامون ذی‌نفعان معروف است و بیشترین ارجاع در تعاریف به تعریف گفته شده بر می‌گردد^۳، جالب آن‌که میچل و آگل و وود پس از

1. Freeman RE Reed, and DL Reed. "Stockholders and Stakeholders: A New Perspective in Corporate Governance." *California management review* 25, no. 3 (1983): 88-106, p.91 . or Freeman, R Edward. *Strategic Management: A Stakeholder Approach*. Boston, MA: Pitman, 1984, p.31 .

۳Freeman, R Edward, *Strategic Management: A Stakeholder Approach*, p.۴۶ .

۳. برخی از این ارجاعات عبارتند از :

Berman, Shawn L, Andrew C Wicks, Suresh Kotha, and Thomas M Jones. "Does Stakeholder Orientation Matter? The Relationship between Stakeholder Management Models and Firm Financial Performance." *Academy of Management journal* 42, no. 5 (1999): 488-506, p.488 . Freeman, R Edward, and Daniel R Gilbert. "Managing Stakeholder Relationships." *Business and society: Dimensions of conflict and cooperation* 397 (1987): 423, p.397 . Mitchell, Ronald K, Bradley R Agle, and Donna J Wood. "Toward a Theory of Stakeholder Identification and Salience: Defining the Principle of Who and What Really Counts." *Academy of management review*, vol.22, no. 4 (1997): 853-86 . Svendsen, Ann., *The Stakeholder Strategy: Profiting from Collaborative Business Relationships*, Berrett-Koehler Publishers, 1998 . Tiras, Samuel L, Bernadette M Ruf, and Robert M Brown. "The Relation between Stakeholders' Implicit Claims and Firm Value.", Available at *SSRN 141342* (Retrieved June 27, 2015), (1998) . Werhane, P., and R.E. Freeman. *The Blackwell*

بررسی بیش از ۲۵ تعریف باز هم همین تعریف را مورد پذیرش قرار می‌دهند.^۱ فریمن در سال ۲۰۰۴ تعریف خود از ذی‌نفعان را به صورت گروه‌هایی که برای بقا و موفقیت شرکت حیاتی هستند بیان کرد.^۲ این تعریف سازمان‌محور بوده و لذا بیشتر از همان تعریف سال ۸۴ استفاده می‌کنند.^۳ تعاریف دیگر به صورت ذیل می‌آید: ذی‌نفعان اشخاص یا گروه‌هایی با منافع مشروع در ابعاد شکلی و یا ماهوی فعالیت-های شرکت هستند. شناخت ذی‌نفعان با توجه به نفع آن‌ها در شرکت می‌باشد یعنی این‌که آیا شرکت هیچ منفعت کارکردی مرتبط با آن‌ها دارد یا نه؟ ذی‌نفعان از طریق مزایای بالقوه‌ای که داشته و یا انتظار داشتن آن را به عنوان نتیجه فعل و یا ترک فعل شرکت می‌کشند، شناخته می‌شوند.^۴ دارندگان قرارداد^۵ دارندگان سهم و یا ادعا نسبت به شرکت،^۶ ارتباط‌داران با سازمان،^۷ مشارکت‌کنندگان با ادعایی مشروع،^۸ دارندگان ادعا، نفع، حق و یا مالکیتی نسبت به شرکت و^۹ دارندگان رابطه‌ی مشروع و غیرجزیی با شرکت

Encyclopedia of Management and Encyclopedic Dictionaries, the Blackwell Encyclopedic Dictionary of Business Ethics. Wiley, 1999 .

۱ Mitchell, Ronald K, Bradley R Agle, and Donna J Wood. "Toward a Theory of Stakeholder Identification and Salience: Defining the Principle of Who and What Really Counts.", pp.853-86 .

۲ Freeman, R Edward. "A Stakeholder Theory of the Modern Corporation." *Perspectives in Business Ethics* Sie 3 (2001): 144.

۳ Fontaine, Charles, Antoine Haarman, and Stefan Schmid. "The Stakeholder Theory." *Edlays education* 1 (2006): 1-33, p.6 .

۴ Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications." *Academy of management Review*, vol.20, no. 1 (1995): 65-91, P.67 .

۵ Ibid, p.84 .

۶ Cornell, Bradford, and Alan C Shapiro. "Corporate Stakeholders and Corporate Finance." *Financial management* (1987): 5-14, p.5 .

۷ Evan, William M, and R Edward Freeman. *A Stakeholder Theory of the Modern Corporation: Kantian Capitalism.* 1988, pp.75-76 .

۸ Thompson, Judith Kenner, Steven L Wartick, and Howard L Smith. "Integrating Corporate Social Performance and Stakeholder Management: Implications for a Research Agenda in Small Business." *Research in corporate social performance and policy* 12, no. 1 (1991): 207-30, p.209 .

۹ Hill, Charles WL, and Thomas M Jones. "Stakeholder-Agency Theory." *Journal of management studies* 29, no. 2 (1992): 131-54, p.133 .

۱۰ Clarkson, Max E. "A Stakeholder Framework for Analyzing and Evaluating Corporate Social Performance." *Academy of management review* 20, no. 1 (1995): 92-117, p106 .

از قبیل معاملات و مسئولیت‌های اخلاقی^۱ از دیگر تعاریف می‌باشد. بویی همان تعریف مؤسسه‌ی استنفورد را تکرار می‌کند.^۲ همچنین موارد زیر نیز به عنوان تعریف ذی‌نفعان ذکر شده‌است: گروه‌هایی که شرکت در مقابل آن‌ها یا رفاه آن‌ها مسئول است^۳ و آن‌ها نیز نفع اخلاقی و یا حقوقی نسبت به شرکت دارند؛ آن‌ها که در اقدامات سازمان نفع دارند و نیز توانایی تأثیر بر اقدام سازمان دارند.^۴

مبحث دوم) تقسیمات ذی‌نفعان

همان‌طور که در سطور بالا آمد ذی‌نفعان را برای تعریف به گروه‌هایی تقسیم‌بندی کرده‌اند، البته بعضی از این تقسیم‌ها در قسمت طبقه‌بندی ذی‌نفعان نیز آمده‌است که تقسیم‌بندی ذی‌نفعان بیشتر در جهت شناخت هر گروه و درجه بندی اهمیت آن می‌باشد اما در طبقه‌بندی‌ها بیشتر به دنبال توصیف تئوری و تسهیل درک جنبه‌های مختلف آن توجه شده‌است. در این‌جا پیرامون هر یک از گروه‌ها با توجه به میزان محبوبیت و کارکرد آن‌ها توضیحاتی داده می‌شود.

تقسیم اول که بیشتر استفاده شده و صرفاً پیرامون نحوه تعریف است همان است که فریمن در سال ۱۹۸۳ به کار برده‌است. یعنی تقسیم تعریف به محدود و گسترده. تعریف اشخاص تحت تأثیر و تأثر شرکت بسیار گسترده است چراکه مفهوم سهم و سهام‌داران را به قدری باز می‌گذارد که هرکسی شامل آن می‌شود و همچنین شامل روابط، معاملات و قراردادهای می‌گردد. لذا زمانی از تعریف خارج می‌شوند که نتوانند بر شرکت تأثیر بگذارند (بدلیل نداشتن قدرت) و یا تحت تأثیر شرکت قرار نگیرند (به جهت این که رابطه یا ادعایی نسبت به شرکت ندارند)، تعاریف و دیدگاه‌های گسترده بر پایه این واقعیت تجربی

۱ Brenner, Steven N, and PL Cochran. "The Stakeholder Theory of the Firm and Organizational Decision Making: Some Propositions and a Model." Paper presented at the Proceedings of the fourth annual meeting of the international association for business and society, 1993, p.205 .

۲ Bowie, Norman. "The Moral Obligations of Multinational Corporations." *Problems of international justice* 97 (1988): 113, p.112 .

۳ Alkhafaji, Abbas F. *A Stakeholder Approach to Corporate Governance: Managing in a Dynamic Environment*. Praeger Pub Text, 1989.

۴ Langtry, Bruce. "Stakeholders and the Moral Responsibilities of Business." *Business Ethics Quarterly* 4, no. 04 (1994): 431-43, p.433 .

۵ Savage, Grant T, Timothy W Nix, Carlton J Whitehead, and John D Blair. "Strategies for Assessing and Managing Organizational Stakeholders." *The executive* 5, no. 2 (1991): 61-75, p.61 .

قرار دارند که شرکت‌ها می‌توانند در واقع به طور ضروری تحت تأثیر و تأثر تقریباً هر کسی قرار بگیرند اما اعمال این دیدگاه برای مدیران شرکت بسیار سخت و همراه با سردرگمی در شناخت اشخاص منظور خواهد بود. تعریف مؤسسه‌ی استنفورد را هرچند فریمن ذکر کرده‌است اما بسیار محدودتر از تعریف ایشان می‌باشد، دیدگاه‌های محدود بر پایه‌ی این واقعیت عملی قرار دارند که منابع محدود، صبر محدود و زمان محدود برای توجه مدیران به همه وجود دارد و موانع خارجی نیز فراوان است و لذا مدیر نمی‌تواند به همه رسیدگی کند و در این بین پیروان این‌گونه تعریف سعی می‌کنند تا گروه‌ها را در شرایط ارتباط مستقیم با منافع اقتصادی اصلی بنگاه تعریف کنند^۱ و با توجه به مشخصه‌هایی است که هر نویسنده روی آن تأکید دارد^۲ تعریفی ارائه شده است چنان‌که در همین تقسیم‌بندی به اولیه و ثانویه، برخی تعریف را با توجه به رابطه ارائه داده‌اند و برخی با دقت به تأثر متقابل شرکت و طرف دیگر.

ذی‌نفعان اولیه ذی‌نفعانی هستند که بنیان شرکت شمرده می‌شوند^۳ و رابطه‌ی معین قراردادی و مستقیم با شرکت دارند. این گروه گاهی ذی‌نفعان قراردادی^۴ نامیده می‌شوند.^۵ ذی‌نفعان اولیه شامل مدیران، کارکنان، مشتریان، سهام‌داران و عرضه‌کنندگان هستند. این مشارکت‌کنندگان نیاز به توجه روز به روز و ماه به ماه از لحاظ قانونی و از سوی مدیران دارند.^۶ ذی‌نفعان ثانویه از بازیگرانی ترکیب می‌گردند که در مرزهای شرکت قرار گرفته و ممکن است فعالیت‌های شرکت بر آن‌ها اثر بگذارد بدون آن‌که رابطه-

۱ Mitchell, Ronald K, Bradley R Agle, and Donna J Wood. "Toward a Theory of Stakeholder Identification and Salience: Defining the Principle of Who and What Really Counts." *Academy of management review* 22, no. 4 (1997): 853-86, pp.856-857 .

۲ Wu, Minyu. "The Search for Sustainable Competitive Advantage: A Stakeholder Management Perspective." *Unpublished PhD dissertation, Massey University, Auckland, New Zealand* (2010), p.54 .

۳ Dean, Janice. *Directing Public Companies: Company Law and the Stakeholder Society*. Routledge, London, 2001, p.103 . and Clarkson, Max E. "A Stakeholder Framework for Analyzing and Evaluating Corporate Social Performance." *Academy of management review* 20, no. 1 (1995): 92-117, pp.106-107 .

۴ contractual stakeholders

۵ Carroll, A., and A. Buchholtz, *Business and Society: Ethics and Stakeholder Management*, Cengage Learning, O.H.: South Western, 2008 . in Pesqueux, Yvon, and Salma Damak-Ayadi. "Stakeholder Theory in Perspective." *Corporate Governance: The international journal of business in society* 5, no. 2 (2005): 5-21, p.8 . and Clarkson, Max E. "A Stakeholder Framework for Analyzing and Evaluating Corporate Social Performance." *Academy of management review* 20, no. 1 (1995): 92-117, pp.106-107 .

۶ Dean, Janice. *Directing Public Companies: Company Law and the Stakeholder Society*. p.103 .

ی قراردادی با شرکت داشته باشند. رسانه‌های محلی و ملی، اجتماعی و محیط و همه‌ی آنچه که می‌تواند برای موفقیت در مواقع بحرانی اساسی باشد، در این گروه جای گرفته‌اند.

دیدگاه محدود با اولیه یکسان نیست، در دیدگاه کلارکسون برای دسته‌بندی اولیه و ثانویه آنچه اهمیت دارد، بقا و حیات واقعی شرکت است حال آن‌که در دیدگاه محدود و گسترده فریمن، اثرگذاری در موفقیت شرکت و رعایت هنجارها و اخلاق مطرح است. در واقع تعریف فریمن با تعریف ذی‌نفعان ثانویه از کلارکسون بسیار مطابقت دارد. ذی‌نفعان ثانویه نیز کسانی هستند که تحت تأثیر و تأثر شرکت می‌باشند^۱.

فصل سوم: انواع ذی‌نفعان در شرکت‌ها

در این فصل ذی‌نفعان یک شرکت معرفی می‌شوند. البته این تعداد محدود نبوده و برای هر شرکتی می‌تواند متفاوت باشد اما موارد اصلی که به عنوان ذی‌نفعان ذکر شده اند همین موارد می‌باشد. به جهتی راحتی فهم مطالب به پیروی از فریمن ذی‌نفعان رد دو دسته تقسیم بندی شده اند.

مبحث اول) ذی‌نفعان درونی

برخی از ذی‌نفعان در دایره‌ی ارتباطی نزدیک‌تری با شرکت قرار دارند و به طور مستقیم از آن اثر می‌پذیرند این اشخاص طی شش گفتار در ادامه می‌آید.

گفتار اول) سهام‌داران

سهام‌داران و به عبارتی مالکان اشخاصی هستند که با آوردن سرمایه خود به شرکت آن را تشکیل داده‌اند و یا پس از آن در فرآیندهای ممکن سهام شرکت را به دست آورده‌اند. نگرانی اولیه سهام‌داران

۱ Clarkson, Max E. "A Stakeholder Framework for Analyzing and Evaluating Corporate Social Performance." *Academy of management review* 20, no. 1 (1995): 92-117, pp.106-107 .

۲ Pedersen, Thomas, *Stakeholder Theory: Lessons from Denmark*, MA thesis, Aarhus university, Aarhus, 2004, pp.31-32 .

این است که سرمایه ایشان به آنها بازگردانده شود البته آنها با هدف به دست آوردن سود بیشتر دست به چنین سرمایه‌گذاری زده‌اند. سهام‌داران می‌توانند یک شخص و یا گروهی عظیم از اشخاص باشند آنها می‌بایست منابع لازم را برای این‌که شرکت به طور کارآمد فعالیت کند فراهم‌کنند از جمله کارکنان، مواد خام، ماشین‌آلات و تجهیزات. البته طبعاً با توجه به این‌که در تئوری‌های اولیه و پایه هدف اصلی و غایی مدیران را حداکثرسازی ثروت سهام‌داران می‌دانند و ایشان را ذی‌نفع اول و نهایی عنوان کرده و نقش آن‌ها در قوانین ایران نیز مشخص است لذا سهام‌دار مفهومی واضح می‌باشد که همین اشاره پیرامون آن کافی باشد.

گفتار دوم) کارکنان

در میان ذی‌نفعان بیشترین گروهی که نیازمند حمایت ذکر شده‌اند کارکنان می‌باشند^۱ مثال واضح آن، جنبش‌های کارگری است که در قرن‌های اخیر رخ داده و نیز مسائل پیرامون آن و قوانینی که به تصویب رسیده‌است. واژه ی employee در متون حقوق شرکت‌ها نه کارگر و نه کارمند بلکه کارکنان ترجمه شده‌است که به نوعی جامع بین هر دو باشد.^۲ در قوانین نیز کارگر کسی است که به هر عنوان تحت دستور کارفرما کار می‌کند^۳ کارکنان نیز در قوانین مختلفی آمده‌است که تعریف به نوعی مختص همان قانون بوده و از سوی دیگر کلیات مورد نظر برای درک مفهوم کلمه در تمام تعاریف یکسان است. برای مثال در جایی^۴ آمده‌است که کارکنان به افرادی اطلاق می‌شود که در امور اداری و اجرایی مؤسسات و دفاتر شاغل خواهند شد.^۵

۱ Van Wezel Stone, Katherine. "Employees as Stakeholders under State Nonshareholder Constituency Statutes." *Stetson L. Rev.* 21 (1991): 45, P.45 .

۲. خادمان، محمود، تقریرات درس متون حقوقی شرکت‌ها، دانشگاه علوم قضایی، تهران، پاییز ۱۳۹۱ .

۳. قانون کار، ۱۳۳۷، ماده ۱ .

۴. آیین‌نامه ی اجرایی ماده ی ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤسسات خدمات انتظامی (حفاظتی و مراقبتی)، ۱۳۸۸/۸/۱۷ .

۵. برای تعریف کارمند نیز ر.ک. به قانون مدیریت خدمات کشوری، ۸۶/۷/۸، ماده ۷ .

در ادامه بحث پرسابقه‌ی حمایت از کارکنان و اهمیت آنان در حاکمیت شرکتی بلر و رو یک تحقیق عملی و نظری را پیشنهاد می‌کنند^۱ از ویژگی‌های اساسی رابطه کارکنان و شرکت قدرت کارفرما (شرکت) می‌باشد که به موجب آن اطاعت از راهبردهای شرکت لازم می‌آید. ویژگی دیگر این است که همچون بازار نیست و پارامترها و مشخصه‌های آن بر طبق نظامات اداری داخلی مشخص و معین است که در این ترتیبات و قراردادهای استخدام می‌توان به‌جای الزام و اجبار، موارد سودمندی را برای کارکنان قرار داد.^۲ نکته‌ی دیگر این‌که کارکنان همواره در ریسک هستند؛ برای مثال آسیب‌های جسمی و خسارات دیگر ناشی از کار^۳ همچنان ادغام و دیگر ترتیبات انتقال شرکت^۴؛

کارکنان همانند اعضای شرکت سرمایه آن را فراهم می‌کنند^۵ و سرمایه انسانی یک منبع ضروری ارزش برای^۶ مزایای رقابتی و شرکت‌ها می‌باشد و اما نکته‌ی آخر در توجه به نقش و جایگاه کارکنان این‌که ایشان در شرکت‌های بزرگ بیش از هر گروه دیگر امکان اتحاد و دست یافتن به مدیریت را دارند حال آن‌که در تئوری‌های مدیریت حمایت کافی از کارکنان فردی نمی‌شود.^۷

با توجه به مباحث گفته شده و شناخت اهمیت کارکنان در جهت حمایت از آنان و ونیز تأثیر بیشتر ایشان در روند تصمیم‌گیری شرکت راهکارهایی بیان شده است که در ادامه می‌آید. یکی از مواردی که ذکر شده این است که آنان خود سهام‌دار شرکت باشند و بدین صورت کنترل مدیران را نیز

^۱ Blair, Margaret M, and Mark J Roe. *Employees and Corporate Governance*. Brookings Institution Press, 2010. IN Abe, Naohito, and Satoshi Shimizutani. "Employment Policy and Corporate Governance—An Empirical Comparison of the Stakeholder and the Profit-Maximization Model." *Journal of Comparative Economics* 35, no. 2 (2007): 346-68, p.347 .

^۲ Cheffins, Brian R. "Company Law: Theory, Structure and Operation." *Oxford University Press, London*, (1997), pp.82-83 .

^۳ Cheffins, Brian R. "Company Law: Theory, Structure and Operation.", p.91 .

^۴ Van Wezel Stone, Katherine. "Employees as Stakeholders under State Nonshareholder Constituency Statutes." *Stetson L. Rev.* 21 (1991), P.48 .

^۵ Summers, Cylde W. "Codetermination in the United States: A Projection of Problems and Potentials." *J. Comp. Corp. L. & Sec. Reg.* 4 (1982), p.170 .

^۶ okigbo, Martha Sophie. "The Role of Employees as Stakeholders in Corporate Governance." Master dissertation (distinction) - LLM in International Corporate Governance, Financial Regulation and Economic Law (ICGFREL), uninersity of London, London, 2012, p.10 .

^۷ Lynch Fannon, Irene, *Working within Two Kinds of Capitalism: Corporate Governance and Employee Stakeholdning-US and EC Perspectives*, Hart Publishing-Oxford, Portland, 2003, pp.7-8 .

در دست داشته باشند^۱ که البته بحث در اینجا فراتر از این است همان طوری که بیان شد کارکنان، سرمایه انسانی هستند بنابراین اگر شرکت می‌خواهد ایشان منافع عظیم در قلمرویی وسیع‌تر برای شرکت به ارمغان بیاورند باید با آنان به مثابه اشخاص آورنده‌ی سرمایه رفتار کنند. اگر چنین باشد کارکنان با اشتیاق و تمرکز شرکت را سودمندتر خواهند نمود.^۲ در مقابل تصور کنید هنگامی که کارکنان صد درصد تلاش-شان، انرژی‌شان و خلاقیت‌شان را برای شرکت به کار نگیرند، چنین شرکتی در آینده افت کرده و شکست می‌خورد.^۳

راهکار دیگری که بیان شده داشتن اتحادیه‌ها و نیز نمایندگی کارکنان در مدیریت شرکت می‌باشد که این موجب ایجاد حس الزام و تعهد به شرکت گشته و نه تنها بر رفاه اقتصادی و افزایش کارایی آنان اثر می‌گذارد^۴ بلکه با دادن این نقش به کارکنان، منافع سهام‌داران نیز افزایش می‌یابد.^۵ به عبارتی کارکنان، واسطه‌ی شرکت و مشتریان هستند و حمایت از آنان حمایت از خدمات مشتریان نیز خواهد بود.^۶ شرکت‌های آلمانی با تعداد کارکنان زیاد مطرح شده‌اند تا برای نمایندگی کارکنان در هیأت مدیره شرایطی را فراهم کنند^۷ اتحادیه‌ی اروپا نیز با بررسی رشد مشارکت کارکنان طی سی سال، در آخرین بررسی خود از شرکت‌های اروپایی بیان کرد که مشارکت کارکنان اثر مثبت بر روی بهره‌وری می‌گذارد.^۸ لذا ایجاد این فرضیه که کارکنان حقی مشروع در بنگاه دارند این امکان را ایجاد می‌کند که دادگاه‌ها، خط مشی‌ها و

۱ Cheffins, Brian R. "Company Law: Theory, Structure and Operation.", p.91 .

۲ Spiegelman, Paul. "Deliver Value to Your Employees€"Your Most Important Stakeholders.", from <http://www.inc.com/articles/201107/beryl-companies-paul-spiegelman-deliver-value-to-employees-your-most-important-stakeholders.html> Retrieved august 06, 2015 .

۳ <http://www.youtube.com/watch?v=Ih5IBe1cnQw> Retrieved June 27, 2015 .

۴ Cheffins, Brian R. "Company Law: Theory, Structure and Operation.", p.92 .

۵ Roberts, Donald John, and Eric Van den Steen. "Shareholder Interests, Human Capital Investment and Corporate Governance." (2000), P.1 .

۶ drucker, peter. "Who Are a Company's Most Important Stakeholders?", from <http://www.destination-innovation.com/articles/who-are-a-companys-most-important-stakeholders/> . Retrieved august 06, 2015 .

۷ Cheffins, Brian R. "Company Law: Theory, Structure and Operation.", p.92 .

۸ the Inter-University Center for European Commission's DG MARKET . "The Promotion of Employee Ownership and Participation." edited by Iraj Hashi Jens Lowitzsch 159: European Union, october 2014, abstract .

بازارهای کاری به آنها توجه بیشتری معطوف دارند^۱ اما آنچه واضح است این که در شرکت‌های بسیار بزرگ و چندملیتی^۲ امکان چنین اتحادیه‌ها و نمایندگی‌هایی لاًقل به گونه‌ای آسان امکان‌پذیر نیست و جدای از این تحقیقات اخیر، مشارکت و نمایندگی کارکنان^۳ تأیید کرده است که کارکنان آگاهند که چندان از اقدامات جمعی تحت نهادهایی همچون اتحادیه خوششان نمی‌آید. در همین راستا، بررسی سال ۲۰۰۵ هارت این نکته را فهماند که ۵۳ درصد از کارکنان عقیده دارند که کارفرمایان مخالف اتحادیه‌ها هستند و تلاش می‌کنند آنها را برای رأی ندادن اقناع کنند^۴ این موارد باعث شد که در نگارش‌های جدید از تئوری از راهکارهای مدیریتی به سمت راه حل‌های حقوقی سیر گردد، چنان‌که در ادامه‌ی تحقیق حاضر بیان می‌گردد.

گفتار سوم) مشتریان

مشتریان اشخاصی هستند که کالا، خدمات و تولیدات را می‌خرند؛^۵ این تعریف ابتدایی مشتری می‌باشد و امروز مشتری فراتر از این معناست و به شخصی اطلاق می‌شود که از خدمات و تولیدات شرکت منتفع می‌شود^۶ به عبارتی می‌توان گفت دامنه‌ی تعریف گسترده‌تر شده‌است همچون تعریف گسترده از ذی‌نفعان و این موارد همه، در جهت ادامه‌ی حرکت در راستای تئوری ذی‌نفعان می‌باشد. مشتری و معرفی‌کننده با یکدیگر تفاوت اندکی دارند چنان‌که مشتری می‌تواند خود مصرف‌کننده باشد یا

۱ Jacoby, Sanford M. "Employee Representation and Corporate Governance: A Missing Link." *U. Pa. J. Lab. & Emp. L.* 3 (2000): 449, P.489 .

۲. اگرچه بهتر است از واژه فراملی استفاده شود. برای مطالعه پیرامون حقوق شرکت‌های فراملی به صورت جامع، مختصر، به روز و حاوی نکات عملی ر.ک خادمان، محمود، جزوه حقوق شرکت‌های فراملی، دانشگاه علوم قضایی، پاییز ۱۳۹۲ .

۳ Worker Representation and Participation Survey (WRPS)

۴ Freeman, Richard Barry, and Joel Rogers. *What Workers Want*. Cornell University Press, Ithaca, 2006, P.16

۵ Collin, Peter Hodgson. *Dictionary of Economics*. A & C Black publisher, London, 2003, p.44 .

۶ <http://monajemi.ir/%D8%A2%D8%B4%D9%86%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D8%A8%D8%A7-%D9%85%D9%81%D9%87%D9%88%D9%85-%D9%85%D8%B4%D8%AA%D8%B1%DB%8C-%D9%88-%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A7%D8%B9-%D8%A2%D9%86/> Retrieved august 10 , 2015

نباشد به عبارتی همه مشتری‌ها مصرف‌کننده نیستند و مشتری اعم از مصرف‌کننده می‌باشد.^۱ به هر روی آن‌که با شرکت رابطه‌ی مستقیم دارد؛ مشتری می‌باشد، گرچه در هدف گذاری شرکت‌ها به هر دو بعد توجه می‌شود اما در اینجا به صرف تشابه ذیل یک عنوان بحث می‌شود.

از دلایل اهمیت توجه به مشتریان این‌که امروزه انتخاب‌های فراوانی وجود دارد و استانداردهای متعددی برای کیفیت بیان گشته‌است و از طرف دیگر مشتریان خودشان نقشی حیاتی در آفرینش کیفیت و افزایش بهره‌وری دارند لذا از این بابت مطرح شده‌است که شرکت‌ها مشتریان را همانند کارکنان پاره-وقت^۲ ببینند چراکه ایشان همانند کارکنان در هر دو بعد کمیت و کیفیت در بهره‌وری و تولید شرکت اثر می‌گذارند^۳ لذا این توجه امروزه به خصوص در شرکت‌هایی با مشتریان فراوان به گونه‌ای مؤکد مورد توجه نویسندگان مدیریت و حقوق قرار گرفته‌است. بی شک قوانین حمایتی مصرف‌کننده و بحث‌های قابل توجهی که از این باب در حقوق اقتصادی و نیز پایان‌نامه‌ها و مقالات اخیر این رشته‌ها وجود دارد از همین رو می‌باشد.

گفتار چهارم) عرضه کنندگان

نهادهایی هستند که کالاها و خدمات را برای نهادهای دیگر فراهم می‌کنند، این نهاد بخشی از زنجیره عرضه یک شرکت می‌باشد و ممکن است حجم عظیمی از ارزش را در بر بگیرد. یک عرضه‌کننده معمولاً تولیدکننده یا توزیع‌کننده است. توزیع‌کننده کالاها را از تولیدکننده می‌خرد و آن‌ها را به مشتری می‌فروشد.^۴ در قانون نیز به کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان، فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات و ... که به طور مستقیم یا غیرمستقیم و به صورت کلی یا جزئی کالا یا خدمت به مصرف‌کننده ارائه می‌-

^۱ Akman, Pinar. "Consumer' versus 'Customer': The Devil in the Detail." *Journal of Law and Society* 37, no. 2 (2010): 315-44, p.323 .

^۲ partial employee

^۳ Jo Bitner, Mary, William T Faranda, Amy R Hubbert, and Valarie A Zeithaml. "Customer Contributions and Roles in Service Delivery." *International journal of service industry management* 8, no. 3 (1997): 193-205, pp.193&197 .

^۴ <http://www.yourdictionary.com/supplier> Retrieved august 11 2015 .

<http://www.accountingtools.com/supplier-definition> Retrieved august 11 2015 .

نمایند اطلاق می‌شود.^۱ با تعریف قانونی، نقش بسیار زیاد عرضه‌کننده مشخص شد. حال این اشخاص هر کجای زنجیره‌ی اقتصادی قرار گیرند بی‌شک در ارتباط مستقیم با شرکت هستند و چنان بر شرکت تأثیر می‌گذارند و شرکت از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد که لاجرم باید مدیران شرکت جایگاه ویژه‌ای را در تصمیم‌گیری‌های خود برای آن‌ها در نظر بگیرند.

ذی‌نفعان اصلی و یا بنابر طبقه‌بندی فریمن ذی‌نفعان داخلی همین گروه‌هایی بود که ذکر شده ولی به طریقی که قبلاً گفته شد طبقه‌بندی‌های ذی‌نفعان متفاوت بوده و برخی گروه‌های دیگر را نیز در میان ذی‌نفعان اولیه ذکر می‌کنند که این گروه‌ها و اولویت آن‌ها با توجه به ویژگی‌های شرکت‌ها متفاوت می‌باشد و لذا ممکن است برای یک سازمان همچون سازمان‌های مردم‌نهاد جوامع محلی جزء ذی‌نفعان اصلی و اولیه باشند حال آن‌که در شرکتی خصوصی دیگر پیرامون بیمه‌کشتی جزء ذی‌نفعان ثانویه قرار گیرد یا به همین قیاس برای شرکتی سرمایه‌گذاری، بانک ذی‌نفع اصلی باشد ولی در شرکتی دیگر بانک نقشی نداشته باشد البته بیان این سلسله‌مراتب را بیشتر باید از دید مدیریتی دانست. به هر روی در ادامه توضیح مختصر پیرامون هر یک از گروه‌های ذی‌نفع دیگر داده می‌شود و بخصوص که این مفاهیم و تعاریف آن‌ها برای دانشجویان حقوق اندکی غیرملموس می‌باشد.

گفتار پنجم) تأمین‌کنندگان مالی

اصولاً این گروه، اشخاصی هستند که سرمایه‌ی کلانی دارند و می‌توانند در مقیاس بزرگی سرمایه‌گذاری کنند.^۲ در این معنی شامل بانک‌ها نیز می‌گردد. این گروه را به واسطه‌ی نقش حیاتی که در شکل‌دهی اقتصاد دارند^۳ جزء ذی‌نفعان اصلی ذکر کرده‌اند و بیان گشته؛ هیچ شرکتی نمی‌تواند به حیات

۱. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، ۱۳۸۸/۷/۱۵، ماده ۱. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو، ۱۳۸۲/۳/۲۳، ماده ۱.

۲ <http://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/financier> Retrieved august 14 2015 .

۳ Visser, Wayne, Dirk Matten, Manfred Pohl, and Nick Tolhurst. *The a to Z of Corporate Social Responsibility*. John Wiley & Sons, 2010, p.347 .

خویش ادامه دهد مگر این که همواره حامیان مالی خود را در وضعیت بهتری قرار دهد!

گفتار ششم) طلب کاران

طلب کار شخصی است که تعهدی در مقابل او می‌بایست اجرا شود و این رابطه یک رابطه‌ی مستقیم مالکیت است. براساس این رابطه شرکت ملزم به ادای تکلیف و التزام خود می‌باشد. طلب کاران شامل اشخاص حقیقی و حقوقی مختلفی می‌شوند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها به عنوان ذی‌نفعان در قسمت‌های مستقل آورده شدند هم‌چون تأمین کنندگان مالی از قبیل بانک‌ها و عرضه کنندگان کالا و خدمات به شرکت، هم‌چنین دارندگان برخی اوراق بهادار نیز گروهی از طلب کاران شرکت می‌باشند حتی می‌توان کارکنان را به جهت حقوق ماهیانه و نیز دولت را به دلیل مالیات طلب کار شرکت دانست. در اینجا مراد معنای عام آن است به معنی شخصی که مال یا خدمتی باید به او داده و یا در مقابل وی انجام شود.

مبحث دوم) ذی‌نفعان بیرونی

ذی‌نفعان بیرونی آن دسته و گروه‌هایی هستند که عملیات و فعالیت شرکت نهایتاً بر روی آن‌ها تأثیر می‌گذارد اما به جهت این که این تأثیر به صورت بلاواسطه نمی‌باشد کمتر در معرض توجه بوده و لذا به همین صورت نیز ممکن است شرکت از عدم توجه به آن‌ها کم با افت سوددهی مواجه گردد و رای حقوقی که ایشان به طور ذاتی دارای آن هستند. این ضروریات دلیلی است تا این ذی‌نفعان و تأثرات آن‌ها طی شش گفتار بررسی گردند.

1. Clark, Gordon L, and Dariusz Wójcik. *The Geography of Finance: Corporate Governance in the Global Marketplace*, Oxford University Press, London, 2007, p.183 .

۲. عبدی پورفرد، ابراهیم، جعفری خسروآبادی، نصراله، خلط نظری ناشی از خطا در واژه شناسی (بازشناسی و تطبیق نسبت میان سه مفهوم دین، تعهد و حق شخصی)، حقوق خصوصی، دوره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱، ص ۹۶ .

کفتار اول) جوامع

جامعه‌ای که شرکت در آن فعالیت می‌کند را به عنوان ذی‌نفع ذکر کرده‌اند و معمولاً از آن با عنوان جوامع محلی در مباحث مربوطه یاد می‌کنند. جوامع را شامل همسایگان، سازمان‌های محیطی، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های توسعه‌ی محلی دانسته‌اند. برخی اتحادیه‌ها را هم به این موارد اضافه کرده‌اند.^۱ اما دو مورد محیط و اتحادیه‌ها به جهت اهمیت و ماهیت مربوط به طور مجزا آورده می‌شود:

این‌ها گروهی از اشخاص هستند که با محیط پیرامون خود ارتباط متقابل دارند و این ارتباط می‌تواند شامل تقسیم منابع و اطلاعات و همکاری‌های تجاری باشد^۲ رابطه‌ی خوب با جوامع در ابعاد متفاوت بر شرکت تأثیر می‌گذارد چراکه ایشان دانش و اطلاعات محلی ارزشمندی دارند که شرکت می‌تواند از آن در پروژه‌ها استفاده کرده و ابداعات و نوآوری به‌دست آورد، همچنین وقتی آن‌ها احساس کنند که مورد توجه قرار گرفته‌اند، این حس، ارزشمندی تعارضات و مجادلات پیرامون شرکت را کاهش داده و شرکت را از بعد رقابتی نیز برتر می‌سازد.^۳

در این راستا به عنوان نمونه، دو مثال از دو بخش مختلف ذکر می‌شود که هر دو بخش برای کشور ایران فوق‌العاده حیاتی و حساس است و برای پی‌بردن به اهمیت آن کافی است به راهبردها و سیاست‌گذاری‌های جدید کشور در سخنان مسئولین نگاهی افکنده شود. مثال اول شرکت نفتی شل می‌باشد، شل به دنبال دستیابی به منابع مداوم بود و در این راستا تلاش می‌کرد. لذا از این باب می‌بایست نگرانی‌های جامعه محل فعالیت خویش را رفع می‌کرد که خطری برایشان ندارد و ایمن است، شل از این هم فراتر رفت و در جهت بهبود رفاه جوامع محلی و تسهیل زندگی آن‌ها و حمایت از مدارس و دانشگاه‌ها هم قدم برداشت تا جایی که امروزه از آن به عنوان غول نفتی نام برده می‌شود که اتفاقاً این روزها هم نام این شرکت باز بر سر زبان‌ها است.^۴ نمونه‌ی دیگر سخنی است که نایب‌رئیس دانشگاه

۱ Renault, Jean-Philippe, Simon Robert, and Nadège Tollari. "Engage Your Community Stakeholders." (2012), p.3 .

۲ <http://www.businessdictionary.com/definition/local-community.html> Retrieved august 12, 2015 .

۳ Renault, Jean-Philippe, Simon Robert, and Nadège Tollari. "Engage Your Community Stakeholders." , p.3 .

۴ <http://businesscasestudies.co.uk/shell/balancing-stakeholder-needs/external-stakeholders-customers-communities.html#axzz3igYAidNx> Retrieved august 12, 2015 .

آکسفورد بیان می‌دارد، پرفسور اندرو همیلتون می‌فرماید: اگر دانشگاه آکسفورد می‌خواهد همچنان به عنوان دانشگاهی پیشرو در جهان باقی بماند نیازمند درک و حمایت از جامعه می‌باشد.^۱ به هر روی برآساس گزارش‌های پادشاهی دو و سه، شرکت‌ها باید اثرات فعالیت‌های خود را بر روی جوامع متمرکز کنند و اوضاع و شرایط آن را در نظر داشته و ثبت نمایند.^۲

گفتار دوم) حکومت

حکومت دارای قدرت و مشروعیت است تا جایی که حتی گاهی اوقات وارد روند تصمیم‌گیری مدیران شده و مشارکت می‌کند^۳ و همچنین شرکت‌ها با سلامت اقتصادی ارتباط مستقیم دارند از این رو همواره زیر نظر حکومت هستند و حکومت به دلیل عواید مالیاتی و مباحث استخدامی و اشتغال، در امور و تصمیمات شرکت ذی‌نفع می‌باشد. به هر روی چارچوب‌های قانونی و الزام‌آور نیز توسط حکومت معین می‌گردد. اهمیت شرکت به این ذی‌نفع، از این مطالب واضح می‌شود.^۴ این تأثیر و تأثر موجب قرارگیری حکومت در تعریف ذی‌نفع می‌شود.

گفتار سوم) محیط

محیط طبیعی به طور نوعی به مسأله اصلی جهانی شرکت‌ها و مردم درآمده^۵ است. قدرت محیط از فشارهای عمومی و مقررات بر می‌آید که موجب می‌شود محیط بر روی شرکت‌ها حقی مشروع داشته

۱. <http://www.ox.ac.uk/local-community> Retrieved august 12, 2015 .

۲ Hilb, Martin. *New Corporate Governance: Successful Board Management Tools*. Springer Science & Business Media, Germany, 2012, p.183 . King, ME. "King Code of Governance for South Africa 2009." *Institute of Directors in Southern Africa, Parklands* (2009), pp.11 &13 .

۳ Shin, Kwang-Yong. "The Object of Imc: Stakeholders." In *The Executor of Integrated Marketing Communications Strategy: Marcom Manager's Working Model*, 25-41: Springer, 2013, p.32 .

۴ Buchholz, Rogene A, and Sandra B Rosenthal. "Stakeholder Theory and Public Policy: How Governments Matter." *Journal of Business Ethics* 51, no. 2 (2004): 143-53, p.143 .

۵. صادقی، موسی، بررسی رابطه‌ی مسئولیت اجتماعی شرکت نفت در قبال ذی‌نفعان (مطالعه موردی شرکت پخش و پالایش استان کرمانشاه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ۱۳۹۴، ص ۳۸ .

باشد و لذا بر مدیریت تأثیر گذاشته و ایشان باید در جهت حفظ محیط برای خود و نسل‌های آینده اقدام کنند.^۱ ذی‌نفع مزبور علاوه بر تأثیر فراوان بر روی زندگی و رفاه انسان، بر روی ارزش بازاری شرکت هم اثر فراوان می‌گذارد.^۲ در رأستای محیط‌محور بودن شرکت استانداردهای مختلفی تحت عنوان «ایزو» پیش‌بینی شده است. همچنین دپارتمان‌ها و طرفداران محیط زیست نیز در زمینه مسائل محیط فعال هستند و نظرات آن‌ها با سود و ارزش شرکت رابطه‌ای مستقیم دارد.

برخی محیط را ذیل جوامع آورده‌اند^۳ و برخی نیز به طور مستقل آن را ذکر کرده‌اند^۴ به همین صورت گروهی حکومت و گروه‌های منافع ویژه (اجتماعی) را ذیل محیط آورده^۵ و برخی مستقلاً به آن پرداخته‌اند.^۶ در ادامه گروه‌های منافع نیز همچون سایر ذی‌نفعان به صورت خلاصه آورده می‌شود.

گفتار چهارم) گروه‌های منافع ویژه (اجتماعی)

گروهی از اشخاص که یک منفعت عمومی ویژه را با هم دنبال کرده^۷ و از روندهای سیاسی برای بالا بردن موقعیت خود در مسائل ویژه‌ای استفاده کنند، این گروه‌ها توانایی جذب توجه رسانه‌ها و در نتیجه، افزایش مزایا برای شرکت دارند. در نتیجه توانایی مدیران در پاسخ گویی به ایشان به‌خصوص در

۱ Vincent, Olusegun Monsuru. "The Impact of Corporate Environmental Responsibility on Financial Performance: Perspective from the Multinational Extractive Sector." Brunel University Brunel Business School PhD Theses, 2012 .

۲ Tiras, Samuel L, Bernadette M Ruf, and Robert M Brown. "The Relation between Stakeholders' Implicit Claims and Firm Value." Available at SSRN 141342 (1998), p.25 . Curcio, Richard J, and Fran M Wolf. "Corporate Environmental Strategy: Impact Upon Firm Value.", Journal Of Financial And Strategic Decisions Vol.9, No.2, (Summer 1996) , p.26 .

۳ Svendsen, Ann. *The Stakeholder Strategy: Profiting from Collaborative Business Relationships*. Berrett-Koehler Publishers, 1998 . Evan, William M, and R Edward Freeman. *A Stakeholder Theory of the Modern Corporation: Kantian Capitalism*. 1988 .

۴ Winn, Monika I. "Building Stakeholder Theory with a Decision Modeling Methodology." *Business & Society* 40, no. 2 (2001): 133-66 . Tirole, J. Corporate Governance. Centre for Economic Policy Research, 1999, P.3 .

۵ Pedersen, Thomas, *Stakeholder Theory: Lessons from Denmark*, p.41 .

۶ Winn, Monika I. "Building Stakeholder Theory with a Decision Modeling Methodology." *Business & Society* 40, no. 2 (2001): 133-66 .

۷ Fidrmuc, Jan, and Abdul G Noury. "Interest Groups, Stakeholders, and the Distribution of Benefits and Costs of Reform." *Thematic Paper, Washington DC: GDN* (2003), p.4 .

موقعیت‌هایی که مستعد حضور این گروه‌ها هست در موفقیت شرکت تأثیر حیاتی دارد.^۱ مؤثرترین این گروه‌ها آن‌هایی هستند که با ماموران دولتی و قانون‌گذاران ارتباط دارند و در نهایت این گروه‌ها بر مقررندگان تأثیر می‌گذارند: با این وجود، تعداد زیادی از اشخاص این گروه‌ها را ترغیب نموده‌اند تا در جهت حذف رقابت‌های ناعادلانه تلاش نموده و آن‌ها را جبران کنند.^۲

نمونه‌ی بارز این گروه‌ها را می‌توان اتحادیه‌ها، صنوف، سندیکا و اسامی از این قبیل نامید. شاید بهترین و گویاترین تعریف همان تعاریف قانون کار باشد: سندیکا جمعیتی است که کارگران یا کارفرمایان مربوط به یک حرفه و یا یک کارگاه و یا یک صنعت می‌توانند برای حفظ منافع حرفه‌ای و بهبود وضع مادی و اجتماعی خود تشکیل دهند.^۳ اتحادیه‌ها معمولاً دارای شخصیت حقوقی هستند^۴ و همان‌طور که بیان شد هدف اصلی و ذاتی از تشکیل آن حمایت از منافع گروهی خاص می‌باشد. به همین جهت نیز اصناف مختلف به جهت حفظ حقوق و حیثیت شغلی^۵ خود به تشکیل صنف مبادرت می‌کنند.

گفتار پنجم) رسانه‌ها

براساس تعریف ذی‌نفع‌دانستن اشخاص تحت تأثیر و تأثر شرکت، بی‌شک رسانه‌ها نیز جزئی از ذی‌نفعان شرکت محسوب می‌شوند. چه آن‌که این تعریف، مجموعه‌ی ذی‌نفعان را به بخشی که محیط شرکت را تشکیل می‌دهند اما در آن سهمی ندارند نیز بسط می‌دهد.^۶ به هر روی فریمن اولین شخصی بود که رسانه را به عنوان ذی‌نفعان ذکر کرد.^۷ اگرچه در نوشته‌های بعدی ایشان،^۸ از رسانه به عنوان ذی‌نفع یاد

8. Freeman, R Edward, *Strategic Management: A Stakeholder Approach*, pp.21-22 .

۲ Bianchi, Robert, and Sherrie A Kossoudji. *Interest Groups and Organizations as Stakeholders*. Social Development Department, World Bank, 2001, pp.4-7 .

۳ . قانون کار، ۲۶ اسفند ۱۳۳۷، ماده ۲۵ .

۴ . ر.ک. قانون نظام صنفی، ۲۴ اسفند ۱۳۸۲، ماده ۷ . قانون نظام صنفی، ۱۶ خرداد ۱۳۵۰، ماده ۵ .

۵ . همان .

۶ Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications." *Academy of management Review* 20, no. 1 (1995): 65-91, p.86 .

6. Freeman, R Edward. *Strategic Management: A Stakeholder Approach*, p.22 .

نشده است. دونالدسون و پرستون نیز در همین راستا قائل به تفکیک بین ذی‌نفعان و اثرگذاران شده‌اند به گونه‌ای که رسانه را اثرگذار می‌دانند اما برای آن سهمی در شرکت قائل نیستند^۲ اما رسانه را اکثر نویسندگان این زمینه به عنوان ذی‌نفع می‌شناسند چراکه به طو عمدۀ بر شرکت اثر می‌گذارد به خصوص این‌که توانایی آسیب رساندن به شرکت را نیز دارد.^۳ فراتر از این اثر عمیق رسانه-علی‌الخصوص در این ماه‌ها رسانه‌های اجتماعی^۴ بحث شده‌است که رسانه‌ها نقشی وافر در اعطای مشروعیت به شرکت‌ها دارند.^۵ در این گروه رسانه‌ها را دسته‌بندی کرده‌اند و برای آن انواعی قائل شده‌اند و تأثیر هر یک از آن‌ها را به گونه‌ای مربوط بررسی کرده‌اند^۶ که در اینجا چنین تفصیلی نیازمند نمی‌باشد.

گفتار ششم) رقبا

اهمیت رقابت و مباحث پیرامون آن بر کسی پوشیده نیست. آنچه در اینجا مورد مذاقه قرار می‌گیرد ذی‌نفع بودن یا نبودن رقیبان می‌باشد. ذی‌نفع محسوب نکردن رقبا از نظر برخی وجیه‌تر می‌باشد تا جایی که پست^۷ و همکاران تعریف فریمن از ذی‌نفعان را مضحک می‌خوانند^۸ و در جایی دیگر بیان شده

۱) Evan, William M, and R Edward Freeman. *A Stakeholder Theory of the Modern Corporation: Kantian Capitalism*. 1988 .

۲) Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications, p.86 .

۳) Perrin, Irène. "The Role of the Mass Media as Stakeholders in Conferring Corporate Legitimacy." Paper presented at the Proceedings of the International Association for Business and Society, 2007, p.468 .

۴) Rapp, Adam, Lauren Skinner Beitelspacher, Dhruv Grewal, and Douglas E Hughes. "Understanding Social Media Effects across Seller, Retailer, and Consumer Interactions." *Journal of the Academy of Marketing Science* 41, no. 5 (2013): 547-66, pp.547-548

۵) Perrin, Irène. "The Role of the Mass Media as Stakeholders in Conferring Corporate Legitimacy." Paper presented at the Proceedings of the International Association for Business and Society, 2007, p.467 .

۶) Omojola, Oladokun. "Media Stakeholders' Perspectives and Policy Integrity." *Journalism and Mass Communication* 2, no. 1 (2012): 304-16 .

۷) Post

۸) Post, James E, Lee E Preston, and Sybille Sachs. *Redefining the Corporation: Stakeholder Management and Organizational Wealth*. Stanford University Press, 2002, p.19 .

که رقبا همیشه به دنبال موفقیت شرکت نیستند.^۱ با این وجود موارد ذیل می‌تواند دلیلی در تأیید ذی‌نفع بودن رقبا باشد:^۲ تغییر عنوان ذی‌نفعان؛ به این صورت که ذی‌نفعان امروز و دیروز می‌توانند رقبای فردای او باشند؛ رقبای پیشین می‌توانند شرکای بعدی باشند؛ بسیاری از شرکت‌ها با رقابت کار می‌کنند از طریق اتحادیه‌های تجاری و یا لابی‌ها. شرکت‌ها با رقبا همکاری دارند. برای مثال این موضوع در میان شرکت‌های نفتی به وضوح قابل مشاهده است؛ حذف و یا مرزگذاری میان رقبا غیرواقعی و غیراخلاقی می‌باشد؛ روابط همیشه دو طرفه نیست و ذی‌نفعان در میان خود با یکدیگر ارتباط دارند. هرچند این ارتباط‌ها گاهی موجب ایجاد تعارض منافع می‌شود که موضوع قسمت بعدی است اما از این جهت نیز تأثیر دارد که برای مثال گاهی ذی‌نفعان اولیه با رقبا ارتباط دارند و به این صورت ارتباطی غیرمستقیم میان رقبا و شرکت برقرار می‌شود.

فصل چهارم: مبانی تئوری ذی‌نفعان

برای تئوری ذی‌نفعان مبانی مختلفی بیان شده است. در این میان اکثراً مبانی را به سه قسمت تقسیم کرده و سه بنیان اقتصادی، حقوقی و اخلاقی را برشمرده اند^۳ و گاهی نیز بنیان‌های دیگری همچون تولید ذکر شده^۴ که این مورد را قریب به اتفاق نویسندگان در ذیل استدلال‌های اقتصادی تئوری گنجانده‌اند. در این قسمت این سه بنیان که برای تئوری ذی‌نفعان بیان شده ذکر می‌گردد.

^۱ Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications, p.86 .

^۲ Archer, Geoffrey R. "Six Good Reasons to Include Competitors as Stakeholders." *Available at SSRN 1437117* (2006) .

^۳ Freeman, R Edward. "A Stakeholder Theory of the Modern Corporation." *Perspectives in Business Ethics (Sie)* 3 (2001): 144. pp.38-48 .

^۴ Stieb, James A. "Assessing Freeman's Stakeholder Theory." *Journal of Business Ethics* 87, no. 3 (2009): 401-14.

مبحث اول) استدلال‌ها و بنیان‌های حقوقی

اصل اولیه در حقوق بازگشت تأثیر قوانین و نهادهای حقوقی بر شخص یا اشخاص درگیر در آن می‌باشد و لذا تصمیم هر شخص نسبت به خودش می‌باشد. این اصل در حقوق قراردادها اصل نسبی بودن قراردادها نام گرفته‌است که خود مبتنی بر اصل اولی و عقلی آزادی و استقلال فردی می‌باشد. این اصل در فقه نیز جزء موارد بنیادین بوده چنان‌که در قرآن کریم آمده است لها ما کسبت و لکم ما کسبتم (امامی، کاتوزیان)،

بایسته است که هم از بعد سلبی و هم از بعد ثبوتی ثالثان مورد توجه قرار بگیرند. بعد سلبی یعنی به حقوق آن‌ها تجاوز نشود، شبیه آن‌چه که در اصل نسبی قراردادها بود. از بعد ثبوتی به معنای آن‌که گاه نیاز است به حقوق ایشان توجه گشته و ثالث نیز در نظر آید. بی شک هر دوی این‌ها در مواردی بیشتر نیاز بوده و در مواردی نیز کمتر و همچنین هریک از این دو استثنائاتی نیز خواهند داشت چنان‌که ضرورت‌های اجتماعی مانع از مطلق ماندن اصول اولیه‌ی فراوانی گشته است. با این اوصاف بازنگری در حقوق اشخاص ثالث و توجه به حقوق ایشان در قانون‌گذاری، تصمیمات قضایی، روابط قراردادی و بین‌المللی اکیداً لازم می‌آید! البته در قوانین مختلف تلاش‌هایی در این راستا شده‌است. برای مثال در قوانین حمایت از مصرف‌کننده و قوانین پیرامون محیط زیست و دریا و نیز در نظام‌های مالی-حقوقی مختلف که برای نمونه مسئولیت تولیدکنندگان کالاهای معیوب مطلق فرض شده است اما این مسئولیت مطلق در نظام حقوقی ایران هنوز با پذیرش کامل مواجه نشده است.

اصول حقوقی متفاوتی می‌توانند از حقوق قراردادها، مسئولیت مدنی و مالکیت تفسیر شوند تا پایه‌های حقوقی تئوری ذی‌نفعان را تقویت کنند.^۲ پیرامون قسمت حقوق قراردادها و مسئولیت مدنی

۱. قاسم زاده، سید مرتضی، لزوم بازنگری در حقوق اشخاص ثالث (اهمیت توجه به حقوق اشخاص ثالث در قانون‌گذاری، تصمیمات قضایی، روابط قراردادی و بین‌المللی)، فصلنامه‌ی دیدگاه‌های حقوقی قضایی، س ۱۹، بهار ۱۳۹۳، ش ۶۵، صص ۱۴-۱۱.

۲ Radin, Tara J. "From Imagination to Realization: A Legal Foundation for Stakeholder Theory." In *Re-Imaging Business Ethics: Meaningful Solutions for a Global Economy*, 31-49: Emerald Group Publishing Limited, 2002, pp31-49 .

توضیحی مختصر داده شد و پیرامون اصول مأخوذ از حقوق مالکیت به رسم پیروی از نویسندگان این زمینه در قسمت بنیان‌های اخلاقی و اقتصادی بحث می‌شود.

رویکرد دیگر در این زمینه بدین صورت است که گفته می‌شود سازمان‌ها حمایت از ذی‌نفعان را به عنوان تنها راه اطاعت از قانون می‌بینند. بیشترین پرونده‌ای که در این موضوع به آن ارجاع شده، پرونده‌ی برادران داگ علیه شرکت فورد موتور^۱ می‌باشد که در آن هنری فورد در حال برنامه‌ریزی برای بازگشت سود شرکت به فعالیت‌های تجاری روزمره شرکت بود اما برادران داگ به عنوان سهام‌داران، از دادگاه درخواست تقسیم سود خود را نمودند و در نهایت دادگاه به نفع آن‌ها حکم داد.^۲ این حکم می‌تواند این نکته را ثابت کند که لاًقل سهام‌داران به عنوان ذی‌نفعان باید مورد توجه باشند. هرچند فی‌نفسه در اثبات توجه به ذی‌نفعان کمکی نمی‌کند چراکه سهام‌داران به هر روی خود مالکین واقعی شرکت هستند، اما در توجه به سهام‌داران اقلیت به عنوان دسته‌ی مهمی از ذی‌نفعان راهگشا می‌باشد. چه این که برادران داگ ۱۰ درصد از سهام این شرکت را داشته‌اند و این مقدار سهام را نمی‌توان برای تصمیم‌گیری‌ها فراوان دانست هرچند همین مقدار هم در شرکت‌های بزرگ قابل توجه می‌نماید.

البته این مطلب را به نوعی در حقوق ایران نیز می‌توان دید که فارغ از بحث دعوی مشتق دادگاه دستور به تقسیم سود داد اگرچه صدور چنین حکمی ابتدائاً متوقف بر تصویب سود توسط مجمع عمومی است (ماده‌ی ۹۰ لایحه قانونی). این بحث تحت عنوان الزام شرکت‌ها به پرداخت سود مصوب مجمع در حقوق ایران بحث شده است اما همان‌طور که مارین و ویک نیز بیان داشته‌اند از این پرونده نمی‌توان نتیجه گرفت که مدیران میان مباحث قانونی و اخلاقی الزام به انتخاب دارند؛ چنان‌که حتی پرونده‌ی بیان

۱ Dodge v. Ford Motor Co.

۲ Blair, Margaret M. "Ownership and Control: Rethinking Corporate Governance for the Twenty-First Century." *Long Range Planning* 3, no. 29 (1996): 432, p209 .

1. Weiss, H Eugene. *Chrysler, Ford, Durant and Sloan: Founding Giants of the American Automotive Industry*. McFarland, 2003, p15 .

۳ Mares, Richard, and Andrew Wicks. "Gettingreal: Stakeholder Theory, Managerial Practice, and the General Irrelevance of Fiduciary Duties Owed to Shareholders." *Business Ethics Quarterly* 9, no. 02 (1999): 273-93, p289 . Phillips, Robert, R Edward Freeman, and Andrew C Wicks. "What Stakeholder Theory Is Not." *Business Ethics Quarterly* 13, no. 04 (2003): 479-502, pp490-491 .

داشته شده در حقوق آمریکا اساساً برخلاف نظر بلر، اکثراً به جهت تقویت نظر توجه به سهام‌داران و عدم اولویت دیگر ذی‌نفعان به کار گرفته شده است. البته بی‌شک چنان‌که در ابتدای بحث بیان شد و فریمن نیز بیان می‌دارد نتیجه‌ی چنین تغییراتی در سیستم‌های حقوقی، اعطای حق و حقوقی به گروه‌هایی است که ادعایی را پیرامون بنگاه دارند و حقوق نیز در این زمینه پیشرفت قابل توجهی داشته است.^۱ در ارتباط با راهکارهای حقوقی حمایت ذی‌نفعان در ادامه بیشتر بحث می‌گردد.

مبحث دوم) بنیان‌های اقتصادی

شرکتی که در راستای منافع ذی‌نفعان تصمیم‌گیری کرده و حرکت می‌کند نهایتاً این تصمیمات به نفع خود شرکت خواهد بود. برای این نکته می‌توان دلایل متفاوتی را ذکر کرد اما خلاصه این‌که هر شرکتی به دنبال منافع خویش است، حال یا از طریق کاهش هزینه‌ها یا به وسیله‌ی راه‌های دیگر دستیابی به مزایای رقابتی. البته در کوتاه‌مدت ممکن است شرکت با نادیده گرفتن ذی‌نفعان به وسیله‌ی تصمیمات آسیب‌رسان به آن‌ها نفع یابد؛ اما این شرکت در نهایت مجبور خواهد شد برای حفظ ثبات و پیشبرد خود، ایشان را نیز در نظر آرد. بعلاوه توجه به ذی‌نفعان موجب می‌شود که از هزینه‌های الزامی‌روندهای متعارض جلوگیری شود، روندهایی که گاه موجب یک تصمیم و گاه موجب تصمیم دیگری می‌شود اما در تئوری ذی‌نفعان به واسطه‌ی جامعیت همه‌جانبه‌نگری چنین تعارضاتی پیش نخواهد آمد.

بلر در این راستا مسأله‌ی تولید گروهی^۲ را توسعه داده تا توضیح دهد که منابع شرکت می‌بایست در جهت اهداف شرکت به کار گرفته شده و هدف همه‌ی آن‌ها که واقعاً در شرکت سرمایه‌گذاری کرده و در خطر قرار دارند حمایت شود.^۳ مسأله‌ی تولید تیمی حاوی این نکته است که کار گروهی کارایی بیشتری از کار فردی دارد اما ممکن است اعضای تیم کوتاهی کرده و از انجام آن طفره برونند. لذا بلر بیان

^۱ Freeman, R Edward. "A Stakeholder Theory of the Modern Corporation. P.40 .

^۲ Alchian, Armen A, and Harold Demsetz. "Production, Information Costs, and Economic Organization." *The American economic review* (1972): 777-95.

^۳ M. "For Whom Should Corporations Be Run?: An Economic Rationale for Stakeholder Management." *Long range planning* 31, no. 2 (1998): 195-200, p.196 .

می‌دارد ذی‌نفعان در شرکت سرمایه‌گذاری کرده‌اند و هزینه‌های این کارگری می‌تواند بوسیله‌ی حمایت اهداف همه‌ی ذی‌نفعان به حداقل برسد.^۱ جونز در مقاله‌ی تئوری ذی‌نفعان ایزاری، ترکیبی از اقتصاد و اخلاق، علاوه بر اشاره به مسأله تولید تیمی، دو منبع هزینه‌های بالقوه یعنی هزینه‌های نمایندگی و هزینه‌های معاملات را نیز بر آن اضافه می‌کند.^۲

تئوری نمایندگی در رابطه با موقعیت‌هایی است که یک نفر به عنوان اصیل انجام کاری را به شخص دیگر به عنوان نماینده تفویض می‌کند. در این موقعیت دو مسأله به وجود می‌آید: اول تعارض اهداف نماینده و اصیل و دوم تمایلات متفاوت طرفین برای پذیرش ریسک که تئوری ذی‌نفعان در این حالت، راهی برای تطبیق نماینده و اصیل می‌باشد.^۳ همان‌طور که قبلاً بیان شد تئوری هزینه‌ی معاملات پیرامون سازماندهی کردن قراردادها از لحاظ درونی در روند سلسله مراتبی و از لحاظ بیرونی (داخل بازار) می‌باشد. در این تئوری پیشنهاد می‌گردد که با انتخاب یکی از دو بعد مذکور نسبت به دیگر اشکال قراردادی در یک مسأله‌ی معین هزینه‌ها کمتر خواهد بود، و اتخاذ تئوری ذی‌نفعان می‌تواند به کاهش هزینه‌ی معاملات از طریق استفاده‌ی سلسله مراتبی (برای مثال ادغام تولیدکننده و مصرف‌کننده) کمک کند، هرچند که سلسله مراتب هم خود هزینه‌هایی دارد که نمی‌توان نادیده گرفت. نهایت این‌که جونز بیان می‌کند که چگونه به طور معمول فرصت‌طلبی‌ها در مسائل تولید گروهی، هزینه‌ی معاملات و تئوری نمایندگی می‌تواند به خطری برای کارایی تبدیل شوند. لذا باید تئوری ذی‌نفعان را برای کاهش این فرصت‌طلبی‌ها دنبال نمود.^۴

۱ Ibid.

1. Jones, Thomas M. "Instrumental Stakeholder Theory: A Synthesis of Ethics and Economics." *Academy of management review* 20, no. 2 (1995): 404-37, p.409 . Eisenhardt, Kathleen M. "Agency Theory: An Assessment and Review." *Academy of management review* 14, no. 1 (1989): 57-74, p.58 .

۲ Jones, Thomas M. "Instrumental Stakeholder Theory: A Synthesis of Ethics and Economics.", P.409

۳ Ibid, pp.410-411 .

برخی حقوق مالکیت را به عنوان بنیان اقتصادی تئوری بیان کرده‌اند^۱ و برخی نیز آن را جزء بنیان های اخلاقی تئوری می‌دانند که در قسمت بعد گفته می‌شود، در این جا به دلیل اهمیت بحث مالکیت و توجه ویژه به آن به خصوص در فقه و حقوق ایران در قسمتی مجزا رابطه‌ی حقوق مالکیت و تئوری ذی-نفعان به بحث گرفته می‌شود.

مبحث سوم) بنیان‌های اخلاقی

ذی‌نفعان دارای ارزش ذاتی هستند و شرکت این تعهد اخلاقی را می‌پذیرد. در بنیان اخلاقی برخلاف بنیان اقتصادی نظر ذی‌نفعان به این دلیل که موجب پیشرفت اقتصادی شرکت و کسب منفعت برای مالکان می‌گردند دارای ارزش نیستند بلکه در این جا خود ذی‌نفعان هستند که ذاتاً ارزشمند بوده و لذا می‌بایست مورد توجه قرار گیرند.

دونالدسون و پرستون در تئوری ذی‌نفعان شرکت به جمع بندی مطالب پیشین پیرامون تئوری می‌پردازند و آن را در سه قسمت هنجاری، توصیفی و ابزاری بحث می‌کنند. ایشان تحلیل‌های هنجاری را در مرکز تحلیل قرار داده و آن را مهم تر از استفاده‌ها و تحلیل‌های ابزاری و توصیفی می‌دانند.^۲ دلایل تحلیل های هنجاری مذکور می‌تواند به عنوان دلایلی برای بنیان‌های اخلاقی تئوری به کار گرفته شود. فریمن و ایوان با بهره‌گیری از رویکرد هزینه‌ی معاملات و ویلیامسون^۳ استدلال می‌کنند که این تئوری و تئوری ذی-نفعان هم‌راستا بوده و آن را در ذیل مبانی اخلاقی می‌آورند.^۴ حال آن‌که به طور پیش‌گفته جونز آن را در ذیل مبانی اقتصادی بحث می‌کند. تحلیل ایشان از بنگاه به منزله قرارداد بیان می‌دارد که همه‌ی ذی‌نفعان به ویژه آن‌ها که سهامی خاص در دارایی دارند حق شرکت در معامله داشته و لایق داشتن قراردادی شفاف

^۱ Asher, Cheryl Carleton, James M Mahoney, and Joseph T Mahoney. "Towards a Property Rights Foundation for a Stakeholder Theory of the Firm." *Journal of Management & Governance* 9, no. 1 (2005): 5-32 .

^۲ Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications." *Academy of management Review* 20, no. 1 (1995): 65-91 .

^۳ Williamson, Oliver E. "Corporate Governance." *Yale Law Journal* 93 (1984)

^۴ Freeman, R Edward, and William M Evan. "Corporate Governance: A Stakeholder Interpretation." *Journal of Behavioral Economics* 19, no. 4 (1991): 337-59.

هستند، مدیران قراردادها را میان کارکنان، مشتریان، اتحادیه‌ها، عرضه‌کنندگان و مالکان رهبری می‌نمایند و چون هریک از این گروه‌ها می‌توانند در دادوستدهای خاص سرمایه شرکت کنند که بر گروه‌های دیگر اثرگذار است لذا باید شیوه‌های حل تعارض و حمایت از آن‌ها اتخاذ و ایجاد گردد.^۱

منابعی دیگر برای استدلال‌های اخلاقی اصل شفافیت ذی‌نفعان است. در این زمینه فیلیپس بیان می‌دارد که هر زمان شرکت می‌پذیرد که مزایایی را از مشارکت ما و روابط دو یا چند طرفه داشته باشد، یک شفافیت برای خود ایجاد می‌کند.^۲

مبانی که در اینجا ذکر شد جزء پرکاربردترین مبانی می‌باشند حال آن‌که محدود به این موارد نیز نیست. برای مثال تئوری قراردادهای اجتماعی مشترک، دکترین قراردادهای شفاف، خطر و نیز کانت‌گرایی از دیگر مبانی هستند هم چنین حقوق مالکیت به عنوان ریشه‌ی دیگری است که هم جزء دلایل اخلاقی و هم اقتصادی می‌باشد.

مبحث چهارم) رابطه‌ی حقوق مالکیت و تئوری ذی‌نفعان

مالکیت رابطه‌ای است اعتباری بین مال و شخص و به‌قولی یک اعتبار عقلایی است.^۳ و مالکیت اشتراکی و تساوی افراد نسبت به منابع و اموال جامعه مطابق اصل است و نیازی به توجیه ندارد. در فقه و حقوق ما هم جز در مواردی که راجحی در بین باشد اصل اولیه تساوی و اشتراک است؛^۴ البته این مالکیت مشترک با مالکیت مشاع که به معنی شراکت مالکین متعدد در شیء واحد می‌باشد متفاوت است. به عبارت دیگر در اشاعه چند نفر به طور بالفعل مالک یک شیء می‌شوند اما در مالکیت مشترک، برای تمام ابنای بشر مالکیت به طور بالقوه فرض شده است. یعنی در اشتراک سخن از یک حق مشترک است

۱ Ibid, p.352 .

۲ Phillips, Robert A. "Stakeholder Theory and a Principle of Fairness." *Business Ethics Quarterly* 7, no. 01 (1997): 51-66, p.57 .

۳ طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه‌ی المکاسب، ج ۱، مؤسسه‌ی اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۳ ه. ق، ص ۵۳ . <http://lib.ahlolbait.com>

خمینی، روح‌الله، البیع، مؤسسه‌ی اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۸، ص ۲۵ . <http://lib.eshia.ir/10116/1/25>

۴ طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، ص ۲۳۶، و نراقی، احمد بن محمد مهدی، عوائد الایام، ج ۲، ص ۱۱۳ نقل از پیلوار، رحیم، نظریه‌ی کار به عنوان مبانی مالکیت در حقوق اسلام و فلسفه جان لاک، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، پاییز و زمستان ۹۰، شماره ۵، ص ۶۴ .

و نه مالکیت حقوقی! لذا مالکیت فردی نیاز به توجیه دارد و معتبرترین و شریف ترین مبانی ارائه شده برای مالکیت در طول تاریخ اندیشه‌ی بشر و ادیان الهی از جمله مسیحیت و اسلام نظریه‌ی کار است یعنی انسان‌ها در صورت کار و تلاش می‌توانند مالی را به مالکیت فردی خود درآورند.^۱

حال که مبانی مالکیت فردی بیان گشت باید بررسی کرد که با چه توصیفی مالکینی که مالی را به ملکیت درآورده اند و با هدف کسب سود به اشاعه آن پرداخته و شخصیت حقوقی شرکت را به وجود آورده‌اند می‌بایست ذی‌نفعان شرکت را نیز مد نظر داشته باشند. بی‌شک سهام‌داران در هنگام تشکیل شرکت و پیوستن به آن، به دست یافتن به حداکثر سود توجه داشته‌اند اما بعید است که از نظرشان گذشته باشد که ثروت آن‌ها باید در جهت حمایت سایرین نیز به کار گرفته شود. این همان استدلالی است که نظریه‌پردازان پیشین با تمرکز بر روی آن تسلط منافع سهام‌داران را توجیه می‌کردند حال آن‌که در دیدگاه مؤخر نیز دقیقاً با تأکید بر همین مفهوم مالکیت تئوری ذی‌نفعان نتیجه گرفته می‌شود.^۲

استفاده از حقوق مالکیت به عنوان مبانی تئوری ذی‌نفعان ابتدا در مقایسه‌ی دونالدسون و پرستون بحث گشت^۳ و سپس در مقالاتی مجزا واکاوی گردید.^۴ آن‌چه مسلم است این‌که حقوق مالکیت و حقوق ناشی از آن مطلق نیست^۵ چنان‌که کوز نیز بیان می‌دارد: ممکن است از شخصی که مالک زمین است صحبت کنیم اما در حقیقت آن‌چه وی مالک است حق اعمال تعداد مشخصی از اقدامات می‌باشد و حق وی نامحدود نیست برای مثال او ممکن است در ساخت و ساز و کشت انواع خاصی از محصولات

۱. همان، ص ۷۶.

۲. همان، ص ۸۱.

2. Becker, Lawrence C. "Too Much Property." *Philosophy and Public Affairs* 21, no. 2 (1992): 196.. Coase, Ronald Harry. "Problem of Social Cost, The." *JL & econ.* 3 (1960): 1. Honoré, AM. "Ownership" in *Oxford Essays in Jurisprudence*, Ed." *AG Guest* 107 (1961). In Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications.", p.83 .

۳ Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications." *Academy of management Review* 20, no. 1 (1995): 65-91.

۴ Asher, Cheryl Carleton, James M Mahoney, and Joseph T Mahoney. "Towards a Property Rights Foundation for a Stakeholder Theory of the Firm." *Journal of Management & Governance* 9, no. 1 (2005): 5-32.

۵. پیلوار، رحیم، نظریه‌ی کار به عنوان مبانی مالکیت در حقوق اسلام و فلسفه جان لاک، ص ۸۰.

محدود باشد^۱ و این مطلب در تمام نظام‌های حقوقی صادق است.^۲ فیشر می‌گوید حق مالکیت، آزادی و اجازه‌ی (برآساس ضمانت اجراها و حمایت‌های قانونی و عرفی) لذت بردن از منافع ثروت است و رویدادها و چیزهای فیزیکی نیست و فشرده‌ای از روابط اجتماعی می‌باشد، لذا حق مالکیت شیء نبوده بلکه رابطه‌ی انسان با شیء است.^۳ پژوهیچ نیز با همین تأکید بیان می‌دارد که حق مالکیت رابطه‌ی بین اشخاص است و خطاست که حقوق بشر را از حقوق مالکیت مجزا کنیم لذا حقوق مالکیت نامحدود نمی‌باشد و جدایی حقوق مالکیت از حقوق بشر اشتباه است.^۴ این محدودیت‌ها در حقوق ایران (اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده‌ی ۱۳۲ قانون مدنی) و فقه اسلامی نیز به کرات و وضوح دیده می‌شود.^۵

محدودیت‌های گفته شده و برقراری ارتباط بین حقوق مالکیت و حقوق بشر خود به خود منافع دیگران را وارد صحنه‌ی حقوق مالکیت می‌کند. البته همچنان این مسأله که افراد دیگر باید مورد توجه باشند، نامشخص باقی می‌ماند و حتی آوردن اشخاصی غیرمالک تحت مفهوم مالکیت، دلیلی در راستای این که اختصاص مسئولیت مدیریتی برای گروه‌های ویژه‌ای وجود دارد نیست اما نکته‌ی واضح این که مفهوم موجود و مسبوق مالکیت خصوصی حقوق نامحدود مالکان را تجویز نمی‌کند که برآساس آن ادعا شود مسئولیت مدیران تنها عمل نمودن به عنوان نمایندگان مالکان سهام است.^۶

شاید در اینجا همان قیاس استاد کاتوزیان در بحث اثبات از تئوری رکن بودن مدیران بسیار قابل توجه باشد. ایشان می‌فرمایند: اگر مدیران گاه نماینده‌ی شخص حقوقی نامیده می‌شوند، به همان اعتبار و معناست که در حقوق عمومی گفته می‌شود، اعضای مجلس نمایندگان مردم هستند؛ در حالی که اراده‌ی

۱ Coase, Ronald Harry. "Problem of Social Cost, The." *JL & econ.* 3 (1960): 1, p44.

۲ Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications." *Academy of management Review* 20, no. 1 (1995), p.83.

۳ Fisher, Irving. *Elementary Principles of Economics*. Cosimo, Inc., 2007, p.27.

۴ Pejovich, Svetozar. *The Economics of Property Rights: Towards a Theory of Comparative Systems*. Vol. 22: Springer Science & Business Media, 1990, p.27.

۵. برای نمونه اصل لاضرر: حسینی سیستانی، علی، قاعده لا ضرر ولا ضرار، مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی، قم، ۱۳۷۳. یا ر.ک. پروین، فرهاد و نصرتی صدقیانی، ناصر، تحلیلی از مسئولیت مندرج در ماده‌ی ۱۲۲ قانون مدنی و تأملی بر تخصیص یا عدم تخصیص آن، فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، زمستان ۱۳۹۰، ش ۳، صص ۵۵-۳۳.

۶ Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications." *Academy of management Review* 20, no. 1 (1995), p.83.

آنان مظهر اراده‌ی عمومی است به عبارتی هر نماینده از حوزه‌ی انتخابیه خود وارد مجلس می‌شود ولی طرف مقابل او تمام مردم کشور هستند.^۲

حقوق مالکیت خود نیز دارای مبانی می‌باشد که این مبانی با توجه به ویژگی‌های کلیدی که مدنظر قرار می‌دهند متفاوت می‌باشد ولی آن‌ها بر پایه‌ی اصول اساسی‌تر عدالت توزیعی^۳ قرار دارند و این که یک تئوری بتواند فارغ از مباحث عدالت توزیعی به نحو جهانی قابل اعمال باشد رد شده است.^۴ عدالت توزیعی نیز دارای معانی گوناگون و اقسام متفاوتی در متون مختلف آمده است اما به طور خلاصه باید آن را تقسیم ثروت بر اساس شایستگی‌ها دانست؛

البته این که یک اصل بتواند بر تمام جنبه‌های مجموعه‌ی پیچیده از حقوق و مسئولیت‌ها که مالکیت را تشکیل می‌دهند اعمال شود بسیار بعید به نظر می‌رسد. لذا تمایل به سمت تئوری‌های پلورالیستی است که اجازه می‌دهد بیش از یک اصل اساسی یک نقش را بازی کند. لذا اگر تئوری پلورالیستی حقوق مالکیت پذیرفته شود؛ ارتباط میان حقوق مالکیت و تئوری ذی‌نفعان واضح می‌گردد چراکه همه‌ی مشخصه‌های موجود در تئوری‌های کلاسیک عدالت توزیعی در میان ذی‌نفعان شرکت نیز وجود دارد. با آوردن مقدمه‌ی زیر مثالی ذکر می‌گردد؛ تفاوت در میان تئوری‌های عدالت توزیعی بر روی ویژگی‌هایی است که این تئوری‌ها به طور پررنگ‌تری مد نظر دارند از جمله توانایی، نیاز، تلاش و توافق که این موارد مناسب‌ترین شاخص‌ها برای تعیین توزیع شفاف درآمد و ثروت هستند. حال نفع کارکنان پرسابقه که در رأستای ایجاد و حفظ عملیات تجاری موفق تلاش کرده‌اند بر پایه‌ی تلاش است نقش مردمی که در جامعه‌ی اطراف زندگی می‌کنند بر پایه‌ی نیاز آن‌ها به هوای پاک می‌باشد. البته این نکات به ذی‌نفعان یک نفع قانونی نمی‌دهد ولی چنین ویژگی‌هایی می‌تواند مشابه نکات ایجادگر مفاهیم اساسی حقوق مالکیت،

۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ج ۱، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۶، ص ۵۷.

۲. حبیب نژاد، سید احمد، ماهیت نمایندگی با تکیه بر مفاهیم اسلامی - فقهی، مجله حقوق اسلامی (فقه و حقوق سابق)، ۱۳۸۵، ش ۸، ص ۱۳۳.

۳ Distributive justice

۴ Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications." *Academy of management Review* 20, no. 1 (1995), p.84 .

۵. قدیری اصل، باقر، سیر اندیشه اقتصادی، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۶۴، صص ۱۲۳-۱۲۴.

به گروه‌های متفاوت یک نفع اخلاقی بدهد، لذا اصول هنجاری که در ذیل تئوری پلورالیستی رایج حقوق مالکیت می‌آید پایه‌ها و بنیان‌هایی را نیز برای تئوری ذی‌نفعان فراهم می‌آورد.^۱

در ادامه برخی بیان داشته‌اند که منافع مالکیت به عنوان ارزش ذی‌نفعان قابل توصیف است و بدین صورت ارج و قرب بیشتری را برای آن‌ها قائل شدند.^۲ خاتمه‌ی استدلال این بخش با تحلیلی از آغاز تشکیل شرکت بیان می‌گردد. همان‌طور که در ابتدای این قسمت گفته شد، مشارکت‌کنندگان در تشکیل شرکت اگر به دیگران فکر نکنند بی شک به خود و دست‌آوردن حداکثر سود خود می‌اندیشند لذا اگر هدف حداکثرسازی ارزش اقتصادی کلی است و این ارزش به مشارکت‌کنندگان اختصاص داده می‌شود در نتیجه تئوری ذی‌نفعان حقوق مالکیت نیاز است تا نقش هر یک از گروه‌های بازیگر در تولید و توزیع ارزش اقتصادی را شناسایی نماید.^۳

^۱ Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications." *Academy of management Review* 20, no. 1 (1995), p.84 .

^۲ Hosseini, Jamshid C, and Steven N Brenner. "The Stakeholder Theory of the Firm: A Methodology to Generate Value Matrix Weights." *Business Ethics Quarterly* 2, no. 02 (1992): 99-119 .

^۳ Asher, Cheryl Carleton, James M Mahoney, and Joseph T Mahoney. "Towards a Property Rights Foundation for a Stakeholder Theory of the Firm." *Journal of Management & Governance* 9, no. 1 (2005): 5-32, p.29 .

بخش سوم:

تعارض منافع و راهکارهای حل آن

مقدمه و تشریح بخش

در یک بازار تمام عوامل به دنبال نفع خویش هستند حال این بازیگران حتی اگر نهاد شرکت را نیز انتخاب کنند این هدف درونی خویش را فراموش نمی‌کنند و باز به دنبال منفعت بیشتر هستند چه بسا که حتی این تغییر رویکرد نیز خود به همین دلیل می‌باشد. این نفع‌خواهی موجب ایجاد تعارض منافع ذی-نفعان می‌شود که موضوع مطالب این فصل می‌باشد اما پیش از ورود به بحث تعارض منافع، رویکردی که با این بحث اختلاط و ارتباط به هم پیوسته‌ای دارد بیان می‌گردد. این موضوع، همان مسأله‌ی نمایندگی می‌باشد. حداقل این ارتباط این است که نویسندگان حقوقی و اقتصادی در تقسیم بندی و به بحث کشیدن مسأله‌ی تعارض منافع از همین ارتباطات نمایندگی میان گروه‌های مختلف مدد جست‌ه‌اند لذا در اینجا به عنوان مقدمه‌ی شروع به تشریح و توضیح تعارض منافع، ابتدا بحثی کوتاه از نمایندگی به میان می‌آید سپس براساس تقسیمات انجام شده تعارض منافع میان گروه‌های مختلف بیان می‌گردد.

فصل مقدماتی: نمایندگی

در رشته‌های مختلف از جمله اقتصاد، مدیریت و حقوق بارها از نمایندگی سخن رفته است. در این حوزه‌ها علمای رشته‌ی مدیریت، بیشتر از تعاریف رشته‌های دیگر بهره جست‌ه‌اند اما اقتصاددانان و حقوق‌دانان تعاریف خاص خود را دارند. هم‌چنین از نمایندگی تعاریف و تقسیمات گوناگونی به میان آمده است که آشناترین تقسیم آن برای ذهن حقوق‌دانان ایرانی نمایندگی قانونی، قراردادی و قضایی می‌باشد. اما در اینجا آن تقسیمی که به پیشبرد بحث و ادامه‌ی آن کمک می‌کند همان تقسیم به دو تعریف نمایندگی از بعد حقوقی و اقتصادی می‌باشد که در ادامه می‌آید.

۱. برای آشنایی بیشتر و توضیحات کامل پیرامون نمایندگی ر.ک. حسینی، احمد، قانون قابل اعمال بر قراردادهای نمایندگی بین المللی با تأکید بر حقوق ایران، انگلستان و اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ۱۳۹۴. (این موضوع توسط استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمود باقری پیشنهاد و با راهنمایی استاد محترم جناب آقای دکتر ابوطالب کوشا به سامان رسیده است). و باقری، محمود، نمایندگی تجاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰.

نماینده‌گی از بعد حقوقی: قانون‌گذار ایرانی تعریفی از نمایندگی ارائه نداده است و نسبت به نظریه-
ی کلی نمایندگی ساکت است و تنها در مواردی به ذکر مصادیقی از نمایندگی به تقلید از فقه امامیه و
قانون مدنی فرانسه قناعت کرده است! اما نویسندگان حقوقی از نمایندگی تعاریفی ارائه داده‌اند برای
مثال یکی از نویسندگان چنین بیان می‌دارد: نمایندگی رابطه‌ای است حقوقی بین نماینده و اصیل که به
موجب آن نماینده می‌تواند به نام و به حساب اصیل در انعقاد قراردادی شرکت کند که آثار آن به طور
مستقیم دامن‌گیر اصیل می‌شود.^۱

نماینده‌گی از بعد اقتصادی: از نظر علمای اقتصاد رابطه‌ی نمایندگی در هر زمانی صادق است که
رفاه یک طرف که اصطلاحاً اصیل یا منوب‌عنه نامیده می‌شود به اعمال فرد دیگری که به اصطلاح وکیل
یا نماینده نام دارد، بستگی داشته باشد. در هر حال، در هر جا که یک طرف به نمایندگی از دیگری
اجرای تعهداتی را بر عهده داشته باشد به علت اطلاعات بیشتری که نسبت به اصیل دارد مشکلات و
مسائل نمایندگی بروز می‌کند که تعارض منافع را به وجود می‌آورد.^۲ البته تمام مسائل تعارض منافع ناشی
از مشکلات نمایندگی نیست بلکه بخش اعظمی از آن و آن هم تعارضاتی که میان طبقات خاصی از
نماینده‌گی‌ها حاصل می‌شود چنان‌که برخی از موارد تعارض منافع در اثر ریسک‌پذیری عاملان و تصمیم
گیران می‌باشد که هر یک تا چه حد قدرت پذیرش ریسک را داشته باشند از این موارد در مباحث بعدی
به فراخور عنوان به تفصیل می‌آید.

همان‌طور که دیده شد تعریف اقتصاددانان از نمایندگی که بیشتر با تأکید بر مفهوم لغوی کلمه
می‌باشد بسیار وسیع بوده و لذا روابط فراوانی را وارد موضوع نمایندگی می‌کند که می‌تواند بروز
مشکلات ناشی از آن باشد از این رو یک قرارداد عادی استخدامی می‌تواند نمایندگی به مفهوم اقتصادی
کلمه باشد زیرا رفاه مادی کارفرما در آن رابطه بستگی به عمل مستخدم یعنی اجرای صحیح اصول محوله

-
۱. حسینی، احمد، قانون قابل اعمال بر قراردادهای نمایندگی بین المللی با تأکید بر حقوق ایران، انگلستان و اسناد بین المللی، در حال نگارش نهایی.
 ۲. قاسم زاده، سید مرتضی، اصول قراردادها و تعهدات، چاپ اول، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۱۳.
 ۳. باقری، محمود، نقش حقوق شرکت‌ها و بازی بورس در موفقیت خصوصی سازی، چ اول، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۰۸.

دارد. همین طور مؤسسه مالی را در نظر بگیرید که به منظور اجرای پروژه اقتصادی سنگین، مبادرت به اعطای تسهیلات به یک شرکت پیمانکار می‌نماید، این رابطه از لحاظ حقوقی عقد قرض ولی از منظر اقتصاددانان این رابطه نیز ماهیتاً نمایندگی است چراکه سرنوشت رفاه تأمین کننده مالی بستگی به اعمال و تدابیر اتخاذی شرکت پیمانکار جهت موفقیت در اتمام پروژه و تسویه تسهیلات دریافتی دارد. بنابراین طیف وسیعی از اعمال و روابط حقوقی که ماهیتاً وکالت نیستند و با عناوین دیگر حقوقی شناخته می‌شوند به لحاظ اقتصادی داخل در عنوان نمایندگی یا وکالت در لسان اقتصادی قرار می‌گیرند.^۱ با این مقدمه‌ی ضروری در مورد مسأله‌ی نمایندگی، بحث تعارض منافع پی گرفته می‌شود.

فصل اول: تعارض منافع

تعارض منافع را نویسندگان با توجه به مسأله‌ی کارگزاری (نمایندگی) با محوریت سهام‌داران (مالکان) به سه طبقه تقسیم بندی کرده‌اند: ۱- میان سهام‌داران و مدیران ۲- میان سهام‌داران و دیگر عاملان ۳- میان خود سهام‌داران (میان سهام‌داران اقلیت و اکثریت) اما اگر محوریت بحث ذی‌نفعان قرار داده شود باید تعارضات این گونه دسته بندی گردند: ۱- تعارضات درون گروهی ذی‌نفعان ۲- تعارضات میان ذی‌نفعان. در اینجا جهت آشنایی ذهن و حفظ روند معمول طبقه بندی با توجه به سهام‌داران به عنوان مالکان حفظ شده و سپس به آن اضافه می‌گردد لذا ابتدا تعارضات منافع سهام‌داران و مدیران، تعارض منافع ذی‌نفعان و در نهایت تعارض منافع درون گروهی هر ذی‌نفع (که مصداق بارز آن می‌تواند تعارض منافع سهام‌داران اقلیت و اکثریت باشد) مورد بحث قرار می‌گیرد.

پیش از ورود به بحث، تأکید این نکته مفید می‌نماید که در لسان نویسندگان این موضوعات، مسأله و مشکل نمایندگی به طور کلی شامل هر سه طبقه مشکلات کارگزاری می‌گردد اما آنچه ذهن بدان

۱. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، ص ۲۶۹.

رهنمون می‌گردد و بیشتر تبادر می‌ورزد همان مسأله‌ی نمایندگی میان مدیران و سهام‌داران می‌باشد که همان طور که در قسمت‌های پیشین گفته شده، موضوع مبحث بعدی می‌باشد.

مبحث اول) تعارض منافع میان گروه‌های ذی‌نفع

گفتار اول) تعارض منافع میان سهام‌داران و مدیران (بحران نمایندگی)

اداره شرکت بر عهده‌ی مدیران است و قانون، وظایف و اختیارات ایشان را تعیین می‌کند.^۱ سازمان مدیریت شرکت، رکن آن محسوب می‌شود و اراده و تصمیم این سازمان که به نام، به حساب و به جای شرکت اتخاذ می‌شود، تظاهر اراده و تصمیم شرکت است.^۲ در واقع دو عنوان گوناگون در مدیران وجود دارد که هر کدام به اعتباری مورد توجه قرار می‌گیرد. به اعتبار شکست در سازمان مدیریت، مدیران رکن شرکت محسوب شده و به اعتبار شخصی، مدیران انسان‌هایی تلقی می‌شوند که در مقام نمایندگی و ولایت تصمیم‌هایی برای دیگران می‌گیرند^۳ لذا با پذیرش نظریه‌ی رکن بودن نیز درست است که دیگر ماهیت مدیران در قالب حقوقی وکیل شرکت یا شرکا قرار نمی‌گیرد و تحلیل نمی‌شود اما همان‌طور که صاحب نظران این رشته نیز بیان کرده‌اند؛^۴ به هر روی در تحلیل مسئولیت‌ها و وظایف مدیران باز تحلیل نماینده بودن به کمک می‌آید هم‌چنان‌که در اینجا نیز بیان شده، مدیران به اعتبار شخصی، نماینده محسوب می‌شوند و همین دو اعتبار در قالب مسئولیت‌های مدیران نیز به میان می‌آید. این اعتبار نماینده بودن بحث مسأله‌ی نمایندگی را به میان می‌آورد و آنچه که در بیان‌های مختلف تئوری نمایندگی، مسأله نمایندگی و بحران نمایندگی نامیده شده بروز می‌کند.

۱. ر.ک. مواد ۱۰۷ به بعد لایحه قانونی .

۲. عیسیایی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، ص ۹۳-۹۲ .

۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ ۲، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۹۱، صص ۶۴-۶۰ .

۴. کاویانی، کوروش، حقوق شرکت‌های تجاری، چ ۲، میزان، تهران، زمستان ۱۳۸۹، ص ۲۶۰ .

جوهره‌ی اصلی بروز مسأله‌ی نمایندگی را چنان‌که بیان شد باید افزونی اطلاعات نماینده دانست.^۱ دسترسی به اطلاعات مهم شرکت و نیز اختیارات تفویضی مالکان بنگاه به مدیران جهت تصمیم‌گیری پیرامون دارایی‌ها و معاملات بنگاه اقتصادی از جمله مهم‌ترین زمینه‌های بروز رفتار فرصت طلبانه برای مدیران بنگاه می‌باشد که جدی‌ترین مشکل کارگزاری که همانا در رابطه میان مدیران و سهام‌داران است را به وجود می‌آورد. این زمینه‌ها باعث می‌شود که اصیل نتواند بدون هیچ هزینه‌ای تضمین نماید که نماینده همان گونه که مورد نظرش بوده عمل می‌کند. نماینده نیز از طریق کاستن از کیفیت اجرای تعهداتش یا با انتقال دادن بخشی از منافع وعده داده شده به سوی خود، به نفع خویش عمل می‌نماید. این بدان معناست که در نهایت تعهدات نماینده در قبال اصیل از آن‌چه که وعده داده شده، کمتر خواهد شد یا مستقیماً یا بدان سبب که اصیل برای حصول اطمینان از کیفیت عملکرد نماینده باید متحمل هزینه‌هایی برای نظارت بر رفتار نماینده شود. هرچه وظایف بر عهده گرفته شده از سوی کارگزار پیچیده‌تر باشد و اختیارات وی وسیع‌تر باشد هزینه‌های نمایندگی هم‌چون هزینه‌های نظارت بیشتر می‌شود؛ این جدایی و فاصله غالباً منتج از توزیع گسترده و پراکنده سهام شرکت است.

وقتی سهام‌داران در شرکت سهامی عامی به صورت پراکنده و هر سهام‌دار از بخش ناچیزی از مجموع سهام شرکت را در اختیار می‌گیرد مدیریت با استفاده از فقدان نظارت، صلاح‌دید و اختیار وسیعی برای تعیین چگونگی تخصیص منابع پیدا می‌کند، هم‌چنین در این صورت این امر مقدور می‌شود که مدیران دارایی شرکت را برای منافع خود تخصیص می‌دهند^۲ چنان‌که بیان گشت افزونی اطلاعات نمایندگان ناشی از جدایی مدیریت و سرمایه‌ی شرکت می‌باشد آن‌چه که برله و مینز در سال ۱۹۳۲^۳ بیان

۱ Kraakman, Reinier, Paul Davies, Henry Hansmann, Gerard Hertig, Klaus J Hopt, Hideki Kanda, and Edward B Rock. "The Anatomy of Corporate Law." *A comparative and functional approach*. Oxford University Press (2004), P. 21 .

۲. باقری، محمود، نقش حقوق شرکت‌ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی سازی، ص ۱۱۰-۱۰۸ .

۳ Berle, Adolf Augustus, and Gardiner Coit Means. *The Modern Corporation and Private Property*. Transaction publishers, 1991.

کردند و در سه دهه‌ی آخر قرن بیستم به اوج خود در کتب و مقالات رسید که مهم‌ترین آن‌ها راس^۱، جنسن و مک‌لینگ^۲ و فاما و مک‌لینگ^۳ می‌باشد.

در تئوری‌های مالی یک فرض اساسی این است که هدف اولیه‌ی شرکت‌ها افزایش ثروت سهام داران است؛ لیکن در عمل همواره این گونه نیست. این احتمال وجود دارد که مدیران ترجیح دهند منافع خود مثل کسب بیشترین پاداش ممکن را تعقیب کنند. مدیران احتمالاً به افزایش منفعت شخصی تمایل دارند این امر موجب تمرکز و سرمایه‌گذاری آن‌ها بر طرح‌هایی می‌شود که منافع کوتاه مدت دارند (به ویژه اگر حقوق، مزایا و پاداش مدیران مرتبط با سود باشد) و توجهی به منافع بلند مدت سهام‌داران نخواهند داشت.^۴ حال اگر دو سوی رابطه‌ی افرادی سود جو و منفعت طلب باشند که در راستای افزایش منافع خود عمل کنند دلیل کافی برای این عقیده وجود دارد که نماینده در جهت افزایش منافع اصیل به بهترین شکل عمل نمی‌نماید و در نتیجه مشکل نمایندگی بروز می‌کند.^۵

در راستای بحث حداکثرسازی، رویکرد خطر پذیری مدیران (از جمله مدیر عامل) بروز می‌کند به این معنی که سرمایه‌گذاران خواهان ریسک بیشتر هستند. حال آن‌که مدیران نگران سرمایه‌ی انسانی خود هستند و اصولاً طرفدار ریسک کمتری هستند. مشکل نمایندگی و تعارض منافع را در سیستم‌هایی هم-چون حاکمیت شرکتی آلمانی شاید در این حالت به گونه‌ای واضح‌تر بتوان دید یعنی در جایی که برخی از اعضای هیأت مدیره، نمایندگی یک قشر خاص را بر عهده دارند برای مثال یکی از اعضا، نماینده‌ی بانک باشد؛ در اینجا مثلاً هنگامی که شرکت تصمیم به افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید می-

۱ Ross, Stephen A. "The Economic Theory of Agency: The Principal's Problem." *The American Economic Review* (1973): 134-39 .

۲ Jensen, Michael C, and William H Meckling. "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure." *Journal of financial economics* 3, no. 4 (1976): 305-60.

۳ Fama, Eugene F, and Michael C Jensen. "Separation of Ownership and Control." *Journal of law and economics* (1983): 301-25.

۴. ر.ک. بخش اول .

۵ . حساس یگانه، یحیی، مبانی نظری حاکمیت شرکتی، صص ۱۱-۱۰ .

۶ . باقری، محمود، نقش حقوق شرکت‌ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی سازی، ص ۱۰۹ .

گیرد و در مقابل، بانک در حال رقابت با بنگاه‌های دیگر است؛ تعارض منافع رخ می‌دهد چراکه در اینجا سیاست‌های اقتصادی این دو مطابق نمی‌باشد.

حالت دیگر تعارض منافع وقتی است که عملکرد شرکت منفی و پایین است و رئیس هیأت مدیره گزارش موفقیت آمیز بودن فعالیت شرکت را به بانک می‌دهد در این جا نماینده‌ی بانک هم باید صادقانه با اصیل خویش رفتار کند و هم منفعت مدیرانی که با آن‌ها صمیمانه کار کرده است را حفظ نماید^۱.

مشکل نمایندگی به دنبال خود هزینه‌ی نمایندگی را دارد که این هزینه‌ها را در ابتدا باید تمهیدات لازم در جهت عدم به وجود آمدن هزینه‌ها و زمینه‌های آن دانست، پس از آن هزینه‌های پیرامون مسائل نظارت و در نهایت هزینه‌های پیگیری خسارات ناشی از مشکل نمایندگی به میان می‌آید؛ البته این تنها سهام‌داران نیستند که می‌بایست هزینه‌ها را متحمل شوند چراکه مدیران نیز برای اثبات صداقت و تلاش خود و در نهایت حفظ شهرت خویش در راستای گزارش‌های ریسک شرکت و شفافیت مالی هزینه‌هایی را بر دوش می‌کشند. هزینه‌های نمایندگی را به طور کلی براساس مقاله‌ی هیل و جونز می‌توان شامل سه دسته نمود: ۱- هزینه‌های کنترل و نظارت نماینده از سوی اصیل ۲- هزینه‌ی الزامات صورت گرفته از سوی نماینده ۳- و هرگونه زیان مازاد باقی مانده^۲.

از بحث‌های انجام شده، واضح است که با ایجاد شرکت و به خصوص نوع مدرن و حقیقی کلمه یعنی شرکت‌های سهامی عام و تغییر و تحولات حقوق شرکت‌ها که بسیار هم مفید واقع گشت و توانست جای بازار را پر کند، دموکراسی شرکت و در نهایت مشکل نمایندگی بوجود آمد که این مشکل نیز به دنبال خود هزینه‌های نمایندگی را دارد که گرچه هزینه‌های آن از هزینه‌های تولیدی نهاد بازار کمتر است اما قابل چشم پوشی هم نیست به طوری که تنها حالتی که هزینه‌های شرکت و نمایندگی صفر است

۱. Cheffins, Brian R. "Company Law: Theory, Structure and Operation.", pp.106-107 .

۲ Hill, Charles WL, and Thomas M Jones. "Stakeholder-Agency Theory." *Journal of management studies* 29, no. 2 (1992): 131-54, p.132 .

وقتی است که شرکت تک نفره^۱ باشد حال آن که دقیقاً جهت اصلی نوشتار حاضر در جهت عکس شرکت تک نفره یعنی شرکت‌های سهامی عام با تعداد کثیر سهام‌داران می‌باشد. لذا چاره اندیشی در جهت حل هزینه‌های نمایندگی و به طور کلی تعارض منافع موجود خود بسط جامعی از صاحب نظران و اندیشمندان رشته‌های مختلف و حجم عظیمی از مقالات را به خود اختصاص داده است که بخشی از این راهکارها در قسمت شرح و بسط تئوری ذی‌نفعان (بخش قبل) بیان گشت و بخشی دیگر از آن موضوع فصول بعدی خواهد بود. در ادامه تعارض میان گروه‌های دیگر ذی‌نفع بیان می‌گردد.

گفتار دوم) تعارض منافع میان سایر گروه‌های ذی‌نفع

تعارض منافع را می‌توان در میان ذی‌نفعان اولیه یا ثانویه بررسی کرد بنابر این اعتقاد که آن‌ها نقش گسترده تری در امور شرکت دارند. اما با توجه به رویکرد جامع تئوری ذی‌نفعان این روند به کار گرفته نمی‌شود بلکه کلیات و برخی مثال‌ها آورده می‌شود. نکته‌ی دیگر که یادآوری آن ضرورت دارد این است که اگر در تعارض به بررسی تک تک ذی‌نفعان با دیگری بپردازیم با ترکیب^۲ از ۱۳ مواجه هستیم که به معنی بررسی ۷۸ حالت می‌باشد که حال چون تعارض منافع مدیران و سهام‌داران به عنوان مهم‌ترین مسأله قبلاً بررسی شد می‌بایست ۷۷ حالت دیگر بررسی گردد که این بررسی نه نیاز است و نه ممکن؛ نیاز نیست زیرا حالات موجود مثال‌هایی است از آنچه احتمال دارد در عالم واقع رخ دهد و با ذکر کلیات می‌توان آن‌ها را پیش بینی نمود و هم‌چنین آنچه حائز اهمیت است حل تعارض است که در آن نیز می‌توان با ملاک‌های ارائه شده انجام داد، ممکن نیست چون بعید است بتوان تمام آنچه که قرار است رخ

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. جوهر، سعید، بررسی تطبیقی شرکت تک شریک در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ۱۳۹۲.

۲. ترکیب مفهومی است در حوزه ریاضیات به معنی تعداد روش‌های انتخاب ۲ شیء از n شیء به طوری که ترتیب در انتخاب ۲ شیء اهمیت نداشته

باشد. ترکیب را با نمادهای $C(n, r) = C_r^n = {}_n C_r = \binom{n}{r}$ نمایش می‌دهند و آن را انتخاب ۲ از n می‌نامند و برای به دست آوردن آن داریم: $\binom{n}{r} = \frac{n!}{r! \times (n-r)!}$

دهد را پیش بینی نمود، بسیار محال است که بتوان آینده و مورد به مورد تمام احتمالات را سنجید لذا در اینجا برای روشن شدن بحث و آماده‌ی شدن ذهن تعدادی از حالات و منابع ایجاد تعارض ذکر می‌گردد. بنابر مفهوم اقتصادی نمایندگی، این مشکل میان سایر گروه‌های ذی‌نفع، از جمله مدیران و کارکنان نیز قابل بوجود آمدن است. مدیران میزان بهره‌وری کارکنان را نمی‌دانند و نمی‌توانند میزان تلاش آن‌ها را کاملاً مشاهده کنند. طبیعی است که نسبت به سطح پایین بهره‌وری کارکنان و یا عدم تلاش آن‌ها نگران باشند. به این مسائل، مشکلات مدیریت منابع انسانی نیز گفته می‌شود.^۱

کارکنان با سهام‌داران و طلب‌کاران هم می‌توانند تعارض منافع داشته باشند و علت تعارض این است که هر دو گروه وابسته به کارکنان شرکت هستند و سخت‌کوشانه، با مهارت و صداقت کار می‌کنند که این همان وجود رابطه‌ی اصیل-نماینده از بعد اقتصادی می‌باشد. کارکنان ممکن است برای خود راحت بگیرند و وظایف خود را ساده بگیرند و یا سوء استفاده از اموال بنمایند و بدین وسیله هزینه‌های نمایندگی را بر سهام‌داران و طلب‌کاران تحمیل کنند. کارکنان به راحتی می‌توانند بجای خوب بودن، بد باشند و کیفیت شرکت را پایین بیاورند.^۲

به غیر از این خود نفع‌خواهی کارکنان، منبع دیگر تعارض می‌تواند وجود تکنولوژی‌های جدید کاری باشد؛ سهام‌داران و طلب‌کاران که در اینجا منافع شان هم رأستا شده، خواهان به کارگیری تکنولوژی و افزایش سود و مزایا هستند؛ در حالی که کارکنان واهمه‌ی از دست دادن شغل خویش را خواهند داشت. فراموش نشود که در برخی حالات، دست‌یازی به این‌که آیا مسأله‌ای موجب تعارض است و یا تعادل، چندان راحت نخواهد بود و این همان نکته‌ای است که از آن به عنوان عدم نیاز و عدم ضرورت بررسی همه‌ی ترکیبات تعارض نام برده شد. برای مثال انتقال مالکیت شرکت (همانند ادغام) از جمله مواردی است که می‌تواند ایجاد تعارض کند، به خصوص هنگامی که شخصیت جدید، در حالت بوجود آمده، خواهان افزایش بهره‌وری و کاهش نیروی کار باشد. حتی اگر چنین نباشد روبرویی با تیم

^۱ Hopt, Klaus J. *Comparative Corporate Governance: The State of the Art and Emerging Research*. Oxford

University Press, 1998, p.855 .

^۲ Cheffins, Brian R. "Company Law: Theory, Structure and Operation.", p.92-93 .

مدیریتی و جوّ جدید چندان اطمینان بخش نخواهد بود. وقتی که شرکت پیشین با کاهش روبرو بوده و اکنون مدیریت جدید آن را احیا کند، می‌تواند ایجاد تعادل کند.^۱

نمونه‌ی دیگری از تعارض منافع، میان مدیران و طلب‌کاران است. در این جا مسأله‌ی نمایندگی می‌تواند به این صورت بروز پیدا کند که مدیران مزیت اطلاعاتی طلب‌کاران را با اقدامات خود از بین ببرند و از این رو به آن‌ها زیان وارد کنند. منبع دیگر تعارض منافع و ایجادگر مسأله‌ی نمایندگی می‌تواند تحلیل ریسک باشد، طلب‌کاران به دنبال اقدامات محتاطانه‌تر مدیران هستند، حال آن‌که سهام‌داران اقدامات مخاطره‌آمیز را نیز ترجیح می‌دهند؛ ترس طلب‌کاران از غرق شدن شرکت در بدهی است ولی سهام‌داران خواهان ریسک و به دست آوردن سود بیشتر هستند، مدیران نیز احتمالاً در این حالات رو به سوی منفعت سهام‌داران می‌آورند.

حالت دیگر تعارض هنگامی است که مشتری بخواهد کالاها را فوری و به محض تولید بفروشد که این به نگرانی عرضه‌کننده از عدم سرمایه‌ی کافی، دامن می‌زند. مشتری نیز ممکن است با همین مشکل روبرو شود؛ یعنی وقتی که عرضه‌کننده قبل از ارسال کالاها پولی را بخواهد. مورد دیگر تعارض میان این دو هنگامی است که کیفیت یا مبلغ کالا وابسته به میزان تلاش عرضه‌کننده باشد، مشتری ممکن است نگران این شود که آیا به اندازه کافی تلاش کرده است یا خیر؟^۲ البته تعارضات به این جا ختم نمی‌شود چنان‌که تعارض منافع شرکت با محیط، جوامع و حکومت، نمونه‌های بارزی دارد که خود را در قوانین محیط زیست، مالیاتی و قوانین حمایتی دیگر نشان داده‌اند. از این تعارضات و راه‌حل‌های آن در ادامه بیشتر سخن به میان می‌آید.

^۱ Ibid, p.94 .

^۲ Hopt, Klaus J. *Comparative Corporate Governance: The State of the Art and Emerging Research*, p.855 .

مبحث دوم) تعارض منافع درون گروه ذی نفعان

در این قسمت ابتدا به تعارض منافع در درون سایر گروه های ذی نفع به جز سهامداران، گریزی زده می شود؛ سپس به تعارض منافع میان گروه های سهام دار به عنوان یکی از سه مسأله ی نمایندگی مطرح پرداخته می شود.

گفتار اول) تعارض منافع در درون سایر گروه های ذی نفع

این تعارض را می توان ناشی از سلیقه های گوناگون و خودنفع خواهی دانست. برای مثال یک مشتری نوعی از محصول را می پسندد و مشتری دیگر محصولی با ویژگی های متفاوت را مورد پذیرش قرار می دهد. یا مثلاً در یک جامعه برخی سازمان ها رویکردی خاص نسبت به شرکت و فعالیت های آن دارند و برخی مؤسسات برخورد متفاوت دیگری؛ و یا مثلاً کارمندی در شرکت مخالف تعیین حقوق و مزایا براساس بهره وری است و کارمندی چابک تر، این شیوه به دست آوردن منفعت بیشتر را برای خود می پسندد.

گفتار دوم) تعارض منافع میان سهام داران

یکی از مشکلات نمایندگی در میان سهام داران عمده (اکثریت یا کنترل کننده) و سهام داران اقلیت رخ می دهد. هر چند در متون متعدد از آن با عنوان مسأله ی نماینده-اصیل نام برده شده که تأکید آن بر مفهوم اقتصادی نمایندگی است. اما این مسأله از بعد مفهوم حقوقی یک تعارض منافع اصیل-اصیل می باشد که برخی نویسندگان نیز بدان اشاره کرده و به این صورت آن را مورد بحث قرار داده اند. اگرچه از

1 Dharwadkar, Bavi, Gerald George, and Pamela Brandes. "Privatization in Emerging Economies: An Agency Theory Perspective." *Academy of management review* 25, no. 3 (2000): 650-69. Peng, M, and S Sauerwald. "Corporate Governance and Principal-Principal Conflicts." *The Oxford Handbook of Corporate Governance. Oxford: OUP* (2013). Su, Yiyi, Dean Xu, and Phillip H Phan. "Principal-Principal Conflict in the Governance of the Chinese Public Corporation." *Management and Organization Review* 4, no. 1 (2008): 17-38 .

مسأله‌ی نمایندگی، متبادر رابطه‌ی میان مدیر و سهام‌دار است و معروف‌ترین بخش مسأله‌ی نمایندگی است و اکثر نوشته‌های این زمینه را به خود اختصاص داده است اما واقعیت این است که در حقوق ایران مسأله‌ی نمایندگی میان سهام‌داران بیشتر مورد بحث واقع شده و مهم‌تر جلوه کرده است. تعارض منافع در این گروه می‌تواند از منشأهای مختلف سرچشمه بگیرد که در ادامه بیان می‌گردد.

ساختار مالکیت، نقش بسزایی در تعارض منافع دارد. چنان‌که در مسأله‌ی نمایندگی مدیران، ساختار مالکیت گسترده از منابع اصلی پیدایش آن بود، در مقابل ساختار مالکیت متمرکز موجب تعارض منافع میان سهام‌داران اقلیت و اکثریت می‌گردد، اکثریت سهام‌داران مکرراً از اموال شرکت با اطرافیان خویش معامله می‌نمایند و از این جهت حقوق سهام‌داران اقلیت را نادیده می‌گیرند!

منشأ دیگر را باید وظایف اخلاقی مدیران دانست؛ مدیران دو وظیفه‌ی رفتار برابر و وفاداری دارند که وظیفه‌ی رفتار برابر در قبال سهام‌داران به این می‌انجامد که آن‌ها وظیفه‌ی مستقیمی به نفع سهام‌داران داشته باشند تا به نفع شرکت، این وظیفه به گونه‌ای شدید به حفظ منافع اکثریت به جای تمام سهام‌داران و یا اقلیت می‌انجامد.^۲ این منشأ را می‌توان از بعد قانونی نیز مورد بررسی قرار داد و به عبارتی یکی از اصلی‌ترین مسائل در جهت ایجاد تعارض مذکور نامید.

به موجب ماده‌ی ۲۴ لایحه، سهم شاخص مشارکت، مسئولیت و منافع می‌باشد. در نتیجه این‌که آورندگان آورده بیشتر با قبول تعهد زیادتر حق مشارکت مؤثرتری پیدا می‌کنند، هم چنین به موجب ماده‌ی ۱۵ لایحه قانونی صریحاً رضایت سهام‌داران به تمکین نظر ابرازی دارندگان اکثریت سهام در مجامع عمومی اخذ شده که از لوازم دموکراسی شرکت می‌باشد این مشروعیت اکثریت مشکلاتی اداری بوجود می‌آورد؛^۳ چراکه آن‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای در انتخاب مدیران خواهند داشت و مدیران نیز خود را در

^۱ *Corporate Governance of Listed Companies in China Self-Assessment by the China Securities Regulatory Commission: Self-Assessment by the China Securities Regulatory Commission*. OECD Publishing, 2011, p.41. Wu, Huiying, and Chris Patel. *Adoption of Anglo-American Models of Corporate Governance and Financial Reporting in China*. Vol. 29: Emerald Group Publishing, 2015, p.207.

^۲ Peters, Anne, and Lukas Handschin. *Conflict of Interest in Global, Public and Corporate Governance*.

Cambridge University Press, 2012, p.311.

^۳ فرحناکیان، فرشید، حقوق سهام‌داران خرد در شرکت‌های سهامی، ضمیمه حقوق روزنامه همشهری، ۱۲ آذر ۱۳۹۲.

قبال آنان مسئول می‌دانند^۱ زیرا ایشان با دارا بودن حق عزل و نصب مکرراً کنترل و نظارت خویش بر مدیران را اعمال می‌کنند.^۲

منشأ دیگر مشکلات و معضلات ریشه ای در بحث حمایت از حقوق اقلیت، ساختار هیأت مدیره-ی شرکت‌ها می‌باشد. البته از مسائلی همچون شیوه ی برگزاری مجامع عمومی نباید غافل بود که هنوز به صورت قدیمی و ناکارآمد برگزار می‌شود و یکی از مخالفان اصلی الکترونیکی و به روز برگزار شدن آن لاًقل در ایران، سهام‌داران بزرگ هستند.^۳ این سرچشمه های تعارض موجب می‌شود با وجود اصول رفتارهای برابر و متساوی، باز هم احتمال نقص حقوق سهام‌داران اقلیت وجود داشته باشد.^۴ از این رو پرداختن به روش های حل تعارض ضروری می‌نماید که در قسمت بعدی بدان پرداخته می‌شود. اما در خاتمه‌ی این قسمت و به عنوان مقدمه سازی برای بخش بعدی مسائلی مطرح می‌گردد که اهمیت بحث را به خصوص در حقوق ایران واضح می‌کند.

ساختارهای متمرکز به عنوان منشأ تعارض منافع از سال ۲۰۰۵ در جهان رو به کاهش گراییده است. اما در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر همچنان ساختارهای متمرکز قسمت اعظم شرکت‌ها را تشکیل می‌دهند واقعیت این است که ساختار شرکت مدرن و سهامی عام هنوز به معنی واقعی کلمه چندان رشد نکرده است. شاید به همین دلیل باشد که در ایران تا کنون نیاز جدی به بحث های تعارض منافع احساس نشده است. حتی مسأله ی نمایندگی میان سهام‌داران هم که بسیار مبتلا به هست به میزان خیلی اندک مورد توجه قرار گرفته است، اگر مسأله ی الزام به تقسیم سود به این مشکل ارتباط داده شود آن‌گاه

^۱ Wu, Huiying, and Chris Patel. *Adoption of Anglo-American Models of Corporate Governance and Financial Reporting in China*, p.207 .

^۲ Calabrò, Andrea. *Governance Structures and Mechanisms in Public Service Organizations: Theories, Evidence and Future Directions*, phd thesis, university of Rome Tor Vergata, Rome, 2011, p.43 . Calabrò, Andrea. *Governance Structures and Mechanisms in Public Service Organizations: Theories, Evidence and Future Directions*. Springer Science & Business Media, 2011 .

^۳ <http://iccima.ir/fa/commission-18/item/59587-asl44-921015.html> Retrieved august 25 2015 .

^۴ Gregoriou, Greg N, and Luc Renneboog. *Corporate Governance and Regulatory Impact on Mergers and Acquisitions: Research and Analysis on Activity Worldwide since 1990*. Academic Press, 2007, p.4.

می‌توان گفت که بحث‌های میان سهام‌داران اقلیت و اکثریت در حال تبدیل به دغدغه‌ی حقوق دانان شرکت‌ها می‌باشد.

پیرامون دارا بودن قدرت توسط اکثریت و مشروعیت آن نیز با بررسی روند قانون‌گذاری می‌توان به احساس نیاز قانون‌گذار به تغییر پی برد. تا قبل از وضع لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷، سرنوشت سرمایه اقلیت سهام‌داران در دست کسانی بود که صاحب اکثریت سهام شرکت بودند (ماده‌ی ۷۲ قانون تجارت ۱۳۱۱). نه تنها اراده و تصمیمات اقلیت سهام‌دار در امور شرکت هیچ تأثیری نداشت بلکه اقلیت مذکور به علت این‌که هیچ وقت نمی‌توانست از میان خود مدیری را به عضویت هیأت مدیره تعیین و انتخاب کند؛ هیچ اطلاعی از مذاکرات هیأت مدیره و تصمیمات آن‌ها پیدا نمی‌کرد. به عبارت دیگر اکثریت پنجاه درصد سهام به علاوه یک سهم به راحتی می‌توانست تصمیمات یک اقلیت پنجاه درصد سهام منهای یک سهم را در مجامع عمومی عادی از اثر بیاندازد و خنثی کند و مانع شود که حتی یک نفر مدیر از طرف اقلیت به هیأت مدیره راه پیدا کند و در مذاکرات مدیران و تصمیمات آن‌ها شرکت نماید. این وضع علاوه بر این‌که مبین یک نوع بی‌عدالتی است اصولاً ایجاد عدم رغبت در صاحبان سرمایه‌ی کوچک برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های سهامی کرده و صاحبان سرمایه حاضر نمی‌شوند پول خویش را هر قدر هم ناچیز در چنین مؤسسه‌ای به کار اندازند و عنان و اختیار سرمایه‌ی خود را از هر جهت به دست سهام‌داران اکثریت بسپارند. این گونه بود که لایحه‌ی قانونی ۱۳۴۷ سیستم آراء مجموع یا ادغامی^۱ را برگزید.^۲

مورد دیگر در اهمیت توجه به سهام‌داران اقلیت، تأثیر این توجه در شاخص‌های اقتصادی می‌باشد. برای بررسی وضعیت اقتصادی کشورها شاخص‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود. یکی از این شاخص‌ها، کیفیت فضای کسب و کار می‌باشد. در بررسی روند کیفی این فضا، یکی از مؤلفه‌ها، حمایت از سهام‌داران اقلیت می‌باشد که در این رابطه سه فاکتور اصلی افشای اطلاعات، میزان مسئولیت

۱. امینی، علی، حقوق و تکالیف سهام‌داران اقلیت در شرکت‌های سهامی خاص، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، گیلان، ۱۳۹۱.

۲. امامی، مصطفی، آراء مجموع و اقلیت سهام-دار در شرکت‌های سهامی: بحثی در حقوق تجارت، حقوق مردم، تابستان ۱۳۵۱، ش ۲۸، ص ۴۶.

مدیران و سهولت طرح دعوی توسط سهام‌داران اقلیت مورد مذاقه قرار می‌گیرد. البته ایران در این مؤلفه و بخصوص فاکتور مهم تر طرح دعوی از سوی اقلیت بسیار پایین است.

در شاخص سهولت انجام تجارت که به صورت گزارش‌هایی هر ساله از سوی بانک جهانی منتشر می‌شود، رتبه‌ی ایران در حمایت از سهام‌داران اقلیت در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۴ به ترتیب ۱۵۴م و ۱۴۷م در میان ۱۸۹ کشور بوده است.^۱ رتبه‌ی پایین ایران به وضوح، بسیاری از نکات را مشخص می‌کند و همان‌طور که از اهمیت بیشتر مسایل قانونی در ابتدای بحث تعارض منافع درون سهام‌داران گفته شده، احتمالاً اولین نگاه‌ها به سمت قوانین ضعیف می‌رود؛ اگرچه در قوانین راهکارهایی همچون دعوی مشتق، ابطال تصمیمات خلاف قانون و... اندیشیده شده است، اما این موارد جامع نبوده و همچنان خلأ قوانین احساس شده و نیاز به تصویب قوانین جدید را ضروری می‌نماید.^۲

فصل دوم: راهکارهای حل تعارض منافع

در این قسمت به نحوه‌ی حل تعارض منافع میان گروه‌های مختلف و راهکارهای ارائه شده برای آن پرداخته می‌شود، بدین منظور سه مبحث تدوین گشته است که در مبحث اول مقررات موجود در حقوق خصوصی و به معنی اخص، قانون مدنی بررسی می‌گردد، در مبحث دوم مقررات حقوق شرکت‌ها و راهکارهای آن به میان می‌آید. این دو مبحث، با تأکید بر دو نکته نگاشته شده است؛ اول این‌که در تمام موارد حقوق ایران (قانون شرکت‌ها و قانون مدنی) مد نظر می‌باشد. هرچند بیشتر اصول و راهکارها در

۱. World Bank group, "Doing Business 2014: Understanding Regulations for Small and Medium-Size

Enterprises." World Bank Publications, Washington DC, 2013, p.198 .

World Bank group, "Doing Business 2015: going beyond efficiency." World Bank Publications, Washington DC, 2014, p.192 .

۲. ده پناه، علیرضا، حقوق دارندگان سهام اقلیت و اکثریت در شرکت‌های سهامی عام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، مهر ۱۳۹۳، چکیده . بیگی حبیب‌آبادی، احمد، حقوق سهام‌داران اقلیت در ادغام شرکت‌های تجاری، پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۳، ش ۵، چکیده. آرین، محسن، باقریان، امیر، حمایت از حقوق سهام‌داران اقلیت در شرکت‌های بورس اوراق بهادار، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، حسابداری، مدیریت و علوم اجتماعی، لهستان، ۱۳۹۳، چکیده .

اکثر کشورها یکسان هست اما به جهت عملی سازی و پیاده ساختن تئوری، حقوق ایران به عنوان مصداق انتخاب گشته است. نکته ی دوم این که طبعاً این دو حوزه با توجه به مطالب گفته شده در انتهای بخش قبلی و مطالب موجود در دو مبحث در جهت تعادل و کارایی به اندازه کافی نیازها را برآورده نمی کنند. به این منظور اصلاحات مورد نیاز و دخالت های دولتی اعم از این که در معنای کلی به اصلاح قانون منجر شود و یا به صورت کنترل و نظارت و به عبارتی داخل در حقوق عمومی باشد در مبحث سوم مورد اشاره قرار می گیرد.

مبحث اول) نقش حقوقی مدنی در حل تعارض

قانون مدنی به عنوان قانون پایه و مادر نقشی عمده در مجموعه ی حقوقی بازی می کند. به خصوص آن که از پشتوانه غنی فقه پویا و تطبیق یافته با مقررات روز زمان خویش بهره برده است. در این قانون راهکار های متعددی در جهت نظم امور و ایجاد تعادل میان نهادهای حقوقی اجتماع اندیشیده شده است. بسیاری از این مقررات در تعامل با فضای تجارت و اقتصاد هستند و بدین لحاظ شیوه ی وضع مقررات مذکور در پیشرفت اقتصادی تأثیری شگرف خواهد داشت. از جمله ی این مقررات را می توان مقررات مربوط به مشارکت، رهن و بیع دانست، اما واقعیت این است که برخی از این مقررات به جهت قدمتی که دارند در ارتباط با تجارت و ویژگی ممیزه ی سرعت، تاب همراهی را نداشته و از کوران رقابت باز می مانند. که منجر به عقب ماندن نظام کلی تجارت از سیستم جهانی می گردد. بدین منظور و صرفاً جهت اشاره به عنوان مقدمه ابتدا ضعف مقررات مدنی در حوزه بیع و رهن بیان می گردد. سپس به قسمت اصلی تداخل حقوق مدنی با ذی نفعان پرداخته می شود.

پیرامون ماهیت سهم به جهت نزدیکی و ارتباط آن با حقوق سنتی شاید بیش از هر موضوع تجاری دیگری بحث شده است این که آیا مال است یا خیر؟ مال واقعی (مادی/فکری) است یا اوراق بهادار یا پول؟ هم چنین بیان شده است ماهیت میان شرکت های مختلف فی المثل سهامی عام و خاص متفاوت است. به هر روی حوزه اصلی اختلاف و اهمیت تداخل آن با مباحث بیع و رهن این است که اگر عین

باشد نسبت به خرید و فروش آن و رهن آن حساسیتی وجود نخواهد داشت (ماده‌ی ۳۳۸ و ۷۷۴ قانون مدنی). نتیجه دیگر بحث ماهیت سهم، حقوق بین الملل خصوصی سهام و مسائل پیرامون اوراق قرضه می‌باشد. به هر روی این جنبه از حقوق اموال نیازمند اصلاحاتی در جهت همگام شدن با رشد اقتصادی می‌باشد.

در زمینه ی ناکارآمدی مقررات پیرامون رهن، طوسی با پرسش های به نظر با حالت استفهام انکاری چنین بیان می‌دارد: به موجب ماده‌ی ۷۷۴ مال مرهون باید عین باشد و رهن دین و منفعت باطل است. مسأله این است که این ماده‌ی چقدر می‌تواند در امر تولید و تخصیص منابع اقتصادی جامعه نقش آفرین باشد؟. برای مثال چندین مخترع و مبتکر در نظر بگیرید که برای راه‌اندازی خط تولید موضوع ورقه اختراع نیازمند تأمین مالی از سوی نهاد های مالی مانند بانک می‌باشند. اما در قبال اخذ تسهیلات قادر به ارائه عین معین نیستند. لزوم عینیت مال مرهون چقدر می‌تواند اجتماع را در امر تولید و تبعاً افزایش رفاه اجتماعی مساعدت نماید؟. آیا مال ناشی از ورقه اختراع یا سایر حقوق معنوی که از لحاظ اقتصادی و مالی در دنیای امروزی بعضاً از ارزش مادی قابل توجهی نیز برخوردار می‌باشند، قادر به ارائه تضمینی که از عین معین مورد انتظار است نمی‌باشد؟ در مثال مذکور اگر نهاد های مالی به استناد آمره بودن قاعده مندرج در ماده‌ی مرقوم نتوانند تأمین مالی لازم را برای کار آفرینان مزبور فراهم کنند، محروم ماندن اجتماع از نتایج تولیدی اختراع و خلاقیت یاد شده چگونه قابل توجیه است؟ نظام حقوق رهنی ایران چه مقدار توانسته است با مهیا نمودن زمینه اشتغال و به کار گیری منابع اقتصادی در خدمت فعالان اقتصادی جامعه و النهایه رفاه اجتماعی همگانی باشد؟^۲

حال پس از ورود به بحث مقررات حقوق مدنی، به بررسی قسمت های اصلی تداخل حقوق مدنی با تعارض منافع و راه حل های آن پرداخته می‌شود. مشخصاً دو قسمت مد نظر است: اول فصل هشتم از باب دوم کتاب دوم جلد اول قانون مدنی می‌باشد که نام شرکت را به همراه خود دارد و دوم

۱. باقری، محمود، تقریرات درس حقوق بنگاه های اقتصادی، دانشگاه علوم قضایی، تهران، نیم سال دوم تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱، جلسه‌ی ششم، مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۲.

۲. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، ص ۸۴.

فصل سیزدهم از همین باب است که دارای مقررات بسیار کاربردی در سرتاسر سایر قوانین است که بیان گشت که مبنای تقسیم بندی بسیاری از نویسندگان در تعارض منافع می باشد، یعنی وکالت. پیرامون عقد شرکت موجود در قانون مدنی و شرکت تجاری و کلاً مباحث اقسام ماهوی شرکت بسیار بحث شده است که بخشی از آن در بخش اول مورد مرور قرار گرفت. در ادامه و از دیگر تفاوت- های شرکت های مدنی و تجاری شیوه تصمیم گیری میان شرکا می باشد. در مشارکت های مدنی تصمیم گیری راجع به اموال مشاع تابع نظام اجتماعی و شرایط مقرر بین شرکا می باشد (ماده ی ۵۷۶ و ۵۸۰ قانون مدنی) که موجب جلوگیری از سرعت عملیات تجاری و توسعه سرمایه گذاری می شود زیرا معمولاً دستیابی به اتفاق آرا دشوار می باشد. بی شک ریشه ی راکد ماندن بسیاری از اموال مشاعی را می توان در رژیم حقوق حاکم بر نحوه اداره کردن اینگونه اموال دانست! لذا قانون تجارت برای جلوگیری از این ناکارآمدی سیستم معروف دموکراسی شرکتی را در پیش گرفت که به معنی اقدام در جهت تصمیم اکثریت می باشد.

در این مجال ذکر این نکته لازم است که رابطه حقوقی شریکی که ماذون در اداره مال مشاع می- شود با دیگر شریکان تابع احکام رابطه وکیل و موکل است (ماده ی ۵۷۷ قانون مدنی)، لذا دیده می شود که حتی در مقررات عقد شرکت نیز رابطه ی شرکا و مدیر به مواد وکالت احاله داده می شود. در نتیجه، ادامه بحث پیرامون مقررات وکالت و میزان کارایی بخشی آن به اقتصاد و تأثیر آن در حل تعارض ذی- نفعان با یکدیگر می باشد.

از نظر حقوق وکالت کلاسیک؛ وکیل به مفهوم اعم خود، مکلف است در حدود اختیارات تفویضی عمل نماید و از چهارچوب آن، تجاوز نکند (ماده ی ۶۶۳ قانون مدنی). چنانچه وکیلی از حدود مزبور، فراتر رفته و تعهدی خارج از حدود، بر ذمه موکل ایجاد نماید، آن عمل به دلیل خروج از اذن، نسبت به موکل الزام آور نخواهد بود (ماده ی ۷۷۴ قانون مدنی) و اگر از تقصیر وی خسارتی به بار آید که

۱. همان، ص ۲۷۴.

۲. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ج ۲۵، میزان، تهران، پاییز ۱۳۸۹، ص ۴۰۹.

عرفاً مسبب آن باشند مسئول خواهد بود(ماده‌ی ۶۶۶ قانون مدنی). علت چنین حکمی از نظر تحلیلی معلوم است:

از طرفی اصل "حاکمیت اراده" اقتضا می‌کند که هرکس فقط ملزم به تعهداتی باشد که ریشه در اراده او داشته و قابل انتساب به وی باشد و از طرف دیگر وکیل شخصاً هیچ گونه اصالتی نداشته و در ایجاد تعهد صرفاً نقش یک واسطه را ایفا می‌نماید لذا عمل وکیل تا جایی نسبت به موکلش الزام آور خواهد بود که کاشف از اراده موکل یا منتسب به او باشد. با نفی اصالت برای وکیل، روشن می‌شود که در معاملاتی که یک وکیل انجام می‌دهد در حقیقت این خود موکل یا اصیل است که در چهره وکیل ظاهر می‌شود. به عبارت دیگر افراد در معاملات اصالتی شخصاً و در چهره خود ظاهر می‌گردند و در معاملات وکالتی، در چهره وکیل خود. وکیل در اجرای وکالت یا مأموریت خود، در حقیقت موکل خود را نمایان می‌سازد. نتیجه‌ای که از تحلیل فوق به دست می‌آید این است که وکیل در حدود اراده موکل، وی را نمایان ساخته و در خارج از آن جنبه نمایندگی ندارد. می‌توان اقدام وکیل را در خارج حدود تفویضی، به "حرکت در خلأ" اصطلاح کرد!

با پشتوانه‌ی اصل حاکمیت اراده، عدم نفوذ معاملات خارج از اذن وکیل به عنوان یک قاعده، قابل دفاع به نظر می‌رسد؛ زیرا مقید ساختن اصیل به چنین معامله‌ای بر خلاف اصل مذکور بوده و به دلیل اجحاف به موکل موجه به نظر نمی‌رسد.

لذا موکل در راستای حفظ حقوق خود چند راهکار پیشگیرانه، میانه و واکنشی را خواهد داشت. وی می‌تواند وکیلی که خلاف مصلحت و یا مقتضیات رفتار می‌کند (ماده‌ی ۶۶۷ قانون مدنی) را عزل کند^۲(ماده‌ی ۶۷۹ قانون مدنی) و یا اقدام خارج از اختیار وی را اجازه ندهد (ماده‌ی ۶۶۷ قانون مدنی) و در نهایت اگر وی تقصیری مرتکب شد دعوی مسئولیت او را طرح کند اما این واکنش‌ها همان طور که گفته شده، کارآمد نیستند و این ناکارایی موجبات عکس العمل از سوی اندیشمندان گرایش‌های مختلف

۱. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، صص ۱۸۳-۱۸۲.

۲. ایرانلو، محسن، میرشکاری، عباس، عزل وکیل، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، دوره ۱۰، زمستان ۱۳۸۸، ش ۳۰، صص ۵۵-۹۱.

حقوقی است. چنان چه اکنون در حقوق ایران بسیاری تئوری نمایندگی ظاهری را پیشنهاد داده اند این تئوری بیان می‌دارد در مواردی که نماینده فاقد اختیار است، هرگاه اصیل به واسطه‌ی گفتار یا رفتار خود، ظهوری ایجاد نماید که در نتیجه آن، شخص ثالث تصور کند نماینده کاملاً مجاز به انعقاد قرارداد می‌باشد و با اعتماد بر این عقیده اقدام به انعقاد قرارداد با وی نماید، اصیل در نتیجه اقدامات نماینده در مقابل شخص ثالث متعهد خواهد شد.^۲ در بیان علت توجه به تئوری جدید و روی گردانی از ضمانت اجرای عدم نفوذ هنگام تجاوز از اختیارات آمده است که: از یک طرف بدون توجه به اعتماد و اطمینان اشخاص، برهم زدن معاملات متعدد، امنیت معاملات که اساس نظم عمومی اقتصادی است را به مخاطره می‌اندازد و از سوی دیگر طرح دعاوی متعدد و اشتغال دستگاه قضایی را شامل می‌شود.^۳ البته این بخشی از مشکلاتی است که این عدم نفوذ به بار می‌آورد. کاربرد این نظریه روز به روز به ویژه در خصوص اشخاص حقوقی، روابط استخدامی و قراردادهای سرمایه‌گذاری افزایش پیدا می‌کند؛ و این توسعه مبتنی بر ضرورت های تجاری می‌باشد که موجب طرح مفهوم دقیق تر و پیچیده تری از نمایندگی شده است.^۴ برای پذیرش نمایندگی ظاهری مزایایی را در اقتصاد خرد و کلان بیان نموده اند که در سطح خرد می‌توان به کاهش هزینه‌هایی همچون هزینه دادرسی و افزایش کارایی می‌گردد. در سطح کلان نیز موجب تأمین منافع جامعه شده و به تقویت بازار و تسهیل و تسریع در انجام معاملات و گردش سریع کالا، خدمات و ثروت در جامعه خواهد شد.^۵ در نهایت بیان شده در نظریه‌ی جدید نقطه تعادل مناسبی میان منافع

۱. قنوتی، جلیل، نظریه کلی نمایندگی در حقوق ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۰، صص ۱۳۳-۱۲۵. مافی، همایون، کدیور، حسام، بررسی اختیار ظاهری نماینده در حقوق ایران و اسناد بین المللی، حقوق خصوصی، دوره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱، صص ۵۰-۲۳. امینی، منصور، عبدی، مونا، بررسی تطبیقی نظریه نمایندگی ظاهری، مجله حقوق دادگستری، س ۷۸، زمستان ۱۳۹۳، ش ۸۸، صص ۹۰-۶۳. پور ارشد، نادر، اسکینی، ربیعا، الماسی، نجادعلی، شهبازی نیا، مرتضی، نظریه ظاهر (مطالعه در حقوق خارجی و ایران)، مدرس علوم انسانی پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۱۴، زمستان ۱۳۸۹، ش ۴.
۲. استادی، مونا، تئوری نمایندگی ظاهری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، کاشان، ۱۳۸۷، چکیده.
۳. همان، ص ۲۰.
۴. امینی، منصور، عبدی، مونا، بررسی تطبیقی حقوقی-اقتصادی نظریه نمایندگی ظاهری، چکیده.
۵. نعیمی، عمران، نمایندگی تجاری و بررسی در حقوق داخلی و خارجی، رساله دکتری، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶، ص ۱۲.
۶. امینی، منصور، عبدی، مونا، بررسی تطبیقی حقوقی-اقتصادی نظریه نمایندگی ظاهری، ص ۵۶-۵۴.

متقابل اشخاص در زندگی اجتماعی برقرار می‌شود.^۱ این‌ها بخشی از تلاش حقوق‌دانان خصوصی و اقتصادی در جهت رفع مشکلات ناشی از انجام امور خارج از اختیار توسط نماینده بود که لاًقل در حد روابط معمولی و دو طرفه یا طولی پاسخگو بوده و موجبات تعادل را فراهم می‌آورد اما آیا در روابط میان شرکای یک شرکت تجاری نیز جوابگو می‌باشد؟

حتی اگر فرض شود که شرکت مجموعه ای از قراردادها می‌باشد باز هم اعمال آن نخواهد توانست نیاز سرعت را برآورده کند. چراکه وقتی نظام پیچیده و بزرگ باشد تا نهادهای کارا بخواهند عمل کنند وقت گذشته است.^۲ لذا در شرکت‌های بزرگ حتی تئوری نمایندگی ظاهری نیز مفید عمل نمی‌کند. با این اوصاف، اجرای سرسختانه اصول نمایندگی همانند برخی از اصول دیگر، بعضاً کارایی لازم را در بازار معاملات ندارد؛ چه، علی‌رغم معنای تحلیلی قابل قبول، اعمال مطلق قاعده مزبور به نتایجی منجر می‌شود که بعضاً با اهداف عالی اجتماع، متعارض به نظر می‌رسد.

مبحث دوم) حل تعارض منافع حقوق شرکتهای

لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ و قانون تجارت ۱۳۱۱ در جهت کارا بودن شرکت و حفظ تعادل و عدم ایجاد تعارض میان ذی‌نفعان در مواد متعددی راهکارهایی را سنجیده است که در اینجا اصول و قواعد کلی آن طرح می‌گردد.

گفتار اول) راهکارهای حل تعارض درون گروهی

طی دو بند راهکارهای موجود در قانون برای حل تعارض درون گروهی بیان می‌شود ابتدا تعارض میان سهام‌داران اقلیت و اکثریت سپس تعارضات دیگر.

۱. استادی، مونا، تئوری نمایندگی ظاهری، ص ۲.

۳. باقری، محمود، تقریرات درس حقوق بنگاه‌های اقتصادی، جلسه ششم، مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۲.

بند اول) راهکارهای حل تعارض میان سهام‌داران

با جست و جو در قوانین مهم‌ترین راهکارها به صورت زیر قابل استخراج می‌باشد:

الف: سیستم رأی گیری مجموع یا ادغامی

سیستم رأی گیری مجموع یا ادغامی که در ماده‌ی ۸۸ لایحه‌ی قانونی پیش بینی شده است در جهت حمایت اقلیت برای تأثیر غیرمستقیم در تصمیم گیری های شرکت می‌باشد در این ماده‌ی برای انتخاب مدیران اکثریت نسبی کافی خواهد بود و شیوه‌ی انتخاب مدیران به این صورت است که تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود در ادامه‌ی ماده‌ی قانون‌گذار با ممنوع کردن هرگونه توافق خلاف ماده-ی، راه اکثریت را برای نقض حقوق اقلیت بسته است.^۱ این ماده‌ی برای انتخاب بازرسان نیز اعمال می-شود و بدین وسیله نهاد ناظر بر مدیران نیز می‌تواند منتخب اقلیت باشد اما چون اصولاً تعداد بازرسان یک یا دو نفر می‌باشد اعمال آن دشوارتر می‌گردد.

ب: حق اقامه‌ی دعوی

همان‌طور که در شاخص سهولت تجارت دیده شد یکی از موارد در مؤلفه‌ی حفظ و حمایت از حقوق سهام‌داران اقلیت راحتی طرح دعوی توسط اقلیت می‌باشد قانون‌گذار ایران در ماده‌ی ۲۷۶ و ۲۷۷ به صورت محدود این حق را پذیرفته است به این عبارات که دارندگان حداقل خمس سرمایه می‌توانند در صورت تخلف و تقصیر مدیران به نام و از طرف شرکت اقامه‌ی دعوی نمایند و این حق قابل تحدید نیست این ماده‌ی جلوه‌ای است از آنچه در حقوق کامن‌لا، دعوی مشتق نامیده شده است.^۲

۱. برای مطالعه بیشتر و دیدن مثال هایی از چگونگی اعمال قدرت اقلیت برای انتخاب مدیران، ر.ک. امامی، مصطفی، آراء مجموع و اقلیت سهام‌دار در شرکت های سهامی، ص ۴۸-۴۶.

۲. کنعانی، محمد طاهر، حقوق سهام‌داران اقلیت در شرکت های سهامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۳، ص ۷۹-۷۲. هم چنین برای مطالعه بیشتر پیرامون دعوی مشتق ر.ک. امیر تیموری، سعیده، دعوی مشتق در حقوق شرکت های تجاری با مطالعه تطبیقی در کشورهای انگلیس، آمریکا، فرانسه و ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۹۴. پاسبان، محمدرضا، جهانیان، مجبتي، دعوی مشتق و آیین آن، بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس، دوره دوم، پائیز ۱۳۹۲، ش ۴.

ج: داشتن سهام ممتاز

هر شرکت می‌تواند برای سهام‌داران خود سهام ممتاز ترتیب دهد. تخصیص سهام ممتاز روشی است که به وسیله آن می‌توان میان دارندگان اکثریت سرمایه و اقلیت، تعادلی برقرار نمود. و بدین شیوه در کارهای شرکت و مدیریت آن اعمال تأثیر بیشتری کرد البته باید توجه داشت اگرچه برخی در حقوق ایران با دادن هر امتیازی به جز حق رأی بیشتر به دارندگان این گونه امتیازات موافق هستند.^۱ اما واقعیت این است که در حال حاضر حقوق شرکت‌های ایران در این زمینه مخالفتی ندارد و لذا حتی می‌توان حق رأی بیشتری را برای ایشان قرار داد. برای تأثیر داشتن سهام ممتاز و ایجاد تعادل میان اقلیت و اکثریت مثال زیر می‌تواند راه گشا باشد.

شرکت مهندسین مشاور را در نظر بگیرید با حداقل سرمایه پانصد میلیون (طبق لایحه تجارت ۱۳۹۱). این شرکت قرار است ایده‌ها و روش‌هایی را برای شکوفا شدن صنعت بدهد اما یک جوان ایده پرداز بعید است که سرمایه‌ای را برای تأسیس چنین شرکتی داشته باشد و به ناچار به سرمایه‌گذاران و شراکت با آنها روی می‌آورد. در اینجا اگر طبق قانون که هر سهم نماینده حق رأی باشد رفتار شود بعید است که این فرد ایده پرداز بتواند در این شرکت کاری از پیش ببرد لذا دادن سهام ممتاز با امتیازات ویژه می‌تواند این تعارض را از میان ببرد و شرکت را در راستای هدف واقعی خویش قرار دهد.

د: سهولت نقل و انتقال سهام

سهولت خروج از شرکت یکی از معیارهایی است که موجب گوناگی شرکت می‌گردد و در انتخاب اشخاص در نوع شرکت برای تأسیس یا پیوستن به آن نقشی حیاتی را ایفا می‌کند.^۲ این خروج در شرکت‌های با حیات باقی به معنی سهولت در نقل و انتقال سهام خواهد بود. این سهولت ملاکی اساسی در جذب سرمایه‌گذاری توسط شرکت است. چراکه هر سرمایه‌گذاری هنگام خرید سهم و یا قراردادن

۱. پاسبان، محمد رضا، حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۵، سمت، تهران، زمستان ۱۳۸۹، ص ۲۸۸.

۲. کاویانی، کوروش، حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۲، ص ۱۹.

سرمایه خویش در نهادی معین بی شک به پایان کار نیز می‌اندیشد و این‌که هر زمانی سرمایه خویش را خواست بتواند آن را به راحتی تبدیل به پول نقد کند لذا اگر شرکت می‌خواهد بتواند در جذب سرمایه و رقابت با نهاد های مشابه خویش موفق باشد، باید راهکاری ساده را برای خروج سهام‌داران و نقل و انتقال سهام ایشان ارائه دهد.

در این باره لایحه‌ی قانونی در ماده‌ی ۴۱ انتقال سهام را مجاز دانسته و هرگونه شرط مغایر با این تجویز را باطل اعلام کرده است. اما این قاعده ای است که تنها در شرکت‌های سهامی عام و در حالت سکوت برای شرکت‌های سهامی خاص قابل اعمال می‌باشد و در انواع دیگر شرکت‌های تعریف شده در قوانین ایران وجود ندارد. حتی می‌توان گفت در شرکت‌های دیگر یکی از موارد بدیهی، نقض حقوق اقلیت است. چراکه نقل و انتقال در آن‌ها نیازمند رضایت کسری از شرکاء است که کافی است سهام‌دار عمده با این انتقال مخالف باشد و منجر به وضعیت سردرگمی کامل گردد که در آن سهام‌دار کوچک هیچ راهی رو به جلو یا عقب نداشته باشد جز این‌که شاهد باشد فئودال از سرمایه وی استفاده می‌کند، بهره می‌برد و به او نیز بهره‌ای نمی‌دهد.

ه: داشتن حق دعوت و تصمیم توسط اقلیت

اقلیت می‌تواند هنگامی که مدیران منتخب سهام‌داران اکثریت مجامع لازم را تشکیل نمی‌دهد خود مستقلاً طبق ماده‌ی ۹۵ لایحه قانونی به این دعوت اقدام کنند اما مسأله این است که اولاً این دعوت دارای سلسله مراتب است و در نهایت اگر این جلسه رسمیت یابد باز آن‌ها توان تصمیم‌گیری ندارند. به هر روی این راهکار لاًقل برای شرکت‌هایی با ساختار نیمه متمرکز می‌تواند مفید باشد.

رویکردی دیگر و شاید کاراتر و مفیدتر در جهت تعادل، مقررده ای است که در ماده‌ی ۱۰۶ قانون تجارت آمده است هر چند این ماده‌ی نیز دارای سلسله مراتب است و شاید بیشتر به کار ساختارهای نیمه متمرکز بیاید. آنچه با ذات شرکت‌های مسؤلیت محدود و لاًقل شرکت با مسؤلیت محدود ثبت شده در ایران اندکی در تعارض است اما به هر روی محل اعمال نفوذ و تأثیر اقلیت، جدی‌تر از ماده‌ی پیشین می‌باشد. در این ماده‌ی پس از عدم حصول تصمیم‌گیری به اکثریت حداقل نصف سرمایه، در

دفعه‌ی بعدی دعوت، حد نصاب عددی بر سرمایه ترجیح داده شده است. اهمیت این ترجیح با ذکر این نکته روشن تر می‌گردد و آن این‌که اصولاً اکثریت سرمایه به دست اقلیت اشخاص است. آنچه در آمارهای جهانی و داخلی فراوان از آن بحث شده است و نمونه قابل بیان آن وال استریت می‌باشد.

و: لزوم وجود اکثریت های بیشتر برای تصمیمات مهم‌تر

در بیان چرایی لزوم حد نصاب های بیشتر برای تغییرات اساسنامه همیشه نیمه‌ی پر لیوان پر رنگ تر نشان داده شده است به این معنی که علت حد نصاب بالاتر، مهم تر بودن این تصمیمات بیان گشته است هرچند این نکته حقیقت دارد اما توجه به جبهه مخالفان، روشن می‌کند که با اعمال حد نصاب بالاتر، یک تصمیم با تعداد مخالفان کمتری، گرفته نخواهد شد و لذا اکثریت با مخالفت اقلیت نخواهند توانست مفاد قرارداد اولیه که ایشان بدان راضی بوده اند را تغییر دهند و در جهت منافع خویش به کار گیرند. برای مثال در اساسنامه ای تعدادی سهام تضمینی مدیران ۷۱ سهم مشخص شده است حال ایشان می‌خواهند آن را به ۹ سهم تقلیل دهند در حالت حد نصاب های معمولی حداقل نصف (یا بیشتر از نصف) سرمایه باید با این تصمیم مخالفت می‌کردند اما در حالت حد نصاب های مجمع فوق العاده با تعداد مخالفان اقل می‌شود مانع از اجحاف از حق خویش شد (ماده‌ی ۸۵ لایحه قانونی و ماده‌ی ۱۱۱ قانون تجارت).

ز: داشتن حق تقدم در خرید سهام جدید :

شاید یکی از بارزترین جنبه های حمایت از حقوق اقلیت پس از دعوای مشتق و سیستم رأی گیری ادغامی همین حق تقدم در خرید سهام جدید (ماده‌ی ۱۶۶ لایحه قانونی) و منع حق رأی سهام‌دارانی که سلب حق تقدم دیگران به نفع آنها انجام شده است (ماده‌ی ۱۶۸ لایحه قانونی) باشد. حق تقدم

موجب می‌شود تا مدیران و سهام‌داران دیگر قصد نکنند سهام را به ثمن اندک بفروشند و افرادی که خود دوست دارند وارد شرکت نمایند و بدین وسیله نفوذ و تأثیر خویش را افزایش دهند!

در حمایت از حقوق اقلیت موارد دیگری را نیز می‌توان نام برد؛ هم چون حق دعوی عزل مدیران فاقد شرایط (ماده‌ی ۱۱۱ و ۱۲۷ لایحه قانونی)، معاملات ممنوعه^۲ و داشتن یک رأی برای هر سهم (ماده‌ی ۷۵ لایحه قانونی). به هر صورت وجود این مقررات برای حقوق صاحب سهم جزء و هم‌چنین وجود بازرس موجب شده که قانون ۱۳۴۷ دارای اندکی انعطاف باشد چه این‌که اگر این دو مورد از قانون رخت بر بندند قانون کاملاً شکل فئودالی به خود می‌گیرد.^۳

بند دوم) راهکارهای حل تعارض منافع درون سایر گروه‌های ذی‌نفع

از ذی‌نفعان و رابطه‌ی میان آن‌ها در قوانین مختلف سخن رفته است. از جمله قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸. اما در حیطه قانون تجارت، مقنن پس از شناخت ارکان شرکت از طلب‌کاران آن سوتر نرفته است. به هر روی به عنوان نمونه راه حل تعارض منافع میان طلب‌کاران از قانون شرکت‌ها آورده می‌شود. همان‌طور که برای خوانندگان واضح است قانون تجارت ایران در قسمت ورشکستگی یک قانون طلب‌کار محور بوده^۴ و عملاً بازسازی بنگاه^۵ و حقوق سهام‌داران در آن دیده نشده است و رویکرد آن به گونه‌ای است که راه حل پیشگیرانه‌ای ندارد و چنان با شرکت‌های بیمار برخورد می‌کند که گویی هنگام تب یا فوت آن چاره‌ای جز کفن و دفن نیست.^۶ با این وجود و برتر

۱. آویل‌اف، گایبان و همکاران، قواعد عمومی حقوق شرکت‌ها: مطالعه‌ای برای اقتصادهای در حال گذار، ترجمه ماشالله بنا نیا سری، مجله تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ش ۴۵، ص ۲۹۰.

۲. در ادامه می‌آید.

۳. صقری، محمد، تقریرات درس حقوق تطبیقی شرکت‌ها، دانشگاه علوم قضایی، تهران، سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱، نیمسال دوم، جلسه مورخ ۲۱ اسفند ۱۳۹۱.

۴. کاویانی، کوروش، حقوق ورشکستگی، ج ۲، میزان، تهران، پاییز ۱۳۹۲، ص ۳۷.

۵. ر.ک. صقری، محمد، حقوق بازرگانی: ورشکستگی، ج ۳، ص ۲، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۸، ج ۲.

۶. صقری، محمد، تقریرات درس حقوق ورشکستگی و بازسازی، دانشگاه علوم قضایی، تهران، سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲، نیمسال اول، جلسه دوم.

دانستن حقوق طلب‌کاران، میان ایشان بخصوص بخاطر وضع اضطراری موجود، تعارض منافع ایجاد می‌شود لذا قانون تجارت در جهت تعادل میان ایشان راهکار ماده‌ی ۴۸۹ را در پی گرفته است.

پس از ورشکستگی و شروع عملیات آن بحث انعقاد قرارداد رفاقی به میان می‌آید. در این بین بی‌شک از جمله ارفاق‌ها، دادن مهلت و یا گذشتن از برخی از طلب می‌باشد. برخی از بستان‌کاران ممکن است شروع دوباره تجارت شرکت را موفقیت آمیز ندانند، لذا خواهان اتمام عملیات تصفیه و دریافت هر میزان سهم خود باشند و در مقابل بخشی دیگر که می‌بایست حد نصاب به نسبت بالایی نیز داشته باشند^۱ ادامه تجارت را سود آور دانسته و خواهان جریان روند معمولی شرکت باشند. جمع میان این خود نفع خواهی‌ها به این جا می‌انجامد که پس از حصول اکثریت لازم برای انعقاد قرارداد، سهمی که به اقلیت تعلق می‌گرفت به ایشان داده شود و در عوض اکثریت که به امید دستیابی به تمام طلب خویش قرارداد را منعقد کرده اند برای به دست آوردن آن، مدتی منتظر بمانند؛ بدین صورت اکثریت ممکن ریسک تصمیم خود را حمل کرده و فی الحال چیزی دریافت نمی‌کنند اما اقلیت که حاضر به چنین مخاطره ای نشده اند فوراً طلب خود را دریافت می‌کنند اما برای مابقی طلب خویش باید مدت بالنسبه مدیدی را منتظر بمانند شاید متعادل‌ترین مقررره موجود در میان مواد ورشکستگی که هیچ سوی آن با شک و شبهه ای مواجه نیست، همین ماده‌ی ۴۸۹ قانون تجارت باشد.

گفتار دوم) حل تعارض میان گروه های ذی نفع

گروه‌های ۱۳ گانه و حتی شاید بیشتر در عمل در موارد متعددی دچار تعارض می‌شوند مهم حل این مشکل است در دوبند این راه‌ها ارائه می‌شود.

۱. پس از حدنصاب اتفاق آراء، بالاترین حدنصاب های لازم در قانون تجارت و لایحه قانونی مربوط به همین ادامه کار تجارت تاجر می‌باشد(ماده ۵۰۷ و ۴۸۰ قانون تجارت).

بند اول) حل تعارض میان مدیران و سهامداران

مشکل نمایندگی اساساً و به معنی واقعی کلمه در میان مدیران و سهامداران بوجود می‌آید که بخشی از روش‌های حل تعارض آن در قسمت راه کارهای حقوق خصوصی (حقوق مدنی) در ارتباط با عقد وکالت بیان گشت در اینجا روش‌هایی که مقررات حقوق شرکت‌ها وضع کرده تا میان سهامداران و مدیران تعارض بوجود نیاید بیان می‌گردد با تکرار این نکته که هم چون قسمت‌های ماقبل تکیه بر قوانین مرتبط با شرکت‌ها در ایران می‌باشد. گرچه بسیاری از آن‌ها به عنوان قواعد عمومی مطرح می‌باشند.

الف: عزل و نصب مدیران:

عزل و نصب به عنوان راهکاری که حقوق شرکت‌ها در هم رأستایی حقوق مدنی آن را ارائه داده می‌باشد براساس ماده‌ی ۱۰۷ و ۱۰۸ لایحه‌ی قانونی حق انتخاب مدیران و عزل کلی و جزئی مدیران با هیأت مدیره می‌باشد. لذا سهامداران به محض تخلف مدیران امکان برکناری آنان از سمت مدیریت را خواهند داشت و مدیران برای این‌که با عزل مواجه نشوند به رفتارهای فرصت طلبانه دست نمی‌زنند و از این جهت به کارایی شرکت لطمه وارد نمی‌کنند و لذا منافع هر دو گروه سهام‌دار و مدیر حفظ می‌گردد و به عبارتی می‌توان گفت حق عزل پیش‌بینی شده برای اعضای مجمع در مقام ضمانت اجرای سوء مدیریت عمل می‌نماید! در این رابطه مقنن جلوتر هم رفته است تا آنجا که ریاست چنین جلسه‌ای با رئیس هیأت مدیره نمی‌باشد (ماده‌ی ۱۰۱).

ب: منع دریافت وام:

براساس ماده‌ی ۱۳۲ مدیران حق ندارند هیچ گونه وام یا اعتبار از شرکت دریافت کنند و شرکت نیز حق ندارد دیون آنان را تعهد یا تضمین نماید. این معاملات خود به خود باطل هستند و لذا در عالم

۱. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، ص ۲۷۹.

حقوق تحقق نیافته اند.^۱ ضمانت اجرایی که حکایت از آن دارد که هدف از وضع ماده‌ی تنها حمایت از سهام‌داران و عدم تعارض منافع مدیران و مالکان نیست بلکه مقنن به راه حل تعارض منافع میان مدیران و سایر گروه‌ها ذی‌نفع نیز اندیشیده است. به هر روی این اخذ وام هیچ توجیه تجاری ندارد و سوء استفاده در مورد آن‌ها بالاست.^۲ در نتیجه واضح لایحه قانونی که این نقص را در قوانین قبلی دیده است. ماده‌ی مذکور به لایحه اضافه کرده و چون نفعی در نفوذ آن ندیده، این اخذ اعتبار را یکسره باطل اعلام نموده است.

ج: منع انجام معامله با شرکت‌ها:

در معامله با خود شخص اصیل به صورت مطلق یا عام اذن انجام معامله را به وکیل می‌دهد و لذا وی بر اساس این اطلاق و عموم عمل می‌کند و اصیل نیز خود شخصاً چنین مجوزی را صادر کرده و به نتایج و لوازم اذن خویش نیز پایبند خواهد بود. اما در شرکت‌ها اولاً نمایندگی به چنین مفهومی وجود ندارد و مدیران به عنوان رکن شرکت محسوب می‌شوند، در ثانی دادن اختیارات در کلیه امور (ماده‌ی ۱۱۸) بر اساس تکلیف حسن نیت و رعایت مصالح می‌باشد. لذا اطلاق و عموم اذن در این حالت وجود ندارد و همان‌طور که قبلاً هم بیان شد احتمال خود نفع‌خواهی به خصوص در معاملات دست یافتن به سود فوری و مستقیم، بیشتر از سایر حالات می‌باشد لذا مقنن برای جلوگیری از چنین پیشامدی مواد ۱۲۹ تا ۱۳۱ مکانیسم خاصی را برای معاملات مدیران با شرکت مقرر کرده است که جمع این مواد با ماده‌ی ۱۱۸ راهکار تعادلی حقوق شرکت‌ها را مبرهن می‌کند.

مجموع مواد گفته شده یکی از متعادل‌کننده‌ترین مقرره‌های شرکت‌ها را بیان می‌سازد چراکه در ماده‌ی ۷۸ با گسترش اختیارات مدیران و پذیرش اصل مختار بودن ایشان، حرکتی در جهت حقوق اشخاص ثالث کرده است اما با این راه حل ممکن بود به حقوق سهام‌داران لطمه وارد آید لذا با افزودن یک مرحله به تصویب این گونه معاملات منافع سهام‌داران نیز در رأستای ذی‌نفعان متعادل گشته است.

۱. پاسبان، محمد رضا، حقوق شرکت‌های تجاری، ص ۲۱۹.

۲. آویل اف. گنایان و همکاران، قواعد عمومی حقوق شرکت‌ها: مطالعه‌ای برای اقتصادهای در حال گذار، ص ۲۷۹.

د: منع رقابت با شرکت:

اصولاً مدیران چون در بالاترین سطح شرکت قرار دارند دارای اطلاعاتی هستند که دیگر ذی‌نفعان از آن آگاه نیستند و اگر از این اطلاعات، سوء استفاده کرده یا در اختیار دیگران بگذارند سهام‌داران با ضرری فراوان روبرو خواهند گشت. یکی از موارد ایجاد کننده ضرر از این منظر برای مالکان شرکت، رقابت مدیران با عملیات شرکت می‌باشد. قانون تجارت در ماده‌ی ۱۳۴ و مواد ۱۷۲ و ۱۸۹ ناظر به ماده‌ی ۱۳۴ و لایحه قانونی در ماده‌ی ۱۳۳ انجام معاملات و تجارت از نوع تجارت و عملیات شرکت را ممنوع کرده است.

ه: مقررات انگیزشی:

در شیوه‌های تعادلی فوق، مسیر ایجاد تعادل از راه بسط اختیارات سهام‌داران یا تجدید اختیارات مدیران بوده است. در مقررات و شیوه‌های انگیزشی تلاش تعادلی با استفاده از نظام انگیزشی مثبت و منفی مدیران است. به منظور توفیق بر تعارض میان مدیران و سهام‌داران، می‌توان به دو شکل ایجابی و سلبی در مدیران ایجاد انگیزه نمود. پاداش و تنبیه. نظام پاداشی را می‌توان به دو شکل اجرا نمود: اول این که می‌توان مدیران را در بخشی از سود خالص شرکت شریک نمود. این نوع پاداش اصولاً همدلی و اشتراک منافع را به دنبال دارد و از عمق تعارض میان آنان می‌کاهد. دوم این که با برقراری حق الزحمه متناسب می‌توان انگیزه رفتار فرصت طلبانه را به حداقل رساند. ماده‌ی ۱۳۴ لایحه قانونی هر دو نوع پرداخت حق الزحمه و پاداش را به اعضای هیأت مدیره پیش بینی کرده است.

در نظام تنبیهی، مدیران از بعد مالی یا حقوقی (به معنی اعم) مورد تنبیه قرار می‌گیرند. و در نوع دیگر به معنی خاص تنبیه حقوقی شامل دو بعد تنبیه‌های کیفری و حقوقی می‌باشد. در معنای اعم به این صورت است که در صورت ارتکاب رفتار فرصت طلبانه، استحقاق دریافت حق الزحمه یا پاداش را از دست می‌دهند. در تنبیه حقوقی نیز چنانچه عمل مدیران از مصادیق عناوین مجرمانه باشد عواقب کیفری به دنبال خواهد داشت. لایحه‌ی قانونی طی مواد ۲۴۳ و ۲۶۹ مقررات جزایی را بیان نموده است. مخاطب اکثر این مواد مدیران هستند و با اندک یادآوری این نکته قانون شرکت‌های ایران در حال حاضر اصل

توجه را بر روی سهامداران گذاشته است. واضح می‌باشد که بیشتر این مواد جزایی در جهت حمایت از حقوق سهامداران می‌باشد. از بعد حمایت با تنبیهات حقوقی نیز مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه قانونی را می‌توان مثال زد که در صورت تخلف مدیران از مقررات قانون سهامدار مجوز و یا قرارداد فی ما بین که قبول سهم و سمت به منزله پذیرش آن و حرکت در جهت آن می‌باشد (ماده‌ی ۱۵ و ۱۷ لایحه قانونی)؛ براساس میزان تأثیر و مداخله خویش (ماده‌ی ۱۴ قانون مسولیت مدنی و مقررات باب همان قانون مجازات اسلامی) منفرداً یا مشترکاً مسئول جبران خسارت خواهند شد و یا این‌که منفرداً و یا متضامناً مسئول پرداخت دیون شرکت گردند. هر گاه معلوم شود ورشکستگی شرکت معلول تخلفات ایشان بوده است. (البته با توجه به جمله آخر این ماده‌ی بیشتر راهکار حل تعارض طلب‌کاران و شرکت و مدیران هست تا سهامداران. چون سرمایه سهامداران رفته است و بعید است که چنین دعوای مسئولیتی از جانب سهامداران علیه مدیران پذیرفته شود. بی شک مسئولیت‌هایی حقوقی و کیفری به جهت جنبه بازدارندگی از جمله اهرم‌های مهم حقوقی شرکت‌ها در جهت مقابله با تعارض منافع موجود میان سهامداران و مدیران می‌باشد. و با ملزم نمودن مدیران به اجرای دقیق وظایف امانی موجب کاهش مشکلات و هزینه‌های نمایندگی شده و از این باب کارآمد تلقی می‌شود!

و: سایر راه‌حل‌ها:

محدودیت مدت اداره‌ی شرکت به مدت حداکثر دو سال (ماده‌ی ۱۰۹ لایحه قانونی)، دارا بودن تعداد معینی سهام برای وثیقه و تضمین (ماده‌ی ۱۱۴ لایحه قانونی و بند ۱۷ ماده‌ی ۸ لایحه قانونی)، نظارت بازرس بر کار مدیران و تایید گزارش‌های آنان و هم چنین الزام‌های تشکیل سالیانه جمع و رسیدگی به تراز نامه، حساب سود و زیان، صورت‌های دارایی و مطالبات و دیون شرکت، صورت حساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران (ماده‌ی ۸۹ لایحه قانونی) از دیگر

۱. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، ص ۲۸۱-۲۸۲.

موارد کنترل مدیران و حفظ و نظارت سهام‌داران بر مدیران می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که برخی از مواد یاد شده در جهت حفظ و تعادل منافع همه یا اکثر ذی‌نفعان می‌باشد ولی نمود آن در رابطه مدیران و سهام‌داران بیشتر می‌باشد.

بند دوم) راه حل های تعارض منابع در میان سایر ذی‌نفعان

اصولاً وضع مقررات آمره حاکی از این است که مقنن آن مقررات را دخیل در امور متعددی دانسته و لذا این الزام وی را وادار نموده تا به صورت آمره قوانینی را تدوین نماید. لذا می‌توان از این جنبه نیز به لأقل برخی مقررات قانون شرکت‌ها نگاه نمود به این توضیح که قانون‌گذار بعید است صرفاً در جهت حفظ حقوق سهام‌دار برای مثال اخذ وام از سوی مدیران را مطلقاً ممنوع نموده باشد و لذا قطعاً حفظ حقوق ذی‌نفعان دیگر نیز ایجاب نموده است که چنین ماده‌ی ای وضع شود. برخی از این مواد در قسمت قبل تبیین شد و برخی دیگر در ادامه می‌آید. البته این تداخل نیز با توجه به مفهوم جامعیت تئوری واضح است که مقررات تعادلی وضع شده توسط آن نیز به تمامی گروه‌ها ارتباط می‌یابد لذا تقسیم‌بندی موجود بیشتر در جهت سهولت پرداختن به مطلب و جهت اولویت موجود در مقررده بوده است.

در ادامه با بیان یک مقدمه به جنبه‌های ذی‌نفع‌محوری و حل تعارض منافع گروه‌های ذی‌نفع در مقررات شرکت‌های ایران پرداخته می‌شود. جنبه‌های مختلفی از توجه به ذی‌نفعان در قوانین مرتبط با شرکت‌ها دیده می‌شود. برای مثال می‌توان در حمایت از حقوق کارکنان به مقررات استخدام و کار اشاره کرد. و یا مقرراتی که در جهت حمایت از محیط زیست و مواد طبیعی می‌باشند. هم‌چنین در قوانین مرتبط با بورس و سرمایه‌گذاری نیز می‌توان با توجه به اصول مطرح حاکمیت، شرکتی و حمایت از تأمین کنندگان سرمایه پی برد. البته در بسیاری از مقررات به نظر می‌رسد لأقل طلب‌کاران به عنوان یکی از ذی‌نفعان مد نظر بوده‌اند. در این قسمت هم چون مباحث دیگر مطرح شده در تعارض منافع و راه حل‌ها به مقرراتی که در قانون شرکت‌های ایران آمده اشاره می‌شود. در مقررات لایحه‌ی قانونی بیش از ده بار به حمایت از حقوق ثالث در مقابل ارکان شرکت اشاره شده است و هم‌چنین ۲۶ مرتبه از واژه

ذی‌نفع استفاده شده است.^۱ استفاده از این هر دو واژه توجه قانون به شرکت‌ها را به ذی‌نفعان نشان می‌دهد. رویکردی که بیان می‌دارد قانون برای جلوگیری از ایجاد تعارض و دامنه دار شدن آن در برخی اوقات رجوع به دادگاه و اقامه دعوی را از سوی هر ذی‌نفعی به کار گرفته است. (برای مثال مواد ۵ و ۱۱۱، ۳۳ و...) گاهی اوقات نیز درخواست از بازرس و یا رجوع به مرجع ثبت شرکت‌ها برای این منظور پیش بینی شده است.

الف: غیرمالی

۱- عدم امکان تحدید اختیارات مدیران

در جهت عدم ایجاد تعارض میان ذی‌نفعان و در نتیجه کاراتر بودن شرکت دکترین تجاوز از حدود اختیارات مدیران اندیشیده شده است. مراد از این دکترین این است که نمایندگان شرکت خارج از حدود اختیارات تفویضی معاملاتی را منعقد نمایند و علی‌رغم خروج از اختیارات مذکور اجرای آن معامله بر شرکت تحمیل گردد.^۲ اشکال نگردد که این بند می‌بایست در بند پیشین می‌آمد، چراکه همان طور که گفته شد، از قضا نفع سهام‌داران در مقابل مدیران حالت عدم امکان عدول از اختیارات فی‌مابین است. حال آن‌که این دکترین قرائت دیگری دارد و لذا این دکترین در حال رها کردن ریسک و خطرات بر سهام‌داران به عنوان مالکان واقعی شرکت و حمایت از اشخاص ثالث می‌باشد. در این راستا، ابتدا ماده‌ی ۱۰۵ قانون تجارت از عدم امکان تحدید اختیارات مدیران جز در اساسنامه صحبت کرد و سپس قانون ۱۳۴۷ در رویکردی رو به جلو و مقرر ای قابل وصف امکان تحدید اختیارات مدیران را در هر قراردادی لأقل نسبت به ثالث باطل و کن لم یکن خواند (ماده‌ی ۱۱۸). اگرچه مدیران باز هم تکلیف حرکت در راستای موضوع شرکت را داشتند. با ملاحظه دقیق ماده‌ی ۱۱۸ می‌توان به راحتی تصدیق کرد که اقتضاعات و ضروریات بازار بر لزوم سازماندهی کارآمد منابع اقتصادی جامعه رفته رفته عرصه را بر

۱. البته در مقاله پیش رو این تعداد سیزده ذکر شده که تعداد صحیح آن ۲۶ مورد، می‌باشد: عیسیایی تفرشی، محمد، یحیی پور، جمشید، تئوری ذی‌نفعان با رویکرد مقررات شرکت‌های سهامی ایران، فصل نامه بورس و اوراق بهادار، س ۶، پاییز ۱۳۸۲، ش ۲۳، ص ۱۶۰.

۲. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، ۸۴-۸۳.

قواعد کلاسیک تنگ تر کرده است. این بار قانون‌گذار با اهتمام بیشتری نسبت به خنثی نمودن تصمیمات درون شرکتی که متضمن پیامد‌هایی برای افراد بیرونی شرکت می‌باشند، عمل نموده است!

۲- لزوم آگهی برخی تصمیمات

بی شک اگر انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای حفظ حقوق تمامی سهام‌داران و اطلاع آنان باشد الزام به آگهی در روزنامه رسمی به عنوان مفروض قانون‌گذار برای دسترسی و خوانش آن توسط همگان، نمی‌تواند دلیلی جز اطلاع عموم و حفظ حقوق کلی جامعه باشد. در این راستا می‌توان الزام آگهی نام مدیر عامل و اختیارات وی (ماده‌ی ۱۲۸ لایحه قانونی)، آگهی نام مدیر تصفیه (ماده‌ی ۲۰۹ لایحه قانونی) و نیز انتشار تصمیم کاهش سرمایه (ماه ۱۹۲ لایحه قانونی) را نام برد. عزل به حکم دادگاه (قضایی) در قسمت قبل در حل تعارض مدیران و سهام‌داران بدین منظور نام برده شد. اما در مواد ۱۱۱ و ۱۲۷ لایحه قانونی از امکان تقاضای هر ذی‌نفع برای صدور حکم قطعی عزل این اشخاص توسط دادگاه سخن گفته اند، به بیان دیگر هر ذی‌نفع به نوعی خلاف روند معمول قانون شرکت‌های موجود است. واژه ای که نشان می‌دهد فقدان صلاحیت مدیران تنها به ضرر سهام‌داران نیست. چراکه به جز ذی‌نفعان نیز اشخاص و گروه‌هایی هستند که از عدم صلاحیت مدیران ضرر می‌بینند. ذی‌نفع‌گرایی موجود در این ماده‌ی وقتی شکل جدی تری به خود می‌گیرد که وضعیتی در نظر گرفته شود که گروه سهام‌داران با علم و آگهی شخص را بدان سمت برگزیده باشند که مشمول موارد ممنوعه می‌باشد. سوال اساسی این است که در این فرض به رغم انتخاب آگاهانه مدیر ممنوع التصدی از سوی سهام‌داران باز هم دادگاه باید به تقاضای ذی‌نفع، مثلاً تأمین‌کننده مالی شرکت، حکم عزل مدیر یاد شده را صادر کند؟ به نظر می‌رسد اگر چنین تقاضایی از دادگاه صورت گیرد، صدور حکم عزل مدیر اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از همین جا این سوال پدید می‌آید که ترجیح تقاضای ذی‌نفع بر تصمیم مجمع عمومی سهام‌داران شرکت در مورد فوق چگونه قابل توجیه است. به هر حال اگر شرکت، مایملک سهام‌داران و هدف آن حداکثر سازی سود ایشان در

نظر گرفته شود این حق چگونه می تواند مورد قبول قرار گیرد؟ به نظر می رسد که حکم مورد بحث جز با به رسمیت شناختن نفع دیگر گروه های وابسته به شرکت مانند تأمین کنندگان و کارکنان، توجیه پذیر نمی باشد.

فراتر از بحث مقررات ورشکستگی و نکات بیان شده پیرامون آن، مقنن برخی معاملات را نزدیک به زمان ورشکستگی ممنوع اعلام کرده است. برای مثال می توان مواد ۴۲۴ و ۴۲۵ را که اشاره به وضعیت حقوقی معاملات تاجر قبل از شروع توقف می باشد نام برد.^۱

ب: مالی

در این قسمت راهکارهای تعادلی که بیشتر مرتبط با مباحث مالی است ذکر می گردد:

۱- باقی بودن تعهدات شرکتها

حمایت از طلب کاران در مقابل سهام داران و البته اصول مسلم فقهی و حقوقی ایجاب می کند که هنگام زوال شخصیت حقوقی و یا ترکیب آن با شخصیتی دیگر و ایجاد شخصیت جدید (ادغام ها) تعهدات شرکت همچنان باقی باشد و وی ملزم به ایفای آن ها باشد. برای این منظور به طور مثال قانون شرکت های تعاونی ۱۳۵۰ در موارد ۱۰۰ و ۱۰۵ بدهی شرکت جدید را مجموع بدهی دو شرکت ادغام شده تعریف کرده است. همچنین در ماده ی ۱۲۵ قانون تجارت به منزله جلوگیری از فرار شرکا از تعهدات پیشین^۲ شریکی که با انتقال شهم الشرکه بر عضویت شرکت در آمده است را مسئول قروض قبلی شرکت نیز می دانند. و یا مسئولیت منتقل الیه سهم در شرکت های سهامی نسبت به پرداخت مابقی مبلغ سهم در شرکت های سهامی در ماده ی ۳۴ لایحه قانونی. هم چنین لزوم آگهی کردن شروع تصفیه و دعوت بستان کاران جمعا به مدت شش بار که بیشترین تعداد دفعات آگهی مورد نیاز از نظر قانون گذار می باشد.

۱. صقری، محمد، حقوق بازرگانی: ورشکستگی، صص ۲۸۹-۲۸۷.

۲. پاسبان، محمد رضا، حقوق شرکت های تجاری، ص ۳۸۵.

و نیز مسئول قلمداد کردن مدیران مختلف از این تکالیف در برابر بستانکاران از دیگر مواردی است که مقنن ابتدا به باقی بودن تعهدات شرکت و الزام شرکت به دادن حقوق بستانکاران واکنش نشان داده است (ماده‌ی ۲۲۵ و ۲۲۶ لایحه قانونی).

۲- تعهدات پیرامون سرمایه و سود

در قانون فعلی شرکت‌های ایران به جز در مورد شرکت‌های سهامی حداقل سرمایه مشخص نشده است. ولی این دو نوع شرکت کنش‌گران اصلی بازار هستند و شرکت‌های سرمایه می‌باشند. چراکه ما بقی انواع شرکت‌ها، شرکت‌های شخص بوده و اتکاء عموم به شرکای آنان است و نه ملاتت ایشان. چراکه در شرکت‌های سرمایه جامعه با دقت به مسئولیت ایشان، ناچار تنها راه حفظ حقوق خود را سرمایه اولیه این شرکت‌ها به عنوان پشتوانه خود می‌بینند. الزام به حداقل سرمایه در ماده‌ی ۴ لایحه قانونی ذکر شده است و حتی به هر ذی‌نفع حق داده شده است در صورت کمتر شدن این میزان و عدم اقدام مقتضی از سوی شرکت درخواست انحلال شرکت را نزد دادگاه مطرح کند. این سرمایه در بدو تأسیس شرکت می‌بایست قسمتی از آن پرداخت شود و مابقی آن نیز طی دوره معینی (حداکثر ۵ سال) پرداخت گردد (ماده‌ی ۲۳، ۵، ۲۰ و بند ۷ ماده‌ی ۸ لایحه قانونی). این تکلیف به قدری اهمیت داشته که مقنن برای اشخاصی که از آن سرپیچی می‌کنند در ماده‌ی ۲۴۶ مجازات در نظر گرفته است. در ادامه نیز مقنن همواره به دوام و ثبات این سرمایه توجه داشته است؛ زیرا اشخاص ثالث با اتکا به این سرمایه‌ی ثبت شده با شرکت معامله می‌کنند؛ لذا در ماده‌ی ۱۴۱ لایحه قانونی شرکت را الزام به کاهش سرمایه در صورت ورود زیان می‌کند و مسئولیت‌های کیفری و حقوقی برای کسانی که آن را انجام ندهند قائل شده است. بدین صورت که هر ذی‌نفع می‌تواند در خواست انحلال را مطرح کند و براساس ماده‌ی ۲۶۵ مشمول مجازات خواهند شد. در همین راستا و در جهت حمایت از طلبکاران ماده‌ی ۱۳۲ قانون تجارت از ممنوعیت پرداخت سود و منفعت به شرکاء در هنگام ورود ضرر به شرکت و قبل از جبران آن بحث می‌کند. و در ادامه قانون‌گذار

۱. کاویانی، کوروش، حقوق شرکت‌های تجاری، ج اول، ص ۱۹۹.

اندوخته ی قانونی را برای شرکت پیش بینی می کند که علاوه بر سرمایه اولیه، پشتوانه ای برای ذی نفعان شرکت در افزایش و کاهش های شرکت در روند بازار می باشد (ماده ی ۲۳۸ لایحه قانونی).

۳- بازرسی و حسابداری

در تمامی موارد قبل از تصمیم گیری مجمع، پیرامون حساب های شرکتی می بایست گزارش های بازرسی نیز قرائت شود و اگر غیر از این باشد و مجمع حتی با اتفاق آرا تراز نامه و حساب ها را تصویب کند هیچ اثر قانونی نداشته و از درجه اعتبار ساقط است (ماده ی ۱۵۲ لایحه قانونی). وجود این گزارش در شرکت سهامی عام به عنوان بازیگر اصلی مرتبط با جامعه حساسیت بیشتری داشته است. چنان که بر هیأت مدیره تکلیف شده گزارش حسابرسان رسمی را نیز ضمیمه کند (ماده ی ۲۴۲ لایحه قانونی). وجود عبارت عام و تکلیفی در موارد گفته شده هم چون: هر تصمیم بر خلاف این ماده ی باطل است (ماده ی ۲۳۸ لایحه قانونی)، هیأت مدیره مکلف است (ماده ی ۱۴۱ و ۲۴۲ لایحه قانونی) هیچ اثر قانونی نداشته (ماده ی ۱۵۲ لایحه قانونی) و... همگی نشان از درجه امری بودن فوق العاده زیاد این مواد دارد، به خصوص هنگامی که قرار باشد شرکت و سرمایه و تقسیم سود آن را دارایی شخصی پنداشته و از قاعده تسلیط سخن گفته شود، به رأستی امری بودن به این حد مواد و مداخله تقنینی قانون گذار چگونه قابل توجیه است؟ به نظر می رسد استنتاج صحیح خوانندگان را به این سمت رهنمون نماید که وجود مقررات امری، اماره ای است بر وجود مصالح عمومی و اجتماعی که در ظرف حقوق شرکت ها همان دسته های ذی نفع باشد. لذا این حسابداری های مدرن و رژیم مالی دقیق نشان می دهد، حقوق شرکت های مدرن در مسیر تکاملی خود، تأمین رفاه مجموعه ای از عوامل تولید را که در خلق ارزش افزوده مداخله داشته اند هدف اصلی خود قرار داده است!

۱. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت ها، صص ۳۲۵ - ۳۲۶.

پس از بیان اهم راهکارهای حل تعارض موجود در قوانین شرکتهای ایران، در قسمت بعد نواقص قانون و مواردی که توجه به آن برای آمدن در قوانین مربوط لازم است پرداخته می‌شود. سپس از اهمیت مقرر گذاری و لزوم دخالت مقنن و مقام عمومی سخن به میان می‌آید.

مبحث سوم) نقش مقررات

تا به حال پیرامون تعارض و راه حل های آن در حقوق مدنی و حقوق شرکتهای سخن به میان آمده است. در ادامه به نواقص قانون شرکتهای ایران در حمایت از ذی‌نفعان توجه می‌شود که ضروری است دولت پیرامون آن مقرر ای را وضع کند و سپس از ضرورت دخالت دولت و وضع مقررات بحث می‌گردد. در قسمت ضرورت دخالت از ابزارهای حقوق اقتصادی هم چون حقوق رقابت و حقوق بازار سرمایه به عنوان مهم‌ترین ابزارهای مقابله با عدم تعارض پیش آمده ناشی از کاستی بازار در طرف حقوق شرکتهای نام برده می‌شود و سپس تئوری ذی‌نفعان مطرح می‌گردد.

گفتار اول) نواقص قانون شرکتهای

حقوق شرکتهای از اصول خاصی پیروی می‌کند که از جمله‌ی آنها حمایت از حقوق ثالث است. چراکه شرکت به عنوان کانون بسیاری از عملیات های تجاری و اقتصادی در بازار می‌باشد و لاجرم با اشخاص و گروه‌هایی متفاوت در تعامل است. بنابراین توجه و حمایت از این گروه‌ها موجب افزایش کارایی شرکت و در مجموع افزایش کارایی جامعه می‌گردد. از طرفی این سال‌ها نظریات اجتماعی مقبولیت ویژه ای یافته‌اند و از اولویت بیشتری برخوردار شده‌اند، به گونه‌ای که در موارد متعددی از لزوم بازنگری در حقوق اشخاص ثالث سخن گفته شده است که در حوزه‌هایی هم چون اشخاص حقوقی و حقوق جمعی، حقوق اشخاص ثالث بیشتر آسیب پذیر می‌باشد لذا در تصمیم‌های حاکمیتی

مدیران و در قانون‌گذاری باید ثالث مورد توجه قرار بگیرد.^۱ در این راستا در بخش‌های حل تعارض مطالبی پیرامون حمایتی که از ثالث و ذی‌نفعان در قوانین شده بررسی شد و در این قسمت ضعف‌های قانون شرکت‌های ایران در حمایت از ذی‌نفعان بیان می‌گردد که ضروری است مقنن به آن‌ها توجه داشته و در قانون‌گذاری‌های بعدی خویش آن‌ها را تدوین نماید. بدین منظور در این قسمت اهلیت عام شرکت، خرق حجاب شرکت و مسائل پیرامون سهام‌دار عمده مطرح می‌گردد که اگر بنا بر قرار گرفتن این مسأله در دسته بندی‌های موجود در تعارض منافع و حل آن باشد، این نواقص بنا برحالت غالب به این صورت است که اهلیت عام و خرق حجاب شرکت، نقیضه ای پیرامون حل تعارض منافع میان سهام‌داران و سایر ذی‌نفعان می‌باشد و نقیضه‌های مربوط به سهام‌دار عمده در دسته ضعف‌های حل تعارض درون گروهی ذی‌نفعان (سهام‌داران اکثریت و اقلیت) قرار می‌گیرد. به ترتیب این سه مورد بیان می‌گردد.

بند اول) خرق حجاب شرکت

شرکت شخصیتی مستقل از شرکای خود دارد (ماده‌ی ۵۸۳ قانون تجارت) و در ادامه‌ی این استقلال شخصیت حقوقی بود که مسئولیت محدود به منصف ظهور رسید. مسئولیت محدود مفهومی شناخته شده است و در بیان آن همین نکته کافی که موجب انتقال ریسک فعالیت شرکت به جامعه و طلب‌کاران می‌شود یعنی طلب‌کار و جامعه در معرض خطر ناکامی سیاست‌های شرکت قرار می‌گیرند و در هر حال بیش از سرمایه شرکت نمی‌توانند انتظاری را داشته باشند و یا به سهام‌داران رجوع کنند. این ویژگی شرکت‌ها موجب استقبال عموم و جذب سرمایه‌های کوچک توسط شرکت‌ها شد؛ در پی این مزیت سوءاستفاده از آن هم ظهور پیدا کرد. بدین توضیح که گاهی افراد از تشکیل شرکت اهدافی غیر

۱. قاسم زاده، سید مرتضی، لزوم بازنگری در حقوق اشخاص ثالث (اهمیت توجه به حقوق اشخاص ثالث در قانون‌گذاری، تصمیمات قضایی، روابط قراردادی و بین‌المللی)، صص ۱۲-۱۳.

۲ Evans, Lewis T, and NC Quickley. "Shareholder Liability Regimes, Principal-Agent Relationships, and Banking Industry Performance"(1995)." *Journal of Law and Economics* 38, No. 2 (Oct., 1995), pp. 497-520, P.502 .

۳ Romano, Roberta. *Foundations of Corporate Law*. Oxford University Press, London, 1993, PP.85-86 .

تجاری دارند و در واقع ویژگی‌های شرکت را دست‌آویزی برای فرار از تکالیف و تعهدات خود قرار می‌دهند.^۱ و در این حالت ذی‌نفعانی که با اعتماد به شرکت و حسن نیت مؤسسان آن با شرکت وارد معامله شده‌اند ضرری سنگین را متحمل می‌شوند، ضرری که آسیب‌های آن به سطوح دیگر نیز سرایت خواهد کرد. برای مثال کارگاه یک شرکت را در نظر بگیرید که ضایعات سمی تولید می‌کند و بدین وسیله به اشخاص آسیب‌های تنفسی وارد می‌شود و محیط زیست و طبیعت در معرض نابودی قرار می‌گیرد، اگر در این مورد مسئولیت محدود سهام‌داران شرکت پذیرفته شود، در حقیقت زیان‌های اجتماعی ناشی از فعالیت‌های شرکت، متوجه اشخاص ثالثی می‌شود که ناخواسته و بدون قرار داد در معرض آن قرار گرفته‌اند.^۲

در حقوق ایران برای نفوذ در پوشش شخصیت شرکت و به عبارتی اعمال مسئولیت نامحدود نسبت به سهام‌داران، قانون صریحی وجود ندارد^۳ اگر چه در مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه قانونی نسبت به مدیران در شرایط منصوب پذیرفته شده است. به هر روی لازم است در حقوق شرکت‌های ایران هم چون حقوق کامن‌لا^۴ با تکیه بر قوانین و عرف‌های موجود سعی شود برای مقابله با سوءاستفاده از شکل شرکت و حمایت از ذی‌نفعان راهکارهایی در جهت درونی کردن ریسک نیز اندیشیده شود، تا هزینه‌های اجتماعی اعمال فرد به خودی خود بر وی تحمیل شود و انگیزه‌های فرصت‌طلبانه و سرمایه‌گذاری‌های خطرناک کاهش یابد.

بند دوم) اهلیت عام شرکت

قاعده نهم از "قواعد عمومی حقوق شرکت‌ها: مطالعه ای برای اقتصاد‌های در حال گذار"، پیرامون حمایت قوی از ثالث در ارتباط با قراردادهای شرکت است و به عنوان مثال بیان شده شرکت باید

۱. شهبازی نیا، مرتضی، عیسایی تفرشی، محمد، کاویانی، کورش، فرجی، اسماعیل، عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس، مجله حقوقی دادگستری، س ۷۵، تابستان ۱۳۹۰، ش ۷۴، ص ۱۰.
۲. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، ص ۲۴۶-۲۴۷.
۳. فرجی، اسماعیل، نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۹۰، ص ۲.
۴. همان، ص ۵.

به طور کلی اهلیت استیفای کلیه حقوق و تعهدات مدنی و اهلیت وارد شدن به هرگونه فعالیت و عمل تجاری را واجد باشد. چنانچه اساسنامه شرکت قلمرو فعالیت‌های شرکت را محدود کند، این مورد نباید بر روی حقوق ثالث اثر بگذارد. همچنین قانون باید آثار معاملات خارج از آن را مشخص کرده و ابطال آن‌ها محدود باشد مگر این‌که ثالث بودن حسن نیت باشد.^۱

پیرامون عدم امکان تحدید اختیارات، قبلاً در راهکارهای حل تعارض مطالبی آمده است و در مورد محدود بودن ابطال قراردادها، مگر در حالت عدم حسن نیت و عدم اعتبار تحدید اختیارات در مقابل ثالث مقررات ماده‌ی ۱۱۸ و ۱۳۰ لایحه قانونی روشن و واضح است. اما نسبت به امکان ورود شرکت‌ها به هرگونه فعالیت تجاری و به عبارتی لغو دکترین تجاوز از حدود موضوع، قانون‌گذار ۱۳۴۷ روندی دیگر را در پی گرفته است. در این قانون موضوع شرکت تقریباً در تمام اسناد لازم برای ثبت و تشکیل شرکت قید می‌شود یعنی موضوع شرکت و نوع فعالیت‌هایی که شرکت به منظور آن تشکیل می‌شود در طرح اعلامیه پذیره نویسی می‌آید (بند ۲ ماده‌ی ۹) موضوع شرکت می‌بایست به طور صریح و منجز در طرح اساس نامه قید شود (ماده‌ی ۲ بند ۸) و در ادامه در ماده‌ی ۱۱۸ برای مدیران، کلیه‌ی اختیارات لازم برای اداره شرکت مقرر شده البته مشروط بر آن‌که در حدود موضوع شرکت باشد. علت احتمالاً حمایت از سهام‌داران باشد با این استدلال که سهام‌داران سرمایه‌ی ای را که به شرکت می‌آورند بدین منظور است که در مسیر اهداف و موضوعات مشخص و مندرج در اساسنامه‌ی شرکت به کار گرفته شود، حال اگر مدیران این منابع را در مسیر دیگری به کار اندازند پیامدهای آن نباید گریبان‌گیر سهام‌داران شود.^۲ در حقیقت حمایت از سرمایه‌گذاران و جذب سرمایه‌ی جامعه‌ی مبنای این مقرر و بیرونی کردن ریسک می‌باشد. این روند در لایحه‌ی اصلاح قانون تجارت ۱۳۸۴ در ماده‌ی ۵۹۶ عیناً تکرار شده است. اما این حمایت از اشخاص درونی شرکت بخصوص در زندگی روزمره جامعه و گسترش مفهوم ذی‌نفعان به این صورت باقی نمانده و دچار تغییری بنیادی شده است چراکه این موضع از حیث تئوری کارایی قابل انتقاد می‌باشد. زیرا دفاع از اشخاص ثالث و درونی کردن آثار بیرونی اعمال و تصمیمات داخلی شرکت اقتضا

۱. آویل اف، گاینان و همکاران، قواعد عمومی حقوق شرکت‌ها: مطالعه‌ی ای برای اقتصادهای در حال گذار، صص ۲۵۶-۲۵۷.

۲. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، ص ۱۱۰.

می‌نماید اینگونه اعمال نیز در برابر اشخاص ثالث با حسن نیت معتبر فرض شوند. بنابراین توجه به مباحث گفته شده و مشکلات عملی به وجود آمده ایجاب می‌نماید که اهلیت شرکت تجاری به موضوع محدود نشود و برای مقابله با اهلیت مطلق آن راهکار های دیگری اندیشیده شود لذا با برداشتن تکلیف تحقیق از ذمه اشخاص ثالث، زمینه‌ی لازم برای امنیت معاملاتی شرکت نیز پدید می‌آید و اشخاص قادر خواهند بود با اطمینان خاطر بیشتری به سرنوشت معامله، مبادرت به برقراری روابط حقوقی با شرکت نمایند.^۱ اهمیت به این مسائل باعث شد که نویسندگان لایحه‌ی تجارت ۱۳۹۱ بتوانند یکی از ضعف‌های لایحه‌ی کامل و کار شده ۱۳۸۴ را تحت پوشش دهند و در ماده‌ی ۲۰۸ آن نامی از محدود بودن موضوع شرکت نبرده و صرفاً از تجدید اختیارات مدیران در حیطه‌ی صلاحیت‌های خاص مجمع نام برند که آن نیز با توجه به ماده‌ی ۱۶۶، محدود به موضوع شرکت نمی‌باشد. از دو عنوان گذشته یک مطلب واضح گشت که مقررات حقوق شرکت‌ها نه تنها در دوران هر اصلی که مطرح می‌کند سعی در برقراری تعادل دارد بلکه این اصول نیز در کنار هم با توجه به هدف اصلی خویش موجب ایجاد تعادل و موازنه در نظام کلی شرکت‌ها و نتیجتاً اقتصاد می‌گردد چنان‌که در مسئولیت محدود هدف بیرونی کردن ریسک و در قاعده اهلیت عام هدف درونی کردن ریسک فعالیت های شرکت می‌باشد. این دو قاعده، موجب حل تعارض گروه های ذی‌نفع با یکدیگر شده و با ایجاد تعادل، هزینه ها را کاهش داده و در جهت افزایش کارایی گام بر می‌دارد.

بند سوم) سهام‌دار عمده

همان‌طور که بیان شد یکی از تعارضات درون‌گروهی ذی‌نفعان تعارض میان سهام‌داران اقلیت و اکثریت است که مقنن راهکارهایی نیز برای حل این تعارض سنجیده است اما این راه‌حل‌ها محدود بوده و چندان کارایی ندارد، از جمله این موارد، عدم پیش‌بینی مسائل پیرامون سهام‌دار عمده و شرکت مادر می‌باشد. به طوری که سهام‌دار عمده تعریف نشده و از آن سخنی به میان نیامده است چنان‌که در قوانین

۱. کاویانی، کوروش، حقوق شرکت‌های تجاری، چ اول، ص ۱۲۲.

۲. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، ص ۲۰۵.

اصلی نامی از شرکت‌های مادر نیز به میان نیامده است، میزان درصد تملک سهام برای اطلاق نام سهام‌دار عمده و مقررات خاص مربوط برای ورود سهام‌دار عمده به و خروج سهام‌دار جزء از شرکت از جمله این نواقص است. برای مثال به جز درصدهایی که مربوط به تملک سهام شرکت ایرانی توسط خارجیان وجود دارد، دیگر حد نصابی برای چگونگی توزیع مالکیت سهام وجود ندارد. از همین رو اساساً سهام عمده تعریف نشده است. در مقابل در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷ با اصلاحات ۱۳۸۹ به سه اصطلاح سهام مدیریتی و سهام کنترلی و بنگاه یا شرکت کنترل‌کننده برخورد می‌شود (ماده ۱).

سهام کنترلی حداقل میزان سهام مورد نیاز برای آن‌که دارنده‌ی آن قادر به تعیین اکثریت اعضای هیأت مدیره شرکت باشد تعریف شده و سهام مدیریتی میزانی از سهام یک شرکت است که دارنده‌ی آن طبق اساسنامه اختیار تعیین حداقل یک عضو را در هیأت مدیره دارد. بنگاه یا شرکت کنترل‌کننده نیز عبارت است از بنگاه یا شرکتی که از طریق تملک سهام یا قسمتی از سهام یا سرمایه یا مدیریت یا از طرقی دیگر، فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها یا شرکت‌های دیگر را در یک بازار کنترل می‌کند. البته تعاریف فوق‌الذکر دارای اشکال اساسی می‌باشند که عملاً هرگز قبل از رأی‌گیری امکان تشخیص این‌که چه کسی سهام‌دار کنترلی است به دست نمی‌دهند چه این‌که اولاً احالهی تشخیص کنترلی بودن یا خیر به بعد از انتخاب است که واضح می‌گردد آیا سهام‌دار توانسته اکثریت اعضای هیأت مدیره را تعیین کند و یا خیر؟ ثانیاً این‌که احاله به انتخاب مدیر است و مدیر همان‌طور که قبلاً گفته شده براساس سیستم رأی‌گیری ادغامی انتخاب می‌شود و تنها سهام‌دار اکثریت نیست که تعیین می‌کند چه کسی مدیر شود بلکه وحدت اقلیت نیز در آن تأثیرگذار است و موضوعی است که دارای چند متغیر است و به موارد مختلفی وابسته است هم‌چون تعداد مدیران منتخب، تعداد حق رأی هر شخص و از همه مهم‌تر، نحوه‌ی توزیع سهام اقلیت برای مدیران که بستگی به قدرت اتحاد آنان دارد. از این مطلب در ادامه بیشتر بحث می‌شود.

مسأله‌ی دیگر شناسایی حق خروج برای اقلیت است در هنگامی که شخص با خرید سهام شرکت به سهام‌دار عمده تبدیل می‌شود چه اگر غیر این باشد موجب تعارض منافع می‌گردد. هم‌چنین گاهی سهام‌دار با تصمیم اکثریت مخالف است لازم است. در این زمان‌ها حق ارزیابی سهام و باز فروش آن

برای مخالفین فراهم باشد. نقیصه دیگر عدم پیش‌بینی برخی اقدامات است که سهام‌دار بتواند به تنهایی و به طور مستقل به آن مبادرت نماید.

به جز سه دسته نقص اساسی که پیرامون قوانین مرتبط با شرکت‌ها مطرح شد نواقص دیگری را نیز می‌توان مطرح نمود هم‌چون این‌که مدیران از درخواست و جمع‌آوری حمایت برای بالا بردن آرای خود و قبول وکالت از جانب سهام‌داران ممنوع نیستند. هرچند حق عزل مدیران با سهام‌داران است ولی تشریفات دعوت جمع بر عهده کسانی قرار گرفته که خود موضوع عزل هستند لازم است تشریفات برای شرایط خاص اندیشیده شده که کارایی آن‌ها زیاده‌تر از قوانین موجود باشد. هم‌چنین در شرکت‌هایی که کارگران و کارکنان مالکیت سهام را برعهده دارند قانون می‌بایست دارای تشریفات در جهت تضمین حق رأی آزادانه‌ی این سهام‌داران و نیز آزادی ایشان در فروش سهام باشد.^۱

گفتار دوم) حقوق اقتصادی^۲

در این گفتار ابتدایی کلیاتی پیرامون ضرورت و تجویز دخالت دولت مطرح می‌گردد سپس مهم‌ترین مقررات اقتصادی نوکود که از تعارض جلوگیری می‌کند و موجب افزایش کارایی می‌شود.

بند اول) کلیات

از ویژگی‌های دولت جدید، مهار نظام سرمایه‌داری با نظارت دقیق دولت و کنترل بازار و به معنای دقیق‌تر کنترل شرکت‌های کوچک و بزرگ با قوانین اقتصادی بود که دولت مالک را به دولت ناظر تبدیل کرده و عملاً اهداف اجتماعی و رفاهی را که از مالکیت عموم ناشی می‌شد تأمین کرد. آزادی اقتصادی ضرورتاً بهترین و مطلوب‌ترین نتایج را به بار نمی‌آورد و در نتیجه، مستلزم دخالت دولت است. اما با بررسی و مقایسه شیوه‌های مختلف اجرای سیاست‌های اقتصادی دست یافتن به برخی قواعد حقوقی دنبال می‌شود که از دیگر اقدامات دولت متفاوت‌اند. این شیوه‌ها به شکل امری و خطاب به

۱. آویل اف گاینان و همکاران، قواعد عمومی حقوق شرکت‌ها: مطالعه ای برای اقتصادهای در حال گذار، ص ۳۲۱-۳۱۶.

۲. اکثر مطالب این گفتار، از فصل پنجم کتاب "نقش حقوق شرکت‌ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی‌سختن" گرفته شده است.

همه اشخاص هستند و با قدرت عمومی پشتیبانی می‌شوند. این‌ها در مفهوم وسیع خود همانند سایر اقداماتی که برای مبارزه با نارسایی بازار اتخاذ می‌شوند از اقدامات عمومی محسوب می‌گردند. با این حال، برخلاف دیگر اقدامات که فاقد ویژگی‌های یک قاعده‌ی حقوقی تمام عیار هستند، مقررات حقوق اقتصادی ابزاری کاملاً حقوقی می‌باشد که به اصلاح نارسایی بازار می‌پردازد.

در این مطالعه بر این شکل از حقوق عمومی تمرکز می‌شود. بنابراین، یکی از ابزارهای اصلی که دولت برای مبارزه با نارسایی بازار در دسترس دارد انواع مختلف مقررات حقوق عمومی اقتصادی است.^۱ همچنین در حوزه‌ی حقوق عمومی این وظیفه دولت است که اشخاص را به اجرای تکالیف خود ملزم کند. برخلاف حقوق خصوصی که به افراد اجازه می‌دهد تا اهداف خود را دنبال کنند، مقررات حقوق عمومی بر مفاد تعهدات افراد نظارت دارد. به عبارت دیگر از آنجا که دولت در وضع و اجرای مقررات حقوق اقتصادی نقش حیاتی ایفا می‌کند، این قواعد ذاتاً حقوق عمومی است. مقررات عمومی اغلب مستلزم وجود برخی کارگزاران عمومی است که مسئولیت نظارت مدام بر رفتار بازار و اجرای مقررات را دارند. البته محتوا و جهت حقوق اقتصادی برحسب وضعیت اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی از جامعه‌ای به جامعه دیگر فرق می‌کند. با آن‌که ممکن است از روش‌های حقوقی اقتصادی مرسوم در جوامع دیگر استفاده شود، در ایران لازم است مبانی دخالت دولت در اقتصاد به طور کلی و نیز تمسک به حقوق اقتصادی بر مبنای هنجارهای بومی و اسلامی باشد. قطعاً حقوق اقتصاد اسلام باید برخاسته از هنجارهای جامعه اسلامی باشد که در آن اصولی که حاکم بر روابط اجتماعی در اسلام است تبلور یافته است. حقوق اقتصادی اسلام را باید در دایره اخلاق اسلامی و حقوق خصوصی و معاملات اسلام دید. اصول اخلاقی و هنجارهای اسلام اگر چه دایره‌ای به مراتب وسیع‌تر از حقوق معاملات (خصوصی) اسلامی و حقوق اقتصادی اسلام دارد، لیکن از نظر تأثیرگذاری این اصول در حوزه حقوق خصوصی و حقوق اقتصادی نیز قابلیت اعمال دارد. در واقع نظام هنجاری اقتصاد اسلامی در چهار چوب فقه معاملات تجلی پیدا می‌کند. اگر نظام خود گردان اقتصاد بازار مبتنی بر توافق طرفین نتواند اصول اساسی‌تر حقوق

^۱ Cranston, Ross F. "Regulation and Deregulation: General Issues." *University of New South Wales Law Journal*, vol.5, (1982): no.1, p.2 .

عمومی (اقتصادی) اسلام را تأمین کند، ممکن است درون حوزه خود هم‌چنان معتبر شمرده شود مگر این که آثار آن به حدی باشد که به حوزه‌ی عمومی و بنیان‌های اجتماعی سر ریز نماید که در این صورت دخالت دولت را در قالب حقوق اقتصادی می‌طلبد.

بر همین منوال منابع هنجاری اسلام ممکن است نظام بازار و فقه معاملات را برای رسیدن به برخی اهداف هنجاری برتر کافی نشانسد، لذا دخالت دولت را لازم بداند. یکی از ادله‌ای که ممکن است به عنوان مبنای دخالت دولت در اقتصاد مطرح باشد، قاعده‌ی مصلحت است. برخلاف بسیاری از قواعد فقهی که غالباً ناظر بر روابط میان طرفین خصوصی هستند، قاعده مصلحت ابزار مناسبی برای دخالت دولت در اقتصاد ایران است. این قاعده و برخی قواعد فقهی دیگر می‌توانند مبنایی برای فقه اقتصادی عمومی باشند که نحوه‌ی دخالت دولت و اجرای حقوق اقتصادی را تنظیم می‌کند. یکی از فروع این قاعده اصل الأهم فالأهم است، به این معنا که علاوه بر نظم اخلاقی و عبادی و نظم خصوصی باب معاملات یک نظم حقوق و مصلحت عمومی که تحت آن برخی ارزش‌های عام‌تر و با ارزش‌تر مطرح می‌شوند، وجود دارد. بنابراین کارکرد دولت اسلامی را از جهتی می‌توان به دو امر مهم خلاصه و محدود کرد:

الف) زمینه‌سازی برای توسعه‌ی رشد آزادی‌های اقتصادی در قالب حقوق خصوصی و قواعد مربوط به معاملات.

ب) کنترل و هدایت جامعه و اعمال محدودیت‌ها به منظور تصحیح کاستی‌های نظم خصوصی و نیل به اهداف عالی‌ی اسلام.

بنابراین، دولت اسلامی در قالب چارچوب‌های هنجاری در درجه‌ی اول از حوزه مشروع و خود مختار خصوصی دفاع می‌کند، لیکن همین دولت اسلامی وقتی ضمانت‌نگهبانی اجتماعی، مسئولیت تعادل و توازن اجتماعی، وظیفه‌ی رسیدگی به بخش‌های عمومی و جلوگیری از هرج و مرج اقتضا کند، قطعاً از نظم خصوصی صرف نظر و در امور دخالت می‌کند. از جمله امور مهم اقتصادی اسلام اصل مداخله‌ی

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج نهم، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱.

دولت در کارهای اقتصادی است، به حکم اصل مزبور دولت برای نظارت بر امور اقتصادی از اختیارات گسترده‌ای برخوردار است. در حالی که نقش فرهنگ و زیر ساخت های اجتماعی-تاریخی به نحو روز افزونی در موفقیت یک الگوی اقتصادی تایید شده است، نباید توجه به فرهنگ اسلامی در شکل دادن به فعالیت های اقتصادی در قالب شرکت از نظر دور بماند. بی‌شک اخذ چارچوب‌ها و ساختارهای حقوقی خاص بدون ارتباط دادن آن‌ها به مبانی فکری و فرهنگی یک جامعه حداقل خطر عدم ایجاد یک نظام منسجم و پربار را در پی دارد.

جایگاه حقوق شرکت‌ها در ایجاد یک نظم خاص اقتصادی و نقش محوری شرکت در بازار سرمایه و لوازم حقوقی آن و در نهایت به مشکلاتی که نظام سرمایه‌داری متجلی در شرکت‌هایی با حدود و اندازه متفاوت در بازار سرمایه با آن روبه روست، می‌پردازد. امروزه در کشورهایی که این مراحل را طی کرده‌اند، مسایل عمده‌ای از جهت ثبات و کنترل بازار های سرمایه، نقش و مسئولیت شرکت‌های بزرگ مطرح است. و بنابراین بدون تدوین یک مبنای بومی براساس اقتصاد سیاسی اسلام نمی‌توان برای فعالیت شرکت‌ها در بازار سرمایه‌ی ایران جهت خاصی را تجویز کرد.

هنجارهای کلان اقتصادی جایگاه و کارایی انواع حقوق اقتصادی نیز در کشورمان چندان روشن نیست. اشکالاتی که بر قانون‌گذاری این حوزه در ایران وجود دارد، چند وجهی است. اولاً، اکثر قوانین تجاری و اقتصادی منفک از مبانی اعتقادی، هنجاری و سنت حقوقی در ایران وضع می‌شوند. این در حالی است که مطالعات لازم و گسترده اقتصادی و اجتماعی که در خور یک جامعه جدید باشد نیز در شکل‌گیری این قوانین صورت نگرفته است. ثانیاً، انسجام، هماهنگی و تناسب بین این قوانین وجود ندارد که حاکی از یک جهت‌گیری روشن و مشخص اجتماعی و اقتصادی باشد. ثالثاً، این قوانین با دیگر ابزارهای دخالت دولت در اقتصاد مثل مالیات، نرخ بهره و ... هم خوانی سازمان یافته ندارد. نهایتاً آن‌که مشکلات قانون‌گذاری در ایران ناشی از ابهام در سیاست کلان و بنیادین است که به طور طبیعی به تولید قوانین ناکارآمد و ناهماهنگ منجر می‌شود.

بند دوم) انواع مقررات اقتصادی

ریشه و بدنه‌ی اصلی اقتصاد چنانچه در تضاد با بخش یا گروه خاصی از جامعه باشد، ممکن است در معرض انواعی از نارسایی های مخرب بازار قرار گیرد که این مسأله مداخله‌ی برخی مقررات جامع و کلی را می‌طلبد که آثار این نارسایی را جبران کند. قدرت عمومی این گونه مقررات را برای نظم دهی به یک بخش خاص یا حمایت از افرادی خاص وضع نمی‌کند، و این قواعد با این هدف که ذی‌نفع خاصی این مقررات را به اجرا در آورد یا تقاضای اجرای آن را کند، وضع نمی‌شود مگر این‌که یک نفع فرعی و معین از این مقررات متوجه آن فرد باشد. در واقع این گونه مقررات مستقیماً هیچ کس را حمایت نمی‌کند و ممکن است کسی غیر مستقیم از نتایج این مقررات بهره‌مند شود. در اینجا و متناسب با حوزه هایی که در آن‌ها کاستی و ناکامی حقوق خصوصی در تأمین اهداف هنجاری، اعم از عدالت معاوضی و عدالت اجتماعی مطرح شد، حقوق اقتصادی مربوط یعنی حقوق رقابت، حقوق عمومی بازار های بورس و جنبه های حقوق عمومی کنترل و اداره شرکت‌ها را بحث خواهیم کرد.

الف: حقوق رقابت

از آنجا که بازار به خودی خود به جبران کاستی‌ها قادر نیست، این نوع مداخله از سوی دولت به منظور اصلاح رفتارهای انحصارطلبانه اجتناب‌ناپذیر است. بازار های رقابتی به صورت خودکار متولد و نابود نمی‌شوند. نهاد های حقوق خصوصی برای ارتقای رقابت پیش بینی شده‌اند و با بطلان قراردادهای نامشروع و یا اعطای برخی حقوق به اشخاص ثالثی که متحمل خسارت ناشی از رویه‌های ضد رقابتی شده اند عمل می‌کنند که این راه حل‌ها، کافی و مؤثری نیستند^۱. بنابراین فقط حقوق رقابت می‌تواند استفاده‌ی کارا از منابع انسانی، طبیعی و مالی را تضمین کند. حقوق رقابت هم‌چنین نیاز به شکل‌های دیگر نظارت از جمله مقررات عمومی بسیار جزئی یا کلی و مالکیت عمومی را مرتفع می‌کند. مقررات حقوق رقابت عمومی‌ترین و منصفانه‌ترین ابزارهای نظارت اجتماعی بر اقتصاد هستند. به همین دلیل

^۱. Whish, Richard, and David Bailey, *Competition Law*, Oxford University Press, London, 2012, chapter 2 .

اغلب نظام‌های حقوقی اینگونه اقدامات را که از ویژگی‌های حقوق عمومی برخوردارند، به منظور جبران نواقص شکلی و ماهوی مقررات حقوق خصوصی در مقابله با این نارسایی بازار برگزیده اند. پرهیز از تمرکز قدرت اقتصادی در تعداد محدودی شرکت نیز از اهداف آن است. از آنجا که اهداف سیاست‌های رقابتی از نظامی به نظام دیگر متفاوت است، ابزارهای رسیدن به اهداف نیز متفاوت می‌باشد. نه تنها نظام‌های گوناگون روش‌های متفاوتی در این موارد دارند بلکه در یک نظام رقابتی ممکن است روش‌های گوناگونی اعمال شود.

در کشور ایران فقدان مباحثی از این قبیل در سطح مطبوعات اقتصادی، حلقه‌های دانشگاهی و مراکز سیاست‌گذاری امری عادی است. این در حالی است که اقتصاد کشور از تشکیل نیافتن شرکت‌های واقعی رنج می‌برد. اصولاً در ایران بخش خصوصی تجلی یافته در شرکت‌های خصوصی بزرگ و قادر به تسلط بر بازار و ایجاد انحصار وجود ندارد که برای آن نگران بود.

ب: حقوق عمومی بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار:

وقتی جنبه‌های مختلف نارسایی بازار در بخش خدمات مالی از طریق ابزارهای حقوق خصوصی اصلاح نمی‌شود، مداخله مقررات عمومی اقتصادی اجتناب ناپذیر است. از آنجا که قواعد حقوق شرکت‌ها عموماً تسهیلی و تکمیلی هستند و حقوق شرکت‌ها به خودی خود و صرف مقرراتی در خصوص حد نصاب و تعیین حدود مسئولیت‌ها و تصمیمات نمی‌تواند مانع سوء استفاده مدیران شود، بنابراین با قواعد امری و ماهیت حقوق عمومی بازار بورس باید از این سوء استفاده جلوگیری کرد. سرمایه‌گذارانی که اوراق بهادار می‌خرند ابتدا تابعان حقوق خصوصی فرض می‌شوند و باور عمومی بر این است که ساز و کارهای حقوق عمومی از آنان در مقابل دست بردن در اطلاعات حمایت می‌کنند. اما تجربه نشان داده که این نوع حمایت بی‌فایده است؛ زیرا شخص فریب‌خورده برای این که حمایت قانون را جلب کند ابتدا باید علم فروشنده را اثبات کند. تجربه‌ی ناکارآمدی حمایت سنتی حقوق خصوصی به تصویب تدریجی برخی مقررات منجر شده است که با دیگر اقدامات اصلاحی متفاوت است. البته این تفاوت‌ها لزوماً در اهداف این مقررات نیست بلکه در روش‌ها و ابزارهای آنهاست. این مقررات حامی سرمایه‌گذاران عمومی در مقابل خسارات ناشی از انتخاب‌های آنان معرفی شده است. اگرچه رویه‌هایی که به یک

سرمایه‌گذار آسیب می‌رساند، احتمالاً دلیل بسیار خوبی برای تصویب چنین مقرراتی جهت حمایت از سرمایه‌گذاران بوده است؛ اما کاربرد مفید آن بخش از سرمایه‌جامعه که به صورت سهام می‌باشد و اهداف رفاه اجتماعی از قبیل درستی و صحت بازار در درجه اول مورد توجه قانون‌گذاران بوده است.^۱

بنابراین ما نمی‌توانیم معاملات خصوصی را که از مظهر بازار آزادند به همان شکل سابق حفظ کنیم درحالی‌که سوءاستفاده‌هایی به دلیل فقدان اطلاعات کامل انجام شود. استفاده از مقررات معطوف به گذشته‌ی حقوق قراردادهای و الزامات خارج از قرارداد برای رفع آثار سوء این نوع از نارسایی بازار در زمینه‌ی اوراق بهادار بسیار دیر هنگام، ناچیز و پر هزینه هستند. بنابراین در زمینه‌ی نقص بازار در فراهم کردن شرایط لازم برای جریان آزاد اطلاعات این مقررات حقوق عمومی با چاره‌جویی‌هایی معطوف به آینده و هم‌چنین سازوکارهای قدرت عمومی برای اجرای این قواعد است که باید وارد عمل شود. حقوق اوراق بهادار نوعاً شامل شرایط افشای اطلاعات، شرایط سرمایه‌گذاری، مجوزهای دلالتی، اقدامات ضد انحصاری و قواعد حاکم بر معاملاتی که با رانت اطلاعاتی انجام می‌شود، انجام مناقصه و مزایده و مقررات مربوط به تصاحب سهام یک شرکت دیگر توسط شرکت دیگر است. مظهر اصلی حقوق اوراق بهادار و مقررات امری بورس مربوط به افشای اطلاعات می‌باشد که صادر کننده این اوراق را ملزم می‌کند تا اطلاعات مالی را در اختیار عموم قرار دهد و نیز مقررات اوراق بهادار افرادی را که به دلیل دستیابی به اطلاعات لازم از چشم انداز شرکت بیش از سرمایه‌گذاری معمولی باخبرند را از معاملات اوراق بهادار ممنوع می‌کند.^۲

الزام شرکت‌ها به افشای اطلاعات مربوط به محصولات، رویه‌ها و طرز عملکردشان و تهدید به اجرای ضمانت اجراهای کیفری هم اکنون روش مرسوم قوانین حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران است. فرض بر این است که وقتی بنگاه‌های تجاری اطلاعات لازم را در اختیار عموم قرار می‌دهند این کار راه

^۱ Kronman, Anthony T., "Paternalism and the Law of Contracts.", *Yale Law Journal*, (1983), pp.736-798 .

^۲ Meier-Schatz, Christian J. "Objectives of Financial Disclosure Regulation." *Journal of Comparative Business & Capital Market Law*, vol. 8, (1986), no.3, p.219 .

^۳ Coffee Jr, John C., "Market Failure and the Economic Case for a Mandatory Disclosure System.", *Virginia Law Review*, vol.70, (1984), p.752 .

را برای تخصیص کارایی منابع هموار می‌کند و همچنین مصرف‌کنندگان از این اطلاعات برای حفظ حقوق خود استفاده می‌کنند. اشتیاق دولت نسبت به ایجاد مقررات افشای اطلاعات بنگاه‌های تجاری بر این است که این گونه مقررات در مقایسه با قالب‌های دیگر نظارت قدرت عمومی کم‌هزینه‌تر است. الزام شرکت‌ها به افشای اطلاعات این نقض بازار و حقوق خصوصی را در زمینه موقعیت نابرابر سرمایه‌گذاران و مدیران شرکت در دسترسی به اطلاعات جبران می‌کند.

علاوه بر این‌ها، کنترل فعالیت صادرکنندگان اوراق بها دار که در این صنعت مشغول به کارند، فعالان اقتصادی را متقاعد می‌کند که حداقل با کمی صداقت، اعتبار و شایستگی رو به هستند. روند عمومی تحول مقررات در بازارهای سرمایه نشان می‌دهد حرکت از مقررات عمومی، تشکیلاتی و اجرایی به مقررات نظارتی حمایتی است.

در قواعد حاکم بر اوراق بهادار، قواعد حقوق عمومی و خصوصی و ضمانت اجراهای کیفری و مدنی با هم آمیخته شده است. این قواعد شامل برنامه تنظیم‌کننده‌ای است که تکنیک‌های حقوق عمومی و خصوصی را باهم دارد، تا عدالت توزیعی و عدالت تصحیحی را به صورت توأمان تأمین کند. معاملات اوراق بهادار در مرحله اول موضوع حقوق خصوصی است اما توزیع نابرابر اطلاعات، و ریسک‌پذیری گسترده‌ی بازارهای مالی و تلاش برای حمایت از طرف ضعیف‌تر، طرق جبران خسارت حقوق خصوصی را ناکارآمد کرده و به ظهور مقرراتی در زمینه حقوق اوراق بهادار شده که اساساً با مقررات حقوق قراردادهای از نظر هدف و وسیله متفاوت است. برخی جنبه‌های حقوق مربوط به اوراق بهادار آمیزه‌ای از حقوق عمومی و خصوصی است. برای قواعد درباره معاملات مدیران و مسئولان شرکت در زمینه اوراق بهادار می‌توان از نظر خسارت، تابع حقوق خصوصی و از نظر مبنای خسارتی که بر بازار وارد می‌شود، تابع حقوق عمومی و ممنوعیت آن را تابع عدالت توزیعی دانست.

ورود شرکت‌ها به بازارهای سرمایه‌ی سازمان یافته و از نظر حقوقی کنترل شده به خودی خود باعث اعمال حاکمیت دولت از طریق حقوق بازار بورس بر این شرکت‌ها خواهد شد، و لیکن کنترل،

! Choi, Stephen J., "Company Registration: Toward a Status-Based Antifraud Regime.", *The University of Chicago Law Review*, vol.64, (1997), pp.567-651 .

هدایت، راهبرد شرکت و مقابله با مسأله‌ی بحران نمایندگی ممکن است مستلزم توسعه‌ی حوزه‌ی دخالت دولت در فرایند راهبرد و هدایت شرکت در قالب مقررات حقوق عمومی و یا تکمیل و تنظیم قواعد حقوق شرکت‌ها شود. بنابراین سیاست اقتصادی حقوقی باید بر ایجاد قوانین قوی تکیه کند که قابلیت اجرا نیز داشته باشند. منظور از سیاست اقتصادی حقوقی آن است که متعهدانه طراحی شده باشند تا نهاد-های حقوقی را در رأستای سیاست اقتصادی سازمان‌دهی کنند. ولی در هر حال آنچه متداول است، طراحی و برنامه ریزی متعهدانه برای تولید نهادهای حقوقی متناسب با خصوصی سازی می‌باشد. یکی از جلوه‌های این فرایند در واقع ایجاد محیط حقوقی مناسب برای فعالیت بنگاه‌های اقتصادی است که در واقع در ایجاد و بالندگی این ساختار حقوقی باید تأثیر داشته باشد. ساختار حقوقی شرکت‌ها از نظر تأثیری که در رفتار جمعی عوامل و عناصر اقتصادی (شرکت‌ها) دارد، اهمیت پیدا می‌کند. به سبب نقیضه‌های فرهنگی و اجتماعی، در واقع قوانین و مقررات در کشورهای در حال توسعه، سهم بیشتری را در توسعه بازار سرمایه و بورس دارند. بنابراین قوانین در این حوزه در ایران و کشورهای مشابه باید جامع‌تر و مفصل‌تر از کشورهایی باشند که اصولاً نهادهایی مانند بورس فارغ از حمایت دولت و فقط برأساس نظم حقوق خصوصی فعالیت می‌کنند. یکی از پیامدهای عدم انسجام فلسفه اقتصاد اجتماعی بازار سرمایه و بورس تدوین قوانین پراکنده و ناهماهنگ است.

آنچه اهمیت دارد این‌که این قبیل قواعد حقوق عمومی باید گسترش یابد و به هرگونه معامله دیگری در بازارهای عام و عرفی سرمایه نیز تسری پیدا کند.

با فرض این‌که حقوق شرکت‌ها و حقوق عمومی بازار بورس همزادند، این قانون ادامه منطقی قانون تجارت در حوزه حقوق شرکت‌های ایران نیست. یکی از مسائل مطرح در تدوین حقوق شرکت‌ها مخصوصاً موادی که به شرکت‌های سهام عام مربوط می‌باشد، رابطه این مواد با قوانین بازار بورس است. در حالی که بسیاری از قواعد حقوق شرکت‌ها دارای ماهیتی تسهیل کننده هستند، قوانین بازار بورس از نظر هدف، روش و نحوه اجرا، قواعدی امری هستند و حقوق عمومی محسوب می‌شوند. کنترل و هدایت شرکت‌ها از طریق حقوق شرکت‌ها و حقوق بازار بورس که در واقع مکمل همدیگرند انجام می‌شود. قانون شرکت‌ها و قانون بازار بورس و سرمایه در واقع تکمیل کننده یکدیگرند و حلقه‌های یک

زنجیره حقوقی اند که حقوق و تکالیف مدیران و سرمایه‌گذاران را در مقابل یکدیگر و اجتماع تعیین می‌کنند. تفاوتی که بین حقوق بازار سرمایه و بورس با حقوق شرکت‌ها از نظر نظم بخشی به بازار عرضه و تقاضا و معاملات سرمایه دارد، این است که در جوامع جدید بازار سرمایه که روزگاری مشمول قواعد حقوق خصوصی مثل مضاربه و مشارکت مدنی بود، اکنون محل توجه و منافع عموم قرار گرفته است. این سیر تکوین بازار سرمایه از یک بازار عرفی تابع قواعد حقوق خصوصی به یک بازار کنترل شده هماهنگ با تحولات اجتماعی و تغییر نقش دولت در حال رخ دادن است. حقوق شرکت‌ها تا جایی که مرجعه به عموم برای افزایش سرمایه از طریق فروش اوراق سهام و یا قرضه نباشد با آن‌که عناصری از نفع اجتماعی در تدوین قوانین مربوط به شکل‌گیری و اداره شرکت وجود دارد، همچنان تابع اصول حقوق خصوصی است، اما به محض این‌که شرکت مترصد رجوع به عموم، خواه به زور کلی و یا بازار سازمان یافته باشد، مسائل حقوق عمومی مطرح می‌شود. از این رو ایده‌ی داشتن شرکت سهامی بدون توجه به بازار منظم و سازمان‌یافته‌ی سرمایه، خود بیانگر اقتباس ناقص و سطحی حقوق شرکت‌ها از برخی کشور های اروپایی است.

قانون بورس همانند سلف خود قانون تجارت، چندان با فرهنگ ملی تجارت و سرمایه‌گذاری تناسبی ندارد و از همه مهم تر این‌که، با قانون تجارت در حوزه شرکت‌ها هماهنگ و همراه نیست. نه تنها لازم نیست قوانین تجاری با نظام حقوقی ما تناسب، هم‌خوانی و ارتباط نظام مندی داشته باشند، بلکه باید با فرهنگ عمومی ما نیز هماهنگ باشند. نگاهی به ادبیات قانون اوراق بهادار نشان دهنده‌ی بیگانگی این مجموعه‌ی قانونی با قانون تجارت دارد که در جای خود چندان تناسبی با بدنه نظام حقوقی ما نداشت. تردیدی نیست که قانون اوراق بهادار دارای ارتباطی تنگاتنگ با مواد قانون تجارت در خصوص شرکت‌های عام باشد و از آن گذشته با قوانین دیگر مانند قوانین مالیاتی، پولی و بانکی نیز تناسب داشته باشد، از همه مهم تر قوانین تجاری از این دست باید با سیاست های اقتصادی کلان نیز هماهنگ شوند.

قانون تجارت ۱۳۴۷ و ۱۳۱۱ که تشکیل شرکت‌های تجاری که تجمیع سرمایه‌ی اشخاص را ممکن می‌کرد، به عنوان یکی از اولین مقررات ناظر بر بازار سرمایه است.^۱ از این گذشته، باید توجه داشت که بازار سرمایه پیش از آن که محل توجه دولت قرار گیرد و با منافع جامعه گره بخورد اصولاً تابع قواعد حقوق خصوصی بوده است. در ایران نیز قانون مدنی از طریق پیش بینی عقود چون شرکت، وکالت، مضاربه و بیع مقرراتی را برای به کارگیری سرمایه وضع کرده است. باید توجه داشت همان گونه که بازار سرمایه دارای لایه های مختلفی است که هر یک ماهیت خاص خود را دارد، قانون مدنی، قانون تجارت و قانون بازار بورس هر یک با لایه های عرفی، سازمان یافته و کنترل شده‌ی بازار سرمایه کنترل می‌شود با این تفاوت که آخرین و تکامل یافته‌ترین شکل بازار سرمایه یعنی بازار اوراق بهادار سازمان-یافته و کنترل شده تابع هر سه رژیم حقوق مدنی، تجاری و قانون بازار اوراق بهادار می‌باشد که صبغه‌ی حقوق عمومی دارد.

لایحه‌ی اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ که عرضه عمومی و پذیره نویسی سهام و نیز انتشار اوراق قرضه شرکت‌های سهامی عام را ممکن شده است، از اولین مقررات ناظر بر بازار سرمایه به مفهوم جدید آن است.

به طور خلاصه، ضعف کنترل سهام‌داران از مشکلات اقدام گروهی ناشی می‌شود. اگر چه این اقدام گروهی سهام‌داران برای اعمال حقوق خود مفید است اما با این حال همکاری نکردن نیز برای بسیاری از آنان مطلوبیت دارد. درست است که سهام‌داران اگر توافق نمایند که به صورت هماهنگ و منسجم رأی بدهند، مؤثر خواهند بود اما این امر نیازمند هزینه‌هایی برای آموزش و ایجاد حس تعاون در بین افرادی است که به اقدامات فردی خو گرفته اند و این هزینه‌ها ممکن است از منافع اقدام گروهی بیشتر شود؛ زیرا منافع حاصل از این اقدامات در شرکت بین همه‌ی سهام‌داران توزیع می‌شود و نه فقط کسانی که مشارکت داشته‌اند. گفته شده حالت فعالیت و مداخله نکردن سهام‌داران که از عوامل فوق ناشی می‌شود، مدیران را قادر می‌سازد که با فرصت طلبی برای مطامع خود عمل نمایند. بنابراین نظام کنترل و

۱. علوی یزدی، حمیدرضا، بررسی قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و تأثیر آن بر بازار سرمایه ایران، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۵، ش ۹، ص ۱۴۷.

هدایتی که متکی بر اقدامات خصوصی سهام‌داران است با تنگناهای جدی مواجه می‌باشد و دخالت را با سیاست‌گذاری حقوق عمومی لازم دارد.

بحث جدید در خصوص کنترل و اداره شرکت ناظر بر موضوع پیچیدگی شرکت به عنوان شکلی از یک سازمان وسیع در اقتصاد صنعتی مدرن است و مستلزم توجه به این‌که چگونه باید با این شرکت مدیریت شود و چگونه اصولی که این نظم اجتماعی و اقتصادی بر آن مبتنی است، باید توجیه گردد. در مدل اقتصادی رقابت کامل شرکت‌ها دارای توانایی چندانی برای اعمال قدرت نیستند، آن‌ها تابع شرایط بازارند. به هر حال به سبب این‌که بازار رقابتی کامل در عالم واقع وجود ندارد شرکت‌ها قدرت پیدا می‌کنند. اگرچه انحصار به معنای دقیق آن رخ نمی‌دهد، ولی معمولاً بازار تحت تسلط تعداد محدودی از شرکت‌هاست!

امروزه تعامل حقوق بازار بورس و حقوق شرکت‌ها تا حدودی مسأله‌ی تعقیب اهداف اجتماعی از طریق قواعد حقوق شرکت‌ها را بلا موضوع کرده است. و لیکن واقعیت آن است که حتی حقوق قراردادهای و حقوق مسئولیت مدنی تا حد زیادی تحت تأثیر فلسفه‌های رفاه اجتماعی و سودانگاران قرار گرفته‌اند بنابراین قواعد حقوق شرکت‌ها به طریق اولی باید تابع فلسفه‌های نفع اجتماعی باشد. پس راهبرد شرکت که امروزه مورد توجه علمای مدیریت، اقتصاد و حقوق قرار گرفته و جدا از کنترل‌های حقوق بازار بورس اعمال می‌شود، یک موضوع اجتماعی و محل توجه دولت می‌باشد. این امر باعث این استدلال می‌شود که منافع عمومی و عدالت توزیعی باید در تدوین قواعد حقوق شرکت‌ها در نظر گرفته شود و این منافع عمومی در تدوین ارثه‌ی یک نظام منسجم راهبرد یک شرکت، تجلی پیدا کرده است.

ج: تئوری ذی‌نفعان

نظام راهبری شرکتی بر عملکرد رقابتی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد و شرکت‌ها را وادار می‌کند تا در جهت کارایی بیشتر به محیط‌های رقابتی وارد شوند و از این طریق سود چشمگیری را نصیب خود کنند.

!Parkinson, John E., *Corporate Power and Responsibility: Issues in the Theory of Company Law*, Oxford clarendon press, London, 1993, pp.3-6 .

در ورای مقررات عمومی فوق‌الإشار و هم‌راستا با آن‌ها، تئوری ذی‌نفعان مطرح گشته است که ضمن دارا بودن تمام مبانی و بنیان‌های مورد نیاز و ضروری گفته شده، راهکارهای حل تعارض و تنظیم را در درون خود گرد آورده است. این تئوری با این بیان که شرکت باید به همه ذی‌نفعان توجه کند و مسائل نمایندگی مانع از این مورد است، دخالت دولت را توجیه می‌کند، چه اینکه هدف شرکت را تأمین منافع تمام گروه‌های ذی‌نفع می‌داند و این هدف جز با پیگیری سیاست‌هایی که فعالیت‌های مولد و خلاق و رقابتی را در اقتصاد جامعه ترویج و تشویق نمایند، عملی نخواهد بود. به هر روی، حقوق شرکت‌ها پیش از این که رژیم قراردادی باشد، رژیم تنظیمی است که برخاسته از وظیفه و کارکرد اقتصادی دولت-های امروزی می‌باشد. مطالعه‌ی مقررات امری متنوع شرکت‌های تجاری که در جهت تضمین منافع کلیدی گروه‌های ذی‌نفع نه فقط سهام‌داران وضع گردیده‌اند به روشنی اثبات می‌نماید که ایده‌ی تنظیم، واقعیت حقوقی شرکت‌ها را به شکل جامع‌تری نسبت به ایده‌ی قرارداد، توصیف می‌کند.

بخش چهارم:

اعمال تئوری بر بانک و بیمه

بخش چهارم محل اعمال تئوری و نکات آن در بانک و بیمه می‌باشد بدین منظور، طی چند فصل به بررسی و تحلیل پرداخته می‌شود. در فصل اول بیان می‌شود که چرا بانک و بیمه در میان تعداد زیاد شرکت‌های موجود برای اعمال تئوری انتخاب شده‌اند و از اهمیت اقتصادی و حقوقی و اشتراکات این دو نهاد سخن گفته می‌شود. در فصل بعدی آن پیرامون تعارض منافع و همگرایی منافع ذی‌نفعان در شرکت‌های بیمه و بانک سخن به میان می‌آید.

فصل اول: ماهیت خاص بانک و بیمه

در این فصل و در طی بررسی ماهیت خاص بانک و بیمه از تاریخچه، اشتراکات و اهمیت اقتصادی این دو شرکت سخن گفته می‌شود و به عبارتی تحلیل می‌شود که چرا بانک و بیمه برای به کارگیری تئوری ذی‌نفعان انتخاب شده‌اند.

مبحث اول) مروری بر تاریخچه بانک و بیمه

در این مبحث مروری مختصر بر تاریخچه بانک و بیمه انجام می‌شود

گفتار اول) بانک

از قرن ۱۳ میلادی شهرهای ایتالیا با یکدیگر در رقابت بوده و گاهی این رقابت به جنگ می‌انجامید لذا برای جبران مخارج این جنگ‌ها از مردم قرض اجباری می‌گرفتند به این صورت که مردم ملزم می‌گشتند مبلغی به بنگاه‌های دولتی معروف به مُن یا منت اَسپارند و در عوض ربح آن را دریافت کنند. این بنگاه‌ها از طرفی مقدمه تشکیل بانک‌های دولتی است که در قرون بعد ظهور می‌یابند و از طرف

! Mons

! Montes

دیگر در نتیجه این که اشخاص حصه‌های کوچکی در سرمایه آن آورده بودند و مسئولیت آن‌ها هم محدود به همان مبلغ بود موجد اساس شرکت‌های سهامی می‌باشد.^۱

اما اولین بانکی که رسماً به صورت شرکت سهامی در سال ۱۶۵۶ تشکیل شد بانک سوئد بود. در سال ۱۶۶۸ این بانک دیگر نتوانست به صورت خصوصی اداره شود و منحل شد. بعد از انحلال تجدید سازمان کرد و به صورت دولتی درآمد. بانک انگلیس دومین بانکی بود که در سال ۱۶۹۴ بر اساس طرح شخصی به نام ویلیام پترسون به صورت شرکت سهامی تأسیس شد. این بانک امروز به عنوان قدیمی‌ترین و اولین بانک مرکزی دنیا شناخته می‌شود. سهام بانک مذکور در سال ۱۹۴۶ توسط دولت خریداری شد.^۲

اولین بانک در ایران به صورت رسمی بانک جدید شرقی بود که مرکز آن در لندن قرار داشت حوزه عملیاتی آن مناطق جنوبی آسیا بود. بیشترین سهام این بانک را کشور انگلیس داشت و به همین خاطر، تابع قوانین کشور انگلیس عمل می‌کرد و در سال ۱۲۶۷ به بانک شاهنشاهی واگذار شد. لذا اولین بانک در ایران بانک جدید شرقی و بعد از آن نیز بانک شاهنشاهی که آن هم انگلیسی و امتیازش به رویتز داده شده بود. بنابراین می‌توان دریافت که سهامی بودن بانک از طریق انگلیسی‌ها وارد ایران شد.^۳

بانک ملی از لحاظ شکل قانونی از همان ابتدای تأسیس صورت شرکت سهامی داشت هرچند سهام بی‌نام بانک قانوناً می‌توانست آزادانه مورد نقل و انتقال قرار گیرد ولی کلیه سهام در دست دولت باقی ماند و هیچ گونه نقل و انتقالی صورت نگرفت. بالأخره با تصویب اساسنامه بانک در سال ۱۳۱۷ انتقال سهام بانک اعم از بانام و بی‌نام رسماً ممنوع اعلام شد.^۴

پس از آن تک‌تک اساسنامه‌ی بانک‌ها به تصویب رسید و بر تعداد آن‌ها افزوده شد. در سال ۱۳۳۹ قانون بانکی و پولی تصویب و در سال ۱۳۵۱، با تصویب قانون پولی و بانکی نسخ شد. پس از انقلاب

۱. اعظمی‌زنگنه، عبدالحمید، بانک، بی‌ناشر، تهران، ۱۳۱۸، صص ۱۴-۱۳.

۲. صدیقی، عباس، اصول بانکداری، ج ۱، ج ۶م، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، ۱۳۵۵، صص ۱۲-۱۱.

۳. ماجدی، علی، گلریز، حسن، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، ج ۲م، انتشارات مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آذر ۱۳۶۸، صص ۱۷۲-۱۷۱.

۴. همان، صص ۱۷۹-۱۷۷.

نیز ابتدا طی لایحه قانونی اداره امور بانکها نحوه اداره آنها تغییر کرد و بانکها ملی شدند؛ این موضوع در اصل ۴۴ قانون اساسی آمد. سپس در سال ۱۳۶۲، قانون بانکداری بدون ربا تصویب شد. روند بانکداری به همین سیاق ادامه یافت تا این که نیاز به رقابت و حرکت به سمت خصوصی سازی احساس شد و در نهایت در سال ۱۳۷۹ ماده‌ی واحده قانون اجازه تأسیس بانکهای غیردولتی به تصویب رسید و به جز تعداد اندکی از بانکها مابقی ملزم به خصوصی شدن گشتند. این روند در ادامه با تاریخچه‌ی بیمه قابل مقایسه هست.

گفتار دوم) بیمه

در سال ۱۳۱۴ اولین شرکت بیمه‌ی داخلی با عنوان شرکت سهامی بیمه ایران توسط دولت تأسیس و فعالیت خود را آغاز نمود. پس از آن صنعت بیمه در طول سالهای فعالیت خود دچار فراز و نشیب‌های بسیاری شده است که برخی از آنها عبارتند از: تأسیس و فعالیت ۸ شرکت بیمه ایرانی در محدوده زمانی ۱۳۲۹ تا ۱۳۴۳، تأسیس بیمه مرکزی در سال ۱۳۵۰، اعلام ملی شدن بیمه در سال ۱۳۵۸، تصویب قانون تأسیس مؤسسات بیمه غیر دولتی در سال ۱۳۸۰ و در نهایت تصمیم به واگذاری شرکت‌های بیمه دولتی (به استثنای بیمه ایران) در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی.

مبحث دوم) اشتراکات بیمه و بانک

در این مبحث راجع به اشتراکات بانک و بیمه سخن گفته می‌شود تأثیرات اقتصادی اگرچه مشترک هست اما به دلیل صحبت از ویژگی‌های هر نهاد در ذیل آن در مبحثی جداگانه آمده است.

گفتار اول) اسلامی بودن (شرعی)

یکی از مهم‌ترین نکات در بانک و بیمه بحث شرعی بودن آن‌ها می‌باشد. بدین لحاظ تمامی ذی-نفعان انتظار فعالیت‌های شرعی را از نهادهای مالی دارند و این نهاد ناچار می‌بایست در جهت رفع نگرانی ذی‌نفعان و جلب اعتماد آنان حرکت کند. برای ایجاد چنین اعتمادی در تطابق با شریعت اسلام قدم اول آن است که این نهادها در رابطه با شرعی بودن تمام ابزارهای استفاده شده مجوز شرعی دریافت کنند و در گام دوم این اطمینان را ایجاد کنند که تمامی فعالیت‌های آنان مطابق با مجوزهای صادره می‌باشد. در آوردن تشبیه برای این دو گام می‌توان این‌گونه همت نهاد که گام اول شبیه پرسش از یک حقوق‌دان، پیرامون تطابق بانک و بیمه با قوانین می‌باشد و قدم دوم شبیه وظایف و کارهای محوله به حساب‌برسان و ناظران می‌باشد که تضمین نمایند هیچ یک از فعالیت‌های بانک با قوانین در تضاد نیست!^۱

یکی دیگر از نگرانی‌های ذی‌نفعان می‌تواند مسأله **ربا** باشد که به طور بالقوه می‌تواند در هر دوی بانک و بیمه به وجود بیاید که به جهت شدت قبح آن بعید است در کشور اسلامی حتی اگر تردید ربوی بودن عملیات بانکی یا بیمه‌ای باشد، شخصی برای دریافت خدمت به آن‌ها رجوع کند. این مسأله‌ی اسلامی بودن باعث شد که کشورهای غربی نیز به جهت به دست آوردن سود بیشتر به سمت آن حرکت کنند و برای مشتریان خویش بانک اسلامی بوجود آورند.^۲

گفتار دوم) حاکمیت شرکتی

نقطه‌ی اشتراک دیگر بانک و بیمه، اصول مشترک حاکمیت شرکتی است که برای هر دو این‌ها صادق می‌باشد. به عبارتی رعایت عدالت، حقوق ذی‌نفعان، پاسخ‌گویی، شفافیت و مدیریت ریسک،

۱. عاقلی نژاد، محمد امین، حاکمیت شرکتی در حقوق بانکداری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۹۷-۱۹۶.

۲. مطهری، مرتضی، مسأله ربا و بانک، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۷، ص ۱۶۱.

۳. باقری، محمود، تقریرات درس حقوق بنگاه‌های اقتصادی، جلسه اول، ۱۷ بهمن ۱۳۹۱.

مباحث و عناوینی است که به طور مشترک هم در بانک و هم در بیمه به کار گرفته می‌شود و می‌بایست مورد توجه همگی اشخاص از دولت تا مدیران باشد. این موارد را باید با نظارت‌های دقیق به دست آورد تا در نهایت حس اعتماد ایجاد کرده و کارایی نظام اقتصادی را افزایش دهد. این حس اعتماد، پایه و اساس بازارهای مالی و موجب دوام و پویایی آن است. در غیر این صورت بازار با شکست مواجه می‌شود که از آن به عنوان ریسک سیستمی تعبیر می‌شود! البته مباحث حاکمیت شرکتی فراتر از یک شرکت خاص هستند و اصولاً برای تمامی شرکت‌ها پیش‌بینی شده‌اند اما سخن از الزامی بودن آن برای بانک و بیمه می‌باشد و همیشه در کنار مباحث حاکمیت شرکتی، بانک و بیمه نیز مطرح می‌شود و گرنه تئوری ذی‌نفعان خود مبحثی داخل در راهبری شرکتی می‌باشد و برای موضوعی که می‌بایست در جهت اثبات چرایی پیاده‌سازی تئوری در بانک و بیمه باشد آوردن آن در مقدمه بحث چندان وجیه نمی‌نماید. به هر روی در اینجا به عنوان روندی مشترک که در رویه‌های قانون‌گذاری حاکمیت سهامی نیز به طور مشترک در قانون توجه هستند به عنوان اشتراکات آورده شده است.

پیرامون تمام نکات بیان شده هم در بانک و هم در بیمه مقرراتی صادر شده است که گاه به جهت یکسانی اصول راهبری با هم تشابه فراوان دارند. اما چون مقررات صادره از مقام آمره‌ی یکی برای دیگری الزام آور نیست، آن نهاد نیز به صدور و وضع مقررات برای شرکت‌های انجام دهنده‌ی عملیات خود مقرراتی را وضع و ابلاغ می‌کند. از جمله مقررات پیرامون حاکمیت شرکتی در بانک و بیمه را می‌توان موارد زیر نام برد: آیین‌نامه گزارشگری و افشای اطلاعات مؤسسات بیمه ۲۵ آذر ماه، بهترین رویه‌های افشای ریسک اعتباری، تطبیق و کارکرد آن در بانک، اصول پیشرفت برای تداوم فعالیت، بهبود حاکمیت سهامی در بانک‌ها و

۱. عاقلی نژاد، محمد امین، حاکمیت شرکتی در حقوق بانکداری، ص ۲۰۱.

گفتار سوم (سوم قوانین شرکتی):

در اینجا می‌توان به قوانین یکسان اعمالی بر بانک و بیمه از سوی قانون‌های اصلی و مادر اشاره کرد. کلیات و مبانی که در لایحه قانونی آمده در هر دو قانون تأسیس بیمه و قانون پولی به مجری بودن آن در موارد سکوت تصریح شده است. بسیاری از این مقررات در ادامه و به فراخور موضع به قلم می‌آید. در قانون پولی و قانون تأسیس بیمه در ماده‌ی ۳۱ آمده که تأسیس بانک و بیمه تنها به صورت شرکت سهامی عام با سهام بانام امکان‌پذیر است. در این قسمت این مطلب دنبال می‌شود که چه ویژگی در "شرکت سهامی عام با سهام بانام" وجود دارد که مقنن تنها این قالب و شکل را برای بانک‌ها و بیمه‌ها مجاز دانسته است. بخشی از علت در قسمت تاریخچه بانک مختصراً اشاره شد در ادامه هر یک از این ویژگی‌ها بیان شده و مختصات خاص آن‌ها بیان می‌گردد و بدین صورت امکان تحلیل ماهیت بانک و بیمه در چارچوب قوانین آسان می‌گردد.

بند اول) شرکت

شرکت در معنای جدید باعث می‌شود که ثروت‌های کوچک بی‌اثر نمانند و کارها در مقیاسی بزرگ انجام شود و انحصار مفید به وجود آید. از این روی اصولاً هر وقت بنا بر اعطای امتیاز بود الزام می‌شد که باید در قالب شرکت باشد. شاید دور از صحت نباشد اگر علت دولتی یا خارجی بودن اولین بانک‌ها را در ایران در این مطلب جست‌وجو کنیم.

فایده‌ی این نهاد حقوقی ایجاد کارآمدی با تقسیم کار و ایجاد ثبات اقتصادی است. کارهای اقتصادی بزرگ و برخی فعالیت‌های اقتصادی منحصراً در قالب این نهاد امکان تحقق پیدا می‌کند به عنوان نمونه بانک و بیمه ذاتاً و به جهت ماهیت (که در ادامه توضیحات آن می‌آید) اقتضای تبلور در قالب شرکت را دارد!

^۱. باقری، محمود، نقش حقوق شرکت‌ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی سازی، ص ۵۱.

ویژگی‌های شرکت که آن را از دیگر نهادهای جمعی ممتاز می‌کند عبارت‌اند از: ۱- مسئولیت محدود برای سرمایه‌گذار ۲- شخصیت حقوقی و حیات دائم ۳- قابلیت انتقال بی‌قید و شرط سهام ۴- مدیریت متمرکز^۱ برای توضیح باید بیان داشت فعالیت‌های وسیع اقتصادی و نیز صنعت بانک که محتاج سرمایه‌گذاری سهام‌داران کوچک بودند وداع با اصل مسئولیت نامحدود را اجتناب ناپذیر می‌کرد و همین مسئولیت محدود بود که شرکت‌ها را نهایتاً به عنوان ابزار مسلط در توسعه اقتصادی تثبیت نمود. افزایش سریع و حیرت‌آور در پیشرفت‌ها مدرک قانع‌کننده‌ای بر این امر است. هم‌چنین ابداع شخصیت حقوقی به معنای توسعه روابط اقتصادی و ایجاد بازنگری جدید است که در تعاملات اجتماعی و اقتصادی نقش مؤثرتر و کارآمدتری از شخص حقیقی دارد و از نظر اعتباری به تعداد بازیگران اقتصادی می‌افزاید.

احکام شرکت به ساختار و فضای چند بعدی مربوط است که حکایت از تحولی عظیم در تحولات اجتماعی دارد و صرف اعتبار شخصیت حقوقی لوازم و تبعات اجتماعی وسیعی دارد که خود احکام متفاوتی را می‌طلبد. سازوکار و کارکرد یک شرکت به این نحو است که شرکت در قالب قواعدی عمل می‌کند که دولت تعیین می‌نماید قواعدی که به شرکت اجازه داشتن سرمایه و تعهداتش را می‌دهد که خود عواقب و تبعات اجتماعی گسترده‌ای را دارد. در مقابل دولت تأکید دارد که شکل حقوقی خاصی در خصوص کارکرد شرکت و عرضه آن به اجتماع رعایت شود.

بند دوم) سهامی عام

با بررسی قوانین و مقررات پیرامون شرکت‌ها معلوم می‌گردد که با قانون تجارت ۱۳۰۳ عبارت سهامی‌وارد حقوق تجارت شد. گرچه قبل از آن در قوانین تأسیس کارخانجات یا برخی امتیازات واگذاری عبارت سهام دیده می‌شود به هر صورت شرکت‌های سهامی‌نیز در قانون تجارت ۱۳۰۳ و ۱۳۱۱ به همین صورت آمده و به سهامی‌عام و خاص تقسیم نشده‌اند و در اولین مورد در لایحه قانونی ۱۳۴۷ به سهامی‌عام و خاص منقسم شدند. به مناسبت همین روند قانون‌گذاری در قوانین و اساسنامه‌های بانک‌ها

^۱. همان، ص ۵۴.

نیز قالب شرکت سهامی انتخاب شده است تا این که در سال ۱۳۵۱ با تصویب قانون پولی و بانکی کشور در ماده‌ی ۳۱ الزام تأسیس بانک فقط به شکل سهامی عام بیان گشت لذا هر چند زمینه قانونی یعنی لایحه قانونی ۱۳۴۷ وجود داشت اما می‌بایست بررسی کرد و دنبال این بود که چه چیز باعث شد تا مقنن و متخصصان امر زین پس قالب سهامی عام را برای بانک مناسب ببینند حال آن که پیش از آن و حتی از قرن پیشین خورشیدی بانک‌ها در حال فعالیت بودند بی‌آن که سهامی عام باشند و حتی لزوم داشتن حداقل ۵ سهام‌دار به موجب قانون تجارت، براساس قوانین بعدی برای آن‌ها استثنا شده بود^۱ بی‌شک همین ویژگی‌هایی که بدان‌ها اشاره می‌رود و در قانون وجه ممیزه‌ی شرکت‌های سهامی عام و خاص بوده است موجب انتخاب و برگزیدن قالب سهامی عام نسبت به سهامی خاص شده است اما در ادامه باید دید که آیا این چند ویژگی تنها مختص سهامی عام است؛ و در صورتی که چنین باشد آیا نمی‌توان تشکیل و موفقیت بانک در نبود این ممیزه‌ها را تصور نمود.

شرکت‌های سهامی عام هر چند تنها بخش کوچکی از جمعیت شرکت‌های مختلف و متنوع موجود را تشکیل می‌دهند ولی بر همه یا بیشتر اقتصاد کشورها چیره شده و اصولاً واجد خصایص و صفات مشابهی در سراسر جهان هستند. در حقوق ایران دقت در قانون ۱۳۴۷ نکات و تفاوت‌های ذیل را برای این شرکت در مقایسه با سایر شرکت‌ها از جمله سهامی خاص آشکار می‌کند.

پذیره‌نویسی و امکان رجوع به مردم؛ شرکت‌های عام تشکیل می‌شود تا مسأله‌ی تحصیل سرمایه را حل کند. تحصیل سرمایه از طریق وام هزینه‌ی سنگینی در بر دارد. شرکت‌های سهامی باید به دریای عظیم سرمایه دسترسی داشته باشند تا بتوانند به فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس وسیع بپردازند. به هر روی عوامل ایجاد شرکت‌های بزرگ را می‌توان بدین صورت بیان نمود: طبقه متوسط جامعه که مشمول مالیات نبودند انبوهی از ثروت و پس اندازهای خود را در محدوده‌ی زمانی مشخصی یعنی از اواسط تا اواخر قرن نوزدهم، گرد آوردند در این فاصله شرکت‌های سهامی عام بزرگی به ثبت رسیدند که ریسک سرمایه-

^۱ قانون اجازه‌ی عدم رعایت ماده‌ی ۲۷ و قسمت یازماده‌ی ۴۴ قانون تجارت نسبت به تشکیلات و اساسنامه‌ی شرکت سهامی بانک ملی ایران و شرکت سهامی بانک پهلوی، ۳۰ تیر ۱۳۰۷. ماده‌ی ۲۷ قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳، ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴: برای این که شرکت سهامی تشکیل شود لاًقل وجود پنج نفر شریک لازم است.

گذاری در آن‌ها بسیار پایین بود و همین عامل سبب جذب نقدینگی‌های سرگردان طبقه متوسط جامعه شد؛ شرکت‌های سهامی نیز از این فرصت استفاده کردند و پروژه‌های سودآور را از طریق عرضه و فروش سهام به مردم به وجود آوردند و تعداد بیشماری در این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری کردند. وجود سهام‌داران پراکنده و متعدد باعث شد که شرکت‌های سهامی از شکل سنتی خود خارج شوند.

تعیین حداکثر مبلغ اسمی سهم، حسابدار رسمی، ویژگی‌های خاص بازرسی و دعاوی مشتق از دیگر ویژگی‌های سهامی عام است. هر چند برای مثال دعاوی مشتق برای هر دو نوع شرکت هست ولی حداقلی خاص‌تر است. این حق از وضعیت ویژه شرکت‌های سهامی عام برخاسته است.

بازار اوراق بهادار (بازار سرمایه) تجلی‌گاه این شرکت‌ها است و این را نیز باید مدنظر داشته باشیم که قوانین بازار سرمایه و بازار مالی به طور اجتناب‌ناپذیری به یکدیگر وابسته‌اند و از این لحاظ با توجه به مطرح بودن اصلاح و تکمیل برخی قوانین به خصوص قوانین بانکی از این لحاظ نیز شناخت پایه‌های نظری بانک و بیمه لازم می‌آید تا با قوانین جدید بازار سرمایه بتواند همخوانی لازم را داشته باشد...

اما این که بانک و بیمه به این علت باید عام باشند تا بتوانند در بورس باشند چندان علت صحیحی نیست چراکه اولاً هدایت و راهبرد بازار سرمایه با بانک‌ها است و در ثانی با توجه به تاریخچه‌ی پیدایش بانک، بورس و سهام عام به راحتی متوجه می‌شویم که قالب سهامی عام با توجه به ویژگی‌های آن مناسب وضعیت بورس تشخیص داده شده‌است و نه این که آن را علتی بدانیم که می‌بایست بانک‌ها سهامی عام باشند و ثالث این که طبق قانون خود بورس نیز باید سهامی عام باشد. آیا آن نیز بخاطر ورود به بورس است؟ به نظر می‌رسد در اعمال حاکمیتی است که نیاز به سهامی عام احساس می‌شود.

برخی چنین اظهار نظر کرده‌اند که: وضعیت تأسیس بانک و بیمه با قوانین مربوط به شرکت سهامی عام مطابقت بیشتری دارد تا با دیگر قالب‌های حقوقی. یک شرکت سهامی عام امکان بیشتری برای جمع‌آوری وجوه با عنوان سرمایه‌ی کلان دارد چون تعداد افراد بیشتری در سرمایه‌گذاری آن مشارکت می‌کنند. قوانینی که برای شرکت سهامی عام وجود دارد نسبت به انواع دیگر شرکت‌ها قوانین کامل‌تری است و به صورت محکم‌تری قابل کنترل و هدایت می‌باشد. و از آنجا که بانک‌ها و بیمه‌ها هم مؤسساتی هستند که سرمایه آن‌ها اعتماد مردم است، لذا قالب سهامی عام بیش از هر قالب دیگری برای آن رواست.

بند چهارم) سهام بانام

سهام به معنای تبدیل دارایی‌های راکد به دارایی‌های به سرعت قابل انتقال می‌باشد و نماینده‌ی ارزش و اعتبار می‌باشد و این اعتبار است که این اوراق را اوراق بهادار کرده است. این جعل حقوقی اجازه داد تا دارایی‌های شرکت تبدیل به دارایی‌های مالی شده^۱ و لذا جابجایی اقتصادی آن افزایش یابد و این سرعت است که موجب رشد اقتصاد و تجارت می‌شود. رشد اقتصادی نیز چیزی جز تعداد معاملات انجام گرفته در یک نظام اقتصادی نیست.

نقل و انتقال سهام بی‌نام به قبض و اقباض به عمل می‌آید (ماده‌ی ۳۹ لایحه قانونی) حال آن‌که انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد (ماده‌ی ۴۰ لایحه قانونی) هر چند با توجه به قانون الزام به ثبت سهام وجود دارد و این با رونق اقتصادی چندان متناسب نیست اما از بعد دیگر بر سهام بانام مزایایی بار است چنان‌که از تعریف قانونی می‌توان به آن پی برد از جمله این‌که برای واگذاری سهام بانام وجود برگه سهم شرط دانسته نشده است^۲ حال آن‌که تصور واگذاری سهام بی‌نام بدون دادوستد (قبض و اقباض) امکان ندارد هرچند این نکته دوسویه می‌باشد: از طرفی نیاز به برگ سهم نیست ولی در مقابل نقل و انتقال می‌بایست از طریق دفتر ثبت سهام صورت گیرد و این مانع از انتقال سریع سهام می‌باشد.

با سهام بانام می‌توان به راحتی مالک سهام را شناخت و شرکت در هر لحظه دقیقاً می‌داند که چه اشخاصی سهام‌دار آن هستند. این موضوع باعث می‌شود که شرکت به راحتی بتواند سهام‌داران خود را کنترل کند^۳ و لاًقل سهام‌دار اقلیت را از اکثریت بازشناسد در مقابل سهام‌داران نیز می‌توانند حقوق خود را بر سهام از جمله حق سود و حق رأی اعمال کنند.

۱. باقری، محمود، تقریرات درس حقوق بنگاه‌های اقتصادی، جلسه هفتم: ۲۰ فروردین ۱۳۹۲.

۲. پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، صص ۲۸۱-۲۸۰.

۳. دمرچیلی، محمد، حاتمی، علی، قرایی، محسن، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، ج ۳، دادستان، تهران، ۱۳۸۹، صص ۱۱۹-۱۱۸.

بانام بودن سهم مانع از جریان حاکمیت مالکیت متصرف می‌شود و لذا از ورود ناگزیر شرکت به دعاوی حقوقی ناشی از سرقت یا گم شدن سهم جلوگیری می‌کند.^۱

امکان تعهد بخشی از سهم وجود دارد و لذا اکثر شرکت‌ها به صدور چنین سهمی علاقه نشان می‌دهند (ماده‌ی ۱۳ و ۳۳ لایحه قانونی).

سهم شرکت‌های سهامی عام دارای ارزش اعتباری بوده و بی‌شک عین و مال هستند لذا قابل وثیقه گذاشتن هستند.^۲ البته این موضوع دارای تفصیل می‌باشد چنان‌که برخی تنها سهام بی‌نام را مال دانسته و در نتیجه آن را قابل وثیقه می‌دانند.^۳

گفتار چهارم) عمومی بودن حقوق بانک و بیمه

عملیات بیمه بحری و غیر بحری و هم چنین عملیات بانکی بر طبق ماده‌ی ۲ قانون تجارت جزئی از معاملات تجارتي می‌باشند و لذا می‌بایست از این به بعد حقوق بانک و بیمه را از حوزه‌ی حقوق خصوصی دانست. اما چنان‌که گفته شد بانک و بیمه تأثیری شگرف در اقتصاد و رفاه عمومی دارند و از این منظر باید آن را حقوق عمومی دانست. به هر روی بیان شده رابطه فی ما بین بانک مرکزی و مؤسسات را باید در حیطه حقوق عمومی و رابطه‌ی مؤسسات و مشتری را در حیطه حقوق خصوصی دانست. البته این‌که ابتدا باید به مقررات حقوق خصوصی رجوع کرد مگر این‌که قواعد ویژه‌ای در قانون، اختیار اعمال نظارت و تدوین مقررات را به نهاد ناظر داده باشد.^۴ در این میان دو نکته حائز ذکر است اول این‌که به همان صورت که در بخش اول بیان گشت اکنون زمان آن است که از دیدگاه قراردادی بودن شرکت عبور کرد چه رسد به آن‌که در این زمینه و حیطه خصوصی نیز بیان شده که این نوع

۱. همان .

۲. باقری، محمود، تقریرات درس حقوق بنگاه‌های اقتصادی، جلسه ششم: ۲۲ اسفند ۱۳۹۱ .

۳. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: عقود اذنی؛ وثیقه‌های دین: ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان، حواله، کفالت، رهن، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۵، ص ۵۴۱ . نیک فرجام، کمال، مطالعه تطبیقی رهن و وثیقه سهام شرکت‌های سهامی و اسناد تجاری در حقوق ایران و انگلیس، رساله‌ی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۳۸۹ .

۴. سلطانی، محمد، حقوق بانکی، ج اول، میزان، تهران، زمستان ۱۳۹۰، صص ۴۷-۴۵ .

قراردادها از نوع قراردادهای الحاقی بوده و نیازمند حمایت می‌باشند.^۱ و دوم این‌که نهاد ناظر در بانک‌ها به موجب ماده‌ی ۱۱ قانون پولی، بانک مرکزی می‌باشد که این مهم از اعمال حاکمیت می‌باشد.^۲ در بیمه نیز این اعمال حاکمیت^۳ را بیمه مرکزی ایران اعمال می‌نماید (ماده‌ی ۱ و ۷ قانون تأسیس بیمه).

گفتار پنجم) برون سپاری

برون سپاری خدمات مالی امروزه به دلیل صرفه‌جویی‌ها، تسهیم ریسک دشواری هنگام یک فعالیت و یا غیر قابل کنترل بودن آن، روند رو به رشدی داشته‌است.

برون سپاری عبارتست از: استفاده‌ی یک مؤسسه تحت نظارت از شخص ثالث (اعم از این‌که شرکتی وابسته در یک گروه شرکتی یا خارج از گروه شرکتی باشد) برای انجام مستمر فعالیت‌ها در حال یا آینده، فعالیت‌هایی که به طور معمول توسط مؤسسه تحت نظارت انجام می‌شود. برون‌سپاری می‌تواند انتقال اولیه یا بعدی یک فعالیت یا بخشی از آن از یک ارائه‌دهنده خدمات به شخص دیگری باشد، که هر دوی بانک و بیمه به جهت ماهیت ارائه دهندگی خدمات و دلایل بیان شده در جهت رونق برون سپاری مستعد آن هستند. در ادامه از مسائل پیرامون برون سپاری و نتایج و لوازم آن بیشتر گفته می‌شود.

اگر نیاز به بیان وجوه افتراق میان بانک و بیمه باشد به جزآن‌چه به طور کلی و اصلی در ماده‌ی ۲ قانون تجارت ذکر شده دیگر بعید است که بتوان تفاوت‌های ساختاری و اساسی میان شرکت‌های بیمه و بانک را پیدا نمود چه این‌که براساس آن‌چه گفته شد از بعد ساختار شرکتی هر دو به شکل سهامی‌عام یا سهام با نام هستند و ساختار هدایت و نظارت نیز به عنوان رکن اداره و بازرسی یکسان می‌باشد و ساخت تصمیم‌گیری نیز در هر دو براساس مجامع عمومی می‌باشد. اما طبعاً تفاوت‌های کوچکی دارند که اکثراً

۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج اول، چ ۱۰، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۹۱، صص ۱۰۹-۱۰۸.

۲. قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیر دولتی، ۲۱ فروردین ۱۳۷۹.

۳. قانون تأسیس مؤسسات بیمه‌ی غیر دولتی، ۶ شهریور ۱۳۸۰.

ناشی از تفاوت میان سپرده و بیمه می‌باشد، به هر روی وقتی شخصی مبلغی را سپرده می‌کند این ودیعه کارکردی متفاوت از حق بیمه‌ای دارد که در مقابل آن و عوض آن خطر و بیمه و بیم از خسارت است به همین جهت نیز نقش اعتماد در بیمه کمی‌پررنگ‌تر است و هم‌چنین هنگام ورشکستگی حق تقدم و اولویت با بیمه‌گذاران است (ماده‌ی ۲۳ و ۲۲ قانون تأسیس بیمه) حال آن‌که در بانک‌ها سپرده‌گذاران و طلب‌کاران به معنی خاص خود با یکدیگر تفاوتی ندارد!

مبحث سوم) تأثیرات اقتصادی و ماهیت خاص بیمه و بانک

ابتدا با توجه به نقش مهم بیمه ولی توجه کمتر به آن، بیمه با تفصیل بیشتری مطرح می‌گردد و سپس از ویژگی بارز هر یک سخن به میان می‌آید.

گفتار اول) تأثیرات اقتصادی و ماهیت خاص بیمه

ساختار اقتصادی هر کشور را شامل سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات دانسته‌اند.^۱ که این سه بخش در مجموع تشکیل دهنده‌ی تولید ناخالص داخلی آن کشور است شرکت‌های بیمه خدمات ارائه می‌کنند لذا فعالیت بیمه در بخش خدمات گنجانده می‌شود. از طرفی عبارت صنعت بیمه واژه‌ای آشناست،^۲ چرا بیمه صنعت است؟ صنعت در اصطلاح غربیان یعنی به کارگیری مواد اولیه و تبدیل آن‌ها به اشیاء دیگر برای کسب درآمد و ثروت. با عنایت به این تعریف چگونه است که بیمه را صنعت می‌دانند؟ بیمه در تثبیت سرمایه و جایگزین کردن اموال و اشیایی که دستخوش آسیب‌دیدگی یا تلف می‌شود نقش اساسی دارد. مؤسسه‌هایی را که در صنعت و تولید هستند را نگه می‌دارد و از وقفه در تولید

۱. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی (طرح مطالعاتی مشترک)، نگاهی به چارچوب قانونی، نهادی، نظارتی و ورشکستگی بانک، ص ۶۶.

۲. کارگر، ابراهیم، ارتباط رشد اقتصادی با رشد صنعت بیمه، بهار ۱۳۷۶، ش ۴۵، ص ۹۴.

۳. کوشا، ابوطالب، پرسش و پاسخ حضوری، دانشگاه علوم قضایی، اردیبهشت ۱۳۹۳.

پیشگیری می‌کند. بنابراین بیمه ابزار و وسیله‌ای است در خدمت اقتصاد و صنعت بدین لحاظ بیمه خود عاملی از عوامل تولید دانسته شده و نام صنعت بر آن نهاده‌اند.^۱

این مطالب را به همین صورت در بانک نیز می‌توان دید. بررسی‌های فراوانی در رابطه‌ی نقش بیمه در اقتصاد انجام گرفته است که نتایج حاصل را می‌توان به این صورت دید که بیمه سطح رفاه، زندگی و امنیت شغلی را بالا می‌برد و در اقتصاد اهمیت بالایی داشته و دارای ماهیت تولیدی است^۲ ارتباط تأثیر بیمه در رشد و توسعه می‌توان به برآمدهای زیر از تحقیقات اشاره کرد. توسعه‌ی بیمه یکی از عوامل مؤثر در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌باشد؛ رشد صنعت بیمه برابر با رشد عمومی اقتصاد است؛ بیمه نقش مؤثری در پایداری مشاغل خرد دارد^۳ و در نهایت، بیمه با کارکردهای خود که در ادامه گفته می‌شود موجب افزایش بهره‌وری در دیگر بخش‌های اقتصادی می‌باشد.^۴ با تمام این تفاسیر و شواهد علمی و تجربی باید بیان کرد که صنعت بیمه بخش ناچیزی از اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده و در مقابل ضلع‌های دیگر مثلث توسعه چندان پرفروغ نبوده است.^۵ اما چرا بیمه می‌تواند چنین نقش و تأثیری در اقتصاد داشته باشد؟ بی‌شک به جهت کارکردهایی است که داشته و ارتباط آن با عبارات کلیدی همچون سرمایه‌گذاری، ریسک، اطمینان و توسعه می‌باشد. در ادامه بحث این کارکردهای بیمه بیان می‌گردد:

۱. رفیعان، ضیا، راهبردهای همگانی صنعت بیمه با پیشرفت‌های اقتصادی، فصل‌نامه صنعت بیمه، پاییز ۱۳۷۴، ش ۳۹، ص ۵۲.
۳. پیرایی، خسرو، کاظمی، حسین، اندازه‌گیری کارایی فنی شرکت‌های بیمه در ایران براساس برآورد تابع مرزی تصادفی، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، بهار ۱۳۸۳، ش ۱۸، ص ۱۵۹.
۴. ولی نژاد ترکمانی، رضا، زارعی، حامد، موسی کاظمی، سید جمال، ارزیابی اهمیت صنعت بیمه در اقتصاد استان تهران، پژوهش‌نامه بیمه، سال ۲۸، پاییز ۱۳۹۲، ش ۳، ص ۱۷۱.
۴. صفری، سکینه، سلطانی فر، حامد، مهدوی، غدیر، تحلیل ارتباط گسترش صنعت بیمه و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه‌ی منتخب (الجزایر، اندونزی، مالزی، پاکستان، ترکیه، فیلیپین، مصر و هند) فصل‌نامه‌ی علوم اقتصادی، دوره‌ی ۵، تابستان ۱۳۹۰، ش ۱۵، ص ۱۳۱.
۵. کارگر، ابراهیم، ارتباط رشد اقتصادی با رشد صنعت بیمه، ص ۱۰۵.
۶. جعفری، صمیمی، احمد، یحیی زاده، محمود، آقاجانی، حسن علی، کریمی، سید محمد، جایگاه بیمه در پایداری کسب و کار مالی خرد، شواهدی تجربی از کسب و کارهای کوچک ایجاد شده توسط صندوق مهر رضا(ع)، پژوهش‌نامه‌ی بیمه، سال ۲۸، بهار ۹۲، شماره ۱، ص ۵۷.
۷. فقیه جویباری، مجید، تأثیر بیمه در فعالیت‌های اقتصادی ایران (بر مبنای جدول داده) فصل‌نامه‌ی صنعت بیمه، زمستان ۱۳۷۷، ص ۵۸.
۸. نشاط تهرانی، مصطفی، بهره‌وری در صنعت بیمه، فصل‌نامه‌ی صنعت بیمه، پاییز ۱۳۷۳، ش ۳۵، ص ۴۳-۴۵.

بیان شده است که بیمه هفت مورد اساسی و مهم می‌تواند در اقتصاد کشور نقش حیاتی داشته باشد^۱ که البته همه خوانندگان واقف هستند که اقتصاد یک چرخه و یک روند تعادلی است یعنی تمام کنش‌گران در تأثیر و تأثر یکدیگر هستند. لذا گاهی تفکیک قلمروهایی که بیمه در آن ایفای نقش می‌کند ساده است. چنان‌که فی‌المثل برای بیمه نقشی در جلب اعتماد و کاهش ریسک عنوان شده است. حال آن که این دو می‌توانند در طول یکدیگر باشند بدین معنی که بیمه با جلب اطمینان و اعتماد مردم، موجب زوال عدم آگاهی مردم به ریسک می‌شود. فلذا بدین صورت موجب کاهش ریسک نیز می‌گردد. به هر روی در اینجا برخی از کارکردهای بیمه بیان می‌گردد. سرمایه اصلی بیمه، حق‌های بیمه ایست که توسط سپرده‌گذاران پرداخت می‌شود لذا بیمه می‌بایست در رأستای رسالت خود موجب ایجاد احساس اطمینان و امنیت در مردم شود تا آن‌ها سرمایه بیشتری را در بیمه قرار دهند، و در این صورت مردم هم قدرت ریسک پیدا می‌کنند و در فعالیت‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند^۲. این اعتماد برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است چراکه این کشورها اکثراً نیازمند سرمایه‌گذاری هستند و به واسطه همین ویژگی اقتصادی که دارند سرمایه‌گذاری‌ها اکثراً به صورت مستقیم خواهد بود که بیش از سایر شقوق مشارکت دارای ریسک است^۳. لذا نیازمند حمایت بیشتر بیمه خواهند بود. هرچه این سرمایه‌گذاری در بیمه بیشتر شود در مقابل بیمه نیز توان فراوانی برای سرمایه‌گذاری‌های کلان پیدا می‌کند و اجرای طرح‌های عظیم را در بخش‌های مختلف اقتصادی تسهیل می‌کند^۴ که یکی از آن‌ها همین حمایت‌های لازم و مورد نیاز از سرمایه‌گذاری خارجی است. پس بیمه در تسهیل فعالیت‌های اقتصادی دو نقش عمده را ایفا می‌کند که هر دو به هم پیوسته هستند یعنی خیال سرمایه‌گذار را از ریسک فعالیت‌هایش راحت می‌کند و موجب سرمایه‌گذاری توسط او می‌شود چراکه بیمه انواع ریسک‌ها را تحت پوشش خود قرار می‌دهد^۵.

۱. همتی، عبدالناصر، بیمه خانواده در توسعه اقتصادی، پژوهش‌نامه بیمه، پاییز ۱۳۷۷، ش ۵۱، ص ۱۰.

۲. کمالی، حسین، حمایت جدی صنعت، تجارت، کشاورزی در قالب بیمه، فصلنامه‌ی صنعت بیمه، پاییز ۱۳۷۵، ش ۴۳، ص ۱۶.

۳. سمیعی، سیاوش، نقش بیمه در تعیین سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مناطق آزاد، فصلنامه‌ی صنعت بیمه، پاییز ۱۳۷۴، ش ۳۹، ص ۱۵۲.

۴. محمدخان، مرتضی، نقش بیمه در توسعه اقتصادی، پژوهش‌نامه بیمه، پاییز ۱۳۷۳، ش ۳۵، ص ۶.

۵. بردبار، غلامرضا، منصوری، حسین، جمالی، رضا، بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و بهره‌وری نیروی انسانی در صنعت بیمه براساس نظرسنجی از

مدیران عالی شرکت‌های بیمه شهر یزد، فصلنامه‌ی صنعت بیمه، زمستان ۱۳۸۶، ش ۴، ص ۲۰۲.

بیمه در کلیه شاخه‌ها و رشته‌های فعالیت اقتصادی به گسترش اطمینان کمک می‌کند. یکی از این زمینه‌ها بازار مالی است که بیمه در آن نقش فعالی بازی می‌کند. به عبارت دقیق‌تر بازار مالی متشکل از بیمه، بورس و بانک را می‌توان مثلث توسعه مالی نامید که این مثلث بدون بیمه، کم‌رنگ و ناکارا باقی می‌ماند. در مثلث توسعه مالی، بانک پایگاه پول، بورس پایگاه سرمایه و بیمه پایگاه اطمینان است که با ارتباط دو سویه به توسعه مالی کمک می‌کند!

جنبه‌ی دیگر لزوم اعتمادآوری صنعت بیمه بی‌شک در ماهیت مدیریت ریسک آن برای آینده است یعنی حالت انتظاری آن، این‌که موعود است و هنوز چیزی وجود ندارد، اصولاً نتایجی که در آینده قرار است به دست آید نیاز به اعتماد و اطمینان بیشتری را از سوی منتظر طلب می‌کند به این معنی که مردم دارند به ازای پرداخت هزینه بیمه تنها تأمین دریافت می‌کنند، تأمینی که متکی بر اعتماد است، اعتماد به این‌که در صورت تحقق خطر بیمه جبران می‌کند.^۳ حال واضح است که اگر این اعتماد از بین برود، عملاً مواد اولیه بیمه یعنی خرده وجوهی که توسط مردم آورده می‌شود هم از بین می‌رود و دیگر ادامه موجودیت چنین نهاد بلا موضوعی همچون حرکت در مجموعه‌ی تهی می‌باشد. نقش بیمه در جبران خسارت نیز با اعتماد مردم این پیوستگی را دارد که در سطح اقتصاد خرد، عدم اطمینان ناشی از عدم آگاهی اقتصادی به ریسک را کاهش می‌دهد و موجب ثبات در درآمد و ثروت بیمه‌گذار می‌شود و در سطح کلان از طریق ایجاد ارزش افزوده به تشکیل درآمد ملی کمک می‌کند.^۴ و اصولاً توجه به همین بعد ثبات هست که بیان شده بیمه بخشی بی‌پایان است و تا بی‌نهایت ادامه دارد چراکه موجب ثبات می‌-

۱. کلخدایی، حسین، بیمه، بانک و بورس: مثلث توسعه مالی، فصلنامه‌ی صنعت بیمه، س ۱۶، زمستان ۱۳۸۰، ش ۴، ص ۱۴۱.

۲. معصومی، ابوالحسن، توسعه اقتصادی: هدف بیمه، قابل دسترسی در

<http://www.shomalnews.com/view/14316/%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87%20%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%8A%20%D8%8C%20%D9%87%D8%AF%D9%81%20%D8%A8%D8%B%8C%D9%85%D9%87/> Retrieved September 7, 2015 .

۳. کریمی، آیت، نقش نظارت در فعالیت صنعت بیمه، فصلنامه‌ی صنعت بیمه، تابستان ۱۳۷۶، ش ۴۶، ص ۳۸.

۴. مجتهد، احمد، بیمه و فعالیت‌های اقتصادی، فصلنامه‌ی بیمه مرکزی ایران، بهار ۱۳۶۸، ش ۱۳، ص ۱۲-۱۳.

شود و ثبات و پایداری همان هدف غایی می‌باشد.^۱ اکثر مطالب پیرامون بیمه را در بانک نیز می‌توان مشاهده نمود.

اگر در ادامه ضروری باشد که از اهمیت گفته شود شاید توجه به قوانین جدید و آنچه سیاست-گذاران کلان مملکت نسبت به آن‌ها احساس نیاز می‌کنند از همه چیز بهتر باشد. در همین فصل بود که سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و بررسی‌های فراوان توسط رهبر انقلاب با محوریت اقتصاد مقاومتی ابلاغ شد. در اقتصاد مقاومتی بحث توسعه پایدار مطرح است.^۲ در این سیاست‌های ابلاغی برای توسعه سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطر-پذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور، ارتقا کمی و کیفی نظام جامع صنعت بیمه و ابزارهای آن با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی پیش بینی شده است.^۳ به هر حال این سیاست‌ها برای دوره پنج‌ساله پیش رو است و از یک طرف ضمن بیان اهمیت جایگاه بیمه در اقتصاد این نکته را نیز می‌گوید که هنوز بیمه جایگاه واقعی خود را در اقتصاد کشور نیافته است. البته در این سیاست‌ها بی-شک از جایگاه بانک در توسعه و اقتصاد کشور نیز غفلت نشده است اما با توجه به این واقعیت که بانک نسبت به بیمه یک گام جلوتر است به مسائل دیگر آن بیشتر توجه شده است. برای مثال با توجه به بحران‌ها و فسادهای بانکی که پیش آمده به بحران‌های نمایندگی و بحث نظارت بیشتر دقت شده است. در ادامه پیرامون نقش بیمه در بازار سرمایه سخن به میان می‌آید و پس از آن به بحث‌های نظارت و لزوم مداخله‌ی دولت در امور بیمه و هم چنین به طور مشابه بانک پرداخته می‌شود.

به تدریج با گسترش حجم فعالیت‌های بیمه‌ای و میزان سرمایه و وجوه شرکت‌های بیمه، اهمیت حضور این شرکت‌ها در بازار سرمایه برای کل جامعه و برای خود شرکت‌های بیمه به عنوان یک مقوله مدیریتی افزایش بیشتری یافت. شرکت‌های بیمه علاوه بر تأمین امنیت فعالیت‌های اقتصادی از طریق ارائه

۱. کمالی، حسین، ص ۱۶.

۲. جهانگیری، اسحاق، بورس بهترین محل برای جذب نقدینگی است؛ بیمه‌ها در بازارهایی مثل بورس فعال شوند (سخنرانی در بیست و یکمین همایش بیمه و توسعه)، ماهنامه اقتصاد و بیمه، آذر ۱۳۹۳، ش ۴۸، ص ۶.

۳. <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=30128> Retrieved September 7, 2015.

خدمات بیمه‌ای، با مشارکت و به کارگیری منابع مالی انباشته شده نزد خود در فواصل زمانی دریافت حق بیمه و پرداخت خسارت‌ها، به خصوص در بیمه‌های بلندمدت می‌توانند موجب تحرک، پویایی، رشد و توسعه بازارهای مالی شوند و منابع مالی شمار زیادی از فعالیت‌های اقتصادی و طرح‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی را فراهم آورند تجربه جهانی حاکی از آن است که صنعت بیمه به مثابه جزیی از صنعت مالی، باید رابطه‌ی متقابل صحیحی با مجموعه بازار سرمایه داشته باشد. این رابطه، در عصر جهانی شدن، به دو شکل تبلور می‌یابد؛ از یک سو؛ کسب و کار بیمه به بازار سرمایه مستحکم نیازمند است و از سوی دیگر، بازار سرمایه مبتنی بر مشارکت فعال و جوه بیمه در این بازار است. از این رو، شتاب بخشیدن به اصلاحات و توسعه دو بخش و ارتقای رابطه متقابل این دو، شرط لازم برای توسعه‌ی مناسب سیستم مالی کشور است!

سرشت و طبیعت فعالیت بیمه همانا ارتباط آن با حقوق و منافع مشتریان، حق‌مندان، زیان‌دیده‌گان و تعداد بی‌شماری از مردم است^۱ و از سویی دیگر در عملیات بیمه، پتانسیل قوی برای تبعیض و سوء استفاده از مشتری قرار دارد زیرا همان‌طور که گفته شد شرکت‌های بیمه عملکرد فوری ندارند بلکه تعهدات پیچیده‌ای را برای آینده ارائه می‌کنند.^۲ تداخل و ورود به حقوق مردم و امنیت و ثبات مالی ایشان و به طور کلی منافع جامعه لزوم دخالت دولت و کنترل و نظارت سنجیده و درست را بر کار شرکت بیمه ایجاب می‌نمایند. به خصوص که این شرکت‌ها اطلاعاتی در اختیار دارند که می‌توانند از آن‌ها سوء استفاده کرده و ضربه به کارایی کلی نظام اقتصادی بزنند.^۳ کشورهای در حال توسعه برای نظارت قوی و مؤثر بر بیمه نیازمند تغییرات اساسی در قانون و مقررات حاکم بر فعالیت صنعت بیمه خویش هستند اما

۱. حسن زاده، علی، عسگری، محمد مهدی، کاظم نژاد، مهدی، بررسی جایگاه صنعت بیمه در اقتصاد و بازار سرمایه ایران، فصلنامه‌ی صنعت بیمه، س ۲۵، تابستان ۱۳۸۹، ش ۲، صص ۱۶۶-۱۶۷.

۲. محمودصالحی، جانعلی، حقوق نظارت و دیده‌بانی در بیمه، فصلنامه‌ی صنعت بیمه، سال ۵، تابستان ۱۳۷۹، ش ۵۸، ص ۱۹. مونی، اس‌وی، دگرگونی در کنترل‌های قانونی بیمه برای ثبات مالی، ترجمه مصطفی نوری، فصلنامه‌ی صنعت بیمه، تابستان ۱۳۷۴، ش ۳۸، ص ۱۱.

۳. میرزایی، حبیب، میرزاخانی، آتوسا، ضرورت و اهمیت نظارت بر توانگری شرکت‌های بیمه در شرایط آزادسازی، فصلنامه‌ی صنعت بیمه، سال ۵، پاییز ۱۳۷۹، ش ۵۹، ص ۷۵.

۴. موسوی سجادی، سیدحمیده، راغفر، حسین، اطلاعات نابرابر و کارایی در بازار بیمه تصادفات ایران (مورد مطالعه: شرکت بیمه ایران)، فصلنامه‌ی صنعت بیمه، س ۲۵، م ۱۳۸۹، ش ۲، ص ۵۱.

برخورداری از قانون‌مندی‌های مستحکم و مدلل کافی نیست بلکه دولت باید ابزارهای قانونی لازم را برای هدایت بیمه در اختیار بگیرد.^۱ سازمان‌های نظارتی نه تنها باید راهبری کنند بلکه نظارت باید انواع پوشش‌های بیمه را در بر بگیرد. این نظارت دقیق و کنترل شدید به خصوص در کشورهایی که روند خصوصی‌سازی را طی می‌کنند بسیار مورد نیاز است.^۲ برای مثال هنگام ثبت قید اسامی مالکان و سهام داران و میزان سهم آن‌ها همچنین کفایت‌های علمی و تجربی مدیران در جهت ثبات در فعالیت‌های شرکت‌های بیمه و حفظ حقوق مردم لازم است. و یا مقررات خاص که برای ورشکستگی در این شرکت‌ها و امر از توقف با توجه به حدود توان مالی که متفاوت از بقیه است همه جزیی از این مقررات خاص نظارت در جهت هدف مذکور می‌باشند. سازمان نظارتی کاملاً مراقب وضعیت صنعت بیمه است و از ابزارهای نظارتی برای حفظ حقوق بیمه‌گذاران و بیمه‌شده‌گان استفاده می‌کند.^۳ البته این سازمان باید مستقل باشد (و نه استقلال کامل). بلکه مراد از استقلال، عدم وابستگی به سیاست‌های دولت و نفوذ گروه‌های می‌باشد و گرنه فعالیت نمودن تحت نظر وزارت خانه مطبوع و رعایت نمودن ساختارهای آن توصیه شده است.^۴ سازمان‌های مذکور برای اقتدار داده شود تا در امر هدایت بیمه هر اقدامی که لازم می‌داند انجام دهد. تأمین شرکت بیمه و حمایت از مشتریان و بیمه‌گذاران در گرو ساختار مؤثر و مناسب نظارت است که از زمان تشکیل شرکت تا پایان حیات آن ادامه دارد.

در شرایط جدید علاوه بر نقش سنتی حمایت از بیمه‌گذاران لازم است که منافع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ملی کشور نظیر هماهنگی سیاست‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه با سیاست‌های اقتصادی دولت و با جلوگیری از خروج ارز، مورد توجه جدی قرار گیرد. در کشورهای در حال توسعه چنان‌که پیش‌تر هم گفته شد علاوه بر وظایف فوق وظیفه ویژه نهادهای نظارتی، فراهم کردن تسهیلات و توانمند کردن بازار ملی است.^۵

۱. محمدخان، مرتضی، نقش بیمه در توسعه اقتصادی، ص ۸.

۲. کریمی، آیت، نقش نظارت در فعالیت صنعت بیمه، صص ۳۶-۳۷.

۳. تیلور، راجر، دولت‌ها و مسائل عمده صنعت بیمه، ترجمه فاطمه عبداللهیان، فصلنامه‌ی صنعت بیمه، تابستان ۱۳۸۶، ش ۴۶، ص ۱۲.

۴. کریمی، آیت، نقش نظارت در فعالیت صنعت بیمه، ص ۴۸.

۵. میرزایی، حبیب، میرزاخانی، آتوسا، ضرورت و اهمیت نظارت بر توانگری شرکت‌های بیمه در شرایط آزادسازی، ص ۷۵.

گفتار دوم) تأثیرات اقتصادی و ماهیت خاص بانک

تأثیر در اقتصاد نیز از اثرات بانک و بیمه می‌باشد که هر دو در گسترش رفاه عمومی و عدالت اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار هستند.^۱ بانک‌ها نیز از همان جایگاه و اهمیت بیمه در اقتصاد برخوردار هستند. چه آن‌که اقتصاد از مرحله تولید در سایه کالا گذشته و به سطحی پیچیده‌تر رسیده است و بانک‌ها نیز با پیچیدگی بیش از حد، بزرگی بودن بیش از اندازه هیأت مدیره و کمبود نیروی کار ماهر^۲ شرایط خاصی را به وجود آورده‌اند، بخصوص با صنعتی‌تر شدن جوامع این پیچیدگی بیشتر شده است. در چنین اجتماعی دیگر بانک‌ها تنها وظیفه حفظ و امانت داری سپرده‌های مردم را ندارند بلکه نقش مهم‌تر آن‌ها از یک طرف تجهیز منابع پولی و مالی و از طرف دیگر تخصیص آن‌ها میان احتیاجات مختلف می‌باشد و به عبارتی رهبری و کنترل فعالیت‌های اقتصادی را برعهده دارد.^۳ از سوی دیگر ارگان رهبری کننده در خود بانک‌ها یعنی هیأت مدیره اصولاً کندتر از مدیران بقیه شرکت‌ها تغییر می‌کنند و این به جهت محافظه‌کاری و تلاش آن‌ها برای حفظ وضع موجود است.

بانک نیاز به پشتوانه اقتصادی دارد تا مردم در مواقع مختلف اقتصادی به آن اعتماد کنند لذا برای تأمین سرمایه رجوع به مردم را می‌طلبد از طرفی بانک‌ها دارای اعتبار هستند و صدور اوراق بهادار هم به موجب همین اعتبار است و این یعنی اعتماد برای بانک‌ها نقشی دوسویه دارد.

در بانک‌ها تنها سهام‌داران دارای نفع نیستند بلکه دولت و مردم نیز دارای حقوقی هستند چراکه این سپرده‌گذاران هستند که بخش اصلی سرمایه آن‌ها را تشکیل می‌دهند و لذا در این بخش از اقتصاد دیگر مالکیت خصوصی صرف مطرح نیست این مطلب بیان می‌کند که باید وضعیت ویژه چنین صنایعی در قانون در حال اصلاح شرکت‌ها ملحوظ شود. برخی از این ویژگی‌های خاص تا حدودی در قوانین

۱. باقری، محمود، ساردویی نسب، محمد، موسوی، مهدی، مطالعه راهبری بیمه در حقوق ایران، فصل نامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴، زمستان ۱۳۹۳، ش ۴، ص ۴۹۵.

۲. عاقلی نژاد، محمد امین، حاکمیت شرکتی در حقوق بانکداری، ص ۱۵۰.

۳. نقش بانک‌ها در توسعه اقتصادی کشور، مجله بانک مرکزی ایران، آبان ۴۲، ش ۲۶، ص ۱۸۱.

موجود وجود دارد برای مثال ماده‌ی ۴۱ قانون پولی و بانکی که از ورشکستگی و قواعد خاص آن پیرامون بانک‌ها صحبت می‌کند.

فصل دوم: ذی‌نفعان بانک و بیمه

انواع ذی‌نفعان شرکت‌ها در بخش دوم بیان گشت. در همان‌جا نیز تأکید شد که محدود به این تعداد نیستند اما پربسامدترین آن‌ها همان موارد دوازده‌گانه می‌باشد. در رابطه با بانک و بیمه نیز با همان ذی‌نفعان روبرو هستیم به خصوص که با تقسیم بندی ذی‌نفعان به دو گروه واضح است که بیرون هر شرکت شبیه یکدیگر است خواه شرکت تضامنی برادران حقوقی و شرکا باشد خواه بانک ملی ایران. همه این‌ها تحت سیطره یک حکومت و در محیطی واقع شده‌اند که با جوامع اطراف در تعادل هستند و با شرکت‌های دیگر رقابت داشته و رسانه‌ها نیز آن‌ها را زیر پوشش خود دارند. اما درون شرکت به معنای گروه‌هایی که شرکت با آن‌ها به صورت مستقیم رابطه دارد متفاوت است. چه آن‌که عملیات شرکت‌ها متفاوت است بدین معنا که گاهی فعالیت شرکت ایجاب می‌کند با گروه‌های بزرگ سرمایه‌گذاری و یا مثلاً حساب‌رسان مستقل در تعامل باشند اما شرکتی دیگر چنین تعاملی را نیاز ندارد در این میان طبعاً بانک و بیمه با توجه به ماهیت ویژه‌ی آن‌ها که بیان شد دارای ذی‌نفعان درونی خاص خود هستند که البته به همان صورت که در اشتراکات آن‌ها دیده شد اکثر این ذی‌نفعان مشترک هستند. حال گاه عناوین آن‌ها به جهت ماهیت خاص عملیات بانکی و بیمه‌ای تغییر می‌کند و یا ذی‌نفع جدیدی اضافه می‌شود اما به جهت حضور هر دو در بازار مالی تقریباً تمام ذی‌نفعان هر یک برای دیگری نیز متصور می‌باشد.

مسأله دیگر که پیرامون ذی‌نفعان بیرونی و با توجه به مطالب ابتدای بخش بی‌شک خوانندگان به آن وقوف یافته‌اند این است که در بانک و بیمه یک ذی‌نفع بیرونی نقش و اهمیتی بس عجیب دارد و به عبارت واقعی کلمه در عملیات و فعالیت‌های این دو، ذی‌نفع است و جایگاهی در رأستای ذی‌نفعان درونی و حتی شاید بالاتر از آن‌ها داشته باشد و آن هم دولت است. دولت‌ها به جهت نقش عظیم بانک‌ها

و بیمه‌ها در اقتصاد و النهایه وضع مردم و قدرت بین‌المللی کشور یکی از ذی‌نفعان اصلی این دو هستند که این نقش در ماهیت این دو نهاد به طور کامل به قلم آمد.

در ادامه با توجه به قوانین مختلف بانک و بیمه از ذی‌نفعان مختلف این دو سخن به میان می‌آید با این توضیح که برخی ذی‌نفعان از مفهومی بدیهی برخوردار هستند و نیازی به تشریح بیشتر ندارند و یا مفهومی یکسان با ذی‌نفعان دیگر شرکت‌ها دارند اما نقش آن‌ها در بانک و بیمه بسیار پررنگ‌تر می‌باشد بدین جهت در راستای شناسایی مستند قانونی این اشخاص در ادامه ذی‌نفعان بانک و بیمه بیان می‌گردد. البته قبل از آن از نقش ذی‌نفعان در بانک‌ها و بیمه‌های دولتی به عنوان مقدمه بحث می‌گردد لازم به توضیح نیست که این انتخاب به جهت نقش هم‌چنان پررنگ (حدود پنجاه درصد) این دو در صنعت بانک داری و بیمه و نهایتاً در اقتصاد می‌باشد.

در بانک‌ها و بیمه‌های دولتی ذی‌نفعان در برگیرنده طیف وسیعی از افراد و مؤسسات طرف معامله یا متأثر از فعالیت‌های آن‌ها هستند. در ایران به سبب حضور گسترده و عمیق دولت در حوزه‌های بازرگانی و اقتصاد در قالب بانک‌ها و بیمه‌های دولتی یکی از بسیط‌ترین دامنه‌های ذی‌نفعان ایجاد شده است به عبارت دیگر تمام مردم ذی‌نفع محسوب می‌شوند از یک سو آن‌ها مالکان واقعی بیمه‌ها و بانک‌ها هستند و دولت به نمایندگی از آن‌ها مالکیت می‌کند و از سوی دیگر آن‌ها استفاده‌کننده‌ی خدمات و محصولات مختلف این نهادها به شمار می‌آیند و در نهایت به دلیل وسعت اقتصاد دولتی افراد و مؤسسات زیادی با دولت در معامله هستند.

گسترده‌گی و تنوع ذی‌نفعان این شرکت‌های دولتی توجه ویژه‌ای را به شرایط رابطه بیمه و بانک‌ها با آن‌ها می‌طلبند تا حقوق آن‌ها در قوانین یا موافقت‌نامه‌های دوجانبه رعایت شود.^۱

مشتری یکی از ذی‌نفعان بانک است که در جای‌جای قانون از آن نام برده شده است البته میان مشتری و سپرده‌گذار تفاوت اندکی است و اصولاً در بیان مطالب پیرامون این رشته، تنها تفاوت حروف کلمه است و گرنه هر دو در یک معنی به کار می‌رود چنان‌که مشتریان را به عنوان ذی‌نفع اصلی در کنار

^۱ . عاقلی نژاد، محمد امین، حاکمیت شرکتی در حقوق بانکداری، صص ۲۱۱-۲۱۰.

سهام‌داران و کارکنان نام برده‌اند.^۱ در اهمیت و نقش مشتری در بانک این‌که از هر دو سوی بعد مثبت و منفی بر بانک اثر می‌گذارد. از بعد مثبت رجوع به تعداد مقالات و کتب مشتری‌مداری و شیوه‌های جذب مشتری کفایت می‌کند و از بعد منفی نیز این‌که مشتریان بیشترین ارتباط را با پدیده پولشویی دارند تا جایی که کمیته نظارت بر بانک‌داری بال در سال ۲۰۰۱ به انتشار رهنمودهای خویش در قالب سند شناسایی کافی مشتری از سوی بانک‌ها پرداخت. در یکی از دستورالعمل‌های صادره از سوی بانک مرکزی مشتری هر شخص حقیقی و حقوقی تعریف شده که از مؤسسه مربوط تسهیلات دریافت می‌کند.^۲ البته مشتری یک لفظ عام و کلی است و می‌تواند سپرده‌گذار نباشد به خصوص اگر سپرده‌گذار را شخصی بدانیم که برای گذاشتن سپرده^۳ به معنی قانونی به بانک مراجعه می‌کند، در این معنا طبعاً سپرده‌گذار شخصی است که هرگونه وجهی را نزد بانک یا مؤسسه اعتباری غیر بانکی تودیع می‌کند؛ حال آن‌که فی‌المثل شخصی که برای نقد کردن چک به بانک رجوع می‌کند، می‌تواند در آن بانک سپرده‌ای نداشته باشد و صرفاً ارباب‌رجوع باشد البته مشتری را مفهومی مستمرتر از ارباب‌رجوع دانسته‌اند و برای آن ویژگی‌هایی از قبیل حق انتخاب، استمرار حرکت، ارتباط عاطفی، ارتباط حقوقی و متقابل و نیز منافع متقابل برشمرده‌اند. حق انتخاب ویژگی است که ایجادکننده رقابت است و در نهایت مؤسساتی هم‌چون بانک و بیمه را وامی‌دارد تا در جهت پویایی خویش تلاش کنند. نکته‌ای دیگر پیرامون سپرده‌گذار (مشتری) و بانک ماهیت رابطه‌ی این دو است که تا به حال این رابطه در چارچوب عقد قرض تعریف شده بوده است اما در پیش نویس جدید این رویکرد به عقد وکالت تغییر کرده است که در توجیه آن بیان شده که

^۱ معتمدی، حسن، پیاده‌سازی بانکداری نوین تمام‌الگوهای بانکداری روز دنیا را به همراه خواهد داشت، در

<http://www.enbank.ir/Site.aspx?ParTree=1113&LnkIdn=16104> Retrieved September 14, 2015 .

^۲ دستورالعمل نحوه تشخیص، حذف مطالبات غیر قابل وصول از دفاتر مؤسسه اعتباری و افشای آن در صورت های مالی، ۳۱ فروردین ۱۳۹۱، ماده ۱ .

^۳ تا به حال در سیستم بانکی دو نوع سپرده تعریف شده اما این تعداد در پیش‌نویس قانون عملیات بانکی بدون ربا که به عنوان طرح یک فوریتی در مجلس در حال طی مراحل قانونی می‌باشد به پنج نوع رسیده است. نظر پور، محمد تقی، جزئیات لایحه اصلاح قانون بانکداری بدون ربا، در <http://www.donya-e-egtesad.com/news/830240/> Retrieved September 14, 2015 .

^۴ طرح عملیات بانکی بدون ربا، ماده ۱ . در

<http://www.mbri.ac.ir/Default.aspx?pagename=islamicbankingpages&id=181708&Language=1> Retrieved September 14, 2015 .

این رویکرد در جهت عدم اعطای حق مالکیت به بانک می‌باشد^۱ اگر چه روی آوردن به عقد وکالت در جهت اسلامی کردن بانک‌داری بوده است اما آیا از بعد اقتصادی و تحلیل‌های اقتصادی حقوقی نیز این مقررہ کارا می‌باشد و می‌تواند در نهایت کارایی را افزایش دهد؟ آیا مشکلات کارگزاری و برداشت یک جانبه از حساب‌ها دیگر بوجود نمی‌آید؟^۲ به هر روی عدم توجه به این مبانی موجب انتقادات تند به این پیش‌نویس شده^۳ تا جایی که پیش‌نویس اولیه^۴ آن را کلی بافی بدون منطق دانسته‌اند^۵ و برخی نیز آن را گام‌هایی بی‌هدف در جهت اصلاح مبانی خوانده‌اند^۶ همان واقعیتی که در بخش‌های پیشین پیرامون اصلاح قوانین تجارت و شرکت‌ها بیان گشت. در هر صورت در تحلیل‌های پیرامون رابطه‌ی بانک و سپرده‌گذار باید حرکت به سویی باشد که کارایی از موتورهای اصلی اقتصاد گرفته نشود.

از ذی‌نفعان دیگر بانک می‌توان به ناظرین، سرمایه‌گذاران اعتباردهندگان و عامه‌ی مردم اشاره کرد^۷ ناظرین، حساب‌برسان داخلی و حساب‌برسان مستقل و به طور کلی بازرسان شرکت نیز گروهی قابل توجه از ذی‌نفعان می‌باشند^۸ اما به جهت این‌که اصولاً بازرسان وظیفه بررسی کار شرکت را دارند لذا در میان ذی-نفعان ذکر نشده‌اند. سرمایه‌گذاران بالقوه را نیز به عنوان ذی‌نفعان ذکر کرده‌اند که خود نشان از اهمیت توجه به این ذی‌نفعان بالقوه در نهادهای مالی می‌باشد که موجب گسترش مفهوم ذی‌نفعان تا این حد

^۱ <http://www.mbri.ac.ir/Default.aspx?PageName=islamicbankingpages&ID=171195> Retrieved September 14, 2015 .

^۲ www.boursenews.ir/fa/news/149111/ . [ماجرای برداشت‌های بانک‌ملی از حساب‌های شخصی](http://www.boursenews.ir/fa/news/149111/) Retrieved September 14, 2015 .

^۳ <http://www.mbri.ac.ir/Default.aspx?pagename=islamicbankingpages&id=181719&Language=1> Retrieved September 14, 2015 .

^۴ . پیش‌نویس قانون بانکداری، شورای عالی بازرنگری قوانین پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی، خرداد ۱۳۸۸ .

^۵ . مهاجرانی، مصطفی، مروری بر پیش‌نویس قانون بانکداری، بانک و اقتصاد، آبان ۱۳۸۸، ش ۱۲، ص ۳۵ .

^۶ . پیروزفر، اکبر، مروری بر پیش‌نویس قانون بانکداری، بخش دوم و پایانی، بانک و اقتصاد، آذر ۱۳۸۸، ش ۱۰۳، ص ۱۳۸ .

^۷ . کمیته نظارت بر بانکداری بال، بانک تسویه بین‌المللی، بهترین رویه‌های افشای ریسک اعتباری، ترجمه فرهاد خالقی، اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرداد ماه ۱۳۸۴، مقدمه .

^۸ . کمیته نظارت بر بانکداری بال، بانک تسویه بین‌المللی، حسابرسی داخلی در بان‌کها و ارتباط بین ناظران و حساب‌برسان (مطالعه موردی)، ترجمه افسانه معلمی و ... آذر ۱۳۸۴ .

شده است^۱ از دیگر ذی‌نفعان می‌توان به معامله‌گران اشاره کرد. هر چند معامله‌گر لفظی عام است و شامل موارد عدیده‌ای می‌شود که به خصوص، در زمینه به کار گرفته شده یعنی در میان بانک‌ها بسیار حائز اهمیت است و این اهمیت هنگامی خود را نشان می‌دهد که به مفهوم رقبا و ذی‌نفع بودن آنان در دو بخش قبل رجوع شود و توجه گردد که بانک‌ها به هر حال با یکدیگر در رقابت هستند حال نیک خواهد بود اگر دقت گردد که این معامله‌گران در حال ایفای نقش در میان رقبا هستند و هدف از شناسایی و تعریف آن‌ها ایجاد مدیریت کارآمد نقدینگی بین اعضا می‌باشد^۲ در منبع پیشین معامله‌گران به این صورت تعریف شده‌اند: افرادی که با اجازه کتبی بانک مرکزی، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی از طرف و به حساب ایشان در بازار بین بانکی معامله انجام می‌دهند (ماده‌ی ۱). این‌ها بخشی از ذی‌نفعان بانک بودند اما از گروه‌های دیگر نیز نمی‌توان غافل شد چراکه بانک و بیمه به عنوان مرکزیت مجموعه‌ای از روابط پیچیده قرار دارند و تحت تأثیر عوامل مختلفی هستند. هم چنین ذی‌نفعان داخلی آن‌ها هم چون سهام داران و کارکنان به عنوان دو گروه اصلی ذی‌نفعان^۳ و نیز طلب‌کاران به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیستند. به هر روی طلب‌کاران باید مد نظر باشند و گرنه در ادامه از معامله‌ی با شرکت سرباز می‌زنند و این خود هزینه‌هایی برای شرکت به بار می‌آورد چنان‌که یکی از هدف‌های فرآیند ورشکستگی، حمایت از طلب‌کاران است اگرچه بیان شده طلب‌کاران، سپرده‌گذاران را نیز در بر می‌گیرند اما واضح است که در ورشکستگی بانک‌ها بی‌شک یکی از اهداف اصلی حمایت و صیانت هر چه بیشتر از سپرده‌ها می‌باشد.^۴ در بیمه نیز همین ذی‌نفعان وجود خواهند داشت که البته به فراخور موضوع فعالیت و تفاوت عملیات بانک‌ها و بیمه‌ها در میان آن‌ها وجوه افتراقی دیده می‌شود. برای مثال در بیمه عنوان بیمه‌گذار وجود خواهد داشت هم‌چنین امکان دارد بیمه شده فردی دیگر باشد و یا نوع بیمه گونه‌ای باشد که این

۱. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی (طرح مطالعاتی مشترک)، نگاهی به چارچوب قانونی، زمانی و نظارتی و ورشکستگی بانک، ترجمه حمید قنبری، بهار ۱۳۹۲، ص ۱۱.

۲. دستورالعمل اجرایی عملیات بازار بین بانکی ریالی، ماده ۲.

۳. <http://www.enbank.ir/Site.aspx?ParTree=1113&LnkIdn=16104> Retrieved September 14, 2015.

۴. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی (طرح مطالعاتی مشترک)، نگاهی به چارچوب قانونی، زمانی و نظارتی و ورشکستگی بانک، ترجمه حمید قنبری، بهار ۱۳۹۲، ص ۶۶.

حقوق به نحوی به دیگری برسد به همین جهت آیین‌نامه‌ای مستقل برای حمایت از حقوق بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آن‌ها تعریف شده است.^۱

مسئله‌ی دیگر پیرامون تداخل ذی‌نفعان بانک و بیمه و یا خود آن‌ها این‌که این دو گاهی با عناوین سرمایه‌گذار و تأمین‌کننده، ذی‌نفع یکدیگر قرار می‌گیرند البته این دو گروه ذی‌نفعی حالت شایع در میان آن‌هاست و گرنه این دو می‌توانند به اکثر وجوه ذی‌نفع درونی همدیگر قرار بگیرند.

نکته‌ی دیگر پیرامون بانک و بیمه در ارتباط با ذی‌نفعان نقش مدیر عامل (مدیر اجرایی) در این شرکت‌ها می‌باشد در قسمت ذی‌نفع شرکت‌ها به دلیل آن‌که اصولاً مدیرعامل یک نفر است و جلسات هیأت مدیره به طور مرتب برگزار می‌شود و ایشان یکی از مسئولان مستقیم در صورت انتخاب نادرست مدیر عامل یا عدم نظارت بر اعمال آن‌ها تلقی می‌شوند لذا اگر چه واقعی‌ترین و حقوقی‌ترین مسئله‌ی نمایندگی در اینجاست که به وجود می‌آید اما حقیقت این است که کمتر به بحران و مشکل نمایندگی انجامیده است و لذا به خصوص در حقوق ایران اصولاً بحث سوء استفاده‌های هیأت مدیره است و نه مدیر عامل با این وجود در بخش دوم مدیران به معنی اعم و شامل مدیر عامل موردنظر بوده است. به هر روی در شرکت‌های بزرگ به خصوص بانک و بیمه هرگز روند این‌گونه نبوده است نه در تعداد مدیران و نه در نحوه انتخاب آنان. برای مثال انتخاب مدیر عامل بیمه مرکزی ایران با مجمع عمومی می‌باشد^۲ و در بانک‌ها سخن از هیأت عامل می‌باشد که مرکب از مدیر عامل، قائم مقام مدیر عامل و یک یا چند نفر به عنوان معاون یا معاونان مدیر عامل می‌باشد که انتخاب آنان به تایید هیأت مدیره می‌رسد^۳ حال این هیأت عامل هست که بستری قابل توجه در جهت مباحث نمایندگی ایجاد می‌کند و مشکلات نمایندگی را قویاً برمی‌انگیزد و نیازمند وجود و حضور تئوری قدرتمند برای حل آن است. در ادامه ذی‌نفعانی از بیمه که در مقررات مختلف از آن‌ها نامی برده شده با تعریفی مختصر ذکر می‌گردد.

۱. آیین‌نامه‌ی حمایت از حقوق بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آن‌ها، مورخ ۲۳ خرداد ۱۳۹۱، مصوب شورای عالی بیمه.

۲. اساس‌نامه شرکت سهامی بیمه ایران، ۱۵ آذر ۱۳۶۸، ماده ۱۰.

۳. اساس‌نامه بان‌کهای تجاری غیر دولتی، تیرماه ۹۲، ماده ۸۳.

در بیمه به جهت نقش کارکنان و اهمیت پر رنگ‌تر اعتماد به آن‌ها در روند شرکت برخی از آنان به عنوان کارکنان کلیدی تعریف شده‌اند که روند احراز صلاحیت ایشان طبعاً متفاوت از ماده‌ی ۱۱۱ لایحه قانونی و بند ۵ ماده‌ی ۳۸ قانون تأسیس بیمه می‌باشد. کارکنان کلیدی عبارتند از مدیر ارشد (اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل، قائم مقام مدیر عامل)، مسئول فنی و مسئول امور مالی و کنترلی. البته در اینجا نیازی به ذکر چارت داخلی شرکت‌ها و مؤسسات نمی‌باشد. بلکه مهم همین توجه به اهمیت کارکنان کلیدی بود.^۱ در جایی دیگر نیز از عرضه‌کننده بیمه به عنوان گروهی پر ارتباط با شرکت تعریف به میان آمده و شامل مؤسسه بیمه، نماینده بیمه و دلال رسمی (کارگزار) می‌شود.^۲ همچنین متقاضی بیمه به عنوان شخصی که برای دریافت خدمات بیمه به عرضه‌کننده رجوع می‌کند تعریف شده است.^۳ بیمه‌گذار نیز هر شخص حقیقی یا حقوقی است که مشخصات وی در بیمه‌نامه یا قرارداد بیمه ذکر گردیده و متعهد به پرداخت حق بیمه است.^۴

نقش رقبا: در صنوف معمولی سرمایه‌داری، رقابت هر چه تنگ‌تر و حتی در حد انحلال رقیب توصیه شده است ولی رقابت در بیمه و به خصوص بانک به جهت ماهیت آن‌ها می‌بایست یکپارچه صورت گیرد. لذا در صورت ورشکستگی یک بیمه، بانک یا مؤسسه اعتباری هیچ‌گاه در میان رقبا خشنودی حاصل نمی‌گردد. بلکه برعکس کل سیستم را تشویش فرا می‌گیرد. چراکه ممکن است با وقوع چنین رویدادی مشتریان سایر نهادها نیز دچار نگرانی از بابت سپرده‌های خود شوند و برای اخذ آن‌ها به بانک‌ها هجوم بیاورند. این چنین ریسک‌های سیستمی که زنجیروار ادامه می‌یابد حتی می‌تواند نظام بانکی جهانی را به دنبال خود به سقوط بکشاند.^۵ این موضع به خصوص در ایران به جهت نقش برجسته بازار پولی در اقتصاد، موجب وارد شدن آسیب‌های جدی و غیر قابل جبران بر بدنه اقتصاد می‌شود.

۱. آیین نامه نحوه احراز صلاحیت حرفه‌ای کارکنان کلیدی و عملیاتی مؤسسات بیمه، شورای عالی بیمه، ۲۶ خرداد ۱۳۹۴، ماده ۱.

۲. آیین نامه حمایت از حقوق بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آن‌ها، شورای عالی بیمه، ۲۳ خرداد ۹۱، ماده ۱.

۳. همان.

۴. همان.

۵. عاقلی نژاد، محمد امین، حاکمیت شرکتی در حقوق بانکداری، صص ۲۰۹ و ۲۰۶.

نقش رسانه‌ها در بانک و بیمه بسیار پررنگ‌تر است و به نوعی تمامی فعالیت‌ها و تغییرات آن‌ها را رصد می‌کنند شاید نگاهی به تعداد خبرگزاری‌ها و مطبوعات مختص حوزه‌های اقتصادی به خوبی نشانگر این موضوع باشد.

و در نهایت به طور خلاصه این‌که سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران برایشان نرخ سود تعیین می‌شود که البته جای تدقیق داشته و در ادامه می‌آید، کارکنان بیمه و بانک‌ها از سوی دیگر ذی‌نفعان سیستم بانک‌داری و بیمه‌ای هستند که مشارکت آن‌ها جهت عملکرد و کارایی بانک و بیمه و مزایای پرداختی به آن‌ها، توسط ساختار انگیزشی تعیین می‌شود و با بهبود عملکرد بیمه و بانک، حقالزحمه‌ی آن‌ها افزایش و اثر انگیزشی تقویت می‌شود. از سوی دیگر سیستم مالی خود یک ذی‌نفع است زیرا ناتوانی بیمه و بانک‌های مهم و اصلی می‌تواند باعث ایجاد بحران و آسیب در کل اقتصاد شود. دولت نیز یک ذی‌نفع دیگر است زیرا عملکرد مؤثر این نهادها می‌تواند منافع زیادی را برای دولت به همراه داشته باشد. اقتصاد جامعه نیز یک ذی‌نفع بزرگ است زیرا عملکرد غیر مؤثر سیستم مالی می‌تواند اثر معکوسی در تمام بخش‌های اقتصاد و جامعه از طریق بی‌ثباتی و کاهش نرخ رشد اقتصادی ایجاد کند.

فصل سوم: تعارض منافع و راهکارهای حل آن

در این فصل ابتدا راهکارهای حل تعارض در قوانین می‌آید در مبحث دوم روش‌های حمایت از سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران مطرح می‌گردد و در نهایت مباحث وجود در تئوری ذی‌نفعان برای حمایت به میان می‌آید.

مبحث اول) راهکارهای حل تعارض در قوانین بانک و بیمه

در این قسمت قوانین اصلی و مادر پیرامون بانک و بیمه مورد کنکاش قرار می‌گیرد و تا حدی بررسی می‌شود که آیا راه‌حلی‌هایی که در بخش پیشین گفته شده در آن‌ها به کار گرفته شده و یا خیر. با

این توضیح که به صراحت قوانین مرتبط در مواردی که در قانون خاص موردی پیش‌بینی نشده باشد تابع قانون تجارت و شرکت‌های سهامی خواهند بود (ماده‌ی قانون پولی و ماده‌ی ۴ قانون تأسیس بیمه). لذا در این گونه موارد بی‌شک همان راهکارهای تعادلی برای آن‌ها مجری خواهد بود. در این قسمت پیرامون مقررات مربوط به حداقل سرمایه و انتقال سهام صحبت می‌شود. ذکر این نکته در مقابل اشکالی که احتمالاً مطرح شود الزامی است و آن این‌که مقررات شرکتی مشترک در اینجا نیز به عنوان راهکارهای حمایتی قابلیت طرح داشتند اما به دو دلیل ذکر نشد ابتدائاً این‌که در جهات هم‌رأستایی با بخش پیشین، چون برای مثال در آنجا سهامی عام ویژگی خاصی نداشت و بیان نشد در اینجا هم در قسمتی دیگر آمد و دوم این‌که به واقع برخی از این‌ها در ذات خود چندان رویکرد حمایتی ندارند برای مثال سهامی عام بودن در جهت حمایت از قشر خاصی نیست اگرچه حمایت‌های بورس را به دنبال دارد اما شرکت عام الزام به حضور در بورس ندارد و بورس راهکاری مؤخر بر قالب می‌باشد و یا سهام بانام در جهت حمایت یا عدم آن و حتی خشتی بودن هر سه بعد را دارد.

گفتار اول) مقررات مربوط به سرمایه

براساس ماده‌ی ۵ لایحه قانونی حداقل سرمایه شرکت سهامی عام پنج میلیون ریال بوده که طبق ماده ۶ همان قانون موسس باید ۲۰ درصد آن را تعهد و ۳۵ درصد میزان تعهد شده را پرداخت کند که در نهایت پس از انجام پذیرهنویسی براساس ماده‌ی ۱۶ می‌بایست تمام آن تعهد گردد و ۳۵ درصد پرداخت گردد. این الزامی عمومی است که تمامی شرکت‌های سهامی عام می‌بایست آن را رعایت کنند این میزان برای بانک‌ها در قانونی که تنها ۴ سال بعد تصویب می‌شود حداقل ۲۰۰ میلیون ریال بوده است که می‌بایست اقل ۵۰ درصد آن پرداخت گردد (ماده‌ی ۳۲ قانون پولی) و برای بیمه در قانونی با اختلافی ۳ ساله حداقل ۱۰۰ میلیون ریال با همین میزان پرداختی می‌باشد (ماده‌ی ۳۶ قانون تأسیس بیمه) که البته این سرمایه در حال حاضر برای بانک‌های خصوصی حداقل ۲۰۰۰ میلیارد ریال^۱ و برای مؤسسات بیمه غیر

۱. تصویب‌نامه در خصوص تعیین سرمایه لازم برای تأسیس بانک خصوصی در داخل کشور، ۲۰ شهریور ۱۳۸۷.

دولتی ۱۰۰۰ میلیارد ریال می‌باشد.^۱ واضح است که مقنن در جهت حمایت اشخاصی که با این دو نهاد سروکار دارند حداقل سرمایه فراوانی را در نظر گرفته که تقریباً میزان زیادی از آن نیز می‌بایست پرداخت شود.^۲ بحثی دیگر در همین راستا میزان اندوخته‌های لازم برای این شرکت‌ها می‌باشد. در این مورد نیز مقررات خاص این شرکت‌ها رویکردی شدیداً حمایتی تر نسبت به رویکرد لایحه قانونی دارند در حالی که ماده‌ی ۱۴۰ لایحه قانونی موضوع کردن اندوخته‌ی قانونی تا یک‌دهم سرمایه شرکت الزامی می‌باشد؛ این میزان در بانک‌ها تا میزان سرمایه، اجباری می‌باشد (ماده‌ی ۳۳ قانون پولی و ماده‌ی ۱۰۸ اساس‌نامه نمونه) و تعیین آن در بیمه‌ها براساس ماده‌ی ۶۱ قانون تأسیس بیمه به شورای عالی بیمه سپرده شده است که این میزان را می‌توان در آیین‌نامه فنی مؤسسات بیمه مصوب ۱۱ آبان ۱۳۶۷ و تمامی اصلاحات بعدی دانست. علاوه بر دلایلی که در بخش پیشین گفته شد و نیز توجه به ماهیت خاص بانک و بیمه و کارکردهای اختصاصی آن‌ها توجه لزوم این اندوخته‌ها را تا میزانی فوق‌العاده بیشتر کار چندان دشواری نمی‌باشد.

گفتار دوم) مقررات پیرامون سهام‌دار عمده و انتقال سهم

از دیگر موارد راهکارهای تعادلی و فوق‌العاده حساس در بانک و بیمه مقررات مربوط به انتقال سهام می‌باشد همچنان‌که گفته شد سهام بانام بوده و لذا به دنبال آن الزام به انتقال سهم به ثبت در دفتر می‌آید اما در بانک و بیمه این حد از الزام مقنن را قانع نکرده و لذا در جهت حفظ حقوق اقلیت و هم-چنین جلوگیری از سوء استفاده‌های ناشی از اصل تسلیط میزان مالکیت سهام توسط اشخاص را محدود کرده است بدین منظور در ماده‌ی ۷ اساسنامه‌ی نمونه سقف تملک سهام بانک را برای برخی اشخاص حقوقی ۱۰ درصد و برای برخی ۵ درصد تعیین و برای اشخاص حقیقی به صورت فردی ۵ درصد و در مجموع به اندازه‌ای است که نتوانند بیش از یک عضو هیأت مدیره را تعیین کنند. این روند حتی برای

^۱ . تصویب نامه در خصوص تعیین حداقل سرمایه برای مؤسسات بیمه غیر دولتی، ۱۸ آذر ۱۳۹۱ .

^۲ . بر طبق اساس نامه نمونه بانک‌های تجاری غیر دولتی مصوب ۱۸ تیر ۱۳۹۲، ماده ۶، کلیه‌ی سرمایه بانک‌ها می‌بایست ابتدائاً پرداخت شود.

رای گیری نیز حفظ شده است تا جایی که از مبانی مباحث وجود دو اراده در معامله با خود یا وکالت‌ها قانون‌گذار چشم‌پوشی کرده و حتی شخص به وکالت نیز دارنده بیش از ده درصد آرای دارندگان سهام دارای حق رأی نخواهد بود (ماده‌ی ۳۹ اساسنامه‌ی نمونه) در بانک‌ها اصولاً این درصد همان ۱۰ می‌باشد. در شرکت‌های بیمه نیز ماده‌ی ۳۳ قانون تأسیس بیمه دارا بودن بیش از ۲۰ درصد سهام یک مؤسسه بیمه را توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی ممنوع کرده و این ۲۰ درصد فردی نبوده چنان‌که افراد نسبی و سپس درجه یک از طبقه اول نیز در این درصد به حساب می‌آیند. این موارد و به نوعی شناسایی ممنوعیت دارا بودن بیش از درصد از سهام به شناسایی مفهوم ذی‌نفع واحد منجر گشت که قانون‌گذار وی را به عنوان یک شخص دارنده سهام عمدتاً شناسایی کرده که می‌تواند از قدرت خویش سوءاستفاده کند فلذا احکامی را برای آن بار کرده است. ذی‌نفع واحد اشخاص حقیقی یا حقوقی هستند که از نظر مالی و مدیریتی به نحوی با هم در ارتباط می‌باشند، به طوری که مشکلات مالی هر یک می‌تواند موجبات بروز مشکلات اجتماعی در باز پرداخت سایر اعضا فراهم آورد. موارد زیر از جمله مصادیقی است که نشان دهنده‌ی وجود ارتباط بین دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی است:

الف) اشخاص حقیقی، همسر و افراد تحت تکفل آن‌ها

ب) شرکت‌هایی که حداقل ده درصد سهام یا سرمایه آن‌ها متعلق به یک شخص حقیقی یا شخص حقوقی است.

ج) گروه شرکت‌هایی که بیش از ده درصد به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در یکدیگر سهام دارند یا اکثر اعضای هیأت مدیره آن‌ها مشترک می‌باشد!

این مفهوم به کارگیری عبارت ذی‌نفع در مقابل مفهوم و هدف تئوری ذی‌نفعان قابل تأمل می‌نماید. به هر روی بر استفاده از عبارت ذی‌نفع واحد آثاری بار هست چنان‌که مقنن انتقال بیش از ۱۰ درصد سهام بانک قرض‌الحسنه به یک باره به ذی‌نفع واحد را منوط به تایید بانک مرکزی از قبل نموده است. (ماده‌ی ۹ همان دستور العمل) و یا بانک‌های غیر دولتی تجاری را در اعطای تسهیلات و وصول

۱. دستورالعمل تأسیس و فعالیت بانک‌های قرض‌الحسنه و نظارت بر آن‌ها، ۲۶ اسفند ماه ۱۳۸۶، هیأت وزیران.

تعهدات به نفع ایشان ملزم به رعایت چارچوب ضوابط بانک مرکزی کرده است. (ماده‌ی ۱۱۴ اساسنامه نمونه). از نکات خاص مربوط به مالکین و حقوق شرکت‌ها در بانک می‌توان به ممنوعیت واگذاری حتی حقوق و منافع ناشی از مالکیت سهام از طریق وکالت به غیر نام برد (ماده‌ی ۱۰ اساس نامه نمونه) هم- چنین مالک سهام می‌تواند به مدیران وکالت دهد که از جانب وی در مجامع عمومی شرکت کنند (ماده‌ی ۴۰ اساس نامه نمونه) مسأله‌ای که به عنوان یکی از نقش‌های حمایتی از ذی‌نفعان در قانون شرکت‌ها در بخش پیشین ذکر شد.

گفتار سوم) سایر راهکارها

این دو مورد نمونه‌ای از آنچه بود که در مقررات خاص بانک و بیمه برای این دو نهاد مالی اندیشیده شده بود. حال آن‌که می‌توان سایر راهکارهای تعادلی را نیز به وضوح دید که تنها با ذکر عنوان این موارد از کنار آن‌ها عبور می‌شود: مقررات خاص پیرامون ورشکستگی و توانگری مالی (ماده‌ی ۳۹ قانون پولی و ماده‌ی ۳۲ قانون تأسیس بیمه)، تعیین مقررات خاص بازرسی که برای مثال در بانک این بازرسان امکان انتخاب برای پنجمین سال متوالی را ندارند (ماده‌ی ۹۲ اساسنامه نمونه)، منع رقابت و معامله مدیران با بانک (ماده‌ی ۸۶ و ۸۷ اساسنامه نمونه)، الزام به داشتن مجوزهای بیشتر هنگام تغییرات سرمایه (ماده‌ی ۳۰ قانون پولی) و هم حتی ممنوعیت کاهش اختیاری سرمایه (ماده‌ی ۲۱ اساسنامه نمونه). همچنین شرایط احراز پست‌های مدیریت بسیار سخت‌تر شده است هم از بعد سلبی و هم از بعد ایجابی به نحوی که موارد ممنوعه ماده‌ی ۱۱۱ لایحه قانونی توسعه داده شده است (ماده‌ی ۳۵ قانون پولی و آیین نامه نحوه‌ی احراز صلاحیت حرفه‌ای کارکنان کلیدی و عملیاتی مؤسسات بیمه). به هر روی باید توجه داشت که همه این الزامات تنها و فقط تنها به خاطر حمایت از مثلاً قشر خاصی نیست بلکه ممکن است دلایلی دیگر هم چون نیاز به پشتوانه‌ی مالی جهت قدرت اقتصادی بیشتر را نیز نام برد اما مسلماً همه این‌ها در جهت حمایت از ذی‌نفعان می‌باشد چه این‌که دولت نیز خود یکی از ذی‌نفعان اصلی بانک و بیمه می‌باشد.

اصول حل تعارض ذی‌نفعان بیان می‌دارد که چون مدیر ارشد اجرایی و رییس هیأت مدیره دو وظیفه مستقل را اجرا می‌کنند، مناسب است که دو فرد مجزا دو مسئولیت را برعهده داشته باشند، به نحوی که تقسیم مسئولیت شفاف در رأس بانک و بیمه به وجود بیاید، درحالی‌که در اساسنامه شرکت سهامی بیمه ایران مدیرعامل به عنوان بالاترین مقام اجرایی (ماده‌ی ۱۰) رییس هیأت مدیره نیز می‌باشد (ماده‌ی ۱۱) و این خود با توجه به اصل گفته شده به وضوح نشان می‌دهد که می‌تواند تا چه حد نفع‌پرستی و تعارض منافع ایجاد نماید.

مدیران باید تلاش کنند تا کم خرج باشند و کلاً هزینه بانک را کاهش دهند چراکه زیاده‌روی در مخارج نتیجه‌اش قرض بیشتر و در نتیجه بدهی بیشتر می‌باشد و دادن بازه‌ای کمتر به سهام‌داران و سپرده‌گذاران است مگر این‌که بانک شروع به سرمایه‌گذاری‌های پرریسک نماید که آن نیز ممکن است بانک را در مشکلاتی قرار دهد که در آن شرایط مجبور به کوچک‌سازی و تعدیل نیرو شود اقدامی که کارکنان از اولین گروه‌هایی خواهند بود که از آن آسیب می‌بینند بی آن‌که خود تقصیری داشته باشند! مواردی از این دست که بیان می‌دارد راهکارهای موجود کافی و رضایت‌بخش نیستند.

مبحث دوم) راهکارهای حمایت از سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران

در مدل سهام‌دارمحور، منافع ذی‌نفعان (سپرده‌گذاران) به خوبی مدل ذی‌نفعی رعایت نشده است زیرا در این مدل منافع تمام سپرده‌گذاران براساس نرخ از قبل تعیین شده‌ی بازده سرمایه‌گذاری تعیین می‌شود اما در بانک‌داری اسلامی به لحاظ شرعی نبودن پرداخت بهره، حتی این مدل هم کارایی ندارد و لزوم حفاظت از منافع ذی‌نفعان کاملاً احساس می‌شود.

ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند جهت هدایت و کنترل بانک‌های اسلامی به شیوه‌ای که بتواند حافظ منافع تمام ذی‌نفعان شود باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود و موضوع هزینه‌ها خود یک مبحث بسیار مهم در حاکمیت شرکتی است زیرا اگر هزینه‌ها افزایش یابد، دیگر نمی‌توان از منافع ذی‌نفعان به

۱. عاقلی نژاد، محمد امین، حاکمیت شرکتی در حقوق بانکداری، ص ۱۷۰.

طور منصفانه حفاظت کرد. در نتیجه اگر ذی‌نفعان از عملکرد بانک رضایت نداشته باشند، اعتماد ذی‌نفعان به این سیستم از بین رفته و در نهایت منجر به رشد نامطلوب در بخش مالی و کل اقتصاد مشاهده خواهد شد. تشدید تعارض منافع منجر به بروز مشکلات بسیاری می‌شود و این در حالی است که در بانک‌داری متعارف، تعارض منافع معمولاً بین سهام‌داران و مدیریت ایجاد می‌شود.

اما در بانک‌داری اسلامی بعد مهم دیگر، بروز تعارض در منافع سپرده‌گذاران با سهام‌داران و مالکان است. بنابراین باید به دنبال راه‌حل مطلوبی جهت تقویت حاکمیت شرعی در سیستم بانک‌داری اسلامی بود تا ضمن حفاظت از منافع سرمایه‌گذاران بتوان بانک‌داری بدون ربا را نیز دنبال کرد.

باید بی‌غرضانه اعتراف کرد سهام‌داران جزء بیمه و بانک‌ها هیچ‌گونه ابزاری جهت نظارت بر مدیران و حتی اطلاع از مصوبات هیأت مدیره و دسترسی به صورت‌های مالی کامل ندارند اگر چه در آیین‌نامه‌ی حاکمیت شرکتی هدف از کنترل‌ها و موارد افشای اطلاعات، دستیابی همین مزایا است.

اصولاً در بانک‌ها و مؤسسات مالی به جهت تضمین سپرده‌ها، سپرده‌گذاران و سهام‌داران در یک رأستا قرار می‌گیرند و اصولاً بحث ضرر سپرده دیگر مطرح نمی‌شود و لذا مطالب پیرامون حمایت از سپرده‌گذار هم قابلیت طرح نمی‌یابد. اما ساختار تأمین مالی اسلامی مانند نظام تأمین مالی ایران، متفاوت است و تضمین سپرده‌ها با روح تأمین مالی اسلامی منافات دارد. در این ساختار دارندگان سپرده‌ی سرمایه‌گذاری همانند سرمایه‌داران در سود و زیان بانک شریک هستند و هر چند سپرده‌های آنان بسیار بیشتر از سرمایه‌ی سهام‌داران است، اما در جلسات سهام‌داران حضور ندارند. در رابطه با دارندگان سپرده‌های دیداری می‌توان گفت که این افراد به طور مستقیم در معرض خطرات موجود در فعالیت‌های بانکی قرار ندارند. اما به هر حال، به دو دلیل در معرض خطرهای غیر مستقیم قرار دارند. اولاً، بدان دلیل که نظام بیمه‌ی سپرده، معمولاً سپرده‌های دیداری را بیش از یک مقدار معینی پوشش نمی‌دهد؛ و ثانیاً، بدان دلیل که در هر صورت، در اینجا احتمال آن وجود دارد که ضررهایی که بانک متحمل می‌شود اساسی و قابل توجه باشد. به گونه‌ای که سرمایه، ذخایر و حتی سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک، نتوانند آن‌ها را

۱. همان، ص ۲۰۳.

جبران نمایند و لذا نیاز به استفاده از سپرده‌های دیداری به منظور جبران خسارت مطرح شود. البته باید توجه داشت که در معرض خطر قرار گرفتن سپرده‌های دیداری پدیده‌ای نادر بوده و معمولاً پیش نخواهد آمد؛ مگر در شرایطی که سپرده‌های دیداری خیلی بیشتر از سپرده‌های سرمایه‌گذاری باشند که در بعضی از بانک‌های اسلامی همین طور نیز هست و یا آن‌که بخش عمده‌ای از سپرده‌های سرمایه‌گذاری برداشت کردند. امکان برداشت از سپرده‌های سرمایه‌گذاری وجود دارد؛ چراکه می‌دانیم که معمولاً بانک‌ها اجازه‌ی برداشت از این نوع از حساب‌ها را، حتی پیش از فرا رسیدن سررسیدشان می‌دهند. بنابراین مباحث، این نتیجه گرفته می‌شود که به منظور تضمین وجود اعتماد دائم در سپرده‌گذاران به بانک‌های اسلامی، لازم است اقدامات احتیاطی مرتبط صورت پذیرد. مسامحه در رابطه با این موضوع نه تنها خطر شکست بانک‌های اسلامی را به همراه دارد، بلکه ریسک سیستماتیک را نیز به وجود می‌آورد. نتایج یک بررسی ثابت کرده که اکثر بانک‌ها در رابطه با حمایت از سپرده‌گذاران و دیگر ذی‌نفعان خوب عمل نمی‌کنند!

در بانک‌ها و بیمه‌ها به خصوص بانک‌های دولتی به عنوان مثال، دشواری وصول مطالبات در قالب اعطای تسهیلات یا فروش کالا، یکی از مسائلی است که ذی‌نفعان با آن مواجه‌اند. دستیابی آسان و گسترده‌ی بانک‌های دولتی به منابع مالی دولتی با شرایط خاص و تسامح در وصول این تسهیلات از جمله موارد رفتار ناعادلانه است که از یک سو باعث تضعیف زمینه‌های رقابت در بازار و از سوی دیگر، منجر به استمرار ناکارآمدی بانک‌های دولتی به پیشگیری حمایت‌های دولت می‌گردد و این به معنی اتلاف منابع و زیان عامه‌ی مردم به عنوان ذی‌نفعان عمده است.^۱

سؤالی که در هر صورت باقی می‌ماند آن است که: چگونه می‌توان منافع دارندگان سپرده‌های دیداری (قرض‌الحسنه جاری) و هم چنین سپرده‌های سرمایه‌گذاری و حق بیمه‌ها را مورد حمایت قرار داد و اعتماد پیوسته آنان به نظام بانکی و صنعت بیمه را تضمین نمود؟ در پاسخ این سوال می‌توان گفت که در میان مهم‌ترین تدابیری که برای دستیابی به این مطلب وجود دارند، یک مورد است که وجودش ضروری است و آن، مدیریت کلان مناسب اقتصاد همراه با مدیریت خرد کارای این نهادها است؛ که لازم

۱. همان، صص ۱۷۲-۱۷۳.

۲. همان، ص ۲۱۱.

است تحت چتر حمایتی قانون‌گذاری و نظارت مناسب صورت گیرد. یکی دیگر از این تدابیر مهم، حداقل نمودن تمامی ریسک‌ها از طریق مدیریت مناسب منابع می‌باشد. این مورد خرد یکی از اهداف اصلی مدیریت شرکتی است و نه تنها امری مطلوب و مناسب است بلکه به منظور حفظ اعتماد سپرده‌گذاران به نظام مالی نیز می‌باشد. به نظر می‌رسد که لازم باشد این تدابیر با بیمه‌ی سپرده (حداقل بیمه دیداری) تقویت گردد. البته می‌توان سپرده‌های سرمایه‌گذاری را نیز بیمه نمود؛ اما نه در مقابل ریسک بازاری (خطری که سپرده‌گذار لازم است در آن شریک شود) بلکه در مقابل خطر کلاهبرداری، سوء مدیریت و انحراف از عقد مضاربه. پرواضح است که گرچه این اقدام (بیمه سپرده‌های سپرده‌گذاری) باعث می‌شود که مؤسسات ارائه‌کننده‌ی بیمه‌ی سپرده هوشیارتر عمل کرده و نسبت به بیمه‌ی سپرده‌ها محتاط باشند، اما به هر حال چنین بیمه‌ای ممکن است دارندگان حساب‌های سپرده‌گذاری را در ورطه‌ی خطر اخلاقی وارد کند. خطر اخلاقی عبارت است از این‌که: کارگزار باید ابتدا به عنوان انسان به وظایف اخلاقی خود عمل کند و سپس به دنبال تعهد خود مبنی بر افزایش ثروت سهام‌دار برود. از جمله تعهدات اخلاقی را می‌توان پذیرش توافق، عدم لطمه به دیگران، اجتناب از دروغ‌گویی و احترام به آرای دیگران دانست. اما قانون شرکت‌ها در اکثر کشورها اعمال روش‌های اخلاقی را معمولاً غیر ممکن و غیر عملی می‌سازد چون براساس قوانین مذکور مدیران یک تعهد قانونی و مباشرتی نسبت به افزایش سود سهام‌داران دارند و سرمایه‌گذاران نهادی هم تعهد قانونی و مباشرتی نسبت به افزایش سود موکلان خود دارند. این تعهدات قانونی بدان معناست که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در درجه دوم اهمیت قرار دارد. به هر روی تا ارزشیابی عملکرد مدیران بر مبنای سود و زیان است، دنبال نمودن تجارت اخلاقی تقریباً غیر ممکن است.

ممکن است این سوال را بپرسید که آیا می‌توان به این طریق از سپرده‌گذاران بانک حمایت کرد که به آن‌ها اجازه داد نماینده‌ای در هیأت مدیره داشته باشند و هم چنین بتوانند در جلسات سهام‌داران مشارکت نموده، نظرات خود را عنوان کنند؟ گرچه می‌توان به راحتی ترتیباتی فراهم نمود که سپرده‌گذاران نیز بتوانند در جلسات شرکت کرده و از آرای خود برای تأثیرگذاری بر تصمیمات مهم بانک و یا عزل و نصب اعضا هیأت مدیره و یا مدیریت ارشد استفاده کنند، و این خود مسلماً نقش مهمی در بهبود

حاکمیت شرکتی در بانک‌ها ایفا خواهد کرد، اما به هر حال مشکلی در این زمینه وجود دارد و آن این‌که تعداد سپرده‌گذاران خیلی بیشتر از سهام‌داران است. از طرفی حتی سهام‌داران در مؤسسات غیر بانکی، الزاماً در جلساتی که برای سهام‌داران این مؤسسات تشکیل می‌شود، شرکت نمی‌کنند. طبیعتاً بسیار غیر محتمل است که سپرده‌گذاران چنین کاری را انجام دهند (در جلسات شرکت کنند) به ویژه اگر بانک مورد نظر بزرگ باشد و شعب مختلفی نه تنها در داخل کشور بلکه در خارج داشته باشد. علاوه بر این اگر سهام‌داران و سپرده‌گذاران احساس کنند که می‌توانند بدون رأی دادن و تنها از طریق شرکت کردن در جلسات به منافع خود دست یابند (یا این‌که به هر دلیل، مثلاً عدم در اختیار داشتن اطلاعات لازم، توانایی اعمال رأی نداشته باشند) دیگر دلیلی برای اعمال حق رأیشان وجود ندارد و انجام چنین کاری در این شرایط، اقدامی پر هزینه تلقی خواهد گردید. این خود می‌تواند به عدم استفاده‌ی مناسب از حق رأی بیانجامد. یک نمونه از عدم استفاده از حق رأی به منظور تأثیرگذاری بر تصمیمات شرکت، مورد بانک آلمانی است که در بنگلادش به فعالیت مشغول است. در این بانک لازم است که وام‌گیرندگان (که معمولاً افرادی فقیر هستند) سهام بانک را خریداری نمایند. در نتیجه این افراد بخش عمده‌ای از اعضا هیأت مدیره را تشکیل می‌دهند (در واقع مشاهده شد که از بانک وام گرفته بودند). طبیعی است که چنین سهام‌دارانی توانایی آن را نخواهد داشت که با استفاده از حق رأی تأثیر مثبت بر تصمیمات هیأت مدیره داشته باشد!

طبیعتاً سوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که حال که چنین مسائل و مشکلاتی وجود دارد، پس سپرده‌گذاران چگونه می‌توانند از حقوق خود محافظت نمایند؟ یکی از روش‌هایی که سپرده‌گذاران می‌توانند مورد استفاده قرار دهند آن است که در شرایطی که بانک نرخ بازدهی رقابتی به سپرده‌هایشان نمی‌پردازد و یا در عملکرد خود از قوانین شرع تبعیت نمی‌کند، سپرده‌های خود را از بانک بیرون بکشند. سپرده‌گذاران در عمل چنین کاری را می‌کنند اما مشکلی که در این روش وجود دارد این است که چنین تنبیهی زمانی اتفاق خواهد افتاد که دیگر خیلی دیر شده است، بنابراین ضرورتاً برای این افراد بهتر آن

^۱. همان، صص ۱۷۵-۱۷۴.

است که در فرآیند تصمیم‌گیری نقش ایفا کنند (بتوانند از حق رأی خود بهره برداری کنند)؛ اما آیا برای این افراد ممکن و میسر است که به چنین جایگاهی دست یابند؟

یکی از روش‌هایی که می‌توان با استفاده از آن به این مشکلات پایان داد و سپرده‌گذاران را به جایگاه مذکور رساند، آن است که مقامات نظارتی بانک، فردی را به نمایندگی از سپرده‌گذاران، در هیأت مدیره قرار دهند. گرچه چنین اقدامی هم برای تضمین منافع سپرده‌گذاران و سهام‌داران کوچک مفید است و هم برای ایجاد ثبات سیستمیک، اما بانک‌ها طبیعتاً در برابر چنین اقدامی مقاومت خواهند ورزید. حال اگر بانک‌ها از قبول این گزینه و بحث تعیین نماینده استنکاف کنند، می‌توان به پیشنهاد دیگری فکر کرد و آن تشکیل اتحادیه‌ی سپرده‌گذاران به منظور حمایت از حقوقشان می‌باشد. اگر انجام این پیشنهاد نیز در عمل به هر دلیل سخت و مشکل باشد، می‌توان به گزینه‌ی دیگری فکر کرد و آن ایجاد مؤسسات تخصصی و حرفه‌ای در بخش خصوصی، با هدف حمایت از منافع سپرده‌گذاران بانک است. وظیفه چنین مؤسساتی دقیقاً شبیه وظیفه‌ای است که حساب‌برسان خارجی در حمایت از منافع سپرده‌گذاران بر عهده دارند. حق‌الزحمه این مؤسسات را بانک و از سود سهامی که قصد دارد بین سهام‌داران توزیع کند خواهد پرداخت و درصدی از آن را به این مؤسسات خواهد پرداخت. این پیشنهاد گزینه مناسبی است ولی این اشکال مهم را دارد که منجر به تکثیر و ازدیاد غیر ضروری مؤسسات وابسته به بانک خواهد شد؛ که این خود بسیار پرهزینه است.

این پیچیدگی در بانک‌ها و بیمه‌های دولتی نیز وجود دارد، لذا تعیین میزان و حدود روابط بین شرکت‌های دولتی و ذی‌نفعان بر تشکیل سازمان واحدی که امکان پیچیدگی بیشتر این رابطه را دارد اولویت دارد^۱.

برای حفظ منافع سپرده‌گذاران، افزایش اعتماد مشتریان، کاهش خطر ورشکستگی اعتباری و حفظ صنعت بانک‌داری به موجب توافق نامه‌ی بال ۱ مورخ سال ۱۹۸۸ بانک‌ها موظف هستند حداقل

^۱. همان، ص ۲۱۱.

درصدی از سرمایه خود را در مقابل تسهیلات اعطا شده حفظ نمایند در واقع این مصوبه میزان وام و اعتبارات اعطایی را محدود کرد و در عین حال از سرمایه بانک به عنوان یک حاشیه امن استفاده می‌کرد که به هنگام ورشکستگی مشتریان از آن برای پوشش مطالبات سوخت شده استفاده شود. این ابزار پس از چندی موجب ناکارآمدی و هزینه زیاد برای بانک‌ها شد. لذا بال ۲ بوجود آمد و نهایتاً بحرآن‌های سال ۲۰۰۷ به بعد موجب حرکت به سمت بال ۳ شد که در آن، بانک‌ها ملزم به تأسیس واحدهایی برای ارائه اطلاعات دقیق به مشتریان، نیز دارا بودن یک صندوق احتیاطی و حداقل نسبت کفایت سرمایه شدند.^۱

مبحث سوم) تئوری ذی‌نفعان به عنوان راهکار حمایتی

گسترش و پیچیدگی واحدهای اقتصادی سبب شده است تا کنترل انفرادی واحدها ناممکن شود از طرفی انقلاب صنعتی و سپس شکل‌گیری بورس بر جدایی مالکیت و کنترل دامن زد و شرایط برای رفتارهای سودجویانه در مؤسسات و نهادهای مالی همچون بانک و بیمه بوجود آمد، سهام‌داران که شاهد این محدودیت‌ها و مشکلات بودند برای دفاع از خود نمایندگانی را منصوب کردند بعدها این نمایندگان هیأت مدیره شرکت‌های عام را تشکیل دادند که مسئولیت آن برگزاری نشست‌هایی با مدیران بانک به منظور نظارت بر کار آنان و نیز حمایت از منافع مالکان بود^۲ اما از یک سو هم‌چنان رفتارهای سودجویانه ادامه یافته و در سطح مدیران نیز به وفور دیده می‌شد، به طوری که سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های نابخردانه و خودسرانه برخی اعضا هیأت مدیره برای مثال بانک‌هایی همچون UBS و NAT WEST موجب تحمیل خسارات میلیاردی بر همه‌ی مشتریان، کارمندان و سهام‌داران شد.^۳ از طرف دیگر ماهیت پیچیده نهادهای مالی مورد بحث به گونه‌ای است که اعضای هیأت مدیره به آسانی و ناگهانی کنترل خود را بر زیر مجموعه از دست می‌دهند. این پیچیدگی و بزرگی مؤسسه و نیز متغیر بودن محیط فعالیت به خصوص برای بانک‌ها و بیمه‌های بین‌المللی و فرامرزی این مسأله را مطرح کرد که چگونه

۱. همان، صص ۲۷۲ و ۲۷۴.

۲. همان، صص ۱۲۱-۱۱۹.

۳. همان، ص ۱۵۲.

کنترل کافی بر بدنه تحت امر حفظ شود و هم چنین به خواسته‌ها و تقاضاهای مشتریان و کارکنان و سهام داران توجه شود و این یعنی هم دوری جستن از ریسک‌ها و هم حرکت به سوی میدانی پرخطر و ناشناخته.^۱ تمام این نکات صاحب نظران را به این نتیجه رساند که سیستم‌های کنترلی و نظارتی کنونی در بسیاری از موارد پاسخ گوی نیازها و چالش‌های دنیای تکنولوژی برتر نیستند و لذا می‌بایست به کمیته‌های حسابرسی و ممیزی برای سامان بخشیدن به امور کنترلی روی آورد.

به منظور اجتناب از تکثیر مؤسسات تخصصی و حرفه‌ای حامی منافع سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران در بخش خصوصی، می‌توان این وظیفه را برعهده حسابرسان خارجی نهاد. مسلماً بسیار ارزان‌تر و مناسب‌تر خواهد بود اگر حسابرسی خارجی در کنار حمایت از حقوق سهام‌داران، از حقوق سپرده‌گذاران نیز حمایت کنند. علاوه بر این ضروری است که شفافیت مناسب در نظام بانکی وجود داشته باشد؛ به نحوی که سپرده‌گذاران متوجه شوند چه اتفاقی در بانک در حال وقوع می‌باشد و بنابراین بتوانند در تضمین منافع خود نقش مهم‌تری ایفا کنند.^۲ در بیمه‌ها و بانک‌های دولتی نیز قبل از ایجاد سازمانی واحد برای اداره و اعمال مالکیت در بانک‌های دولتی مجموعه تدابیری مورد نیاز است تا عملکرد مالی بانک‌های دولتی را به طور شفاف ارائه و اطلاعات مرتبط با این‌ها را افشا کند. گزارشگری جامع، یکی از این تدابیر است. با ارائه گزارشی متمرکز در مورد عملکرد مالی بانک‌های دولتی، این فرآیند تسهیل می‌شود. زیرا مؤسسه متولی این وظایف می‌تواند اقدام به گزارشگری یکپارچه در مورد همه بانک‌های دولتی و ارائه اطلاعات به مردم، مجلس و رسانه‌ها کند به گونه‌ای که تمام استفاده‌کنندگان قادر به کسب چشم‌اندازی از عملکرد کلی و ارزیابی این بانک‌ها باشند. از سوی دیگر، ارائه این گزارش ارزش پرتفوی بانک‌های دولتی را نیز مشخص می‌کند و البته این گزارش نباید موازی یا ارائه مجدد نتایج نظام گردشگری موجود باشد بلکه نقش مکمل را ایفا خواهد کرد.^۳

۱. علوی لنگرودی، سید حسین، چگونه باید یک بانک را اداره کرد: الگوی مدیریت بانک‌ها براساس اصول حاکمیت شرکتی، بانک و اقتصاد، ۱۳۸۶، ش ۸۶، ص ۲۶.

۲. عاقلی نژاد، محمد امین، حاکمیت شرکتی در حقوق بانکداری، صص ۱۷۶-۱۷۵.

۳. همان، ص ۲۱۱.

پیشنهاد حسابرسی در حال حاضر مهم‌ترین رویکرد حتی در بحث رفع نگرانی ذی‌نفعان در رابطه با مباحث شرعی پیرامون بانک و بیمه و تطبیق عملیات این نهادها با موازین اسلامی و شرعی بوده است و آن این‌که مؤسسات حسابرسی فعلی مهارت‌های شرعی لازم را کسب کنند و تحت تعلیمات مرتبط واقع شوند. آن هم با این هدف که آمادگی لازم به منظور انجام حسابرسی شرعی را پیدا کنند. نتیجه‌ی این پیشنهاد آن است که هم حسابرسی شرعی انجام شده و هم از گسترش مؤسسات دیگری که به این منظور ایجاد شوند جلوگیری می‌شود. به نظر می‌رسد این نهادها به خصوص بانک‌های اسلامی این روش را به کار گیرند زیرا در این حالت حسابرسی شرعی همزمان با حساب‌های بانک انجام خواهد شد. علی‌رغم مزایای شمرده شده این وظیفه برای کمیته ممیزی و حسابرسی بسیار سنگین و طاقت‌فرسا است و نیازمند قضاوت و تصمیم‌گیری‌های نافذ از سوی کلیه دست‌اندرکاران و دلسوزان امور مالی می‌باشد.

یکی از روش‌های کنترلی بی‌شک همان‌طور ی که بیان شده حسابرسی می‌باشد. از طرف دیگر شرکت سهامی عام همچون بانک و بیمه محل تلاقی قراردادهای مختلف ذی‌نفعان فرض شده است لذا اطلاعات در آن‌ها نقش مهمی را بازی می‌کند. اطلاعاتی که از یک سو نشان دهنده توانمندی بانک در انجام تعهدات خویش است و از طرفی نشانگر رعایت تعهدات توسط این دو است. در این میان اطلاعات حسابداری مالی اهمیت خود را نشان می‌دهند. این اطلاعات به طرق مختلفی می‌توانند بر روابط ذی‌نفعان و در نهایت عملکرد راهبری شرکتی اثر بگذارند. ابتدا این‌که این اطلاعات نهادها و رقبای آن‌ها، مدیران و سرمایه‌گذاران را در شناسایی و ارزیابی فرصت‌های سرمایه‌گذاری یاری می‌رساند. حتی اگر تضاد منافع میان مدیران و سرمایه‌گذاران صفر فرض شود باز هم اطلاعات به کمک تصمیم‌گیران آمده تا در فرصت‌های ارزشمند سرمایه‌گذاری را شناسایی کرده و کارایی خود را افزایش دهند. طریق دیگر کاهش در انتخاب نادرست و ریسک نقدشوندگی می‌باشد، تعهد بانک در افشای به موقع و با کیفیت بالا، خطر زیان سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد چراکه منجر به افزایش سرمایه‌گذاران مطلع می‌گردد و بنابراین وجوه بیشتری جذب بازار سرمایه شده و بدین ترتیب ریسک نقدشوندگی بازار کاسته می‌شود و این امر نهایتاً به کاهش هزینه سرمایه بانک منجر می‌گردد. هم چنین این اطلاعات با راهبری اطلاعات نهفته، به تخصیص سهمیه‌ی منابع کمک می‌کنند. توضیح این‌که با توجه به وجود عدم تقارن اطلاعاتی و رفتار سود

جویانه مدیران، مطابق تئوری‌های نمایندگی باید مدیران بانک از سوی سرمایه‌گذاران نهادی تحت فشار قرار بگیرند و به حداکثر منافع کل بیانیدشد. وجود اطلاعات حسابداری مالی صادقانه، عملکرد نظارت و تأمین حقوق سهام‌داران مطابق با قوانین اوراق بهادار را تحمیل می‌کند. این اطلاعات ضمن نظم دادن به رفتار مدیران در انتخاب پروژه‌ها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری، مانع استفاده‌ی نادرست آنان از منابع سرمایه‌گذاری می‌شود. این اطلاعات از عملکرد مطلوب بازار سرمایه حمایت می‌کنند. لذا این اطلاعات به طور مستقیم به انتخاب صحیح پروژه‌ها کمک می‌کنند و به طور غیر مستقیم با صرف ریسک مورد نظر سرمایه‌گذاران با کاهش هزینه‌های تأمین مالی شرکت بر بهبود عملکرد اقتصادی شرکت تأثیر می‌گذارد.^۱

به هر روی، حسابداران و حساب‌برسان با شفاف‌سازی اطلاعات در نهایت به نظارت مؤثر بر بانک و بیمه تأثیر می‌گذارند. این کمیته‌های حسابرسی وظیفه‌ی ارتقای کیفیت و صداقت گزارش‌های مالی مدیریت را برعهده دارند. در زمینه افشای اطلاعات به عنوان یکی از اهداف نهایی حاکمیت شرکتی در بیمه‌ها، آیین‌نامه‌ی نحوه‌ی گزارشگری و افشای اطلاعات مؤسسه‌ی بیمه وجود دارد. بانک‌ها نیز در جای جای مقررات خود ملزم به رعایت نکات پیش گفته شده‌اند. برای مثال در ماده‌ی ۱۲۱ اساسنامه‌ی نمونه ملزم به طراحی نظام حاکمیت شرکتی و کنترل داخلی شده‌اند و یا کمیته بال مقرراتی را در جهت رابطه‌ی بین حساب‌برسان داخلی و ناظرین مقرر کرده است. و یا بانک مرکزی با هدف ارتقا و تقویت بخش نظارت بانکی و تأمین نظر دولت و جامعه، برنامه‌ها و تدابیر گوناگونی اندیشیده که از جمله‌ی آن‌ها ایجاد معاونت نظارتی و ایجاد مدیریت کل مقررات و تشکیل واحدهای نظارت استانی در مراکز استان‌ها اشاره کرد اما این اقدامات کافی نیست و پاسخ‌گوی نیازهای کلان نظارتی نبوده لذا اقدام به تشکیل کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری نمود تا پیرامون تمام موضوعات نظارتی اتخاذ تصمیم نمایند.^۲

اما باید دید آیا این نقش حاکمیتی بانک و بیمه مرکزی در جهت نظارت آیا کافی و رضایت بخش بوده است؟ آیا مقررات صادر شده تاکنون در قالب آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها کارساز بوده است یا خیر؟ این مطلب در سطح جهانی و پیرامون بانک‌ها بسیار سخن گفته شده است به خصوص وقتی به بحرآن

^۱ همان، صص ۱۲۰-۱۱۴.

^۲ اطلاع رسانی به بانک‌ها در خصوص تشکیل کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات اعتباری، بخش‌نامه شماره ۶۶۷۱۱/۹۱، ۱۷ خرداد ۱۳۹۱.

های مالی و بانکی سالهای ۲۰۰۷ به بعد در جهان رجوع شود و یا فساد بانکی عظیم سال ۱۳۹۰ ایران مشهور به اختلاس سه هزار میلیارد تومانی^۱ لذا بحث در اینجا پیرامون بیمه به خصوص سالهای اخیر در ایران متمرکز می‌شود. قوانین فراوان و آیین‌نامه‌های متعددی پیرامون عملیات‌های بیمه و نظارت بر آن از سوی نهادهای صالح مربوطه صادر شده است اما در همین اواخر هم گزارش از وجود زیان انباشته در شرکت بیمه دولتی ایران شده است.^۲ و یا بحث بیمه توسعه که همچنان نیز ادامه دارد. در رابطه با بیمه توسعه آمده است که این شرکت شروع اشتباهاتش در سال ۱۳۸۹ با انتخاب یک مدیر غیر متخصص بوده است و در ادامه برای رقابت با دیگر مؤسسات به ایجاد نمایندگی‌های فراوان و تخفیف‌های حق بیمه روی آورده و توان نظارت بر ۲۰۰۰ نمایندگی خود را نداشته است و با ضعف توانگری روبرو گشت، بیمه مرکزی این شرکت را موظف به افزایش سرمایه و معرفی مدیران واجد صلاحیت می‌کند که انجام نمی‌شود سپس مؤسسه حسابرسی برای شناسایی دارایی و حساب‌های آن تعیین می‌شود که باز هم بیمه توسعه مانع انجام اقدامات می‌شود، در ادامه رییس کل بیمه مرکزی بیان می‌دارد که یکی از ضعف‌های نظام بیمه ایران، عدم دریافت سپرده و ضمانت به بیمه مرکزی توسط بیمه‌ها می‌باشد.^۳ این بخشی از گزارش پیرامون شرکت بیمه توسعه بود. در جایی دیگر پیرامون بیمه آتیه سازان آمده است که غیر قانونی فعالیت می‌کند و خود را کارگزار وزارت تعاون و کار می‌داند؛ این مطلب دیگر خود حکایت از این دارد که تا چه حد ضعف قوانین در این زمینه وجود دارد یعنی در جایی که و در حالی که می‌بایست از تحکیم و تقویت قوانین نظارتی سخن گفته شود و ساز و کار بیمه مرکزی به بوت‌های نقد و آزمایش گرفته شود واضح می‌گردد که حتی بدیهی‌ترین مبانی یعنی وحدت و تمرکز نظارت نیز وجود ندارد. پرونده بیمه

^۱ برای اطلاع کامل از این پرونده ر.ک. عاقلی نژاد، محمد امین، حاکمیت شرکتی در حقوق بانکداری، صص ۲۵۰-۲۳۷ .

‡ <http://www.irna.ir/fa/News/81714580/> Retrieved September 14, 2015 .

‡ <http://www.tabnak.ir/fa/news/454844/%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87-%D8%A8%DB%8C%D9%85%D9%87-%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87-%D8%A8%D9%87-%D9%82%D9%88%D9%87-%D9%82%D8%B6%D8%A7%D8%A6%DB%8C%D9%87-%D8%B1%D9%81%D8%AA>

Retrieved September 14, 2015 .

‡ <http://www.iribnews.ir/NewsBody.aspx?ID=68197> Retrieved September 14, 2015 .

توسعه که البته هنوز پیرامون آن به طور کامل تصمیم‌گیری نشده^۱ به صدور آیین‌نامه شماره‌ی ۸۸ و ۹۰ شورای عالی بیمه پیرامون احراز صلاحیت حرفه‌ای کارکنان کلیدی و افشاگری اطلاعات انجامید اما این مشکلات تنها محدود به همین موارد نیستند و از طرفی این چنین مقررہ گذاری چندان کاری از پیش نمی‌برد و در نهایت این‌که نمی‌شود منتظر ماند تا واقعه‌ای رخ دهد و سپس به دنبال راه حل گشت چنان که در حال حاضر پیرامون ورشکستگی این شرکت‌ها نیز مقررات ساده و شفافی وجود ندارد^۲ اما دو مسأله دیگر وجود دارد و این‌که اگر خواست این باشد که بیمه‌ی توسعه‌ی دیگری به وجود نیاید راهکار چیست؟ بی‌شک نظارت بیشتر و قوانین دقیق‌تر راهکارهای صحیح است اما چگونه؟ همان‌طور که گفته شده این نظارت سخت نیست بلکه باید بدون اغماض و با انگیزه خدمت به جامعه باشد^۳ اما این دو که تقریباً هر دو در حوزه‌ی اخلاقیات می‌گنجد چندان کارا نیست چراکه اخلاق ضمانت اجرا ندارد حال هرچند بر این امر اعتقاد و اطمینان راسخ باشد که نظارت یک امر مقدس است^۴. فراتر از بحث اخلاقیات به جهت تعیین بسیاری از ناظران و لاًقل تایید صلاحیت آن‌ها از سوی دولت‌ها این خود موجب اختلاط شده و نتیجه‌ی موفقی از آن بیرون نمی‌آید در این زمینه می‌توان به اختلاف گزارش سازمان حسابرسی و بیمه مرکزی پیرامون بیمه ایران اشاره کرد^۵ پس در جهت حمایت موفق از ذی‌نفعان نه‌تنها لازم است که سازمان‌ها و مؤسسات مستقلی برای نظارت موجود باشند و به وظیفه‌ی خود به طور دقیق عمل کنند

^۱ <http://www.polimali.com/view-36768-%D8%A8%DB%8C%D9%85%D9%87%20%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87%20%D9%88%D8%B1%D8%B4%DA%A9%D8%B3%D8%AA%20%D9%86%D8%B4%D8%AF%D9%87%20%DA%A9%D9%87%20%D9%85%D8%A7%20%D8%AE%D8%B3%D8%A7%D8%B1%D8%AA%20%D8%A8%D8%AF%D9%87%DB%8C%D9%85!.html> Retrieved September 14, 2015 .

^۲ <http://www.malisazman.ir/economic/insurance/2516/> Retrieved September 14, 2015 .

^۳ همان .

^۴ همان .

^۵ <http://bourse24.ir/news/100449/%20%D8%B3%D8%A7%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86%20%D8%AD%D8%B3%D8%A7%D8%A8%D8%B1%D8%B3%DB%8C:%20%D8%B0%D8%AE%D8%A7%DB%8C%D8%B1%20%D8%A8%DB%8C%D9%85%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%20%D8%B1%D8%A7%20%D8%B2%DB%8C%D8%A7%D8%AF%20%DA%AF%D8%B1%D9%81%D8%AA%D9%86%D8%AF/%20%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87%20%D8%A8%DB%8C%D9%85%D9%87%20%D8%AA%D9%88%D8%B3%D8%B9%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%D9%86%D8%AC%D8%A7%D8%B3%D8%AA> Retrieved September 14, 2015 .

بلکه می‌بایست این مؤسسات بطور کامل مستقل باشند اما این استقلال همان‌طور که قبلاً نیز در رابطه با بانک گفته شد هرگز به معنی استقلال و تفکیک قوا نمی‌باشد و چنین چیزی پیشنهاد هم نمی‌شود، بلکه منظور استقلال سیاسی و مستقل بودن از تصمیمات سیاسی و اعضای دولت می‌باشد لذا لازم است دولت‌ها خود به عنوان ذی‌نفع و همچنین مسئول در قبال ذی‌نفعان دیگر و همچون نهادهای مقررگذاری در این زمینه گام‌های جدی بردارند هرچند الزام‌های پیرامون حضور در بازار سرمایه تا حد زیادی کمک می‌کند اما پاسخ‌گو نیست چنان‌که در بیمه‌ی توسعه نیز به حسابرسی ساختگی دست یازیده شد.

در جهت نکات پیش‌گفته‌ی تلاش‌های سازمان‌های نظارتی و ارشادی نظیر کمیته‌ی بال و ناظران بین‌المللی در این رابطه قابل توجه است در ایران نیز پاسخ‌گویی به نیازهای جدید بازار سرمایه در دهه گذشته، و به ویژه سال‌های اخیر مقررات متعدد و مناسبی جهت گسترش بازار سرمایه توسط مسئولان بورس اوراق بهادار تدوین و به اجرا گذاشته شده است، لکن برای ارتقای سیستم حاکمیت شرکتی این نهادها کافی به نظر نمی‌رسد و اقبال مردم ارتقای حاکمیت شرکتی از طریق بازار سرمایه را ضروری ساخته است. افزون بر آن، بدون انجام اصلاحات اساسی در سیستم حاکمیت شرکتی، عرضه‌ی سهام شرکت‌های ایرانی در بازارهای بین‌المللی سرمایه، غیرممکن بوده و ورود گسترده سرمایه‌گذاران خارجی در بازار سرمایه نیز بعید به نظر می‌رسد.

بررسی سیستم حاکمیت شرکتی در کشور ایران حاکی از آن است که قانون تجارت حاضر، همانند روابط تجاری گذشته منسوخ بوده و پاسخ‌گوی کارکردها و روابط تجاری موجود نمی‌باشد. هر چند که تلاش‌های فراوانی به ویژه در سال‌های اخیر توسط مسئولان سازمان بورس اوراق بهادار در قالب دستورالعمل‌ها و ... انجام شده، لکن حاکمیت شرکتی، ارتقای چندانی نیافته است. بنابراین، براساس مبانی نظری و پیشینه عملی در سراسر دنیا، برای اطمینان از کارکرد مناسب بانک‌ها، بیمه‌ها و بازار سرمایه و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی؛ ارتقاء حاکمیت شرکتی بانکی موجب افزایش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و رشد اقتصادی خواهد شد و فقدان حاکمیت شرکتی مناسب در بانک؛ سلب حقوق سهام‌داران (به ویژه سهام‌داران جزء)، سوء استفاده احتمالی مدیران، فرار سرمایه و ... را به همراه خواهد داشت.

شواهد موجود نشان می‌دهد یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های دولت (برنامه سوم و چهارم) خصوصی‌سازی است. بنابراین، برای ایجاد بازاری منصفانه برای داد و ستد اوراق بهادار، ارتقا و اصلاح حاکمیت شرکتی بانکی ضروری است. متأسفانه در لایحه بازار سرمایه و پیش‌نویس اصلاحیه قانون تجارت به این مهم توجه چندانی نشده است.^۱

در میان موانع متعدد تولید و سرمایه‌گذاری، عاملی که رفع آن از دیگر موانع مهم‌تر و در عین حال امکان‌پذیرتر است، تغییر و اصلاح قوانین و مقررات است. با توجه به تغییرات و فرایند جهانی‌سازی، لازم است قوانین مناسب با نیاز جامعه تغییر یابد. در غیر این صورت بانک و بیمه کارایی خود را از دست می‌دهند و از چرخه تجارت خارج می‌شوند. ضعف و عدم شفافیت در ساختار قانونی منجر به بروز مشکلات ناشی از کسب‌وکار شده و اقتصاد زیرزمینی را تقویت می‌کند. اقتصاد زیرزمینی موجب می‌شود که آمار و اطلاعات فعالیت‌های اقتصادی نارسا باشند و لذا تصمیمات و سیاست‌ها روشن و سازنده نباشند.^۲

در هر صورت مبرهن و بدیهی است که مقررات‌گذاری و نوسازی آن در زمینه راهبری شرکتی بانک و بیمه ضروری است.

ساختار مالکیت بانک و بیمه سهامی‌عام در وضعیت کنونی ایران تا حد زیادی با شرکت‌های غیرسهامی‌عام تطبیق دارد. نفوذ سهام‌داران عمده (دولتی و شبه دولتی) بر بانک‌ها و بیمه‌های سهامی‌عام ایران مشهود است حتی با توجه به روند کنونی خصوصی‌سازی و این‌که از عمر قوانین خصوصی شدن بانک و بیمه در ایران بیش از ۱۵ سال نمی‌گذرد؛ به نظر نمی‌رسد در آینده‌ی نزدیک این وضعیت چندان تغییر کند. بانک‌ها و بیمه‌های دولتی بزرگی که در سال‌های اخیر سهام آنان (عمدتاً از طریق بورس) به مردم واگذار شده است کماکان مستقیم یا غیر مستقیم در کنترل دولت قرار دارد و این مطلب توجه به واقعیاتی چون سیاسی بودن این نهادها به جهت وابستگی به دولت، تأثیرپذیری از ارگان‌های مختلف،

۱. عاقلی نژاد، محمد امین، حاکمیت شرکتی در حقوق بانکداری، صص ۲۶۶-۲۶۵.

۲. همان، ص ۲۵۸.

بحث‌های تورم و نابسامانی مالی ساختار اداری و نقص ساختارهای ارزیابی و اداری را بیشتر می‌کند^۱ بنابراین تا اینجا می‌توان نتیجه‌گیری نمود که مسأله نمایندگی در بیمه و بانک‌های سهامی‌عام ایران کمرنگ است اما تعارض منافع در سطوح دیگر افزایش می‌یابد. از سوی دیگر سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران بر عنصر عدالت تأکید داشته است. توجه به عدالت‌محوری در قوانین و مقررات و سیاست‌ها، در بین نگرش‌های متنوع بر تئوری ذی‌نفعان بیشتر منطبق است. با عنایت به نکات پیش‌گفته، به نظر می‌رسد یک نظام راهبری شرکتی مناسب برای محیط اقتصادی ایران به نگرش‌های از نوع گسترده‌تر راهبری شرکتی، نزدیک‌تر بوده و لزوم توجه به نتایج تئوری ذی‌نفعان را بیشتر اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

به این ترتیب پیشنهاد راهکار اصلی در این خصوص، جهت‌گیری مقررات مرتبط با نظام راهبری شرکتی بانکی و بیمه‌ای به سمت رعایت حقوق تمام ذی‌نفعان است. نکته‌ی دیگری که حائز اهمیت است ملحق نمودن ویژگی‌های خاص در بخش‌های مختلفی از صنعت است؛ در صنعت بانک‌داری و بیمه از بعد مباحث مطرح در راهبری شرکتی، ساختار شکلی سرمایه با محتوای آن تطبیق نمی‌کند. نسبت منابع سپرده‌گذاران به منابع سهام‌داران، سپرده‌گذاران را در جایگاه ذی‌نفع ممتاز که تأمین‌کننده اصلی بیمه و بانک است قرار می‌دهد به همین دلیل است که مباحث حاکمیت شرکتی در این صنایع پیشرو بوده است.^۲ به طور خلاصه و در جمع‌بندی باید بیان نمود که بانک‌ها نه تنها در برابر مالکان و سهام‌داران و سایر گروه‌های ذی‌نفع مسئولیت دارند بلکه در برابر گروه‌های ذی‌نفع بزرگتری به نام جامعه مسئولیت پاسخ‌گویی دارند. بنابراین برای حصول اطمینان از ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی بنگاه‌های اقتصادی در مقابل عموم و افراد ذی‌نفع، باید نظارت و مراقبت کافی به عمل آید. اعمال نظارت و مراقبت در این زمینه مستلزم وجود ساز و کارهای مبنایی است. ضروری‌ترین این مبنایی ایجاد این باور است که هدف شرکت تنها سهام‌داران نیستند. توسعه یافتگی یا عدم آن یکی از مواد ایجاد‌کننده رویه متفاوت برای

۱. همان، صص ۲۱۵-۲۱۲.

۲. همان، ص ۲۶۵.

نظارت بر بانک‌هاست^۱ و کشور ایران به عنوان کشوری که در حال توسعه می‌باشد و ویژگی‌های کاملاً منحصر به فرد خود را دارد در نتیجه الگویی متفاوت نیز می‌طلبد.

تمام دلایل و نکات خاص بیان شده و ارتباط گسترده این دو صنعت با مردم یعنی بیمه‌گذار و سپرده‌گذار توجه ویژه و به دنبال آن نظارت دقیق‌تر بر بانک و بیمه را ایجاب می‌نماید چراکه بحث ذی-نفعان در این شرکت‌ها بیشتر از مابقی به میان می‌آید زیرا این‌ها با منافع جامعه سروکار دارند به عبارتی ضرورت وجود و عمل به تئوری ذی‌نفعان در شرکت‌های خصوصی و کوچک‌تر بیان شد و بخشی از علت این بود که این شرکت‌ها در حال فعالیت در جامعه هستند و هویت یافته و شخصیت یافته شده‌اند تا به جامعه بیایند حال اگر شرکت‌هایی باشند که هویت آن‌ها به نحوی تمام و کمال با منافع جامعه درهم تنیده باشد، ضرورت اعمال تئوری را نه تنها مضاعف بلکه چندین برابر می‌کند اینجاست که شرکت‌های مذکور باید در باب هدف‌گذاری ابداً و اصلاً به دنبال منافع سهام‌داران خود حرکت نکنند و از قضا سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران را ذی‌نفع اصلی خویش بشناسد و از بعد کارکردی نیز تضاد منافع با توجه به ویژگی‌های خاصی که شرکت‌ها و شرکای آن‌ها دارند و احتمال بروز مسائل نمایندگی به گونه‌ای معنادار بیش از شرکت‌های دیگر است. همین ابعاد باعث می‌شود که نیاز به اعمال تئوری ذی‌نفعان در جنبه‌های مذکور ضروری باشد لذا بدین منظور مباحث حاکمیت شرکتی اکثراً پیرامون بانک و بیمه بحث می‌شود و بحث دخالت قانون و به طور کلی حقوق عمومی نیز در حوزه‌های این شرکت‌ها بیشتر به میان آمده است برای مثال با اقبال به استفاده اکثریت مردم از خدمات بانک‌ها و بیمه‌ها، شاید یکی از مهم‌ترین قوانین مورد نیاز، قوانین مربوط به حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان باشد. نتیجه آن‌که ضروری است به ابزارهای نظارتی حقوق اقتصادی، لزوم ورود به بازار سرمایه و اصلاح قوانین شرکت‌ها، به خصوص شرکت‌های سهامی عام فوراً پرداخته شود تا مجموعاً نظام اقتصادی زودتر بتواند به رشد مورد نظر دست پیدا کند.

۱. همان، ص ۲۰۴.

به این ضروریات قبلاً توجه شده است اما به یقین کافی نبوده و انتظارات را برآورده نکرده است. با تاکید بیشتری از لزوم آنها برای برنامه‌ی ششم توسعه سخن رفته است. در سیاست کلی برنامه ششم توسعه آمده است که نظام جامع تأمین مالی و ابزارهای آن یعنی بازار پول، بازار سرمایه و بیمه باید تعمیق و گسترش یابند و سهم مؤثر بازار سرمایه و بورس در جهت توسعه سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور می‌بایست افزایش پیدا کند البته در تمام موارد تاکید بر ارتقاء شفافیت و سلامت نظام مالی می‌باشد. در نتیجه‌ی این ابلاغیه سیاست‌های کلی در رابطه با امور اقتصادی آمده است که اعمال نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و مؤسسات پولی، بانکی و اعتباری و ساماندهی مؤسسات و بازارهای غیر متشکل پولی و مالی در جهت ارتقاء شفافیت و سلامت می‌بایست مبنای تنظیم قانون پنج ساله‌ی ششم قرار گیرد.

فصل چهارم: مقایسه منافع ذی‌نفعان در بانک و بیمه

آیا همه‌ی منافع ذی‌نفعان در شرکت‌های بیمه و بانک هم‌تراز است و یا با هم تعارضاتی دارد؟ آیا منافع ذی‌نفعان و سهام‌داران در بانک و بیمه یکسان است و یا تعارض دارند؟ سوال اول پیرامون تعارض منافع میان ذی‌نفعان مختلف در شرکت‌هایی هم چون بیمه و بانک است که مقدار زیادی از پاسخ آن در بخش سوم و مسائل و راهکارهای حل تعارض آمد. در آنجا به طور کلی بررسی شد و در ادامه با تمرکز بر روی نکات خاص این دو وضعیت و برخی ذی‌نفعان مخصوص آنها بیان می‌گردد. سوال دوم پیرامون مشابه یا متفاوت بودن منافع ذی‌نفعان در بانک یا بیمه هست. این سوال در قسمت پیش رو پاسخ داده می‌شود. این مباحث در میان ذی‌نفعان مؤسسات مالی، موضوعی به روز و مهم برای درک و بررسی عملکرد شرکت‌های مدرن می‌باشد.

تاکنون در بررسی روابط ذی‌نفعان مسائل مختلفی شناسایی شد که می‌تواند به صورت مفیدی به این بخش اعمال شود از جمله ذی‌نفعان و مفهوم آن شناسایی شد و انواع آنها بیان گشت. هم چنین به

موارد تعارض‌زا اشاره شد و در نهایت راه حل‌های تعارض در قوانین شرکت‌ها به عنوان قوانین مرجع نگاشته شد و از ابزارهای حقوق عمومی و توجه همگانی به همهی ذی‌نفعان به عنوان راهکار بنیادی نام برده شد.

در اینجا راه‌کارهای همگرایی ذی‌نفعان در محل‌هایی که می‌تواند به طور بالقوه تعارض موجود باشد جست‌وجو می‌شود و سپس ابزارهای مصالحه‌آمیز که می‌تواند بر پراکندگی منافع غلبه کند دنبال می‌گردند. ابزارهای استفاده شده برای کنترل و حمایت از منافع ذی‌نفعان اهمیت ضروری دارند و در وضعیت مالی بسیار مهم هستند. پیشگیری از خطر سیستمی و تحلیل آن یک هدف است که با در نظر گرفتن ذی‌نفعان می‌توان بدان دست یافت. هدف شرکت از طریق مؤسسات مالی ادا می‌شود و بنگاه‌ها می‌دانند که مدیران، سهام‌داران، مشتریان، کارکنان و عرضه‌کنندگان نیازمند حمایت‌های مداوم هستند. این نیازمندی به حمایت در بخش‌های بانک و بیمه که انواع ریسک‌های سیستمی و خطرات اخلاقی (نمایندگی) وجود دارد، رایج و متداول هستند. این دو بخش مستلزم کنترل‌های افزایشی فراتر از کنترل‌ها و معافیت‌هایی که حاکمیت شرکتی قائل شده می‌باشند. دونالدسون از رویکرد تئوریک، ذی‌نفعان و مؤسسات مالی را به عنوان بازیگرانی ملاحظه می‌کند که می‌توانند بهره‌وری را از طریق مجموع معاملات داوطلبانه افزایش دهند! خروجی مدل کارایی تخصیصی در شرایط توزیع عادلانه منابع، هنگامی که بر الگوی ذی‌نفعان اعمال می‌شود، موجب حمایت از منافع ذی‌نفعان می‌شود. کنش‌گران فردی که در شرکت فعالیت می‌کنند از طریق تبادل منابع حمایتی، منافع عمده‌ای را ایجاد می‌کنند که کارایی تخصیصی را افزایش دهند.^۱ ذی‌نفعان در گروه‌های خویش با هم متحد می‌شوند تا چگونگی واکنش خویش به بازار را ارزیابی کنند. در جایی که شرکاء در حال اعمال کردن به صورت منطقی هستند به آن‌ها قدرت تصمیم‌گیری اعطا می‌شود تا تکالیف و وظایفی که با اجرای آن موافق هستند، اجرا نمایند. هنگامی که منافع ذی-نفعان با منافع سطوح بالای شرکت به هم پیوسته شود، در این صورت توزیع برابر منافع به طور قابل

۱ Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications.", p.68 .

۲ Ibid, p.74 .

توجهی ایجاد کارایی می‌کند. بنابراین از این منظر کلی دیده می‌شود که قدرت ذی‌نفعان در شرکت به طور واضحی وجود دارد و این قدرت به خصوص در شرکت‌های بیمه و بانک به عنوان ارائه‌کننده‌ی بخش‌های مهم خدمت رسانی می‌بایست افزوده شود.

در رأس سلسله مراتب تصمیم‌گیری، می‌توان برای مدیران نقشی به عنوان برنامه‌ریزان کلیدی فرض کرد که قابلیت ایجاد تغییرات راهبردی و اداری برای شرکت و نیز هدایت مسیر آینده آن را دارند. منافع این گروه از ذی‌نفعان به ناچار با درجات پایین‌تر و بالاتر هم‌تراز است. از آن جایی که مدیران شایسته هستند تا برای مؤسسه مالی در یک دوره زمانی مهم موظف گردند لذا اشخاصی که دارای نفعی هستند سرمایه‌گذاران یک شرکت می‌شوند که آن شرکت در ادامه بدین لحاظ به آسانی نمی‌تواند منحل شود. بنابراین ذی‌نفعان منفعتی مداوم در شرکت خواهند داشت؛ نتیجتاً محتمل نیست که ذی‌نفعان فوراً موقعیت خود را تغییر دهند. همچنین آن‌ها تحت تأثیر فشار مدیران ارشد در شرکت‌های عمومی قرار نمی‌گیرند، فشاری که می‌توانست در بنگاه‌های خصوصی وجود داشته باشد. البته این سرمایه‌گذاری‌ها می‌توانند به سرعت در یک معامله سهام پراکنده گردند. آزادی نقل و انتقال سهام چنان‌که بیان گشت راه-حل مناسب و جذابی در جهت محافظت از منافع ذی‌نفع می‌باشد.

انگیزه دادن به مدیر، وی را جهت خرید سهم شرکاء با قیمتی معین که در آینده تراکم ایجاد کند، توانمند می‌سازد، در این قسمت، به ناچار قیمت بازاری سهم بالاتر از قیمت معین شده سوق می‌یابد و در این نقطه ذی‌نفع به سودی اساسی دست پیدا می‌کند.^۲ به وسیله سرمایه‌گذاری در شرکت و یا خرید سهم آن مدیر یک رابطه قراردادی با شرکت پیدا می‌کند که ارزش و جایگاه وی را تحکیم می‌بخشد. اما این ابزار مدیریتی و کنترل امور شرکت با اجازه‌ی قانونی اعطا شده به نمایندگان و مدیران در تعارض است، چراکه موجب تلاش مدیر در رأستای به دست آوردن سهم شده نهایتاً قدرت وی را افزون می‌کند. در حالی که قدرت‌های قانونی اعطا شده به مدیران اغلب از طریق مدیرعاملان نمایندگی می‌شود، منافع

۱ Lazar, Sian. *Corporate Structure, Finance and Operations: Essays on the Law and Business Practice*. Oxford University Press, London, 1980, p.161 .

۲ Rees, William, and Saleem Sheikh, *Corporate Governance and Corporate Control*, Cavendish, London, 1995, p.45 .

ذی‌نفعان با مدیر عاملان برخورد خواهد کرد در نتیجه می‌بایست حقوق بیشتری برای تعدیل ابتکارات راهبران کلیدی واگذار شود. مع‌الوصف در جایی که کنترل بر سطحی کلی‌تر و وسیع‌تر می‌بایست اعمال شود محدوده‌ای که در آن هیأت مدیره می‌تواند ساختارهای شرکت را کنترل کند به طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر می‌گردد. همچنین قدرت‌های احتیاطی دیگری نیز به طور متناوب به هیأت مدیره اعطا می‌شود، تا به وسیله سرمایه‌گذاران نهادی به اقدامات اصلاحی توسل جویند. این مطلب در جایی از بانک‌ها می‌تواند دیده شود که وام‌دهندگان حرفه‌ای سهام‌بدهکاران شرکت را بررسی می‌کنند، در حالی که برای طلب‌کاران نقش عملی فرض می‌شود که می‌توان در جریان تنگناهای مالی این نقش به خوبی دیده شود. البته مدیران غیر موظف نیز می‌توانند تغییرات ساختاری اعمال کنند که اگر با سرمایه‌گذاران نهادی مخالف باشد نتایج زیان‌باری به همراه خواهد داشت.

سوء رفتارهای مربوط به مدیریت به ویژه در کاستی بانک قابل توجه می‌نماید. هرچه اعمال مقررات اداره کردن صحیح شرکت ضعیف‌تر باشد ناکارایی و شکست معاملات هم افزون‌تر خواهد شد. برای مثال ظهور پرونده‌های پول‌شویی و اختلاس، موجب تحریک رفتارهای کیفی و بی‌احتیاطی خواهد شد.^۱ این موضوع اغلب در معرض بررسی و آزمایش دقیق قرار داده می‌شود به خصوص رفتار مقامات رسمی، روند ورشکستگی و قبل و بعد آن مقایسه خواهد شد، این بررسی‌ها به ویژه در کشف و پیشگیری از پول‌شویی مفید است.

در مقایسه با تصمیمات فوری و خطرناکی که توسط مدیران و سرمایه‌گذاران نهادی گرفته می‌شود، طلب‌کاران بانک نگرشی عمل‌گرایانه‌تر را در هنگام دنبال نمودن فرصت‌ها اتخاذ خواهند نمود. طلب‌کاران در اداره‌ی امور شرکت اصولی‌تر و قاعده‌مندتر می‌باشند لذا برای چنین شرکتی کمتر محتمل است تا تحت کنترل طلب‌کاران در پرداخت بدهی‌ها کوتاهی کند. حرکت بانک به سوی اتخاذ راهبردهای سرمایه‌گذاری پرخطر، مطلوب منافع سهام‌داران خواهد بود. در حالی که اقدامات طلب‌کاران ضد ریسک می‌باشد لذا هم‌چنان‌که آن‌ها از حرکت شرکت به سمت بدهی‌جولوگیری می‌کنند با تصمیم‌گیری مدیریت

^۱ Spencer, Peter D. *The Structure and Regulation of Financial Markets*. Oxford University Press, London , 2000, p.218 .

نیز مخالف خواهند بود^۱ از سوی دیگر مدیران در شرایط هم‌ترازی منافع خود با سهام‌داران، منافع ایشان را دنبال می‌کنند.

در جایی که طلب‌کاران انتظار بازپرداخت سرمایه‌گذاری و مشارکت خویش هستند، قیمتی به شکل سود وضع می‌گردد که به بانک اجازه‌ی استفاده از سرمایه‌ی نقد در طی یک دوره زمانی معین را می‌دهد. کارکنان نیز سهام خود را با ملاحظه‌ی ارزش حقوقشان و مزایای عرضه شده مطالبه خواهند کرد. خواه شرکت در شرکت باقی بمانند خواه به جایی دیگر بپیوندند و در صورت خروج غرامت بر حسب قیمت بازار در مقابل مهارت آن‌ها و تقاضایی برای کار، معین خواهد شد. طلب‌کاران نمی‌توانند همه‌ی حقوق خود را اعمال کنند اگر چه صریحاً در شروط قرارداد معین شده باشد. برای مثال آن‌ها قادر نیستند طلب شرکت از بدهکاران را هنگام بدهی شرکت به خویش مطالبه نمایند. اصولاً می‌بایست یک ادعا در جهت مذاکره در مورد حق قانونی و برابر، بر اساس طلب‌کاران کافی باشد مع الوصف این موضوع به هیچ وسیله‌ای حمایت نمی‌شود. طلب‌کاران هیچ ضمانت شخصی برای تعقیب مدیران شرکت و سهام‌داران در موارد ورشکستگی ندارند. وام‌دهندگان بدون هیچ گونه مسئولیتی متعهد می‌شوند تا اشکال جایگزین حمایت بر طبق نظام حقوقی را دنبال کنند، طلب‌کاران نیز کاملاً از این امکان آگاه بوده و منافع خود را به وسیله چانه‌زنی‌هایی در حمایت قراردادی، حفاظت خواهند نمود.^۲ در صورتی که حقوق شرکت‌ها روندی عمل‌گرایانه به خود بگیرد و به کلی بر روی شرایط لازم و مطلوب سهام‌داران تمرکز نکند، طلب‌کاران به گونه‌ای مؤثر می‌توانند دادخواهی کنند. بدون تخصیص هیچ وضعیت و مقرر و ویژه‌ای برای شرایط معین قراردادهای وام، انگیزه برای گروه‌های ذی‌نفع دیگر به طور قابل ملاحظه‌ای مورد کاهش قرار گرفته و در نتیجه یک اثر شدید ضد تولیدی بر روی رفتار بازار خواهد داشت. مشتریان برای استقلال ذی‌نفعان آسان‌تر ظاهر می‌شوند. وارد شده به قرارداد معین با شرکت‌ها از زمانی که آن‌ها کالاها و خدمات می‌خرند، ادامه این تقاضا و نیز تضمین استاندارد بالای خدمات مشتری همگی بسیار حیاتی

^۱ Campbell, Andrew, B Campbell, and Peter Cartwright. *Banks in Crisis: The Legal Response*. Ashgate, London, 2002, p.86 .

^۲ Ibid, p.175 .

هستند که به وسیله‌ی شرکت دنبال می‌شوند. در شرکت‌های بیمه و بانک، ارائه خدمات به مشتری برای تأمین مجدد شرکت ضروری است و سود و عایدی مذکور تا حداکثر سازی برآساس یک مبنای طولانی مدت ادامه می‌یابد و روابط سرمایه‌گذار و اعتبار شرکت با مشتریان تازه پیوسته به ترتیبات قراردادی در مؤسسات مالی تقویت می‌شود بدین ترتیب تصویری مثبت به وجود می‌آید که این تصویر ارتباط مداوم بین شرکت و ذی‌نفعان آن را تضمین می‌کند. از سوی دیگر یک مشتری مغبون و ناراحت علی‌رغم پیگیری جبران خسارت خویش از شرکت، منفعت بسیار کمی در خط مشی جاری شرکت خواهد داشت. در مقابل مشتری یک بانک عمده و ارائه دهنده‌ی خدمات گسترده نقشی اساسی در عملیات سرمایه‌گذاری و تأمین مسیرهای جدید تجارت شرکت ایفا می‌کنند.

در مورد اهمیت بازیگران اقتصادی انتقاد شده است که این بازیگران برای تصمیم‌گیری‌های خویش، زیر مسئولیت می‌روند. برای مثال، محدودیت توانایی مشتریان برای کنترل دیگر ذی‌نفعان دخیل در بازار و ناتوانی واضح آن‌ها برای تعیین سلامت مالی مؤسسه مالی چند ملیتی مدت زیادی مورد بحث قرار گرفته است. هم چنین بیان شده که مشتریان در ارزیابی ارزش سرمایه یک بانک و اهمیت آن برای آینده عملیات و فعالیت‌های شرکت بی‌اثر هستند. اگرچه در برخی حوزه‌ها برای القای دقت بازار به روابط بانک اصلاحاتی انجام گرفته اما کیفیت سهام وثیقه فوراً قابل ارزیابی نیست. افشای اطلاعات در مورد نسبت سرمایه، کیفیت دارایی و نرخ‌های اعتباری مثال‌هایی از تلاش‌های اخیر برای بهبود شفافیت و ایجاد دموکراسی در مؤسسات مالی می‌باشد^۱ با این وجود اثرات مثبت چنین ابزارهایی نمی‌توانند به عنوان جایگزین برای حقوق و مقررات استفاده شوند. به هر روی، واضح است که سپرده‌گذاران کوچک در موقعیتی حساس نیستند. مشتریان گاهی با تصمیمات مالی مواجه می‌شوند که اگرچه با اطلاع آن‌ها گرفته شده اما اغلب به گونه‌ای نامطلوب به وسیله مؤسسات مالی تغییر داده می‌شوند. لذا در قلمرو

^۱ Spencer, Peter D. *The Structure and Regulation of Financial Markets*, p.219 .

^۲ Cartwright, Peter. *Consumer Protection in Financial Services*. kluwer law international, London, 1996, p.132 .

گسترده، این ویژگی لزوم طرح نقشه بیمه سپرده را توجیه می‌کند که برای حمایت از منافع سپرده‌گذاران در مقابل هزینه پول‌های دریافتی مؤسسات طراحی می‌شوند.

مک‌دونالد حمایت از مصرف‌کننده را به عنوان توجیه اصلی حمایت از سپرده بیان می‌کند و گاهی کاهش خطر سیستمی را اثر ثانویه می‌داند. گرچه این نگرش در آمریکا کاملاً متفاوت می‌باشد به طوری که حمایت از سپرده‌گذاران نتیجه فرعی طرح‌های بیمه سپرده است. طرح بیمه سپرده برای تقلیل ناپایداری در سیستم بانکی طراحی می‌شوند و برای جلوگیری از خطر سیستمی اساسی هستند و در نتیجه از هجوم بانکی (Bank runs) جلوگیری می‌کنند. شکل دیگر حمایت از سپرده‌گذار، وجود ضمانت‌های دولت است با این وجود این مطلب بیشتر در میان پس‌اندازکنندگان کوچک مطرح است. حمایت دیگر از سپرده‌گذاران می‌تواند به عنوان حق اولویت در برابر دیگر گروه‌های ذی‌نفع از قبیل طلب‌کاران در موارد ورشکستگی بانک اعطا شود. به هر روی در جایی که سطح کلی حمایت از سپرده‌گذاران موجود باشد امکان جلوگیری از هجوم‌های بانکی راحت‌تر است. گروه‌هایی از سپرده‌گذاران که از طریق سپرده‌های بین بانک و سپرده‌های فردی پرارزش بیمه نمی‌شوند مستعد اقدام فوری برای برداشت سپرده‌های خویش هستند هنگامی که به اطلاعات بازار دست پیدا کنند و یا از فعالیت‌های ضروری شرکت آگاه شوند. دسته‌هایی از سپرده‌گذاران که از امور مالی آگاه هستند و اطلاعاتی را در اختیار دارند برای خنثی نمودن خطر سیستمی و آغار انبوهی از برداشت‌ها در جهت حمایت از سپرده‌های خویش مستعدتر هستند.^۲ به هر صورت با اعمال طرح‌های بیمه سپرده مشتریان به طور کامل حمایت خواهند شد.

نگرانی اصلی سپرده‌گذاران درباره‌ی حفظ ارزش پولی تعهدات بانکی است که در حال حاضر در آن سپرده دارند. این نگرانی صرف‌نظر از بانکی است که سپرده‌ها ابتدا در آن گذاشته می‌شود. هجوم‌های بانکی ممکن است سرایت گسترده‌ای در سرتاسر سیستم مالی بکند و در نتیجه شوک‌های موقتی که مانع از ثبات شرکت می‌شود ایجاد کند. نقش بانک به عنوان ناظر اغلب در تفاوت قائل شدن میان مؤسسات

^۱ MacDonald, Ronald. "Deposit Insurance.". Centre for Central Banking Studies, London, August 1996 .

^۲ Liedtke, Patrick M, and Jan Monkiewicz. *The Future of Insurance Regulation and Supervision: A Global Perspective*. Palgrave Macmillan, New York, 2011, p.200 .

مالی قوی با همتایان ضعیف آن‌ها خود را نشان می‌دهد با این وجود این ناظر با تعارض منافع عمومی و خصوصی روبه‌رو می‌شود. بوسیله‌ی عجز تمام از تداوم عملیات‌های خصوصی، موقعیت نظارتی بانک اثرات مخربی بر ذی‌نفعان باقی مانده می‌گذارد که این ذی‌نفعان ابتدائاً در مورد امنیت سپرده‌هایشان نگران نمی‌شوند. این تعارض منافع‌ها به خصوص در جایی که بانک برای تقویت خویش به عنوان نهاد عمل‌کننده در منافع عموم ناتوان است، می‌تواند بحران را سرعت ببخشد. به هر روی از اهداف اصلی بانک عمل در جهت منافع عمومی می‌باشد که ناتوانی در نیل به این هدف به طور گسترده‌ای با هدف شرکت تعارض داشته و وقتی در هدف ذاتی خود ناتوان باشد. طبعاً نمی‌تواند ادعایی در جهت دست یافتن به اهداف فرعی خویش داشته باشد.

فصل مشترک اصلی بین شرکت‌های بیمه و بانک در استفاده از طرح‌های بیمه سپرده خود را نشان می‌دهد و بحث قابل ملاحظه‌ای در رابطه حمایت سپرده‌گذار و اثر مغایر خطر اخلاقی تکامل می‌یابد. این مفهوم اثر بیمه را در رفتار مالی شرکت‌های بیمه و بانک تحقق می‌بخشد. حمایت از ذخایر از طریق طرح‌های بیمه سپرده برای حذف هر محرکی از خطر از سوی بیمه‌گذار طراحی می‌شود. نگرانی عمده پیرامون این نوع حمایت این است که متقبل شدن این تعهدات توسط مؤسسه‌ای که بالاترین بازده سرمایه‌گذاری را پیشنهاد می‌کند می‌تواند موجب کاهش ظرفیت‌های مالی شرکت شود. از سوی دیگر این مسأله موجب تمایل طلب‌کاران آینده به شرکت می‌شود زیرا ایشان می‌توانند با توجه به گسترده بودن تعهدات، به ارزیابی خطر قبل از واکنش نسبت به سهام شرکت بپردازند. جنبه دیگری از خطر اخلاقی یا عدم توجه به مسایل ذی‌نفعان با حاکمیت بانک‌ها به وجود می‌آید.

مدیران می‌بایست خطرات اضافی را به کار گیرند، آگاهی از این که سپرده‌گذاران موضوع یک حکومتی قرار گرفته‌اند باید ضعف شرکت شمرده شود. مسأله محدود کننده طرح‌های بیمه سپرده همین حمایتی است که به طور منحصر به فردی توسط شرکت‌های کوچک و شخصی هدف‌گذاری می‌شود. ادعای بیمه می‌تواند بر طبق شروط قراردادی ایجاد شود مگر این که آن‌ها از طرح‌های بیمه به واسطه ادعایی غیر قابل قبول مستثنی شوند. سپرده‌ها به وسیله مؤسسات بزرگ و نیز کارکنان ارشد در حال معامله با مؤسسه دارای بدهی استثنا می‌شوند.

یک راه حل فوق‌العاده برای خطر اخلاقی در مؤسسات می‌تواند تکمیل و اجرای بیمه مشترک در طرح حمایت باشد. این راه حل برای عملی شدن به نحو مؤثر حاوی این معناست که خطر می‌تواند به گونه‌ای عادلانه بین بانک و سپرده‌گذاران تقسیم شود بدین صورت که تضمین بخشی از خسارات ناشی از بخش سیستمی برعهده سپرده‌گذاران قرارداد شده شود. در محیط‌های تصمیم‌گیری ضعیف، رویدادهای تعقیب خطر اخلاقی افزایش می‌یابد و به بیمه‌های خطر محور به عنوان ابزار مؤثری در جهت حمایت نگریسته می‌شوند. شرکت‌های بیمه و بانک با استعداد خطرات بیشتر به گونه‌ای شدید از طریق مبالغه حق بیمه بالاتر تحت فشار قرار داده شده و به هم پیوند می‌خورند. حداقل از نگاه مشتری و سپرده‌گذار، خطر اخلاقی به طور مؤثری از طریق ابداع بیمه مشترک توزیع می‌گردد. با این وجود، طرح‌های حمایت مذکور، نیازمند تقبل فرایندهای ارزیابی ریسک هستند که احتمالاً سپرده‌گذاران نسبت به مشارکت کردن در آنها بی‌میل می‌باشند. اولویت آن‌ها رها نمودن خویش از وظایف اداری و اعمال و کارهای مرسوم کاغذ بازی در ادارات می‌باشد.

اثر دموکراسی سهام‌داران بر روی ذی‌نفعان در یک جریان غیر محسوس از مباحث دانشگاهی قرار دارد. تعارض منافع میان مدیران و سهام‌داران اساساً مربوط می‌شود به آن گروه از ذی‌نفعان که بیشترین کنترل را در شرکت می‌بایست اعمال کنند و این‌که منافع چه کسانی از این گروه کنترل‌کننده می‌بایست مورد خدمت قرار گیرد. در جایی که طرف‌داران تقدم مدیریت بیان می‌دارند که کنترل هویت شرکت باید تنها وظیفه مدیران باشد. توجه به این مورد نیز ضروری است که متصدیان شرکت و مدیران، صلاحیت گسترده‌ای بر طبق حقوق دارند تا به گونه‌ای مؤثر حقوق ذی‌نفعان باقی مانده را زیر پا بگذارند. فشار اضافی بر روی مدیریت می‌تواند در جهت انتقال ارزش به سهام‌داران گذاشته شود. بخشی دیگر که ایجاد شده است این است که سهام‌داران در شرکت‌های بیمه و بانک در حقوق خویش برای پیش برد منافع خاص و ترویج منافع اقلیت برای به دست آوردن سودهای کوتاه‌مدت استفاده خواهند کرد.^۱ این پیشبرد منافع خویش، بیشتر محتمل است که از سوی کارکنان و مؤسسان اقلیت ایجاد گردد که البته به گونه‌ای

^۱ Mathie, Alison, and Jennifer C Greene. "Stakeholder Participation in Evaluation: How Important Is Diversity?". *Evaluation and Program Planning*, vol.20, no. 3 (1997): 279-85, p.281 .

پراکنده تحت حمایت حقوق شرکت‌ها قرار دارند. لذا لازم است برای حمایت از منافع ذی‌نفعان اقلیت یعنی گروه‌هایی از ذی‌نفعان با قدرت کمتر، به ابزارها و مکانیسم‌های حقوق دیگر متوسل شد. بحث دموکراسی سهام‌داران منظره‌ای از ارزش سهام‌داران به وجود می‌آورد. به خصوص در هنگامی که هدف شرکت به گونه‌ای غیر قابل انعطاف در جهت طبقه‌بندی بین سهام‌داران و ذی‌نفعان معطوف گشته است. منافع کلاسیک از قبیل بهبود عملکرد سطح شرکت و اوراق بهادار و اثر آن بر روی محیط، جوامع محلی و کارکنان، ثروت بلندمدت سهام‌دار را به ارمغان می‌آورد.

این مزایا برای سهام‌دار از تمرکز دائم بر روی نگرانی‌های مشترک و مدیریت شرکت ایجاد می‌شود و منجر به شناسایی چالش‌های ناشی از تعارض منافع میان گروه‌های ذی‌نفع می‌شود. اجرای ارزش‌های سهام‌دار، در بلندمدت سهام‌دار روشن فکر در امور بانک و بیمه ابزاری قوی برای برطرف نمودن این تعارض است. این مطلب از حداکثر سازی ثروت سهام‌دار به عنوان نشان‌گری کلیدی از موفقیت شرکت فاصله می‌گیرد. به هر روی حقوق مالکانه سهام‌داران به عنوان مهم‌ترین بخش به هزینه ذی‌نفعان دیگر تخصیص داده می‌شود. برای مثال به کارکنان حقوق مالکیت مادی داده نمی‌شود و حضورشان را در شرکت از طریق مشارکت، وفاداری و الزامات بلندمدت تصریح خواهند کرد.^۱ شناسایی منافع ذی‌نفعان دیگر در شرکت به طور گسترده‌ای متفاوت است. ولی پراکندگی مالکیت به گونه‌ای ذاتی به عدم پذیرش اولویت سهام‌دار منجر نمی‌شود. در عوض تاکید پژوهشگران بر ارزش سهام‌دار به این معنی است که نیاز به دقت بیشتری نسبت به گروه‌های ذی‌نفع یعنی دست‌هایی با احتیاج توجه عمیق‌تر می‌باشد. قدرت و اختیار سهام‌داران سوالات و ابهام‌ها را پیرامون روش سرمایه‌گذاری و مسئولیت‌های مرتبط با آن افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذاران نهادی و صندوق‌های بازنشستگی قدرت خویش را برای ارتقای راهبردهای سرمایه‌گذاری بلندمدت به کار خواهند برد با این وجود نگرانی‌ها افزایش می‌یابد که آیا منافع آن‌ها به وسیله فشارها و سرمایه‌گذاران دیگر که نام برده نشده‌اند همچنان مهم باقی می‌ماند یا خیر؟

^۱ Lazar, Sian. *Corporate Structure, Finance and Operations: Essays on the Law and Business Practice*, p.14

در دهه‌ی نود سرمایه‌گذاران نهادی برای معامله به مأخذ مزایا براساس هزینه اهداف برنامه‌ریزی مالی بلندمدت و ارتقای محیط خطر جویی مسلط و تبادل سهام تشویق می‌شدند. دنبال نمودن فلسفه عملی سهام‌داری در یک حجم بالای معاملات اوراق بهادار نشان داد که سرمایه‌گذاران نهادی و صندوق‌های بازنشستگی به طور فزاینده‌ای برای انتقال ارزش سهام‌دار در طولانی‌مدت به کارکردهای شرکت بوده ولی مورد رقابت با تعداد کمی از عمل‌گرایان قرار گرفته‌اند. در طولانی‌مدت این مطلب شفافیت و قابلیت تحمل را در شرکت‌های عمومی تقویت می‌کند. اگر مفهوم نسبی حداکثرسازی ثروت سهام‌دار حذف شود، رویکرد ذی‌نفع‌محور جدیدی برای پیشرفت مورد نیاز خواهد شد. سابقاً مدیران و سرمایه‌گذاران نگرانی‌های خویش را در تغییرات توسعه‌ای شرکت بیان می‌کردند لذا منافع تقسیمی در جهت هزینه‌های تعقیب این هدف به کار گرفته می‌شد که سایر ذی‌نفعان آن را تحمل می‌کردند. ولی در حال حاضر تعداد کمی از کنش‌گران و عمل‌گرایان نهادی وجود دارند که بر این دیدگاه صحنه گذاشته و آن را اجرا کنند.

بیان ذی‌نفع در جهت ایجاد تنوع بسیار زیاد در شرکت‌های بیمه و بانک دیده می‌شود که همراه با اولویت اعطایی قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران به سرمایه‌گذاران نهادی می‌باشد که این سرمایه‌گذاران به نحو چشمگیری بیشترین حضور را در امورات شرکت دارند. مباحث پیرامون الگوی ذی‌نفعان بدین صورت است که این گروه‌ها چنان‌که سابقاً بیان گشت هم‌تراز نیستند. نگرانی‌ها و اهداف تعقیبی در هنگام دفاع از این منابع موجب ایجاد شناختی گسترده و مثبت می‌شود که سهام‌داران و سرمایه‌داران نهادی دارای موقعیت بهتر برای پیشبرد منافع ذی‌نفعان نیستند. به هر روی حقوق شرکت‌ها، مقررات و تنظیم دیگر ابزارهای حامی ذی‌نفع دنبال می‌شوند تا توانایی آن‌ها برای حل تعارضات گفته شده سنجیده شود.

۱ Ibid, p.59 .

نتیجه گیری و پیشنهادات

در این قسمت ضمن مرور کل تحقیق مطالب به صورت تطبیقی تمام بخش‌ها می‌آید و هدف اصلی این قسمت یعنی نتیجه‌گیری به طور کامل بیان می‌شود در انتها نیز پیشنهاداتی در راستای اصلاح بیان می‌گردد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

سازمان، بنگاه، موسسه و شرکت همگی لاقلاً در ویژگی هدف‌دار بودن و تشکیلاتی عمل کردن مشترک است ولی در ادبیات اقتصادی حقوق، شرکت و بنگاه دارای بیشترین کاربرد هستند. بانک و بیمه به فراخور مباحث تقریباً از هر چهار اصطلاح استفاده شده است چنان که براساس قانون تشکیل بانک و بیمه در قالب شرکت ممکن است. با این حال در موارد متعددی اصطلاحاتی چون مؤسسات مالی بیمه نیز شنیده می‌شود. شرکت‌ها مرکزیت و قدرت اقتصادی دارند و به همین جهت امروزه به بازیگران یک‌تاز عرصه‌ی اقتصادی بدل شده‌اند. در بیان این شرکت‌ها بی‌شک شرکت سهامی عام و در ادامه‌ی آن، بیمه و بانک به جهت تعداد فراوان معامله‌گران مرتبط با آنها دارای بیشترین اثر هستند به خصوص برای نظامی که کاملاً بانک‌محور می‌باشد. شرکت‌ها دارای چنین قدرتی هستند که این قدرت نیز ناشی از ممیزه‌های مختلفی است که در طول دوران مختلف به جهت نیازها و ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی برای آنها وضع شده است از جمله‌ی این ممیزه‌ها، شخصیت حقوقی مسئولیت محدود و مدیریت متمرکز می‌باشد. مدیریت متمرکز در راستای این نیاز به وجود آمد که سهام داران نیاز به کنترل عوامل اجرایی خویش را احساس کردند و لذا در این جهت، هیأتی را تشکیل دادند که مرکب از ایشان بود که هیأت‌مدیره نام گرفت این ویژگی باقی ماند و در قوانین رسوخ کرد چنان که هنوز عضویت شخص غیر سهام‌دار در هیأت‌مدیره پذیرفتنی نیست. شرکت به خصوص نوع سهامی آن در ادامه صنوف به وجود آمد که سرمایه‌های خود را جمع‌آوری می‌کرد. نیاز فراوان به این سرمایه‌گذاری‌های کوچک را برای سرمایه‌گذاری در شرکت تشویق می‌کند. همین ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی و معیشتی سیر تکامل نظام بانک‌داری

و بیمه را نیز به وجود آورده است که در این دو نهاد به خصوص بانک‌ها، به عنوان تأمین کنندگان مالی سایر بنگاه‌های اقتصادی به گونه‌ای مؤکد، نیاز به جمع‌آوری سرمایه‌ی خرد و متوسط را که مردم می‌باشد لذا قالب سهامی عام برای آن‌ها برگزیده شده است. اما بانک و بیمه برای جمع‌آوری وجود کوچک تنها سهام‌داران به عنوان مالکان را ندارند بلکه ایشان به عنوان صنعتی که خدمت ارائه می‌کند با اشخاص دیگری نیز مواجه اند. این نهاد شرکت همان است که امروزه آن را شرکت مدرن می‌خوانند که در نتیجه‌ی نیازهای تاریخی این سیر را طی کرده است. اما شرکت لاقط در حقوق ایران دارای مفاهیم دیگری نیز می‌باشد. در قانون مدنی اجماع حقوق ملاک هم شرکت نام گرفته است و شرکت قانون تجارت هم در این راستا عقد نام گرفته است. همین تشابه و رویکرد سنتی موجب شد که هنوز هم در ایران شرکت به معنای واقعی موجود نباشد چه اینکه وقتی به تاریخ ایران نگاه شود اولین بانک‌ها و بیمه‌ها حتی آن‌ها که نام سهامی عام به خود گرفته‌اند دولتی و لذا تک شریک بوده‌اند، حالتی که در تعارض کامل با عام بودن است. به هر روی ممیزه‌های شرکت‌های مدرن مانع از آن است که در تحلیل آن به قواعد عمومی معاملات و عقد بودن شرکت رجوع شود. درست است که شرکت از عقد به وجود می‌آید اما اثر حاصله بسیار با عقد متفاوت است چه این که این اثر یک شخصیت حقوقی است که به اعتبار دولت به وجود می‌آید و لذا شرکت اعتبار یک وضع حقوقی است. این مبانی و نیز تئوری‌های دیگر می‌بایست به طور کامل در شرکت‌ها شناخته شود. به همین تشابه در بانک‌ها هم همین ضرورت وجود دارد تا اصلاح قوانین آگاهانه باشد عدم شناخت این مبانی موجب انتقاد فراوان و تند به هر دو لایحه‌های اصلاحی قانون تجارت و بانک شده است.

مبنای دیگر لازم برای درک شرکت‌ها این است که انتقال کاربرد واژگان از شرکت به بنگاه در برخی متون در حال انجام است که به جهت افزایش زمینه ادراک عمومی از شرکت‌ها به عنوان بازیگران فعال و قدرتمند اقتصادی می‌باشد شاید به همین دلیل باشد که کمتر کسی شرکت بانک را شنیده باشد. حال آن‌که عباراتی چون صنعت بانک، صنعت بیمه، بنگاه‌های اقتصادی بزرگ به کرات شنیده می‌شود. اصولاً حرکت از شرکت به عنوان کلمه‌ای با پسوند تجاری و به معنی بازیگر حیثه‌ی خصوصی به کلمه

بنگاه با پیوند اقتصادی و به معنی بازیگر حیطه‌ی عمومی خود حاکی از لزوم تغییر نگرش به این نهاد و ماهیت می‌باشد.

مبنای دیگر در جهت درک شرکت‌ها این است که این نهادها نقش مهمی در تولید ثروت ایفا می‌کنند و به این دلیل برای درک آنها از تحلیل‌های اقتصادی بهره گرفته می‌شود. در این راستا، تئوری‌هایی بیان گشته است که هر یک از منظری به شرکت می‌نگرند از جمله این تئوری‌ها، تئوری هزینه معاملات، حق مالکیت بنگاه و تئوری شبکه‌ی قراردادهاست. در تئوری هزینه معاملات، ماهیت پیدایش آن، مزیت در کاهش هزینه‌ها می‌باشد. در تئوری شبکه قراردادها، شرکت مجموعه‌ای از قراردادهای متصل به هم است که نمایندگی می‌شوند تا خروجی مناسب به دست آید. در تئوری نمایندگی نیز که جنبه‌ای از تئوری شبکه‌ی قراردادها است و در این قراردادها، قرارداد مرکزی، قراردادی است که مدیریت شرکت را به دست مدیران می‌سپارد و به نوعی موجب تفویض اختیار به ایشان است.

شناخت شرکت تنها از بعد مبانی اقتصادی برای درک کامل آن کفایت نمی‌کند بلکه لازم است از بعد حقوقی نیز ماهیت آن مشخص گردد. در این راستا همچون سایر رشته‌های حقوقی دو جنبه‌ی حقوق عمومی و حقوق خصوصی مطرح است و این بحث به بحث با سابقه‌ی طولانی اصالت فرد و یا اجتماع باز می‌گردد. به هر روی طرفداران اصالت اجتماع، سعی در آوردن شرکت به حوزه‌ی حقوق عمومی دارند تا بتوانند آن را به عرصه‌ای برای جولان مقررات و نظارت دولت بدل کنند. و در مقابل طرفداران اصالت فردی، به اراده اهمیت داده و تحدید آزادی آن را با هیچ وسیله‌ای قابل توجیه نمی‌دانند. در این راستا عموماً نظریات قراردادی سعی در رهایی از دخالت‌های دولت دارند و اندیشمندان آن نظریه‌های قراردادگرایی حقوقی و اقتصادی و شبکه‌ی قراردادها را مطرح کرده‌اند. شبکه‌ی قراردادها نسبت به دو نظریه‌ی دیگر تنها در حالت کاستی بازار دخالت دولت را می‌پذیرد، حال آن‌که آن دو اساساً با دخالت دولت مخالفند. به هر حال، این واقعیت وجود دارد که آزادی اراده بیش از حد موجب می‌شود که این شرکت‌ها از تمرکز نظارت به دور روند و لذا کمتر تهدیدآمیز به نظر آیند و نتیجه‌ی آن حالتی شود که امروزه در ایران از ضرورت نظارت حتی بر شرکت‌های سهامی خاص سخن گفته شود. در تئوری‌های طرفدار دخالت دولت، تئوری‌های اجتماعی شرکت را صرفاً ابزاری دولت می‌دانند که بیشتر در کشور

های کمونیستی قابل مشاهده است. در این جا شرکت ابزاری در راستای ارتقای رفاه عمومی و در خدمت دولت می باشد. به هر حال، تداخل بیش از حد شرکت با دولت و نتیجتاً سیاست موجب پراکندگی اهداف و از دست دادن قدرت تجاری می شود. نظریه‌ی دیگر نظریه‌ی امتیاز انحصاری است که موجودیت شرکت را به عنوان امتیازی اعطا شده از سوی دولت مفروض می دارد. این همان چیزی است که حقوق-دانان داخلی بیان داشته و تأیید و اعطای دولت را یکی از ارکان اصلی و سازنده شرکت دانسته‌اند به هر روی، با تئوری امتیاز انحصاری به سهولت می توان دارا بودن شرکت از بنیادی اجتماعی را توجیه کرد. وقتی قرار باشد این تئوری‌های حقوقی بر ساختار بانک و بیمه اعمال شود و به خصوص نقش اصلی آن-ها به عنوان مرکزیت کنش‌گران اقتصاد کشور ملاحظه شود. بی شک این نظریات عمومی بودن شرکت است که تقویت می شود حتی بدون توجه به ماهیت خاص بانک و بیمه تأثیرات اقتصادی آن‌ها، سهامی عام خود نشان از عمومی بودن داشته و ارتباط با جامعه را به گونه‌ای بدیهی نمایان می کند.

عمومی بودن شرکت و این که نهادی در راستای رفاه اجتماعی است موجب می شود که هدف آن‌ها نیز برخلاف روند معمول بر شرکت‌های مدنی تنها حداکثر سازی ثروت اعضا نباشد، بلکه ملزم باشند در راستای اهداف جامعه قدم بردارند. تصور این که بانک و بیمه به خصوص در حقوق ایران با وجود بانک و بیمه های دولتی و نیمه دولتی می بایست در راستای حداکثر کردن سود برای سهام داران خود حرکت کنند محال بوده و به معنی عدم توجه به خیل عظیمی از اشخاص و مالکان واقعی این دو یعنی بیمه-گذاران و سپرده گذاران می باشد. مطلبی که تصور آن ضربه‌ی شدید به پیکره‌ی نهادهای مالی و در نتیجه، کل اقتصاد وارد می کند. مبانی شرکت ها بیان می دارد که شرکت‌ها باید کارآمد باشند و موجبات افزایش ثروت در جامعه را فراهم کنند. یکی از اصلی ترین وجود کارایی در شرکت، کاهش هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی است که در ظرف حقوق شرکت‌ها به معنی کاهش هزینه‌های نمایندگی و در نتیجه، جلوگیری از تعارض منافع است تا منافع افراد مختلف همسو شده و در نتیجه، نظامی متعادل شکل گیرد. قانون گذار با اعطای ویژگی‌ها و ممیزات مختلف به شرکت‌ها سعی در متعادل نمودن منافع متعارض عواملان اقتصادی دارد. این ممیزات با ساختارهای خاص سهامی عام با سهام با نام در بانک و بیمه به اوج خود می رسند چه این که این دو به عنوان تأمین کنندگان مالی کلان اقتصادی و در رأس اساس از مثلث توسعه، نقش

قابل توجهی را در کانون اقتصاد هر کشور بازی می‌کرده و به راحتی می‌توانند موجب تعادل شده و یا ضربه‌ای کوچک اختلالی عظیم را موجب شوند.

عمومی بودن شرکت علی‌الخصوص بانک و بیمه و مسائل ناشی از این عمومیت و بزرگ بودن هم- چون ساختارهای مدیریت و سهام‌داران موجب شده که توجه خاصی به آن‌ها لازم باشد. در این راستا، اصول و مبانی و فرایند حاکمیت شرکتی به عنوان یک تئوری جامع پیشنهاد شده است که در آن، از رعایت حقوق ذی نفعان، تساوی میان سهام‌داران و عدالت، به عنوان اصولی اساسی نام برده شده است.

در کنار همین اصول و به‌عنوان زیر مجموعه‌ای از حاکمیت شرکتی و در ادامه مباحث جدایی کنترل از مالکیت و مسائل نمایندگی تئوری ذی نفعان مطرح شده است که تئوری جامع و کاملی می‌باشد، چرا که با توجه به هدف رفاه اجتماعی، شرکت دارای مبانی و نکاتی است که همچون مباحث راهبری شرکتی در راستای کاهش تضاد منافع و عدالت به عنوان غایت سیر می‌کند. این تئوری هر شخص یا گروهی که تحت تأثیر یا تأثر فعالیت شرکت است را ذی نفع قلمداد کرده و شرکت را در برابر آن‌ها مسئول می‌داند و نهایت کلام این‌که اگر شرکت این اشخاص را مدنظر قرار ندهد که در واقع نیز سود- جویی و نفع طلبی مانع از این توجه می‌شود، باید چاره را در تنظیم دید.

اشخاص و گروه‌های متعددی مشمول ذی نفعان شرکت می‌شوند که بسته به شرکت‌های مختلف، تعداد و درجه‌ی امیت آن‌ها فرق می‌کند. این ذی نفعان را برای راحتی شناخت، به دو گروه ذی نفعان درونی و بیرونی تقسیم کرده‌اند. ذی نفعان درونی شامل سهام‌داران، کارکنان، طلبکاران، مدیران، مشتریان، عرضه کنندگان و تأمین‌کنندگان مالی دانسته‌اند. ذی نفعان بیرونی نیز شامل محیط، جامعه، حکومت (دولت)، اتحادیه، رقبا و رسانه دانسته‌اند. در بانک و بیمه نیز اصولاً با همین ذی نفعان مواجه هستیم و گاه به جهت اهمیت و یا نوع فعالیت، ذی نفعی مهم‌تر بوده و یا ذی نفعی افزوده می‌شود. به هر- روی، تمام اشخاص تحت تأثیر و تأثر فعالیت‌های بیمه‌ای و بانکی، ذی نفع تلقی می‌شوند. در ساختار اقتصادی ایران به جهت بانک محور بودن و اهمیت اقتصادی بیمه و بانک، دولت یک ذی نفع فوق‌العاده مهم می‌باشد به خصوص این‌که در اقتصاد دولتی، از طرف دیگر، تمام مردم ذی نفع هستند، چراکه استفاده‌کننده‌ی خدمات و محصولات بوده و هم‌چنین، مالک واقعی هستند که دولت به نمایندگی از آنها

مالکیت می‌کند. مشتریان و اخص از آنها، بیمه‌گذاران و سپرده‌گذاران، ذی‌نفع اصلی بانک و بیمه در اقتصادهای غیردولتی هستند. این گروه از اشخاص حجم عظیم سرمایه‌ی شرکت و چندین برابر بیشتر از سهام‌داران را تأمین می‌کنند. به هر روی مشتریان دارای حق انتخاب هستند و با این حق انتخاب، ایجاد رقابت میان بانک‌ها و بیمه‌ها می‌کنند و نیاز متقابل بین ایشان و بانک و بیمه وجود دارد، چه این‌که ایشان نیازمند خدمات این دو نهاد بوده و متقابلاً بانک و بیمه و به‌طور کلی اقتصاد نیازمند جمع‌آوری این وجوه خرد در جهت به‌کارانداختن پروژه‌های عظیم می‌باشد. اهمیت توجه به ذی‌نفعان و گستردگی آنها در بانک و بیمه به حدی است که سرمایه‌گذاران بالقوه هم ذی‌نفع تلقی شده‌اند. نقش رقبا و ذی‌نفع بودن آنها در بانک و بیمه به‌گونه‌ای کاملاً مستقیم قابل تصور است، زیرا در این‌گونه بنگاه‌های مالی رقابت تا مرحله‌ی حذف معنا ندارد، چراکه با حذف و یا ورشکستگی یک شرکت بیمه و یا بانک، تشویش کل سیستم را فراگرفته و مشتریان را به اقدامات پیشگیرانه رهنمون می‌سازد؛ اقداماتی هرچند کوچکند، اما تأثیرات شگرفی بر اقتصاد و ثبات مالی می‌گذارند. نقش مدیران عامل با توجه به جایگاه خاص آنها در بانک و بیمه به عنوان ذی‌نفع بسیار قابل توجه است. از دیگر ذی‌نفعان بانک می‌توان به معامله‌گران ارزی بین بانکی اشاره کرد و یا در بیمه عرضه‌کنندگان و متقاضی بیمه به عنوان بیمه‌گذار بالقوه نام برد.

حتی برای تئوری ذی‌نفعان نیز مبانی آورده شده است. این مبانی را اخلاقی، حقوقی و اقتصادی دانسته‌اند. مبنای حقوق تئوری بیان می‌دارد اصل آزادی اراده است و لذا قراردادها دارای اثر نسبی هستند و نباید به حقوق ثالث تجاوز نمایند. این از سمت منفی و سلبی مبنای حقوق هستند. از بعد مثبت می‌بایست در برخی قراردادها و مقرره‌ها حقوق ثالث منظور شود و برای آنها نیز حق و حقوقی قائل شد. در قواعد مسئولیت مدنی نیز حرکت در راستای شناسایی مسئولیت‌های مطلق در جهت حمایت از ذی‌نفع و ثالث می‌باشد. مبنای اقتصادی تئوری بیان می‌دارد شرکتی که در راستای منافع ذی‌نفعان خود گام بردارد و آنها را همواره و به خصوص در تصمیم‌گیری‌ها مد نظر داشته باشد. این تصمیمات نهایتاً موجب حداکثرسازی ثروت کل شرکت می‌شود. هرچند شاید در کوتاه‌مدت چنین چیزی مشاهده نشود اما به هر روی، ثبات در تمام مراحل قابل مشاهده است. رویکرد اخلاقی و هنجاری به تئوری به عنوان مهم‌ترین مبنای تئوری ذکر شده است و بیان شده ذی‌نفعان دارای ارزش ذاتی هستند خواه در بلندمدت

و یا کوتاه مدت به شرکت سود برسانند یا نرسانند و این وظیفه‌ی شرکت است که حقوق اشخاصی که به طرق گوناگون با آن ارتباط دارند را ملحوظ کند.

در مرکزیت علل توجه به تئوری ذی‌نفعان مسأله‌ی تعارض منافع وجود دارد که با مسأله‌ی نمایندگی به هم پیوسته می‌باشند. مسأله‌ی نمایندگی از این ناشی می‌شود که در شرکت به علت حجم کار و عدم تخصص سهام‌داران، مدیریت آن به اشخاص متخصص تفویض می‌شود. در این جا به جهت این که رفاه این سهام‌داران به رفتار این متخصصان و مدیران بستگی دارد، مسأله‌ی نمایندگی رخ می‌دهد و به هر روی، نماینده به جهت اطلاعات بیشتری که دارد، قدرت بیشتری نیز داشته و راه برای سوءاستفاده‌های وی باز است، به خصوص در جایی که در مقام انتخاب دو منفعت باشد، بی‌شک نفع بیشتر برای خود می‌طلبد و مشکل نمایندگی بروز می‌کند. مشکل نمایندگی و هزینه‌های فراوان کنترل نماینده موجب توجه به تئوری راهکارهای حل تعارض منافع و روی آوردن به رویکردهای جامع‌تر شده است. این مسأله، به عنوان مهم‌ترین مشکل نمایندگی همواره میان علمای اقتصاد در حقوق و مدیریت مورد بحث بوده است، اما این مسأله، تنها میان مدیران و سهام‌داران به وجود نمی‌آید، بلکه در میان سایر گروه‌های ذی‌نفع و در درون گروه‌های ذی‌نفع نیز مسأله‌ی نمایندگی به وجود می‌آید که اصولاً ناشی از نفع‌محوری هر شخص می‌باشد. در درون گروه ذی‌نفع، مهم‌ترین مسأله، تعارض منافع میان سهام‌داران است که گاهی هم از بعد مفهوم دقیق حقوقی کلمه یک تعارض اصیل اصیل می‌باشد. این مسأله، اصولاً ذیل عنوان حمایت از سهام‌داران اقلیت مورد بحث می‌گردد. به هر روی، دادن مشروعیت به اکثریت و به عبارتی دموکراسی شرکتی از لوازم و ابداعات حقوق شرکت‌های مدرن می‌باشد که ماده ۲۴ لایحه‌ی قانونی که سهم را مشخص مشارکت و منافع اشخاص تعریف می‌کند نیز بر آن صحنه می‌گذارد. این مسائل و مشکلات نمایندگی و تعارض موجب شد تا قانون‌گذاران در جهت رفع آن اقدام کنند و روی به وضع مقررات امری بیاورند، لذا هر چند قانون‌گذار ایران در مقام وضع قوانین به تئوری ذی‌نفعان به عنوان مفهوم واقعی تئوری توجه نداشته اما از نتایج و لوازم آن به جهت حفظ حقوق ثالث و جامعه توجه داشته است و این نتایج راهکارها استخراج می‌شوند تا مقنن در هنگام اصلاح قوانین به آن‌ها و نقش مفید آن‌ها توجه داشته باشد و موجب حذف ناخواسته قرار نگیرند و از سوی دیگر، به‌وسیله‌ی آن، تئوری

ذی‌نفعان در قلمرو قانون شرکت‌ها به تحلیل در آید. حقوق مدنی در جهت حمایت از ذی‌نفعان و جلوگیری از مسأله‌ی نمایندگی راه حل عزل وکیل، عدم اجازه‌ی معاملات خارج از اذن و دعوی مسئولیت را پیش‌بینی کرده است، اما واقعیت این است که این راهکارها حتی اندیشمندان سستی حقوق را راضی نکرده و آنها در جهت رفع این مشکلات به تئوری نمایندگی ظاهری روی آورده‌اند حال چه برسد به این‌که در شرکت بخواهد اعمال شود. اعمال این راهکارها در شرکت ابدأ امکان‌پذیر نیست چه این‌که شرکت، روزانه قراردادهای متعددی را منعقد می‌کند و فرصت ابطال و عدم نفوذ وجود ندارد و هم‌چنین پیگیری در جهت ابطال و دعوی مسئولیت دارای هزینه‌های فراوانی می‌باشد. از سوی دیگر لازمه تجارت و شرکت سرعت است و این راهکارها به هیچ وجه پاسخ‌گوی این نیاز نیستند. به همین جهت حقوق شرکت‌ها در قوانین مجزا به ارائه راهکارهایی پرداخته است از جمله این راهکارها که در جهت حمایت از سهام داران اقلیت می‌باشد. سیستم رأی‌گیری و ادغامی، حق اقامه دعوی و دعوت توسط اقلیت معین، شناسایی سهام ممتاز، سهولت نقل و انتقال سهام، شناسایی حق تقدم در خرید سهام جدید و نیز تعیین حد نصاب‌های بیشتر جهت تصمیمات مهم تر و به خصوص مربوط به قرارداد ابتدایی. این راهکارها در بانک و بیمه نیز اندیشیده شده است، جدای آن‌که در موارد سکوت همین مقررات حاکم در قوانین خاص نیز آمده‌اند و حتی به جهت ماهیت خاص بانک و بیمه با تأکید و سخت‌گیری بیشتری وضع گشته است. از جمله آنها مقررات منع ایجاد ذی‌نفع واحد و مقررات کنترل نقل و انتقال سهام جهت جلوگیری از ذی‌نفع واحد می‌باشد.

در جهت حل تعارض منافع میان مدیران و سهام‌داران، حقوق شرکت‌ها راهکارهای عزل و نصب مدیران توسط مجمع سهام‌داران، منع دریافت وام از شرکت و معامله و رقابت با شرکت را مقرر کرده است و سعی کرده با شیوه‌های تنبیهی هم‌چون مسئولیت‌های کیفری و حقوقی و شیوه‌های تشویقی نظیر پاداش‌ها در جهت جلوگیری از تعارض منافع گام بردارد.

مواد لایحه‌ی قانونی و قانون تجارت در جهت جلوگیری از ایجاد تعارض میان گروه‌های مختلف ذی‌نفعان، راهکارهای آگهی تصمیمات، عدم امکان محدود کردن اختیارات مدیران شرکت‌ها، بقای تعهدات شرکت و بازرسی و حسابداری را اندیشیده است. یکی دیگر از این راهکارهای مالی، تعهدات

شرکت پیرامون سود و سرمایه است. که می‌بایست حداقل معینی از سرمایه موجود باشد و بخشی از سود تقسیم نشده، ذخیره گردد. این مقررات در بانک و بیمه با شدت بیشتری اعمال می‌شود به طوری که حداقل اندوخته‌ی قانونی به میزان صددرصدی سرمایه می‌باشد و میزان تعهد سرمایه هم بیشتر می‌باشد. هم‌چنین حداقل سرمایه‌ی این دو قابل مقایسه با سایر شرکت‌ها نمی‌باشد.

اما واضح است که حقوق شرکت‌ها که قوانین آن با آیین‌نامه‌های تشکیل و تأسیس شرکت به هم آمیخته و مقررات آن پیرامون حد نصاب‌ها، نحوه‌ی دعوت و تصمیم‌گیری است، توان آن را ندارد که به طور کامل مباحث پیرامون شرکت‌ها به عنوان ابزاری در جهت مصالح عمومی و اجتماعی را پوشش دهد. لذا لازم است تا این مقررات اصلاح شوند و به خصوص به جهت عمومی بودن شرکت‌ها، نقش مقررات تنظیمی نیز به خوبی مورد عنایت قرار گیرد. در این راستا، دولت به جهت ضمانت نگرهبانی اجتماعی و مسئولیت تعادل و توازن جامعه از مقررات معاملات و حوزه‌ی خصوصی صرف‌نظر می‌کند و انواع مقررات اقتصادی را وضع می‌نماید. فلسفه‌ی وضع این مقررات علاوه بر مسائلی نظیر عمومی و ابزار رفاه جمعی بودن شرکت، بی‌شک کاستی‌های بازار حقوق خصوصی است که بخش اعظم آن ناشی از مسائل ضعف اطلاعات و عدم شفاف‌سازی می‌باشد از جمله‌ی این مقررات، مقررات حقوق رقابت هستند که یکی از منصفانه‌ترین ابزارهای نظارت اجتماعی بر اقتصاد هستند که با هدف پرهیز از تمرکز قدرت اقتصادی در تعداد محدودی شرکت وضع می‌گردند. جنبه‌ی دیگر مقررات عمومی حقوق عمومی بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار است. از آن‌جا که مقررات شرکت‌ها نمی‌تواند مانع از سوء استفاده‌ها شود لذا قواعد امری و ماهیت حقوق عمومی بازار بورس از این سوء استفاده‌ها جلوگیری کند که مفهوم اصلی آن، مقررات امری آن مربوط به افشای اطلاعات می‌باشد که صادر کننده‌ی این اوراق را ملزم می‌کند تا اطلاعات مالی را در اختیار عموم قرار دهد. در قواعد حاکم بر اوراق بهادار مقررات حقوق عمومی و خصوصی به هم آمیخته‌اند تا عدالت را به نحو دقیق تأمین کنند. به هر روی، مقررات بورس و شرکت‌ها به خصوص شرکت‌های سهامی عام می‌بایست مکمل همدیگر باشند و تاجایی که وارد مرحله‌ی عمومی نشده‌اند تابع مقررات خصوصی اما به محض ورود به حوزه‌ی عمومی مسائل حقوق عمومی و دخالت دولت و تنظیم مطرح می‌شود. در ورای این مقررات عمومی و هم‌راستا با آن‌ها، تئوری ذی‌نفعان مطرح

گشته است که ضمن دارا بودن تمام مبانی و بنیان‌های مورد نیاز و ضروری گفته شده، راهکارهای حل تعارض و تنظیم را در درون خود گرد آورده است. این تئوری با این بیان که شرکت باید به همه ذی‌نفعان توجه کند و مسائل نمایندگی مانع از این مورد است، دخالت دولت را توجیه می‌کند، چه اینکه هدف شرکت را تأمین منافع تمام گروه‌های ذی‌نفع می‌داند و این هدف جز با پیگیری سیاست‌هایی که فعالیت‌های مولد و خلاق و رقابتی را در اقتصاد جامعه ترویج و تشویق نمایند، عملی نخواهد بود. به هر روی، حقوق شرکت‌ها پیش از این که رژیم قراردادی باشد، رژیم تنظیمی است که برخاسته از وظیفه و کارکرد اقتصادی دولت‌های امروزی می‌باشد. مطالعه‌ی مقررات امری متنوع شرکت‌های تجاری که در جهت تضمین منافع کلیدی گروه‌های ذی‌نفع نه فقط سهام‌داران وضع گردیده‌اند به روشنی اثبات می‌نماید که ایده‌ی تنظیم، واقعیت حقوقی شرکت‌ها را به شکل جامع‌تری نسبت به ایده‌ی قرارداد، توصیف می‌کند.

در راستای ایده‌ی تنظیم شرکت، دیگر مالکیت خصوصی صرف نیست و سهام‌دار اصطلاحاً نمی‌تواند بگوید آتش زدم به مالم و اصل تسلیط با تهدید مواجه است. این مسأله در بانک و بیمه به عنوان شرکت‌هایی با تأثیرات اقتصادی فراوان و ابزارهای حقوق عمومی دارای اهمیتی دو چندان می‌شود. این شرکت‌ها جدای از این مسائل از ابعاد دیگری همچون نگرانی‌های ذی‌نفعان بابت شرعی بودن و مسائل برون‌سپاری که به جهت وسعت فعالیت می‌باشد، قابل توجه هستند. در همین راستا، مسأله‌ی حمایت از سپرده‌گذاران بسیار قابل توجه است، چرا که در بانک و بیمه تنها سهام‌داران نیستند و بخش اصلی سرمایه و رونق بانک‌داری و صنعت بیمه سرمایه سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران می‌باشند به همین جهت مالک بانک و بیمه نمی‌تواند هر تصمیمی پیرامون نهاد تحت مالکیت خود بگیرد به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری در بانک و بیمه و تشکیل آن‌ها عبور از مالکیت خصوصی و اجتماعی کردن سرمایه می‌باشد که تصمیم‌گیری مطلق پیرامون سرمایه را از مالک می‌گیرد حال با توجه به مسائل نمایندگی و حداکثرسازی سود مسأله‌ی مهم و چالش برانگیزی که تئوری ذی‌نفعان با آن مواجه است نحوه‌ی حمایت از سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران می‌باشد بدین جهت راه حل‌هایی بیان شده است. اولین آن، داشتن نماینده‌ای از سوی سپرده‌گذاران در هیأت مدیره می‌باشد، اما این پیشنهاد با اشکالاتی مواجه است. اول این که تعداد سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران بسیار زیاد است. دوم این که معلوم نیست چنین نماینده‌ای به واقع دلسوز باشد و پس از

مدتی در راستای منافع مدیران حرکت نکند و سوم این که اصولاً چنین نماینده‌ای در مدیریت ضعیف بوده و اطلاعات کافی در اختیار ندارد. راهکار دیگر بیرون کشیدن سپرده‌ها فی المثل در بانک می‌باشد که این راهکار چندان مناسب نیست چه این که زمانی سپرده گذار می‌فهمد که ارزش سرمایه‌ی او با افت بسیاری مواجه شده است. یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی، تشکیل اتحادیه‌ها می‌باشد که در جهت حمایت از اعضای خود حرکت کند، اما خیل عظیم بیمه‌گذاران و سپرده‌گذاران در بانک و بیمه، مانع از تشکیل چنین اتحادیه‌ای می‌باشد چرا که تشکیل چنین اتحادیه‌ای شباهت کامل با یک انتخابات تمام عیار دارد که هرگاه اعضا، هزینه‌ی این انتخابات را به قیاس گیرند خود از تشکیل چنین اتحادیه‌ای پشیمان می‌شوند. راهکار دیگر سپردن کار به حسابرسان خارجی می‌باشد که ایده‌ای مناسب و قابل قبول است. به هر حال، گستردگی و عدم تشکیل اتحادیه‌ها موجب می‌شود که تئوری ذی‌نفعان پیشنهاد شود تا دولت به نمایندگی از سپرده‌گذاران و بیمه‌گذاران مقررات را وضع کند لذا مناسب است دولت خود به عنوان ذی‌نفع و مسئول در قبال ذی‌نفعان در راستای مقررگذاری و تنظیم گام بردارد و با ارتقای حاکمیت شرکتی و اهمیت به همه ذی‌نفعان، موجب افزایش سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت، اعتماد مردم و رشد اقتصادی و در نهایت ثبات گردد. از جمله‌ی این اقدامات، می‌تواند کنترل و نظارت کافی بر این شرکت‌ها باشد. فی المثل شاید برای شرکت‌های خصوصی اصلاح مقررات جهت جلوگیری از سوءاستفاده‌ها کفایت کند و برای شرکت‌های سهامی عام، مقررات بورس و حقوق رقابت، راهگشا باشد اما کنترل و نظارت در بانک و بیمه به جهت انواع ریسک‌ها و خطرات اخلاقی، مستلزم دخالت‌های بیشتر دولت و نظارت می‌باشد که از جمله‌ی آن‌ها مقررات افشای اطلاعات و شفاف‌سازی و نظارت کامل کمیته‌های حسابرسی خارجی می‌باشد. نهایت این که تئوری ذی‌نفعان با ایجاد چنین تنوع گسترده‌ای در بانک و بیمه با اولویت‌های اعطایی به قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران دیده می‌شود تا با استفاده از مقررات تنظیم و دیگر ابزارهای نظارتی، تعارض منافع حل گردد.

پیشنهادات

پیشنهادات در سه راستا بیان می‌گردد. اول در راستای مسائل بنیادین پایان‌نامه دوم پیشنهاداتی به دانشگاه و در نهایت پیشنهاداتی به دانشجویان.

پیشنهادات برخاسته از تحقیق: شود ابتدائاً مشخص گردد که سیاست‌های کلان اقتصادی در کدام راستا هستند. به هر روی، هنجارهای کلان اقتصادی، جایگاه و کارایی انواع حقوق اقتصادی در ایران چندان روشن نیست. اشکالات قانون‌گذاری هم به همین گونه بوده و چندوجهی است. در ادامه لازم است مشخص گردد جایگاه و ماهیت شرکت چگونه است. آیا به شرکت به عنوان یک نهاد عمومی نگریسته می‌شود و یا عقدی است که شرکا در جهت انتفاع و سود به آن مبادرت می‌کنند و قالب شرکت را برای آن برمی‌گزینند. به هر روی، مطالعاتی بنیادین از قبیل تحقیق پیش رو نیاز است تا مانع شرکت‌ها را بررسی کند چرا که نهادی است که به صورت تقلیدی وارد ایران شده است.

پیرامون بانک و بیمه نیز همین تحقیقات بخصوص مبانی اسلامی آنها باید اندیشیده شود. چه این که از بانک‌داری اسلامی و قانون بانک‌داری بدون ربا سخن گفته می‌شود و در این راستا تلاش‌هایی هم شده است اما حقیقت این است که سیر در اندیشه فقها و مراجع عظام و هم چنین اقتصاددانان نشان می‌دهد که نسبت به هر دو جنبه‌ی اسلامی بودن و داشتن مبنا دارای مشکل اساسی می‌باشد. لازم است مطالعات لازم و گسترده‌ی اقتصادی و اجتماعی در خور جامعه جدید ایرانی پیرامون قوانین پیرامون نهادهای مورد نظر اعم از شرکت و بانک و بیمه صورت گیرد. قوانین بورس و شرکت همزادند و فرض این است که قانون بازار و سرمایه ادامه منطقی قانون تجارت در حوزه‌ی شرکت‌ها باشد حال آنکه اینگونه نبوده و هیچ یک از این قوانین با فرهنگ ملی تجارت و سرمایه‌گذاری همخوانی ندارد. لذا لازم است قوانین تجاری با نظام حقوقی ایران تناسب و ارتباط نظام مند داشته باشد. حتی می‌بایست با فرهنگ عمومی نیز هم خوانی داشته باشد. مسأله‌ی دیگر اینکه قانون بورس می‌بایست ارتباط تنگاتنگ لاقبل با مواد قانون شرکت‌ها پیرامون شرکت‌های سهامی عام داشته باشد بلکه باید با قوانین دیگر مانند قانون مالیاتی پولی و بانکی نیز متناسب باشد. و در نهایت اینکه با سیاست‌های اقتصادی کلان هم هماهنگ

باشد. به هر روی، در اصلاحات قوانین و دخالت های دولتی می بایست این انسجام به گونه ای کامل دیده شود که خود از وجود مبانی اقتصادی دقیق و روشن سرچشمه می گیرد.

لازم است در هر شرکت به نحو دقیقی تئوری ذی نفعان پیاده سازی شود و شرکت مدیران به عنوان عوامل اجرایی این ذی نفعان را شناسایی کنند و برای آنها ارزش ذاتی قائل شوند. حقوق قراردادها و مسئولیت مدنی نیز همگام با مسائل اقتصادی به سمت رفاه اجتماعی در حال حرکت است. به هر روی، لازم است قوانین موجود با اولویت قوانین مالی در این راستا گام بردارند و به خصوص به حمایت ثالث پردازند و مواد قانونی خود را از ماده هایی که به حقوق شخص ثالث ضرر می زند پالایش کند.

آیین نامه حاکمیت شرکتی توسط بورس تدوین شده و برای شرکت های بورس به اجرا گذاشته شده و شرکت های غیر بورس نیز به خصوص بانک با توجه به رهنمودهای حاکمیت شرکتی در راستای اصول آن به خصوص توجه به ذی نفعان، شفاف سازی، عدالت و تساوی حقوق سهام داران حرکت کرده اند اما ابتدائاً وجود این مقررات در حد آیین نامه و الزام آور بودن برای اندکی از شرکت ها کافی نیست. لذا لازمی مقررات به طور کلی در راستای حمایت از همه ذی نفعان اصلاح شود و برای شرکت های خاص روند تنظیمی و کنترل سخت تری پیش بینی گردد. مسأله ای دیگر پیرامون بانک و بیمه عدم وجود مرجع واحد برای مسائل مشترک حاکمیت شرکتی آنهاست چنان که شورای پول و اعتبار و بیمه ای مرکزی هر دو مقرره های مشابهی پیرامون مسائل تئوری ذی نفعان صادر کرده اند. برای مثال، شناسایی کارکنان کلیدی در بیمه و یا افشای اطلاعات مواردی است که می تواند بین هر دوی بانک و بیمه مشترک باشد لذا لازم است به دو علت اساسی اولاً، جلوگیری از موازی کاری و کاهش هزینه ها و ثانیاً اهمیت برابر و فرهنگ سازی نقش برابر بانک و بیمه در بازارهای مالی و نیز انتقال تجربیات به خصوص از بانک ها به بیمه ها، نهادهای مقرر گذاری این دو تا حد مشترک یکسان و واحد شوند و تنها مسائل اختصاصی به این نهادهای تخصصی بانک و بیمه واگذار گردد. در نهایت پیشنهاد می شود در لایحه و پیش نویس آیین نامه حاکمیت شرکتی و یا در لایحه جداگانه ای موارد ذیل مورد عنایت جدی قرار گیرد:

-اصلاح ساختار مالکیت بیمه و بانک ها و کاهش تمرکز مالکیت

-توجه به حقوق سهام‌داران اقلیت و برخورد منصفانه با سهام‌داران

-گسترش سرمایه‌گذاری نهادی

-شفافیت مالی و افشای اطلاعات بانک(شامل گزارش‌گیری مالی سستی، گزارش کمیته حسابرسی به

مجمع عمومی و.....)

-استقرار سیستم‌های حسابداری بانکی و کنترل‌های داخلی کارآمد(شامل کمیته حسابرسی متشکل

از اعضا هیأت مدیره غیر موظف و حسابرسی داخلی مناسب و.....)

-اصلاح ساختار و وظایف و اختیارات هیأت مدیره غیر موظف، و مدیر عامل توجه به روابط ذی-

نفعان شرکت

پیشنهادهایی برای دانشگاه : در راستای روش تحقیق مهمترین مشکل در حال حاضر آیین نامه

نحوه نگارش پایان‌نامه است که لازم و ضروری است که شورای محترم تحصیلات تکمیلی هر چه

سریع‌تر در صورت صلاح‌دید پیرامون اصلاح آن گام بردارد. واقعیت آن است که آیین نامه‌ای که الزام در

استفاده از منابع انگلیسی می‌کند ولی نحوه‌ی ارجاع به آن را توضیح نمی‌دهد خود نشان از نقص است،

به‌خصوص که پیرامون روش ارجاع به یک فصل، مقالات با تعداد نویسندگان متعدد، ارجاع به منابع

تصویری و نیز راهکاری ارائه نمی‌دهد. با تمام این موارد در حال حاضر روش ارجاع دستی اثری جز

گرفتن انرژی محقق ندارد لذا توصیه می‌شود در این راستا یک شیوه‌ی مأخذ‌های معروف مشخص گردد و

یا شیوه‌ای منحصر به فرد طراحی گردد.

مسأله‌ی دیگر این است که حجم بالای دانشجوی کارشناسی‌ارشد و تعداد رشته‌های جدید

دانشگاه به گونه‌ای که حدود پنجاه درصد از رشته‌های تحصیلات تکمیلی موجود را دانشگاه علوم

قضایی به عنوان دانشگاه منحصر به فرد در کشور ارائه می‌دهد حال آنکه کتابخانه در این راستا تنها در

گرایش‌های کلاسیک دارای منابعی غنی می‌باشد. به هر روی، پیرامون این مسئله نکته فراوان است و این

بیان کفایت می‌کند که می‌بایست امکانات افزایش یابد، اگر هدف پژوهش و کمک به کشور اسلامی ایران

است.

در تمامی موارد لازم است ارتباط با دادگاه‌ها جهت تسهیل دستیابی به آمار و پرونده‌ها آسان گردد. برای مثال در جهت لزوم ارائه‌ی راهکاری برای حل تعارض منافع میان سهام‌داران و مدیران و یا سهام‌داران اقلیت و اکثریت لازم است دسترسی به تعداد پرونده‌های تشکیل شده تا در راستای آن تصمیم‌گیری شده و راهکار ارائه گردد. به هر روی، تحلیل‌های آماری و مدیریتی تئوری ذی‌نفعان در عمل به عنوان یک تئوری بین‌رشته‌ای شاید بیش از هر رشته‌ای قابل توصیه به دانشجویان مدیریتی دانشگاه جهت انجام باشد.

پیشنهاداتی برای دانشجویان توصیه می‌شود قبل از شروع پیرامون روش‌های تحقیق و نگارش پایان‌نامه به طور کامل مطالعه شود و در ادامه موضوعات زیر می‌تواند عناوین مناسبی برای پایان‌نامه باشد:

- تحلیل تئوری ذی‌نفعان در بانک‌ها و یا بیمه‌ها (رویکرد تحلیلی و عملی)
- تحلیل تئوری ذی‌نفعان در نظام حقوقی ایران (رویکرد عملی و تحلیلی آماری)
- مبانی تئوری ذی‌نفعان در نظام حقوقی ایران
- سنجش میزان کارایی مقررات حقوق شرکت‌ها و....
- بررسی زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی شرکت‌ها و علت نیاز به آن در حقوق ایران.

منابع و مآخذ

الف) کتب

قرآن کریم

اول: فارسی

۱. احمدی، نعمت، آیین دادرسی مدنی، چ اول، انتشارات اطلس، تهران، ۱۳۷۶.
۲. اسکینی، ربیعا، حقوق شرکت‌های تجاری، ج ۱، چ ۱۴، سمت، تهران، ۱۳۸۸.
۳. اسمیت، آدام، ثروت ملل، ترجمه سیروس ابراهیم زاده، چ اول، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۵.
۴. اصغری، جمشید، مبانی سازمان و مدیریت، چ ۴، صفار اشراق، تهران، ۱۳۹۱.
۵. اعظمی زنگنه، عبدالحمید، بانک، بی‌ناشر، تهران، ۱۳۱۸.
۶. اقتداری، علی محمد، سازمان مدیریت، چ ۳۷، مولوی، تهران، ۱۳۸۴.
۷. باقری، محمود، نقش حقوق شرکت‌ها و بازی بورس در موفقیت خصوصی سازی، چ اول، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، بهار ۱۳۹۰.
۸. پاسبان، محمد رضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چ ۹، سمت، تهران، ۱۳۹۳.
۹. حیاتی، علی عباس، آیین دادرسی مدنی (۱)، چ اول، نشر میزان، تهران، بهار ۱۳۹۰.
۱۰. خلیل ارجمندی، محمد اسماعیل و شجاعی اردکانی، مجید، ایستایی ساختمان (۷/۴۹۴)، چ ۲، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، تهران، ۱۳۹۳.
۱۱. دادگر، یدالله، رحمانی، تیمور، مبانی و اصول علم اقتصاد، چاپ ششم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۲. دمرجیلی، محمد، حاتمی، علی، قرایی، محسن، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چ ۳، دادستان، تهران، ۱۳۸۹.
۱۳. رایبیز، استیفن، تئوری سازمان (ساختار و طرح سازمانی)، ترجمه سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، چ ۳۳، صفار، ۱۳۹۳.
۱۴. رضاییان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، چ ۱۱، سمت، تهران، ۱۳۹۳.

۱۵. زارعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، ج ۲، نشر ققنوس، تهران، ۱۳۸۲.
۱۶. زارعت، عباس، قانون آئین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ اول، انتشارات خط سوم، تهران، ۱۳۸۳.
۱۷. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، ج ۱، چ ۱۵، دادگستر، تهران، ۱۳۸۸.
۱۸. سلطانی، محمد، حقوق بانکی، چ اول، میزان، تهران، زمستان ۱۳۹۰.
۱۹. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی (دوره‌ی پیشرفته) ج اول، چ ۲۲، انتشارات دراک، تهران، بهار ۱۳۸۹.
۲۰. صادقی، علی اشرف و زندی مقدم، زهرا، فرهنگ املائی خط فارسی (براساس دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، چ اول، انتشارات فرهنگستان، تهران، ۱۳۸۵.
۲۱. صدقی، عباس، اصول بانک‌داری، ج ۱، چ ۶، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، ۱۳۵۵.
۲۲. صقری، محمد، حقوق بازرگانی: ورشکستگی، ج ۳، چ ۲، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۸.
۲۳. صقری، منصور، تعریف شرکت تجاری، تحولات حقوق خصوصی (زیر نظر دکتر ناصر کاتوزیان)، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۲۴. طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکتها، چ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، ۱۳۹۳.
۲۵. عیسی تفرشی، محمد، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری، ج اول، چ اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۸.
۲۶. فرهنگستان زبان و ادب فارسی دستور خط فارسی (مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، چ ۵، انتشارات فرهنگستان، تهران، ۱۳۸۵.
۲۷. قاسم زاده، سید مرتضی، اصول قراردادهای و تعهدات، چاپ اول، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۸۳.
۲۸. قدیری اصل، باقر، سیر اندیشه اقتصادی، تهران: نشر دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
۲۹. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: عقود اذنی؛ وثیقه‌های دین؛ ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان، حواله، کفالت، رهن، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۵.
۳۰. کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۲، چ ۶، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۳.
۳۱. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ ۲۵، میزان، تهران، پاییز ۱۳۸۹.

۳۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ اول، انتشارات بهنشر، ۱۳۶۶ .
۳۳. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج اول، چ ۱۰، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۹۱ .
۳۴. کاویانی، کورش، حقوق شرکت‌های تجاری، چ اول، میزان، تهران، ۱۳۸۶ .
۳۵. کاویانی، کوروش، حقوق شرکت‌های تجاری، چ ۲، میزان، تهران، زمستان ۱۳۸۹ .
۳۶. کاویانی، کوروش، حقوق ورشکستگی، چ ۲، میزان، تهران، پاییز ۱۳۹۲ .
۳۷. لاژوژی، ژوزف، نظام های اقتصادی، ترجمه شجاع الدین ضیائیان، چ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۵ .
۳۸. ماجدی، علی، گلریز، حسن، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، چ ۲، انتشارات مرکز آموزش بانک‌داری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آذر ۱۳۶۸ .
۳۹. مطهری، مرتضی، مسأله ربا و بانک، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۷ .
۴۰. مهاجری، علی، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ ۲، انتشارات فکر سازان، تهران، ۱۳۹۱ .
۴۱. میتن دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج اول، چ اول، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۸ .
۴۲. واحدی، قدرت الله، آیین دادرسی مدنی با لحاظ قوانین جدید، ج اول، چ اول، نشر میزان، تهران، بهار ۱۳۷۷ .
۴۳. ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی، چ ۲، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰ .

دوم: عربی

۴۴. حسینی سیستانی، علی، قاعدة لا ضرر ولا ضرار، مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی، قم، ۱۳۷۳ .
۴۵. خویی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، مدینه العلم، قم، بی تا، ص ۱۷۷، ج ۳۶ .
۴۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، بی تا .
۴۷. شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب، ج ۱، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، ۱۴۱۵ ه.ق .
۴۸. طباطبایی، علی بن محمد بن علی، ریاض المسائل، مؤسسه آل البيت للاحیاء التراث، قم، ۱۳۸۲ .
۴۹. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیة المکاسب، ج ۱، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۳ ه.ق .

۵۰. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ذوی القربی، نجف اشرف، بی تا ج ۲ .
۵۱. موسوی خمینی، روح الله، مکاسب المحرمه، ج ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۵۲. موسوی خمینی، روح الله، البیع، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۸ .
۵۳. موسوی، خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۹ .

سوم: لاتین

54. Alkhafaji, Abbass F. *A Stakeholder Approach to Corporate Governance: Managing in a Dynamic Environment*. Praeger Pub Text, 1989 .
55. Ballentine, J Gregory, *Equity, Efficiency, and the Us Corporation Income Tax*, American institute for public policy research, Wasington D.C, 2009 .
56. Belcher, Alice, *Directors' Decisions and the Law: Promoting Success*, 1st ed., Routledge, Abingdon & New York, 2014 .
57. Berle, Adolf Augustus, and Gardiner Coit Means. *The Modern Corporation and Private Property*. Transaction publishers, 1991.
58. Bianchi, Robert, and Sherrie A Kossoudji. *Interest Groups and Organizations as Stakeholders*. Social Development Department, World Bank, 2001 .
59. Calabrò, Andrea. *Governance Structures and Mechanisms in Public Service Organizations: Theories, Evidence and Future Directions*. Springer Science & Business Media, 2011 .
60. Campbell, Andrew, B Campbell, and Peter Cartwright. *Banks in Crisis: The Legal Response*. Ashgate, London, 2002 .
61. Cartwright, Peter. *Consumer Protection in Financial Services*. kluwer law international, London, 1996 .

62. Cheffins, Brian R. "Company Law: Theory, Structure and Operation." *Oxford University Press*, London,, 1997 .
63. Clark, Gordon L, and Dariusz Wójcik. *The Geography of Finance: Corporate Governance in the Global Marketplace*, Oxford University Press, London, 2007 .
64. Collin, Peter Hodgson. *Dictionary of Economics*. A & C Black publisher, London, 2003 .
65. *Corporate Governance of Listed Companies in China Self-Assessment by the China Securities Regulatory Commission: Self-Assessment by the China Securities Regulatory Commission*. OECD Publishing, 2011 .
66. Cortenraad, Wouter H.F.M., *The Corporate Paradox: Economic Realities of the Corporate Form of Organization*, Kluwer Academic Publisher, Boston, 2000 .
67. Dean, Janice. *Directing Public Companies: Company Law and the Stakeholder Society*. Routledge, London, 2001.
68. Dine, Janet, *Company Law*, Sweet & Maxwell, London, 2001 .
69. Freeman, R Edward. *Strategic Management: A Stakeholder Approach*, MA: Pitman, Boston, 1984 .
70. Freeman, Richard Barry, and Joel Rogers. *What Workers Want*. Cornell University Press, Ithaca, 2006 .
71. Gregoriou, Greg N, and Luc Renneboog. *Corporate Governance and Regulatory Impact on Mergers and Acquisitions: Research and Analysis on Activity Worldwide since 1990*. Academic Press, 2007 .
72. Hayek, Friedrich August. *The Mirage of Social Justice*. Vol. 2, 2nd ed ,Routledge, London, 1982 .
73. Hilb, Martin. *New Corporate Governance: Successful Board Management Tools*. Springer Science & Business Media,Germany, 2012 .

74. Hopt, Klaus J. *Comparative Corporate Governance: The State of the Art and Emerging Research*. Oxford University Press, 1998 .
75. Lazar, Sian. *Corporate Structure, Finance and Operations: Essays on the Law and Business Practice*. Oxford University Press, London, 1980 .
76. Liedtke, Patrick M, and Jan Monkiewicz. *The Future of Insurance Regulation and Supervision: A Global Perspective*. Palgrave Macmillan, New York, 2011 .
77. Lynch Fannon, Irene, *Working within Two Kinds of Capitalism: Corporate Governance and Employee Stakeholdning-US and EC Perspectives*, Hart Publishing-Oxford, Portland, 2003 .
78. MacDonald, Ronald. "*Deposit Insurance*". Centre for Central Banking Studies, London, August 1996 .
79. Nam, Joongkwon, *The Strategic Importance of the Stakeholder Approach in the Service Industry*, Massachusetts Institute of Technology, Cambridge, 2012 .
80. Oigus, Anthony I., *Regulation: Legal Form and Economic Theory*, Oxford university press, London, 1992 .
81. Pedersen, Thomas, *Stakeholder Theory: Lessons from Denmark*, MA thesis, Aarhus university, Aarhus, 2004 .
82. Peet, John, *Energy and the Ecological Economics of Sustainability*, 1st ed., Island press, Washington, D.C. , 1992 .
83. pejovich, Svetozar. *The Economics of Property Rights: Towards a Theory of Comparative Systems*. Vol. 22: Springer Science & Business Media, 1990 .
84. Peters, Anne, and Lukas Handschin. *Conflict of Interest in Global, Public and Corporate Governance*. Cambridge University Press, 2012 .

85. Pettet, Ben, *company law*, 2nd ed., Pearson Education Lim., Harlow, 2005
86. Posner, Richard A., *Economic Analysis of Law*, 2nd ed., Little Brown and Company, Boston, 1977
87. Post, James E, Lee E Preston, and Sybille Sachs. *Redefining the Corporation: Stakeholder Management and Organizational Wealth*. Stanford University Press, 2002 .
88. Rees, William, and Saleem Sheikh, *Corporate Governance and Corporate Control*, Cavendish, London, 1995 .
89. Romano, Roberta. *Foundations of Corporate Law*. Oxford University Press, London, 1993 .
90. Sison, Alejo G. *Corporate Governance and Ethics: An Aristotelian Perspective*. Edward Elgar Publishing, 2008 .
91. Smith, Adam, *An Inquiry In To The Nature And Causes Of The Wealth Of nations*, Luasanne, Metalibri, 2007 .
92. Spencer, Peter D. *The Structure and Regulation of Financial Markets*. Oxford University Press, London , 2000 .
93. Svendsen, Ann. *The Stakeholder Strategy: Profiting from Collaborative Business Relationships*. Berrett-Koehler Publishers, 1998 .
94. Svendsen, Ann., *The Stakeholder Strategy: Profiting from Collaborative Business Relationships*, Berrett-Koehler Publishers, 1998 .
95. Symes, Christopher F., *Statutory Priorities in Corporate Insolvency Law: An Analysis of Preferred Creditor Status*, Ashgate Publishing Ltd, Farnham, 2008 .

96. the Inter-University Center for European Commission's DG MARKET . "The Promotion of Employee Ownership and Participation." edited by Iraj Hashi Jens Lowitzsch 159: European Union, october 2014 .
97. Tirole, J. Corporate Governance. Centre for Economic Policy Research, 1999 .
98. Weiss, H Eugene. *Chrysler, Ford, Durant and Sloan: Founding Giants of the American Automotive Industry*. McFarland, 2003 .
99. Williamson, Oliver E., *The Mechanisms of Governance*, Oxford University Press, New York, 1996 .
100. Windsor, duane, *Shareholder Wealth Maximization, in Finance Ethics: Critical Issues in Theory and Practice*, Boatright, John R.(edited), John Wiley & Sons, Hoboken, 2010 .
101. World Bank group, "Doing Business 2014: Understanding Regulations for Small and Medium-Size Enterprises." World Bank Publications, Washington DC, 2013 .
102. World Bank group, "Doing Business 2015: going beyond efficiency." World Bank Publications, Washington DC, 2014 .
103. Wu, Huiying, and Chris Patel. *Adoption of Anglo-American Models of Corporate Governance and Financial Reporting in China*. Vol. 29: Emerald Group Publishing, 2015 .

ب) مقالات

اول: فارسی

۱۰۴ آرین، محسن، باقریان، امیر، حمایت از حقوق سهام‌داران اقلیت در شرکتهای بورس اوراق بهادار، کنفرانس بین‌المللی

اقتصاد، حسابداری، مدیریت و علوم اجتماعی، لهستان، ۱۳۹۳ .

۱۰۵. آویل اف، گاینان و همکاران، قواعد عمومی حقوق شرکت‌ها: مطالعه ای برای اقتصادهای در حال گذار، ترجمه ماشالله بنا نیا سری، مجله تحقیقات حقوقی، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ش ۴۵.
۱۰۶. امامی، مصطفی، آراء مجموع و اقلیت سهام‌دار در شرکت‌های سهامی: بحثی در حقوق تجارت، حقوق مردم، تابستان ۱۳۵۱، ش ۲۸.
۱۰۷. امینی، منصور، عبدی، مونا، بررسی تطبیقی حقوقی-اقتصادی نظریه نمایندگی ظاهری،
۱۰۸. امینی، منصور، عبدی، مونا، بررسی تطبیقی نظریه نمایندگی ظاهری، مجله حقوق دادگستری، س ۷۸، زمستان ۱۳۹۳، ش ۸۸.
۱۰۹. ایرانلو، محسن، میرشکاری، عباس، عزل وکیل، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، دوره ۱۰، زمستان ۱۳۸۸، ش ۳۰.
۱۱۰. باقری، محمود، ساردویی نسب، محمد، موسوی، مهدی، مطالعه راهبری بیمه در حقوق ایران، فصل‌نامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۴، زمستان ۱۳۹۳، ش ۴.
۱۱۱. بردبار، غلامرضا، منصوری، حسین، جمالی، رضا، بررسی رابطه فرهنگ سازمانی و بهره‌وری نیروی انسانی در صنعت بیمه براساس نظرسنجی از مدیران عالی شرکت‌های بیمه شهر یزد، فصل‌نامه صنعت بیمه، زمستان ۱۳۸۶، ش ۴.
۱۱۲. بنویدی، مجید، حاکمیت شرکنی، تازه‌های جهان بیمه، خرداد ۱۳۸۵، ش ۹۶.
۱۱۳. بیگی حبیب آبادی، احمد، حقوق سهام‌داران اقلیت در ادغام شرکت‌های تجاری، پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۳، ش ۵.
۱۱۴. پاسبان، محمدرضا، جهانیان، مجتبی، دعوی مشتق و آیین آن، بررسی تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس، دوره دوم، پائیز ۱۳۹۲، ش ۴.
۱۱۵. پروین، فرهاد و نصرتی صدقیانی، ناصر، تحلیلی از مسئولیت مندرج در ماده‌ی ۱۲۲ قانون مدنی و تأملی بر تخصیص یا عدم تخصیص آن، فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، زمستان ۱۳۹۰، ش ۳.
۱۱۶. پورارشاد، نادر، اسکینی، ربیعا، الماسی، نجادعلی، شهبازی نیا، مرتضی، نظریه ظاهر (مطالعه در حقوق خارجی و ایران)، مدرس علوم انسانی پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۴، زمستان ۱۳۸۹، ش ۴.
۱۱۷. پیرایی، خسرو، کاظمی، حسین، اندازه‌گیری کارایی فنی شرکت‌های بیمه در ایران براساس برآورد تابع مرزی تصادفی، فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، بهار ۱۳۸۳، ش ۱۸.
۱۱۸. پیروز فر، اکبر، مروری بر پیش‌نویس قانون بانک‌داری، بخش دوم و پایانی، بانک و اقتصاد، آذر ۱۳۸۸، ش ۱۰۳.

۱۱۹. تیلور، راجر، دولت‌ها و مسائل عمده صنعت بیمه، ترجمه فاطمه عبداللهیان، فصلنامه صنعت بیمه، تابستان ۱۳۸۶، ش ۴۶، ص ۱۲.
۱۲۰. جعفری، صمیمی، احمد، یحیی زاده، محمود، آقاجانی، حسن علی، کریمی، سید محمد، جایگاه بیمه در پایداری کسبو کار مالی خرد، شواهدی تجربی از کسب و کارهای کوچک ایجاد شده توسط صندوق مهر رضا(ع)، پژوهش‌نامه بیمه، سال ۲۸م، بهار ۹۲، شماره ۱.
۱۲۱. جهانگیری، اسحاق، بورس بهترین محل برای جذب نقدینگی است؛ بیمه‌ها در بازارهایی مثل بورس فعال شوند (سخنرانی در بیست و یکمین همایش بیمه و توسعه)، ماهنامه اقتصاد و بیمه، آذر ۱۳۹۳، ش ۴۸، ص ۶.
۱۲۲. حبیب نژاد، سید احمد، ماهیت نمایندگی با تکیه بر مفاهیم اسلامی - فقهی، مجله حقوق اسلامی (فقه و حقوق سابق)، ۱۳۸۵، ش ۸.
۱۲۳. حساس یگانه، یحیی، حاکمیت شرکتی در ایران، حسابرسی، بهار ۱۳۸۵، ش ۳۲.
۱۲۴. حساس یگانه، یحیی، درس‌هایی از فروپاشی انرون در زمینه حاکمیت شرکتی، سلسله مقالات حاکمیت شرکتی، سال ۲۱، ۱۳۸۶، ش ۱۷۸.
۱۲۵. حساس یگانه، یحیی، مبانی نظری حاکمیت شرکتی، حسابدار، س ۲۰م، دی ۱۳۸۴، ش ۱ (پیاپی ۱۶۸).
۱۲۶. حساس یگانه، یحیی، مرادی، جواد، بررسی اصول بازنگری شده سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در زمینه حاکمیت شرکتی، ماهنامه حسابدار، س ۲۱، ۱۳۸۶، ش ۷، (پیاپی ۸).
۱۲۷. حسن زاده، علی، عسگری، محمد مهدی، کاظم نژاد، مهدی، بررسی جایگاه صنعت بیمه در اقتصاد و بازار سرمایه ایران، فصلنامه صنعت بیمه، س ۲۵م، تابستان ۱۳۸۹، ش ۲.
۱۲۸. خرازی، مهسا، اصول راهبری شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، نشریه اطلاع رسانی بورس، تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۳.
۱۲۹. دادگر، یدالله، مروری بر تحولات مقوله ی کارایی در ادبیات اقتصادی (نظریه‌ها و کاربردها)، دو فصلنامه حقوق و سیاست، س ۹م، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ش ۲۳.
۱۳۰. رحیم پیلوار، نظریه‌ی کار به عنوان مبانی مالکیت در حقوق اسلام و فلسفه جان لاک، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال سوم، پاییز و زمستان ۹۰، شماره ۵.

۱۳۱. رفیعیان، ضیا، راهبردهای همگانی صنعت بیمه با پیشرفت های اقتصادی، فصل نامه صنعت بیمه، پاییز ۱۳۷۴، ش ۳۹.
۱۳۲. سمیعی، سیاوش، نقش بیمه در تعیین سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مناطق آزاد، فصل‌نامه صنعت بیمه، پاییز ۱۳۷۴، ش ۳۹.
۱۳۳. سید احمدی سجادی، سید علی، تحلیل شرکت از دیدگاه اقتصادی، مجله اندیشه های حقوق خصوصی، س ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، ش ۱۳.
۱۳۴. شهبازی نیا، مرتضی، عیسایی تفرشی، محمد، کاویانی، کورش، فرجی، اسماعیل، عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس، مجله حقوقی دادگستری، س ۷۵، تابستان ۱۳۹۰، ش ۷۴.
۱۳۵. صفری، سکینه، سلطانی فر، حامد، مهدوی، غدیر، تحلیل ارتباط گسترش صنعت بیمه و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه‌ی منتخب (الجزایر، اندونزی، مالزی، پاکستان، ترکیه، فیلیپین، مصر و هند) فصل نامه علوم اقتصادی، دوره ۵، تابستان ۱۳۹۰، ش ۱۵.
۱۳۶. عبدی پورفرد، ابراهیم، جعفری خسروآبادی، نصراله، خلط نظری ناشی از خطا در واژه شناسی (بازشناسی و تطبیق نسبت میان سه مفهوم دین، تعهد و حق شخصی)، حقوق خصوصی، دوره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱.
۱۳۷. عضدی دیلمی، بهشاد، باقری مقدم، ناصر، تکنیک‌های شناخت و تحلیل ذی‌نفعان با رویکرد برنامه‌ریزی استراتژیک در سازمان های دولتی و غیرانتفاعی (مطالعه موردی در شرکت برق منطقه‌ای گیلان)، بیست و سومین کنفرانس بین المللی برق، تهران، ۱۳۸۷.
۱۳۸. علوی لنگرودی، سید حسین، چگونه باید یک بانک را اداره کرد: الگوی مدیریت بانک‌ها براساس اصول حاکمیت شرکتی، بانک و اقتصاد، ۱۳۸۶، ش ۸۶.
۱۳۹. عیسایی تفرشی، محمد، یحیی پور، جمشید، ثنوری ذی‌نفعان با رویکرد مقررات شرکت‌های سهامی ایران، فصل نامه بورس و اوراق بهادار، س ۶، پاییز ۱۳۸۲، ش ۲۳.
۱۴۰. عیسی تفرشی، محمد، محمودی، اصغر، تجزیه و تحلیل ترأست در حقوق انگلیس و مقایسه‌ی آن با نهاد وقف در حقوق ایران، مجله پژوهش حقوق و سیاست، س ۶، زمستان ۱۳۸۳، ش ۱۳.
۱۴۱. فرحناکیان، فرشید، حقوق سهام‌داران خرد در شرکت‌های سهامی، ضمیمه حقوق روزنامه همشهری، ۱۲ آذر ۱۳۹۲.

۱۴۲. فقیه جویباری، مجید، تأثیر بیمه در فعالیت‌های اقتصادی ایران (بر مبنای جدول داده) فصل‌نامه صنعت بیمه، زمستان ۱۳۷۷.
۱۴۳. فلاح، محمد، ارزیابی کارایی شعب شرکت بیمه با روش تحلیل پوششی داده ها، تازه های جهان بیمه، دی و بهمن ۱۳۸۶، ش ۱۱۶-۱۱۵.
۱۴۴. قاسم زاده، سید مرتضی، لزوم بازنگری در حقوق اشخاص ثالث (اهمیت توجه به حقوق اشخاص ثالث در قانون‌گذاری، تصمیمات قضایی، روابط قراردادی و بین المللی)، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، س ۱۹م، بهار ۱۳۹۳، ش ۶۵.
۱۴۵. کارگر، ابراهیم، ارتباط رشد اقتصادی با رشد صنعت بیمه، بهار ۱۳۷۶، ش ۴۵.
۱۴۶. کدخدایی، حسین، بیمه، بانک و بورس: مثلث توسعه مالی، فصلنامه صنعت بیمه، س ۱۶م، زمستان ۱۳۸۰، ش ۴.
۱۴۷. کریمی، آیت، نقش نظارت در فعالیت صنعت بیمه، فصل‌نامه صنعت بیمه، تابستان ۱۳۷۶، ش ۴۶.
۱۴۸. کمالی، حسین، حمایت جدی صنعت، تجارت، کشاورزی در قالب بیمه، فصلنامه صنعت بیمه، پاییز ۱۳۷۵، ش ۴۳.
۱۴۹. مافی، همایون، کدیور، حسام، بررسی اختیار ظاهری نماینده در حقوق ایران و اسناد بین المللی، حقوق خصوصی، دوره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۱.
۱۵۰. مجتهد، احمد، بیمه و فعالیت‌های اقتصادی، فصل‌نامه بیمه مرکزی ایران، بهار ۱۳۶۸، ش ۱۳.
۱۵۱. محمدخان، مرتضی، نقش بیمه در توسعه اقتصادی، پژوهش‌نامه بیمه، پاییز ۱۳۷۳، ش ۳۵.
۱۵۲. محمودصالحی، جانعلی، حقوق نظارت و دیده‌بانی در بیمه، فصلنامه صنعت بیمه، سال ۵، تابستان ۱۳۷۹، ش ۵۸، ص ۱۹.
۱۵۳. مهاجرانی، مصطفی، مروری بر پیش نویس قانون بانک‌داری، بانک و اقتصاد، آبان ۱۳۸۸، ش ۱۲.
۱۵۴. موسوی سجاده، سیدحمیده، راغفر، حسین، اطلاعات نابرابر و کارایی در بازار بیمه تصادفات ایران (مورد مطالعه: شرکت بیمه ایران)، فصلنامه صنعت بیمه، س ۲۵م، ۱۳۸۹، ش ۲، ص ۵۱.
۱۵۵. مونی، اس وی، دگرگونی در کنترل‌های قانونی بیمه برای ثبات مالی، ترجمه مصطفی نوری، فصلنامه صنعت بیمه، تابستان ۱۳۷۴، ش ۳۸، ص ۱۱.
۱۵۶. میدری، احمد و حجاریان، مسعود، راهکارهای پیاده سازی اصول حاکمیت شرکتی در ایران، سمینار بازار سرمایه، موتور توسعه، تهران، ۷ و ۸ آذر، ۱۳۸۳، ص ۸-۲۲.

۱۵۷. میرزایی، حبیب، میرزاخانی، آتوسا، ضرورت و اهمیت نظارت بر توانگری شرکت‌های بیمه در شرایط آزادسازی، فصلنامه صنعت بیمه، سال ۵، پاییز ۱۳۷۹، ش ۵۹، ص ۷۵.
۱۵۸. نشاط تهرانی، مصطفی، بهره‌وری در صنعت بیمه، فصلنامه صنعت بیمه، پاییز ۱۳۷۳، ش ۳۵.
۱۵۹. نقش بانک‌ها در توسعه اقتصادی کشور، مجله بانک مرکزی ایران، آبان ۴۲، ش ۲۶.
۱۶۰. همتی، عبدالناصر، بیمه خانواده در توسعه اقتصادی، پژوهش‌نامه بیمه، پاییز ۱۳۷۷، ش ۵۱.
۱۶۱. ولی نژاد ترکمانی، رضا، زارعی، حامد، موسی کاظمی، سید جمال، ارزیابی اهمیت صنعت بیمه در اقتصاد استان تهران، پژوهش‌نامه بیمه، سال ۲۸، پاییز ۱۳۹۲، ش ۳.

دوم: لاتین

162. Abe, Naohito, and Satoshi Shimizutani. "Employment Policy and Corporate Governance—an Empirical Comparison of the Stakeholder and the Profit-Maximization Model." *Journal of Comparative Economics* 35, no. 2 (2007): 346-68 .
163. Akman, Pinar. "'Consumer' versus 'Customer': The Devil in the Detail." *Journal of Law and Society* 37, no. 2 (2010): 315-44 .
164. Alchian, Armen A, and Harold Demsetz. "Production, Information Costs, and Economic Organization." *The American economic review* (1972): 777-95.
165. Amaeshi, Kenneth M, and Andrew Crane. "Stakeholder Engagement: A Mechanism for Sustainable Aviation." *Corporate Social Responsibility and Environmental Management* 13, no. 5 (2006): 245-60 .
166. Asher, Cheryl Carleton, James M Mahoney, and Joseph T Mahoney. "Towards a Property Rights Foundation for a Stakeholder Theory of the Firm." *Journal of Management & Governance* 9, no. 1 (2005): 5-32.

167. Ayuso, Silvia, Miguel Angel Rodriguez, and Joan Enric Ricart. "Responsible Competitiveness at the "Micro" Level of the Firm: Using Stakeholder Dialogue as a Source for New Ideas: A Dynamic Capability Underlying Sustainable Innovation." *Corporate Governance* 6, no. 4 (2006): 475-90 .
168. Becker, Lawrence C. "Too Much Property." *Philosophy and Public Affairs* 21, no. 2 (1992): 196.
169. Berman, Shawn L, Andrew C Wicks, Suresh Kotha, and Thomas M Jones. "Does Stakeholder Orientation Matter? The Relationship between Stakeholder Management Models and Firm Financial Performance." *Academy of Management journal* 42, no. 5 (1999) .
170. Blair, Margaret M. "Ownership and Control: Rethinking Corporate Governance for the Twenty-First Century." *Long Range Planning* 3, no. 29 (1996): 432 .
171. Bowie, Norman. "The Moral Obligations of Multinational Corporations." *Problems of international justice* 97 (1988): 113, p.112 .
172. Brenner, Steven N, and PL Cochran. "The Stakeholder Theory of the Firm and Organizational Decision Making: Some Propositions and a Model." Paper presented at the Proceedings of the fourth annual meeting of the international association for business and society, 1993 .
173. Buchholz, Rogene A, and Sandra B Rosenthal. "Stakeholder Theory and Public Policy: How Governments Matter." *Journal of Business Ethics* 51, no. 2 (2004): 143-53 .
174. Clarkson, Max E. "A Stakeholder Framework for Analyzing and Evaluating Corporate Social Performance." *Academy of management review* 20, no. 1 (1995): 92-117 .
175. Coase, Ronald Harry. "Problem of Social Cost, The." *JL & econ.* 3 (1960): 1 .
176. Cornell, Bradford, and Alan C Shapiro. "Corporate Stakeholders and Corporate Finance." *Financial management* (1987): 5-14 .
177. Curcio, Richard J, and Fran M Wolf. "Corporate Environmental Strategy: Impact Upon Firm Value.", *Journal Of Financial And Strategic Decisions* Vol.9, No.2, (Summer 1996) .

178. Dharwadkar, Bavi, Gerald George, and Pamela Brandes. "Privatization in Emerging Economies: An Agency Theory Perspective." *Academy of management review* 25, no. 3 (2000): 650-69.
179. Donaldson, Thomas, and Lee E Preston. "The Stakeholder Theory of the Corporation: Concepts, Evidence, and Implications." *Academy of management Review* 20, no. 1 (1995): 65-91
180. Duesing, Robert J. "Integrating Market and Stakeholder Orientation Theory." *International Journal of Business, Humanities and Technology* 3, no. 6 (june 2013) .
181. Eisenhardt, Kathleen M. "Agency Theory: An Assessment and Review." *Academy of management review* 14, no. 1 (1989): 57-74 .
182. Evan, William M, and R Edward Freeman. *A Stakeholder Theory of the Modern Corporation: Kantian Capitalism*. 1988 .
183. Evans, Lewis T, and NC Quickley. "Shareholder Liability Regimes, Principal-Agent Relationships, and Banking Industry Performance"(1995)." *Journal of Law and Economics* 38, No. 2 (Oct., 1995), pp. 497-520 .
184. Fama, Eugene F, and Michael C Jensen. "Separation of Ownership and Control." *Journal of law and economics* (1983): 301-25.
185. Fidrmuc, Jan, and Abdul G Noury. "Interest Groups, Stakeholders, and the Distribution of Benefits and Costs of Reform." *Thematic Paper, Washington DC: GDN* (2003) .
186. Fontaine, Charles, Antoine Haarman, and Stefan Schmid. "The Stakeholder Theory." *Edlays education* 1 (2006): 1-33 .
187. Freeman RE Reed, and DL Reed. "Stockholders and Stakeholders: A New Perspective in Corporate Governance." *California management review* 25, no. 3 (1983): 88-106 .
188. Freeman, R Edward, and Daniel R Gilbert. "Managing Stakeholder Relationships." *Business and society: Dimensions of conflict and cooperation* 397 (1987): 423 .

189. Freeman, R Edward, and William M Evan. "Corporate Governance: A Stakeholder Interpretation." *Journal of Behavioral Economics* 19, no. 4 (1991): 337-59.
190. Freeman, R Edward. "A Stakeholder Theory of the Modern Corporation." *Perspectives in Business Ethics* 3 (2001)
191. Greenwood, Michelle. "Stakeholder Engagement: Beyond the Myth of Corporate Responsibility." *Journal of Business Ethics* 74, no. 4 (2007): 315-27 .
192. Hill, Charles WL, and Thomas M Jones. "Stakeholder-Agency Theory." *Journal of management studies* 29, no. 2 (1992): 131-54 .
193. Hill, Charles WL, and Thomas M Jones. "Stakeholder-Agency Theory." *Journal of management studies* 29, no. 2 (1992): 131-54 .
194. Hosseini, Jamshid C, and Steven N Brenner. "The Stakeholder Theory of the Firm: A Methodology to Generate Value Matrix Weights." *Business Ethics Quarterly* 2, no. 02 (1992): 99-119 .
195. Jacoby, Sanford M. "Employee Representation and Corporate Governance: A Missing Link." *U. Pa. J. Lab. & Emp. L.* 3 (2000): 449 .
196. Jensen, Michael C, and William H Meckling. "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure." *Journal of financial economics* 3, no. 4 (1976): 305-60.
197. Jo Bitner, Mary, William T Faranda, Amy R Hubbert, and Valarie A Zeithaml. "Customer Contributions and Roles in Service Delivery." *International journal of service industry management* 8, no. 3 (1997): 193-205 .
198. Jones, Thomas M. "Instrumental Stakeholder Theory: A Synthesis of Ethics and Economics." *Academy of management review* 20, no. 2 (1995): 404-37 .
199. King, ME. "King Code of Governance for South Africa 2009." *Institute of Directors in Southern Africa, Parklands* (2009) .

200. Kraakman, Reinier, Paul Davies, Henry Hansmann, Gerard Hertig, Klaus J Hopt, Hideki Kanda, and Edward B Rock. "The Anatomy of Corporate Law." *A comparative and functional approach*. Oxford University Press (2004) .
201. Langtry, Bruce. "Stakeholders and the Moral Responsibilities of Business." *Business Ethics Quarterly* 4, no. 04 (1994): 431-43 .
202. M. "For Whom Should Corporations Be Run?: An Economic Rationale for Stakeholder Management." *Long range planning* 31, no. 2 (1998): 195-200 .
203. Marens, Richard, and Andrew Wicks. "Gettingreal: Stakeholder Theory, Managerial Practice, and the General Irrelevance of Fiduciary Duties Owed to Shareholders." *Business Ethics Quarterly* 9, no. 02 (1999): 273-93 .
204. Mathie, Alison, and Jennifer C Greene. "Stakeholder Participation in Evaluation: How Important Is Diversity?". *Evaluation and Program Planning*, vol.20, no. 3 (1997): 279-85 .
205. Matten, Dirk, Andrew Crane, and Wendy Chapple. "Behind the Mask: Revealing the True Face of Corporate Citizenship." *Journal of Business Ethics* 45, no. 1-2 (2003): 109-20 .
206. Melé, Domènec. "Corporate Social Responsibility Theories." *The Oxford handbook of corporate social responsibility* (2008): 48-82 .
207. Mitchell, Ronald K, Bradley R Agle, and Donna J Wood. "Toward a Theory of Stakeholder Identification and Salience: Defining the Principle of Who and What Really Counts." *Academy of management review*, vol.22, no. 4 (1997): 853-86 .
208. Omojola, Oladokun. "Media Stakeholders' Perspectives and Policy Integrity." *Journalism and Mass Communication* 2, no. 1 (2012): 304-16 .
209. Peng, M, and S Sauerwald. "Corporate Governance and Principal-Principal Conflicts." *The Oxford Handbook of Corporate Governance*. Oxford: OUP (2013).

210. Perrin, Irène. "The Role of the Mass Media as Stakeholders in Conferring Corporate Legitimacy." Paper presented at the Proceedings of the International Association for Business and Society, 2007 .
211. Pesqueux, Yvon, and Salma Damak-Ayadi. "Stakeholder Theory in Perspective." *Corporate Governance: The international journal of business in society* 5, no. 2 (2005): 5-21 .
212. Phillips, Robert A. "Stakeholder Theory and a Principle of Fairness." *Business Ethics Quarterly* 7, no. 01 (1997): 51-66 .
213. Phillips, Robert, R Edward Freeman, and Andrew C Wicks. "What Stakeholder Theory Is Not." *Business Ethics Quarterly* 13, no. 04 (2003): 479-502 .
214. Radin, Tara J. "From Imagination to Realization: A Legal Foundation for Stakeholder Theory." In *Re-Imaging Business Ethics: Meaningful Solutions for a Global Economy*, 31-49: Emerald Group Publishing Limited, 2002 .
215. Rapp, Adam, Lauren Skinner Beitelspacher, Dhruv Grewal, and Douglas E Hughes. "Understanding Social Media Effects across Seller, Retailer, and Consumer Interactions." *Journal of the Academy of Marketing Science* 41, no. 5 (2013): 547-66, pp.547-548
216. Renaut, Jean-Philippe, Simon Robert, and Nadège Tollari. "Engage Your Community Stakeholders." (2012) .
217. Roberts, Donald John, and Eric Van den Steen. "Shareholder Interests, Human Capital Investment and Corporate Governance." (2000) .
218. Ross, Stephen A. "The Economic Theory of Agency: The Principal's Problem." *The American Economic Review* (1973): 134-39 .
219. Savage, Grant T, Timothy W Nix, Carlton J Whitehead, and John D Blair. "Strategies for Assessing and Managing Organizational Stakeholders." *The executive* 5, no. 2 (1991): 61-75, p.61 .

220. Shin, Kwang-Yong. "The Object of Imc: Stakeholders." In *The Executor of Integrated Marketing Communications Strategy: Marcom Manager's Working Model*, 25-41: Springer, 2013 .
221. Steurer, Reinhard, Markus E Langer, Astrid Konrad, and Andre Martinuzzi. "Corporations, Stakeholders and Sustainable Development I: A Theoretical Exploration of Business–Society Relations." *Journal of Business Ethics* 61, no. 3 (2005): 263-81.
222. Stieb, James A. "Assessing Freeman's Stakeholder Theory." *Journal of Business Ethics* 87, no. 3 (2009): 401-14
223. Su, Yiyi, Dean Xu, and Phillip H Phan. "Principal–Principal Conflict in the Governance of the Chinese Public Corporation." *Management and Organization Review* 4, no. 1 (2008): 17-38 .
224. Summers, Cyld W. "Codetermination in the United States: A Projection of Problems and Potentials." *J. Comp. Corp. L. & Sec. Reg.* 4 (1982) .
225. Thompson, Judith Kenner, Steven L Wartick, and Howard L Smith. "Integrating Corporate Social Performance and Stakeholder Management: Implications for a Research Agenda in Small Business." *Research in corporate social performance and policy* 12, no. 1 (1991): 207-30 .
226. Van Wezel Stone, Katherine. "Employees as Stakeholders under State Nonshareholder Constituency Statutes." *Stetson L. Rev.* 21 (1991) .
227. Williamson, Oliver E. "Corporate Governance." *Yale Law Journal* 93 (1984)
228. Winn, Monika I. "Building Stakeholder Theory with a Decision Modeling Methodology." *Business & Society* 40, no. 2 (2001): 133-66 .
229. Alchian, Armen A, and Harold Demsetz. "Production, Information Costs, and Economic Organization." *The American Economic Review* 62, no.5 (1972): 777-795.
230. Bottomley, Stephen. "From Contractualism to Constitutionalism: A Framework for Corporate Governance.", *Sydney Law Review* 19 (1977): 277 .

231. Bottomley, Stephen. "Taking Corporations Seriously: Some Considerations for Corporate Regulation." *Federal Law Review* 19, (1990): 203 .
232. Coase, Ronald H. "The Nature of the Firm." *economica* 4, no.16 (1937): 386-405 .
233. Coase, Ronald H., " The Problem of Social Cost." ,*Journal of Law and Economics* 3, (Oct 1960):1-44 .
234. Dworkin, Ronald M. "Is Wealth a Value?". *The Journal of Legal Studies*, (1980): 191 .
235. Fama, Eugene F., " Agency Problems and the Theory of the Firth , *The Journal of Political Economy* 88, no.2 (Apr 1980): 288-307 .
236. Friedman, Milton," The Social Responsibility of Business is to Increase its Profit' , *The New York Times Magazine*, September 13, 1970 .
237. Jensen, Michael & William, Meckling," The Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Cost and Ownership Structure" ,*Journal of Financial Economics* 3, no.4 (Nov 1976): 305-360.
238. Margolis, Stephen E., " Two Definitions of Efficiency in Law and Economic' , *The Journal of Legal Studies*, Vol.16, No.2 (Jun 1987) .
239. Purvis, Douglas D., The Neoclassical Theory of the Firm: A Note on the Production and Investment Decisions, *The Canadian Journal of Economics* 9, no.2 (May 1976): 331-341.
240. Spender, Peta & Bottomley," Stephen, How to do things with Contractarianism: Michael Whincops Contribution to Corporate Law Scholarship , *Griffith Law Review* 13, no.1 (2004) .
241. Yau, Oliver HM, Raymond PM Chow, Leo YM Sin, Alan CB Tse, CL Luk, and Jenny SY Lee. "Developing a Scale for Stakeholder Orientation." *European Journal of Marketing* 41, no. 11/12 (2007): 1306-27 .

ج) پایان‌نامه‌ها و جزوات درسی

اول: فارسی

۲۴۲. استادی، مونا، تئوری نمایندگی ظاهری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان، کاشان، ۱۳۸۷.
۲۴۳. امیر تیموری، سعیده، دعوی مشتق در حقوق شرکت‌های تجاری با مطالعه تطبیقی در کشورهای انگلیس، آمریکا، فرانسه و ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۹۴.
۲۴۴. امینی، علی، حقوق و تکالیف سهام‌داران اقلیت در شرکت‌های سهامی خاص، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، گیلان، ۱۳۹۱.
۲۴۵. باقری، محمود، تقریرات درس حقوق بنگاه‌های اقتصادی، دانشگاه علوم قضایی، تهران، نیم سال دوم تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۲.
۲۴۶. باقری، محمود، نمایندگی تجاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰.
۲۴۷. جوهر، سعید، بررسی تطبیقی شرکت تک شریک در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ۱۳۹۲.
۲۴۸. حسینی، احمد، قانون قابل اعمال بر قراردادهای نمایندگی بین‌المللی با تأکید بر حقوق ایران، انگلستان و اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قضایی، تهران، ۱۳۹۴.
۲۴۹. خادم‌ان، محمود، تقریرات درس متون حقوقی شرکت‌ها، دانشگاه علوم قضایی، تهران، پاییز ۱۳۹۱.
۲۵۰. خادم‌ان، محمود، جزوه حقوق شرکت‌های فراملی، دانشگاه علوم قضایی، پاییز ۱۳۹۲.
۲۵۱. ده پناه، علیرضا، حقوق دارندگان سهام اقلیت و اکثریت در شرکت‌های سهامی عام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، مهر ۱۳۹۳.
۲۵۲. رهبری خرازی، مهسا، مطالعه و شناخت وضعیت حاکمیت شرکتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۸۳.
۲۵۳. صادقی، موسی، بررسی رابطه‌ی مسئولیت اجتماعی شرکت نفت در قبال ذی‌نفعان (مطالعه موردی شرکت پخش و پالایش استان کرمانشاه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ۱۳۹۴.

۲۵۴. صقری، محمد، تقریرات درس حقوق تطبیقی شرکت‌ها، دانشگاه علوم قضایی، تهران، سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱، نیمسال دوم، جلسه مورخ ۲۱ اسفند ۱۳۹۱.
۲۵۵. صقری، محمد، تقریرات درس حقوق ورشکستگی و بازسازی، دانشگاه علوم قضایی، تهران، سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳.
۲۵۶. عاقلی نژاد، محمد امین، حاکمیت شرکتی در حقوق بانک‌داری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، زمستان ۱۳۹۰.
۲۵۷. فرجی، اسماعیل، نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۹۰.
۲۵۸. قلی‌پور علمداری، مهران، مقایسه حدود وظایف و اختیارات متولی موقوفه در حقوق ایران با وظایف و اختیارات تراستی در حقوق انگلیس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، بابلسر، ۱۳۹۴.
۲۵۹. فنوتاتی، جلیل، نظریه کلی نمایندگی در حقوق ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۰، صص ۱۳۳-۱۲۵.
۲۶۰. کنعانی، محمد طاهر، حقوق سهام‌داران اقلیت در شرکت‌های سهامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۳.
۲۶۱. کوشا، ابوطالب، پرسش و پاسخ حضوری، دانشگاه علوم قضایی، اردیبهشت ۱۳۹۳.
۲۶۲. میدری، احمد، سازگاری انواع حکمرانی شرکتی با اقتصاد در ایران، رساله دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۲۶۳. نعیمی، عمران، نمایندگی تجاری و بررسی در حقوق داخلی و خارجی، رساله دکتری، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶.
۲۶۴. نیک فرجام، کمال، مطالعه تطبیقی رهن و وثیقه سهام شرکت‌های سهامی و اسناد تجاری در حقوق ایران و انگلیس، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ۱۳۸۹.

دوم: لاتین

265. Alexander, Sarah Mehta. "Directors Duties under Cbca Shareholder Theory Versus Stakeholder Theory Consideration of Stakeholder Theory's Legal and Moral Supremacy.", PhD dissertation, University of Toronto, 2012

266. Calabrò, Andrea. "Governance Structures and Mechanisms in Public Service Organizations: Theories, Evidence and Future Directions", PhD thesis, university of Rome Tor Vergata, Rome, 2011 .

267. Okigbo, Martha Sophie. "The Role of Employees as Stakeholders in Corporate Governance." Master dissertation (distinction) - LLM in International Corporate Governance, Financial Regulation and Economic Law (ICGFREL), university of London, London, 2012 .

268. Vincent, Olusegun Monsuru. "The Impact of Corporate Environmental Responsibility on Financial Performance: Perspective from the Multinational Extractive Sector." Brunel University Brunel Business School PhD Theses, 2012 .

269. Wu, Minyu. "The Search for Sustainable Competitive Advantage: A Stakeholder Management Perspective." Unpublished PhD dissertation, Massey University, Auckland, New Zealand , 2010 .

د فرهنگ‌ها و کتاب‌های لغت

اول: فارسی

۲۷۰. انصاف پور، غلامرضا، کامل (فرهنگ فارسی)، ج ۳، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۶۷.
۲۷۱. پادشاه، محمد متخلص به شاد، فرهنگ جامع فارسی آندراج، ج ۳ (د-س)، ج ۲، انتشارات کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۶۲ .
۲۷۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۴، گنج دانش، تهران، ۱۳۶۸ .
۲۷۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، چ اول، انتشارات کتابخانه‌ی گنج دانش، تهران، ۱۳۷۸ .
۲۷۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه‌ی دهخدا، ج ۱۱، چ اول از دوره‌ی جدید، مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳ .
۲۷۵. زعفرانچی، مسعود، آموزگار، حبیب الله، فرهنگ فارسی به فارسی دانش، چ اول، انتشارات صفار، تهران، ۱۳۷۰ .
۲۷۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، چ ۲، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵ .

۲۷۷. مصاحب، غلامحسین، دایره المعارف فارسی، ج ۲، چ ۴م، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳ .

دوم: لاتین

278. Hill, Gerald N, and Kathleen Hill. *Nolo's Plain-English Law Dictionary*. Nolo, 2009 .

279. Visser, Wayne, Dirk Matten, Manfred Pohl, and Nick Tolhurst. *The a to Z of Corporate Social Responsibility*. John Wiley & Sons, 2010 .

280. Werhane, P., and R.E. Freeman. *The Blackwell Encyclopedia of Management and Encyclopedic Dictionaries, the Blackwell Encyclopedic Dictionary of Business Ethics*. Wiley, 1999 .

ه) منابع الکترونیکی و اینترنتی

281. Archer, Geoffrey R. "Six Good Reasons to Include Competitors as Stakeholders." Available at *SSRN 1437117* (2006) .

282. Bouvier, John, A Law Dictionary, Adapted to the Constitution and Laws of the United States <http://legal-dictionary.thefreedictionary.com>

283. Castelo Branco, Manuel, and Lúcia Lima Rodrigues. "Positioning Stakeholder Theory within the Debate on Corporate Social Responsibility.", *Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*, (2007) .

284. drucker, peter. "Who Are a Company's Most Important Stakeholders?", <http://www.destination-innovation.com>

285. Evans, Denise L., Evans, O. William, *The Complete Real Estate Encyclopedia*, <http://financial-dictionary.thefreedictionary.com>

286. <http://bourse24.ir>

287. <http://businesscasestudies.co.uk>

288. <http://definitions.uslegal.com>
289. <http://dictionary.cambridge.org>
290. <http://dictionary.law.com>
291. <http://farsi.khamenei.ir>
292. <http://iccima.ir>
293. <http://legal-dictionary.thefreedictionary.com>
294. <http://lib.ahlolbait.com>
295. <http://lib.eshia.ir>
296. <http://monajemi.ir>
297. <http://the-difference-between.com>
298. <http://thelawdictionary.org>
299. <http://www.accountingtools.com>
300. <http://www.businessdictionary.com>
301. <http://www.dailywritingtips.com>
302. <http://www.enbank.ir>
303. <http://www.investopedia.com>
304. <http://www.iribnews.ir>
305. <http://www.irna.ir>
306. <http://www.ldoceonline.com>
307. <http://www.malisazman.ir>
308. <http://www.ox.ac.uk>
309. <http://www.oxforddictionaries.com>
310. <http://www.persianacademy.ir>

311. <http://www.polimali.com>

312. <http://www.tabnak.ir>

313. <http://www.yourdictionary.com>

314. <http://www.youtube.com>

315. <http://asl44.mefa.ir>

316. <http://daneshnameh.roshd.ir>

317. <http://farsi.khamenei.ir>

318. <http://www.businessdictionary.com>

319. <http://www.investopedia.com>

320. <http://www.merriam-webster.com>

321. Mayot, Charn, An Approach To Business Ethics: Fact-based Value for Fair Trade, in The Bases Of Values In A Time Of Change: Chinese and Western; Chinese Philosophical Studies XVI, Edited by Kirti Bunchua, Liu Fangtong, Yu Xuanmeng, Yu Xujin, 1999. At: <http://www.crvp.org>

322. Online Etymology Dictionary: <http://Dictionary.com>

323. Scott, David L., *Wall Street Words: An A to Z Guide to Investment Terms for Today's Investor*, <http://financial-dictionary.thefreedictionary.com>

324. Spiegelman, Paul. "Deliver Value to Your Employees Your Most Important Stakeholders.", <http://www.inc.com>

325. Tiras, Samuel L, Bernadette M Ruf, and Robert M Brown. "The Relation between Stakeholders' Implicit Claims and Firm Value." *Available at SSRN 141342* (1998) .

326. Wikipedia contributors, "Stakeholder (law)," *Wikipedia, The Free Encyclopedia* ,<https://en.wikipedia.org>

۳۲۸. طرح عملیات بانکی بدون ربا، در <http://www.mbri.ac.ir>

۳۲۹. فرمان هشت ماده‌ای رهبر انقلاب اسلامی به سران قوا درباره مبارزه با مفسد اقتصادی در دهم اردیبهشت ۱۳۸۰ در

سایت <http://www.leader.ir/langs/fa>

۳۳۰. معتمدی، حسن، پیاده‌سازی بانکداری نوین تمام الگوهای بانکداری روز دنیا را به همراه خواهد داشت، در

<http://www.enbank.ir>

۳۳۱. معصومی، ابوالحسن، توسعه اقتصادی: هدف بیمه، در <http://www.shomalnews.com>

۳۳۲. نظر پور، محمد تقی، جزییات لایحه اصلاح قانون بانکداری بدون ربا در <http://www.donya-e-eqtasad.com>

(و) مقررات

۳۳۳. آیین نامه حمایت از حقوق بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آن‌ها، مورخ ۲۳ خرداد ۱۳۹۱، مصوب شورای

عالی بیمه .

۳۳۴. آیین نامه حمایت از حقوق بیمه‌گذاران، بیمه‌شدگان و صاحبان حقوق آن‌ها، شورای عالی بیمه، ۲۳ خرداد ۹۱ .

۳۳۵. آیین نامه نحوه احراز صلاحیت حرفه‌ای کارکنان کلیدی و عملیاتی مؤسسات بیمه، شورای عالی بیمه، ۲۶ خرداد ۱۳۹۴

۳۳۶. آیین نامه ی اجرایی ماده ی ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤسسات خدمات انتظامی

(حفاظتی و مراقبتی)، ۱۳۸۸/۸/۱۷ .

۳۳۷. آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری، مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی مواد ۱ و ۲

۳۳۸. آئین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین‌المللی، ۱۳۷۱/۰۲/۱۳، مصوب هیأت وزیران .

۳۳۹. اساس نامه بانک‌های تجاری غیر دولتی، تیرماه ۹۲ .

۳۴۰. اساس نامه شرکت سهامی بیمه ایران، ۱۵ آذر ۱۳۶۸ .

۳۴۱. بخش‌نامه شماره ۶۶۷۱۱/۹۱، اطلاع رسانی به بانک‌ها در خصوص تشکیل کمیسیون مقررات و نظارت مؤسسات

اعتباری، ۱۷ خرداد ۱۳۹۱ .

۳۴۲. پیش نویس قانون بانکداری، شورای عالی بازرگاری قوانین پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی، خرداد ۱۳۸۸ .
۳۴۳. تصویب نامه در خصوص تعیین حداقل سرمایه برای مؤسسات بیمه غیر دولتی، ۱۸ آذر ۱۳۹۱ .
۳۴۴. تصویب نامه در خصوص تعیین سرمایه لازم برای تأسیس بانک خصوصی در داخل کشور، ۲۰ شهریور ۱۳۸۷ .
۳۴۵. دستورالعمل اجرایی ساماندهی مراکز صدور گواهی الکترونیکی میانی، ۱۳۸۸/۰۲/۱۹، شورای سیاست‌گذاری گواهی الکترونیکی .
۳۴۶. دستورالعمل اجرایی ساماندهی مراکز صدور گواهی الکترونیکی میانی، ۱۳۸۸/۰۲/۱۹ .
۳۴۷. دستورالعمل اجرایی عملیات بازار بین بانکی ریالی.
۳۴۸. دستورالعمل تأسیس و فعالیت بانک‌های قرض‌الحسنه و نظارت بر آن‌ها، ۲۶ اسفند ماه ۱۳۸۶، هیأت وزیران.
۳۴۹. دستورالعمل نحوه تشخیص، حذف مطالبات غیر قابل وصول از دفاتر مؤسسه اعتباری و افشای آن در صورت های مالی، ۳۱ فروردین ۱۳۹۱ .
۳۵۰. صندوق بین المللی پول و بانک جهانی (طرح مطالعاتی مشترک)، نگاهی به چارچوب قانونی، نهادی، نظارتی و ورشکستگی بانک .
۳۵۱. صندوق بین المللی پول و بانک جهانی (طرح مطالعاتی مشترک)، نگاهی به چارچوب قانونی، زمانی و نظارتی و ورشکستگی بانک، ترجمه حمید قنبری، بهار ۱۳۹۲ .
۳۵۲. صندوق بین المللی پول و بانک جهانی (طرح مطالعاتی مشترک)، نگاهی به چارچوب قانونی، زمانی و نظارتی و ورشکستگی بانک، ترجمه حمید قنبری، بهار ۱۳۹۲ .
۳۵۳. قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیر دولتی، ۲۱ فروردین ۱۳۷۹ .
۳۵۴. قانون اجازه عدم رعایت ماده‌ی ۲۷ و قسمتی از ماده‌ی ۴۴ قانون تجارت نسبت به تشکیلات و اساسنامه شرکت سهامی بانک ملی ایران و شرکت سهامی بانک پهلوی، ۳۰ تیر ۱۳۰۷ .
۳۵۵. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۹ .
۳۵۶. قانون استخدام کشوری، ۱۳۴۵/۰۳/۳۱ .
۳۵۷. قانون اصلاح قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، ۱۱ اسفند ۱۳۸۹ .

۳۵۸. قانون اصلاح، موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی، ۱۳۸۷/۰۳/۲۵ .
۳۵۹. قانون تأسیس مؤسسات بیمه غیر دولتی، ۶ شهریور ۱۳۸۰ .
۳۶۰. قانون تجارت، ۱۳۱۱ .
۳۶۱. قانون تجارت، ۲۵ دلو ۱۳۰۳، ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ .
۳۶۲. قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو، ۱۳۸۲/۳/۲۳ .
۳۶۳. قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان، ۱۳۸۸/۷/۱۵ .
۳۶۴. قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری و از کار افتادگی و فوت، ۱۳۴۹/۱۲/۰۹ .
۳۶۵. قانون دوم مالیات‌های مستقیم، ۱۳۴۵/۱۲/۲۸ .
۳۶۶. قانون راجع به تأسیس مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۳۹/۰۳/۱۷ .
۳۶۷. قانون کار، ۲۶ اسفند ۱۳۳۷ .
۳۶۸. قانون مدنی، ۱۳۰۷ .
۳۶۹. قانون مدیریت خدمات کشوری، ۱۳۸۶/۰۷/۰۸ .
۳۷۰. کمیته نظارت بر بانک‌داری بال، بانک تسویه بین المللی، بهترین رویه‌های افشای ریسک اعتباری، ترجمه فرهاد خالتي، اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مرداد ماه ۱۳۸۴ .
۳۷۱. کمیته نظارت بر بانک‌داری بال، بانک تسویه بین المللی، حسابرسی داخلی در بانک‌ها و ارتباط بین ناظران و حسابرسان (مطالعه موردی)، ترجمه افسانه معلمی و ... آذر ۱۳۸۴ .
۳۷۲. قانون نظام صنفی، ۱۶ خرداد ۱۳۵۰ .
۳۷۳. قانون نظام صنفی، ۲۴ اسفند ۱۳۸۲ .

Abstract

Weaknesses of monitoring about management and financial scandals emerged from this situation clearly showed that agency problems and conflict of interests are very serious; therefore the thinkers began looking for ways to solve it and one of these presented solutions is stakeholder theory.

Stakeholder theory states in a company, there are not only shareholders but the corporation should be valued for all factors in connection with it. Some companies due to a large number of their relevant actors and the special nature of operations have particular importance e.g. bank and insurance. The question is whether should be considered stakeholders in an extensive meaning or not? And how is this attention or lack of it in the bank and insurance?

In response should be stated moral and economic foundations justify the necessity of consideration to all stakeholders remarkably and these justifications are more in companies which be become a part of the society specially in corporations with providing social services and connecting with the economy at the macro level; What, if so, one of the main stakeholders will be government consequently the company is not a mere private nature that it's task will become maximizing shareholder wealth. Be publicized of companies and the lack of efficiency of available supportive solutions will be caused government set regulations as the agent of stakeholders.

Keywords:

Stakeholders, conflict of interests, agency, economic analysis of law, company/corporate, bank, insurance, corporate governance.



دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری
قوة قضائية

University of Judicial Sciences & Administrative Services

“M.A” Thesis:

On Company Law

Subject:

**Stakeholder Theory in Bank and Insurance
Companies**

Supervisor:

Dr. Mahmood Bagheri

Adviser:

Dr. NaebAli Khalili

By:

Mehrdad Sadeghian Nodoushan

September 2015